

# حضرت محمد ﷺ

## کی بقیہ سیرت

آبروی آفرینش

(عزت و آئینہ آفرینش)



بہ ہمت خانم دکتر زہرہ پور محمدی  
ومهندس مجتبیٰ تقفی

تالیف عالم متقی، خطیب فرزانہ:

آیۃ اللہ حاج سید حسین ہاشمی

بامقدمہ ہی مجتہد پارساونیکو سیرت، مرجع وفقیہ عالیقدر

تقریباً ۱۰۰۰ صفحہ پر مشتمل، فقہ بنیادی، جامعیت اور دلچسپی کا

حضرت مهدی علیه السلام

آبروی آفرینش

تألیف: خطیب فرزانه و عالم متقی  
آیة ... حاج سید حسین هاشمی، دامت برکاته

با مقدمه:

مجتهد پارسا، زاهد و عارف سالک، فقیه و مرجع عالی مقام دینی  
حضرت آیة ... العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی فقیه (یزدی)، دامت برکاته العالیه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
«بَقِيَّةُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ»

شناسنامه كتاب

نام كتاب:	حضرت مهدی (عجل الله فرجه) آبروی آفرینش
تألیف:	آیه الله حاج سید حسین هاشمی، دامت برکاته
با مقدمه ی:	آیه الله العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی ققیه
ویراستار:	حجة الاسلام حاج شیخ مرتضی اخوان قاسمی
تحقیق و تدوین:	زهره حیدری؛ سید جواد هاشمی
تنظیم:	اکرم السادات هاشمی مدنی
به اهتمام:	دکتر زهره پورمحمدی؛ مهندس مجتبی ثقفی
ناشر:	آیات بیّنات
نوبت چاپ:	اول - ۱۳۸۸
شمارگان:	۲۰۰۰ مجلد
قطع:	دزیری
تعداد صفحات:	۳۲۰
قیمت:	۵۰۰۰ تومان
شابک:	X-۱-۹۵۴۲۷-۹۶۴

منافع فروش این کتاب، صرف در امور «خیریه»، و پوشش نیازمندان، بویژه بیماران

می‌گردد و کلیه حقوق برای «حسینیة شهیده هاشمی مدنی» محفوظ می‌باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیان در ربار بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران  
حضرت امام خمینی قدس سره الشریف:  
دست عنایت خدای تبارک و تعالی به سر این ملت کشیده شده است و  
ایمان آن ها را تقویت فرموده است  
که یکی از علائم ظهور بقیه الله ارواحنا فداه است.

فرمایش مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین:  
حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای، دامت برکاته:  
«توسل و توجه و ارتباط قلبی با آن حضرت موجب عروج و رشد روحی  
و معنوی انسان می‌شود.»  
«ایمان و اعتقاد به امام زمان مانع از تسلیم شدن است.»  
مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مظهر رحمت و قدرت حق و  
مظهر عدل الهی است و کسانی که بتوانند با این کانون رحمت و تفضلات  
الهی، ارتباط روحی و معنوی برقرار کنند، در تقرب به خداوند توفیق  
بیشتری می‌یابند؛ زیرا نفس توسل و توجه و ارتباط قلبی با آن حضرت،  
موجب عروج و رشد روحی و معنوی انسان می‌شود.



## فهرست مطالب

### سخن دکتر پورمحمدی و مهندس ثقفی با خوانندگان ارجمند

۱۹	..... دروازه‌های نور
۲۰	..... نقطه امید انسان
۲۶	..... نتیجه
۲۷	..... سخن آخر
۲۸	..... نقش دعا و زیارت در تربیت بیداردلان
۲۸	..... رابطه با ائمه معصوم (ع)
۲۸	..... دروازه‌های نور

### مقدمه‌ی مرجع عالی مقام دینی حضرت آیه‌الله العظمی احمدی فقیه

۳۲	..... اشارات قرآنی درباره حضرت بقیه الله ولی عصر (عج)
۳۳	..... تأکید پیامبر اکرم ﷺ در خصوص تمسک به قرآن و عترت ﷺ
۳۳	..... فرازهایی از خطبه حضرت رسول اکرم ﷺ در غدیر
۳۴	..... حکومت جهانی و قدرت فراگیری حضرت امام مهدی ﷺ و وارث علوم
۳۴	..... ویژگی‌ها و مأموریت‌های خاص «خاتم الائمه» حضرت قائم مهدی ﷺ
۳۵	..... امتیازات و ارتباطات خاص حضرت مهدی ﷺ با خداوند
۳۵	..... معرفی حضرت علی ﷺ و امامان ﷺ به عنوان محل اصلی مراجعات دینی
۳۶	..... وصیتی از حضرت امام حسن زکی عسکری ﷺ
۳۶	..... ستر مخفی بودن تاریخ شهادت آن حضرت ﷺ
۳۷	..... بیان‌های پیام گونه آن حضرت ﷺ
۳۸	..... اشاره به اوضاع سیاسی دوران حضرت امام حسن عسکری ﷺ
۳۹	..... تأثیر نامناسب فشارهای سیاسی در بغداد
۴۰	..... ستری از دفن حضرت امام هادی ﷺ در منزل
۴۱	..... آشنا ساختن مردم با وظایف زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)
۴۱	..... شهادت و مکان دفن حضرت امام حسن عسکری ﷺ

۴۲	اشاره‌ای به مقطع غیبت صفرا
۴۴	دوران غیبت کبرا
۴۵	حرکت در جهت جلب رضایت آن حضرت (ع)
۴۵	پرهیز از طرح مباحث غیر ضروری
۴۵	اشاره‌ای به فضای صدور روایت (ساحة الصدور)
۴۶	سپردن امور در دوران غیبت کبرا به فقهای جامع الشرائط
۴۹	زاوی حدیث، مبین (بیان کننده) حکم الله است
۵۰	وظیفه عموم مردم پذیرفتن حکم فقیه

پیش گفتار مؤلف:

آیه ا... حاج سید حسین هاشمی

۵۲	شراره عشق مهدوی
۵۲	عنایات امام عصر (عج)
۵۲	آینه تمام نمای حق و واسطه شناخت خدا
۵۳	تقدیم به استاد الفقهاء والمجتهدین، سیدنا الاستاد حضرت امام خمینی (ع)
۵۴	پرهیز از مدعیان دروغین
۵۵	مهم ترین وظیفه در عصر غیبت

## فصل اول: فلسفه انتظار

۵۹	حقیقت انتظار و آثار سازنده آن
۶۰	مفهوم انتظار
۶۱	نظریه علامه متفکر، آیه الله، استاد شهید مطهری (ع)
۶۱	انتظار فرج دوگونه است
۶۱	انتظار ویرانگر
۶۲	سیدنا الاستاد حضرت امام خمینی (ع)، احیاگر مفاهیم فراموش شده
۶۲	انتظار، زمینه ساز، قدرت اسلام
۶۳	احیای اندیشه انتظار
۶۵	آثار سازنده انتظار
۶۷	مهم ترین آداب انتظار
۶۷	زینت باطنی
۶۷	زینت ظاهری
۶۸	نتیجه بحث انتظار
۶۸	رعایت امور مهم در عصر انتظار
۶۸	انتظار، زمینه ساز تحول در رفتار و کردار
۶۹	شیعه و انتظار
۷۰	اهل سنت و انتظار
۷۰	وظیفه پژوهشگران در مبارزه با تفرقه دشمنان

**فصل دوم**

**اصل و نسب و ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام**

۷۳	ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۷۳	دلیل تولد امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۷۴	دلیل عقلی .....
۷۴	دلیل نقلی .....
۷۴	الف) روایات .....
۷۴	ب) نقل تاریخی .....
۷۴	ج) ملاقات حضرت .....
۷۵	راز مخفی داشتن ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۷۵	مژده رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> از ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۷۶	مژده حضرت امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small> .....
۷۶	مژده حضرت امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small> .....
۷۷	مژده حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
۷۷	مژده حضرت امام سجاد <small>علیه السلام</small> .....
۷۷	مژده حضرت امام باقر <small>علیه السلام</small> .....
۷۷	مژده حضرت امام صادق <small>علیه السلام</small> .....
۷۸	مژده حضرت امام کاظم <small>علیه السلام</small> .....
۷۸	مژده حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small> .....
۷۸	مژده حضرت امام جواد <small>علیه السلام</small> .....
۷۹	مژده حضرت امام هادی <small>علیه السلام</small> .....
۷۹	مژده حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> .....
۸۰	ولادت و امامت امام مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۸۰	از نظر علما و مورخین اهل سنت .....
۸۱	مادر امام زمان .....
۸۱	ملکه دختر یشوعا پسر قیصر روم، مادر قائم آل محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> .....
۸۳	[ملکه دختر یشوعا، پسر قیصر روم] .....
۸۳	[شکستن تاج و تخت] .....
۸۴	[استقبال حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> از پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> ] .....
۸۴	[اجرای خطبه عقد توسط حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> ] .....
۸۴	[احضار همه پزشکان برای مداوای نرجس خاتون] .....
۸۵	[عبادت حضرت زهرا <small>علیه السلام</small> به همراه حوریان بهشتی] .....
۸۵	[شوق و اشتیاق زیاد به امام] .....
۸۶	[در میان اسرا و غنایم جنگی] .....
۸۶	[عزت اسلام و ذلت نصاری] .....
۸۷	[فرزندی که جهان را از عدل برمی کند] .....
۸۸	اسامی گوناگون مادر مکرمه امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۸۹	تاریخ ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۸۹	جریان بارداری مخفیانه نرجس خاتون .....
۹۰	[تردید در بشارت امام] .....



- ۹۰ ..... [ترجس غرق در نور شد!]
- ۹۱ ..... هدف از مخفی نگاه داشتن امام زمان علیه السلام
- ۹۲ ..... منزلت پیروان حضرت
- ۹۲ ..... مهدی علیه السلام و برکاتش
- ۹۳ ..... علت نام‌گذاری مهدی علیه السلام
- ۹۳ ..... حرمت ذکر نام شریف آن حضرت
- ۹۴ ..... اقوال درباره جواز تسمیه به اسم حضرت یا عدمش
- ۹۵ ..... اوصاف حضرت مهدی علیه السلام
- ۹۵ ..... خشوع برای خدا
- ۹۵ ..... کارزار بر اساس سنت
- ۹۵ ..... نماز عیسی علیه السلام پشت سر مهدی علیه السلام
- ۹۶ ..... طاووس اهل بهشت
- ۹۶ ..... پیشانی بلند و نورانی
- ۹۶ ..... خوش رو با چهره‌ای چون ماه
- ۹۶ ..... زیبارو و زیبا مو
- ۹۶ ..... ابروهای پیوسته
- ۹۶ ..... خال بر گونه مبارک
- ۹۷ ..... القاب و کنیه های حضرت مهدی علیه السلام
- ۹۷ ..... کنیه حضرت مهدی علیه السلام
- ۹۷ ..... القاب معروف حضرت مهدی علیه السلام از اخبار قدسی
- ۹۹ ..... دوران زندگانی امام عصر علیه السلام
- ۹۹ ..... دوران غیبت صغرا
- ۱۰۰ ..... دوران غیبت کبرا
- ۱۰۰ ..... نقش فقهای جامع الشرایط در عصر غیبت کبرا
- ۱۰۱ ..... پنهان زیستی
- ۱۰۱ ..... دشت حجاز
- ۱۰۱ ..... مدینه طیبه
- ۱۰۱ ..... ناحیه ذی طوی
- ۱۰۲ ..... خرابات
- ۱۰۲ ..... دشت‌ها و بیابان‌ها
- ۱۰۴ ..... آگاهی موالیان حقیقی به مکان غیبت
- ۱۰۵ ..... طول عمر حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۰۵ ..... تبیین طول عمر امام زمان علیه السلام
- ۱۰۵ ..... قدرت نامحدود الهی
- ۱۰۵ ..... یافته های علمی از نظر علوم جدید
- ۱۰۶ ..... عوامل طولانی شدن عمر اشخاص
- ۱۰۷ ..... آنان که عمر طولانی داشتند
- ۱۰۸ ..... طول عمرا ممکن است یا محال؟
- ۱۰۹ ..... شباهت طول عمر حضرت و معجزات انبیاء
- ۱۰۹ ..... نظر عالمان شیعی درباره طول عمر حضرت علیه السلام

- ۱۱۲ ..... «بقية الله الاعظم» چگونه زندگی می‌کند؟  
۱۱۲ ..... «مقام قدس او» خارج از حدود فهم عموم است.  
۱۱۳ ..... وعده تحلف ناپذیر الهی  
۱۱۳ ..... همسر و فرزند امام زمان علیه السلام

### فصل سوم

#### سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن کریم

- ۱۱۷ ..... ۱۲۰ آیه از قرآن درباره مصلح جهان  
۱۱۸ ..... دلیل ذکر نکردن نام ائمه علیهم السلام در قرآن  
۱۱۸ ..... آیه مباهله  
۱۱۹ ..... آیه اکمال دین  
۱۱۹ ..... آیه ولایت  
۱۱۹ ..... آیه تبلیغ  
۱۱۹ ..... آیه تطهیر  
۱۲۰ ..... وصف گسترش اسلام در سطح جهان  
۱۲۱ ..... دلایل عدم ذکر نام «مهدی» در قرآن  
۱۲۲ ..... تفسیر آیات شریفه قرآن کریم به حضرت مهدی علیه السلام  
۱۲۲ ..... مضطر واقعی  
۱۲۳ ..... امداد از جانب پروردگار (امداد الهی)  
۱۲۳ ..... رسول هدایت  
۱۲۳ ..... پیروزی نهایی  
۱۲۴ ..... وعده الهی به مؤمنان شایسته  
۱۲۴ ..... امامت و وراثت مستضعفان  
۱۲۶ ..... موعود همه کتب آسمانی  
۱۲۶ ..... پیروزی ستم دیدگان  
۱۲۷ ..... حکومت در سراسر زمین  
۱۲۷ ..... نجات قوم از تاریکی  
۱۲۸ ..... وارث زمین  
۱۲۸ ..... یاری مظلومان  
۱۲۸ ..... قدرت خداوند  
۱۲۹ ..... انتقام از ستم‌گران  
۱۲۹ ..... ظهور قائم  
۱۲۹ ..... خداوند کامل کننده نور خویش  
۱۳۰ ..... بشارت نصرت خداوند بر مؤمنان  
۱۳۰ ..... وعده الهی  
۱۳۰ ..... قیام قائم و انتقام از ستم‌گران  
۱۳۰ ..... آب گوارا: حضور امام  
۱۳۱ ..... آمادگی قبلی  
۱۳۱ ..... پنهانی که آشکار می‌شود  
۱۳۲ ..... اقرار به قیام قائم علیه السلام

۱۳۲	ایمان به غیب حضرت قائم
۱۳۳	وعدۀ خداوند
۱۳۳	اصلاح زمین به وسیلۀ قائم آل محمد
۱۳۳	اصحاب در خدمت قائم <small>علیه السلام</small>
۱۳۴	دولت خداوند
۱۳۴	نومیدی کافران
۱۳۴	از بین رفتن کافران
۱۳۵	حضور یاران حضرت
۱۳۵	جنگاوران زورمند
۱۳۵	میل خداوند به ظهور قائم <small>علیه السلام</small>
۱۳۶	یاور کردن ظهور قائم <small>علیه السلام</small>
۱۳۶	یاوران الهی
۱۳۶	امتحان غیبت
۱۳۷	درود خدا بر یاوران مهدی
۱۳۷	تسل برگزیده
۱۳۷	تسلیم فراگیر و حکومت مطلق
۱۳۸	ارتباط با امام زمان
۱۳۸	بندگان ذخیره شده
۱۳۸	آمدگی
۱۳۹	وارثان زمین
۱۳۹	منتظران، اولیاء الله هستند
۱۴۰	آرزوی پیامبران
۱۴۰	ذخیره الهی
۱۴۰	آشنای ناشناس
۱۴۱	در حسرت او
۱۴۱	خوشا بر حال منتظران
۱۴۲	قضاوت با علم باطن
۱۴۲	مبارزان زمینه ساز ظهور
۱۴۲	انتقام گیرنده شهیدان مظلوم
۱۴۳	امت امام
۱۴۴	حق آمده و باطل رفتنی است
۱۴۴	کمال نعمت
۱۴۴	تجلی به نور خدا در زمین
۱۴۵	حلقه آخر زندگانی بشر
۱۴۵	عرضه خبرهای امت بر امام (ع)
۱۴۶	وعدۀ الهی
۱۴۷	تفسیر سوره الشمس
۱۴۹	قسم به زمان ظهور
۱۴۹	یاری الهی

### فصل چهارم

#### بشارت ظهور مهدی در کتاب‌های مقدس

- ۱۵۱ ..... اوپانیشاد، باسک، پاتیکل، وشن جوک، دید، دادنگ، ریگ ودا و کتب ادیان دیگر
- ۱۵۳ ..... انتظار عمومی برای یک مصلح بزرگ
- ۱۵۳ ..... «مهدویت» در اعتقاد و تفکر شیعی
- ۱۵۳ ..... اعتقاد به منجی در دیگر ادیان
- ۱۵۴ ..... بشارت ظهور حضرت مهدی در زبور
- ۱۵۵ ..... بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب زردتشت، سوشیانت، جاماسب و...
- ۱۵۵ ..... بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب تورات
- ۱۵۶ ..... بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب اوپانیشاد
- ۱۵۷ ..... بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب باسک
- ۱۵۷ ..... بشارت ظهور در کتاب باسک و پاتیکل هندیان
- ۱۵۷ ..... بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب پاتیکل
- ۱۵۸ ..... توضیح تعبیرهای به کار رفته در این بشارت
- ۱۵۹ ..... بشارت ظهور حضرت بقیه الله در کتاب وشن جوک
- ۱۵۹ ..... ظهور حضرت بقیه الله و رجعت گروهی از اموات
- ۱۵۹ ..... بشارت ظهور حضرت ولی عصر در کتاب دید
- ۱۶۰ ..... بشارت ظهور حضرت قائم علیه السلام در کتاب دادنگ
- ۱۶۱ ..... بشارت ظهور حضرت قائم علیه السلام در کتاب ریگ ودا
- ۱۶۲ ..... بشارت ظهور حضرت قائم علیه السلام در کتاب شاکسونی
- ۱۶۲ ..... کتب مقدسه هندیان
- ۱۶۲ ..... چند نمونه از احادیث
- ۱۶۴ ..... بشارت ظهور در کتب هندیان و برهمنائیان
- ۱۶۵ ..... بشارت ظهور در کتب عهد قدیم (تورات و ملحقات آن)
- ۱۶۵ ..... مزامیر داوود
- ۱۶۶ ..... بشارت ظهور در کتب عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)
- ۱۶۶ ..... بشارت ظهور در میان قبایل مختلف در کشورهای گوناگون
- ۱۶۶ ..... بشارت ظهور در میان چینیان و مصریان و مانند آن‌ها
- ۱۶۷ ..... قبائل سرخ پوست آمریکائی
- ۱۶۷ ..... اهالی اسکاندیناوی و بومیان مکزیک
- ۱۶۸ ..... در اندیشه یک مصلح جهانی
- ۱۶۹ ..... اسامی مقدس حضرت مهدی در کتب مذهبی اهل ادیان

#### فصل پنجم: غیبت

- ۱۷۳ ..... پیشینه غیبت
- ۱۷۳ ..... سبب غیبت
- ۱۷۴ ..... اول: فلسفه غیبت
- ۱۷۴ ..... حفظ جان حضرت
- ۱۷۴ ..... امتحان و آزمایش
- ۱۷۵ ..... بیعت نکردن با ستم‌کاران

۱۷۵	دوم: برکات امام مهدی <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۱۷۵	واسطه فیض و امان اهل زمین
۱۷۶	امید بخشی به مسلمانان
۱۷۶	پاسداری از دین
۱۷۷	سوم: انکار حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در ایام غیبت
۱۷۸	چهارم: زمین از حجت خدا خالی نمی ماند

## فصل ششم

شباهت امام مهدی علیه السلام به انبیاء عظام علیهم السلام

۱۸۱	شباهت به حضرت آدم
۱۸۱	گریه آدم <small>علیه السلام</small>
۱۸۲	تعلیم اسماء و سمات الهی
۱۸۲	زنده کردن زمین، یا برداشتن کفر
۱۸۳	شباهت به هابیل
۱۸۳	سوء قصد نسبت به امام قائم <small>علیه السلام</small>
۱۸۴	شباهت به شیث
۱۸۴	مخفی نگاه داشتن علم
۱۸۵	شباهت به نوح
۱۸۵	طول عمر حضرت <small>علیه السلام</small>
۱۸۵	پاک کردن زمین از لوٹ وجود کافران
۱۸۵	صبر حضرت
۱۸۶	هلاکت مخالفین
۱۸۶	تاخیر قَرَج
۱۸۶	بشارت ظهور
۱۸۶	رسیدن ندا به شرق و غرب عالم
۱۸۷	شباهت به ادریس
۱۸۷	پرواز به سوی آسمان
۱۸۷	همراه با روح القدس
۱۸۹	غیبت در میان قوم
۱۸۹	طولانی شدن غیبت
۱۸۹	توبه در زمان غیبت
۱۹۰	تسلیم شدن جبّاران
۱۹۰	شباهت به هود
۱۹۱	شباهت به صالح
۱۹۳	شباهت به ابراهیم
۱۹۳	ولادت مخفیانه
۱۹۳	دوری از مردم
۱۹۳	دو غیبت
۱۹۴	جامه بهشتی

۱۹۴	نصب حجرالاسود
۱۹۴	نجات از آتش
۱۹۵	فراخواندن به سوی خداوند
۱۹۶	شباهت به اسماعیل
۱۹۶	بشارت ولادت
۱۹۶	جوشش چشمه زمزم
۱۹۶	تسلیم اوامر الهی
۱۹۷	شباهت به اسحاق
۱۹۷	بشارت به ولادت
۱۹۸	شباهت به لوط
۱۹۸	یاری فرشتگان
۱۹۸	خروج از بلاد فاسقین
۱۹۹	شباهت به یعقوب
۱۹۹	رفع پریشانی و پراکندگی
۱۹۹	گریه برای جد
۲۰۰	شباهت به یوسف
۲۰۰	زیباترین
۲۰۰	غیبت
۲۰۰	شب موعود
۲۰۱	شباهت به خضر
۲۰۱	عشر طولانی
۲۰۲	سرسیزی و طراوت
۲۰۲	حضور به صورت‌های گوناگون
۲۰۲	علم باطن
۲۰۳	حکمت‌ها و اسرار
۲۰۳	حضور در مراسم حج
۲۰۳	شباهت به موسی
۲۰۳	دوران حمل مخفیانه
۲۰۳	ولادت مخفیانه
۲۰۴	سخن با خداوند
۲۰۴	غیبت به خاطر دشمنان
۲۰۴	رنج و مشقت مردم
۲۰۵	انتظار قریب
۲۰۵	معجزه عصا
۲۰۵	گریز از دست دشمنان
۲۰۶	فرو رفتن دشمنان در زمین
۲۰۶	درخشش خیره کننده
۲۰۷	شباهت به هارون
۲۰۷	سیر در آسمان‌ها
۲۰۷	همواره در کنار شیعیان

۲۰۸	شباهت به داوود
۲۰۸	همه امور در اختیارشان ا حتی ترم شدن آهن
۲۰۹	سخن گفتن سنگ با داوود
۲۰۹	سخن گفتن شمشیر با حضرت قائم <small>علیه السلام</small>
۲۰۹	کشتن دجال
۲۰۹	حکم کردن بدون شاهد
۲۱۰	شباهت به سلیمان
۲۱۰	حکومت بر جن و انس
۲۱۱	تسخیر باد
۲۱۱	غایب در میان قوم
۲۱۲	شباهت به عیسی
۲۱۲	فرزند بهترین زنان
۲۱۲	تکلم در شکم مادر
۲۱۳	شباهت حضرت قائم <small>علیه السلام</small> و حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> در گفتار حضرت امام صادق <small>علیه السلام</small>
۲۱۴	شباهت به حضرت خاتم النبیین <small>صلی الله علیه و آله</small>

## فصل هفتم

شباهت به ائمه‌ی معصوم علیهم السلام

۲۱۷	حضرت امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۱۷	حضرت امام حسن <small>علیه السلام</small>
۲۱۷	حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۱۸	اوج بندگی
۲۱۸	اوج ایمان
۲۱۸	حضرت امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۲۱۹	حضرت امام باقر <small>علیه السلام</small>
۲۱۹	حضرت امام صادق <small>علیه السلام</small>
۲۱۹	حضرت امام کاظم <small>علیه السلام</small>
۲۱۹	حضرت علی بن موسی الرضا <small>علیه السلام</small>
۲۲۰	حضرت امام جواد <small>علیه السلام</small>
۲۲۰	حضرت امام هادی <small>علیه السلام</small>
۲۲۰	حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>

## فصل هشتم

## تشریح در عصر غیبت

۲۲۳	رواج مدعیان دروغین
۲۲۴	ادعای ملاقات با امام زمان
۲۲۵	امکان تشریح
۲۲۵	شرایط تشریح
۲۲۶	سعادت دیدار
۲۲۷	انتظار صادقانه

۲۲۷	اهداف ملاقات‌های امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۲۸	اهداف امام زمان <small>علیه السلام</small> در ملاقات‌ها .....
۲۲۹	اقوال علما در مورد امکان تشرّف .....
۲۲۹	۱. سید مرتضی <small>علیه السلام</small> .....
۲۲۹	۲. شیخ طوسی <small>علیه السلام</small> .....
۲۲۹	۳. سید بن طاووس <small>علیه السلام</small> .....
۲۲۹	۴. آخوند خراسانی <small>علیه السلام</small> .....
۲۳۰	۵. محقق نائینی <small>علیه السلام</small> .....
۲۳۰	عقیده اهل سنت درباره ملاقات در عصر غیبت .....
۲۳۱	تشرّف یافتگان .....
۲۳۱	تشرّف یافتگان .....
۲۳۲	تشرّف مرجع عالیقدر، مرحوم آیت الله العظمی نجفی مرعشی <small>علیه السلام</small> .....
۲۳۶	بیان نکته‌ای از تدوین‌گر کتاب .....

#### فصل نهم: رجعت

۲۳۹	رجعت از منظر قرآن کریم .....
۲۴۱	اشکال دهلوی .....
۲۴۲	فواید رجعت .....
۲۴۲	رجعت از منظر علمای شیعه .....
۲۴۳	زمان رجعت .....
۲۴۴	سابقه اعتقاد به رجعت از چه زمانی است؟ .....
۲۴۴	نظر مرحوم شیخ صدوق <small>علیه السلام</small> .....
۲۴۴	نظر شیخ مفید <small>علیه السلام</small> .....
۲۴۴	نظر سید مرتضی <small>علیه السلام</small> .....
۲۴۴	نظر شیخ حرّ عاملی <small>علیه السلام</small> .....
۲۴۵	نظر مرحوم علامه مجلسی <small>علیه السلام</small> .....
۲۴۵	نظر سیدنا الأستاذ مفسر عالی مقام، علامه طباطبائی <small>علیه السلام</small> .....
۲۴۵	نظر استاد و ستاره درخشان حوزه‌های علمیه .....
۲۴۷	اختلاف علما در معنای رجعت .....
۲۴۷	رجعت بانوان در عصر ظهور .....
۲۴۸	بانو مجتهده امین اصفهانی (ره) .....
۲۵۲	بانویی از سلالة اطهار .....
۲۵۲	نوشتاری از بانو مجتهده حاجیه خانم زهره صفائی، دامت افاضاتها .....
۲۵۲	جزیره خضراء .....
۲۵۴	کتاب سید بن طاووس .....
۲۵۴	جزیره خضراء یا مثلث برمودا .....
۲۵۴	اعتقاد به وجود جزیره خضراء .....
۲۵۵	موقعیت جغرافیایی جزیره خضراء .....
۲۵۶	نقل حکایت جزیره خضراء مطابق با کتاب بحارالانوار .....



## فصل دهم

## علائم و نشانه های ظهور

۲۵۹	علائم و نشانه های ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۵۹	۱. علائم قطعی
۲۵۹	۲. علائم غیر قطعی
۲۶۰	زمان و مکان ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۶۰	نشانه های ظهور
۲۶۱	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و اطلاع از زمان ظهور
۲۶۱	از طریق الهام، که در روایت آمده
۲۶۱	از راه علائم و قرائن
۲۶۱	از راه دستورالعمل معین شده برای امامان
۲۶۱	رویدادهای اجتماعی (نزدیک به) عصر ظهور
۲۶۱	نفس زکّیه کیست؟
۲۶۲	سید حسنی
۲۶۳	رویدادهای طبیعی (نزدیک) عصر ظهور
۲۶۵	نشان هایی از فرقه ها و افراد در هنگامه ی ظهور
۲۶۵	خروج یمانی
۲۶۵	زیدیه
۲۶۵	دجال
۲۶۷	سقیانی
۲۶۹	شیصبانی
۲۷۰	نخستین سخنان حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> بعد از ظهور
۲۷۰	... بعد از ظهور

## فصل یازدهم

## ویژگی های یاران و وظائف منتظران

۲۷۳	ویژگی یاران و وظائف منتظران
۲۷۵	وظائف منتظران
۲۷۶	یکم؛ شناخت حقیقت خدا
۲۷۶	دوم؛ کسب فضایل اخلاقی و تهذیب نفس
۲۷۶	سوم؛ تلاش برای اصلاح اجتماع
۲۷۶	چهارم؛ پیروی از تأییدهای امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۷۷	پنجم؛ دعا برای سلامتی امام <small>علیه السلام</small> و تعجیل در فرجش
۲۷۷	ششم؛ انجام اعمال عبادی به نیابت از حضرت
۲۷۷	هفتم؛ توجه به اماکن مشرّکه
۲۷۷	هشتم؛ صدقه برای سلامتی امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۷۷	نهم؛ توسل و زیارت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۷۷	دهم؛ بالا بردن معلومات دینی، فراگیری احکام اسلامی

**فصل دوازدهم**

**مکان‌های منسوب به حضرت مهدی علیه السلام**

۲۸۱ ..... مسجد مقدس جمکران

۲۸۱ ..... تاریخچه مسجد مقدس جمکران

۲۸۲ ..... اعمال مسجد جمکران و نماز حضرت حجت علیه السلام

۲۸۳ ..... ادامه داستان حسن بن مثنیٰ جمکرانی

۲۸۴ ..... مسجد سهله

۲۸۴ ..... جایگاه آن امام نور به هنگام ظهور

۲۸۵ ..... ویژگی‌های منحصر و خاص مسجد سهله

۲۸۶ ..... بار یافتگان مسجد سهله

۲۸۷ ..... اعمال مسجد سهله

۲۸۷ ..... مسجد کوفه

۲۸۷ ..... سیمای مسجد کوفه

۲۸۸ ..... مسجد کوفه از منظر پیشوایان

۲۸۸ ..... مسجد کوفه در هنگام ظهور

**فصل سیزدهم**

۲۹۱ ..... عریضه نویسی

۲۹۱ ..... آداب عریضه نویسی

۲۹۱ ..... عریضه به خدمت حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام

۲۹۴ ..... توجهی به زیارت ناحیه مقدسه

۲۹۷ ..... جریان دوم (مکاشفه‌ی استاد)

۲۹۷ ..... زمینه وقوع حادثه

۲۹۷ ..... مدرکات

۳۰۳ ..... یک سلام از سربازی مخلص

۳۰۳ ..... واگویی‌هایی با حضرت مهدی علیه السلام

۳۰۴ ..... تقدیم به امام عصر علیه السلام

۳۰۷ ..... تقدیر و تشکر از خیرین و دوستان و خادمین نشر

۳۰۹ ..... تلاش و فداکاری دکتر پورمحمدی

۳۰۹ ..... تقدیر از ستارگاه پرفروغ حوزه علمیه

۳۰۹ ..... تقدیر از محبتین اهل بیت علیهم السلام

۳۱۰ ..... تقدیر از اعضاء هیأت عاشقان مهدی علیه السلام

۳۱۰ ..... اهتمام انتشارات آیات بیّنات

۳۱۱ ..... کتب مهدویت

**کتاب‌های مزجج درباره حضرت ولی عصر (عج) به همراه منابع و مأخذ**

۳۱۲ ..... شماری از کتاب‌ها و رساله‌های شیعه در موضوع مهدویت

۳۱۳ ..... شماری از کتب دانشمندان اهل سنت درباره حضرت صاحب الزمان

۳۱۴ ..... درباره منابع تحقیقی

۳۱۸ ..... اهداف عالیة مجتمع علوم دینی حضرت ولی عصر علیه السلام

سخنی با خوانندگان ارجمند

## «دروازه‌های نور»

دست نوشته‌هایی از:

سرکار خانم دکتر زهره پورمحمدی

و جناب آقای مهندس مجتبی تقی

بسم رب المهدي

## دروازه‌های نور

سلام بر آل یاسین!

سلام بر تو که ندیده تو را عاشق شدیم.

مه‌دیا!

ما شهادت می‌دهیم که عصیان ما غیبت تو را طولانی ساخت و معترفیم به اینکه جهالت ما بر قلب  
پر عطف تو زخم‌ها زده است.

اما ای رفیع تر از مستند عشق! بر ما ببخش قصورمان را که قاصریم، و دعا کن بر هدایت‌مان که

گمراهیم.

نگارا!

تو را دوست می‌داریم و این بار دروغ نمی‌گوییم.

ای آینه کمال خلقت و ای زیباترین مصداق حضور خدا،

اعجاز کن.

ای معروف خدا! از احرام انتظار خارج شو

و اعتکاف هجران را بشکن. روزه غربت را افطار کن...

دلیرا!

چمن چمن ترگسان بر آستان خیمه زدند

و در اشتیاق جمعه موعود گریبان می‌درند.

نسیم نسیم در پی تو می‌وزند تا یک پیچک موی تو را بنوازند.

عندلیب عندلیب نغمه کنان پال می‌سایند

که واژه ای از اشعار تو را بریابند.

یارا!

دستانمان را می‌گشاییم تا به شب‌نم پیشانی تو وضو سازیم و سر می‌ساییم بر عبادت تا به غبارش سجده کنیم.

ای سبزتر از برگ بهشت، خوشبوتر از عطر سرشت!  
نفسا! فرصتی ده تا به یمن عهد دوباره، چرخش غیبت تو به حرکت درآید و ریسمان هجران تو بریده شود.

ما تو را چون نگین سلیمان به میان خواهیم گرفت و افتخار سربازی تو را به گذشتگان و آیندگان فخر خواهیم فروخت.

دل‌باختگان حضرت ولی عصر علیه السلام و شیفتگان آن حضرت، از یاد او و جستجوی وجود شریفش غفلت نمی‌ورزند.

آیا ممکن است کسی شیفته او باشد و فراموشش کند؟  
هرگز! آیا می‌شود دل‌باخته جان‌سوزی پیوسته به یاد او باشد، به حضرتش درود و سلام فرستد، اشک آندوه ببارد، در هجرانش بسوزد، برای ظهورش دعا کند، ولی آن حضرت، او را از یاد ببرند و به فریادهای مشتاقانه پاسخ نگویند؟! نه. هرگز!

او چشمه لطف و احسان است.

او منبع جود و بزرگواری است.

او باب رحمت خداوند است.

می‌ترسم از آن لحظه که عمرم به سر آید

مهتاب رخت بعد غرویم به در آید

می‌ترسم از آن دم که بیایی و نباشم

جان از بدنم رفته و عمرم به سر آید

**نقطه امید انسان**

چرا وقتی انسان مورد ستم واقع می‌شود و یا با زشتی‌هایی مواجه می‌گردد، و یا سخن از نابودی و مرگ و... به میان می‌آید، حالت تنفر و بی‌زاری به او دست می‌دهد؟

در مقابل، وقتی با خوبی‌ها و زیبایی‌ها روبرو گشته و یا سخن از خوشبختی و جاودانگی‌اش می‌شود، به شور و شغف می‌رسد؟

همه این احساس‌ها از عمق وجود انسان و فطرت او نشأت گرفته و به طور ناخودآگاه بدان تمایل

دارد.

به راستی چگونه یک انسان می‌تواند این جریان‌های وجودی خویش را که سرچشمه آن در اعماق وجودش می‌باشد جواب دهد؟

این امکان ندارد، مگر آن که وجود خود را با نام خداوند همراه سازد، آن ذاتی که زوالی در او راه ندارد، آن ذاتی که دارای کامل‌ترین صفات، بدون هیچ نقص و کاستی است و همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها از او نشأت می‌گیرد.

عکس‌العمل این همراهی و درک، آن مفهومی را در وجود آدمی جلوه‌گر می‌سازد که به پرستش تعبیر می‌شود.

همه انسان‌ها، لحظاتی در زندگی خود می‌یابند که خداوند را با تمام وجود خود حس می‌کنند و این در لحظاتی اتفاق می‌افتد که آدمی در آن موقعیت، همه امیدها و تکیه‌گاه‌های دنیوی را از دست داده است. و به فرموده حضرت امام صادق (ع): آن نقطه امید، همان خداوند متعال است.

شخصی خدمت حضرت امام صادق (ع) رسید و پرسید: یابن رسول الله! آیا می‌توان خدا را دید؟  
حضرت (ع) فرمود: آری!

آن شخص عرض کرد: چگونه؟

حضرت (ع) فرمود: آیا تاکنون سوار کشتی شده‌ای؟  
عرض کرد: آری.

حضرت (ع) فرمود: آیا کشتی دچار طوفان شد؟  
عرض کرد: آری.

حضرت (ع) فرمود: در هنگام طوفان، مسافری با وحشت، احتمال می‌دادند که غرق شوند؟  
عرض کرد: آری.

حضرت (ع) فرمود: در آن لحظه که امیدها از همه جا قطع می‌شود، آیا نقطه امیدی برایت باقی ماند؟  
عرض کرد: آری.

حضرت (ع) فرمود: آن نقطه امید، همان خداوند متعال است.

انسان‌ها نه فقط در شرائط بحرانی، بلکه در تمام مراحل زندگی و در لحظه لحظه آن، می‌توانند او را درک کنند و آثار رحمتش را در ذره ذره هستی ببینند، درکی از عمق وجود، درکی که خداوند را حاضر و ناظر اعمالش می‌یابد که این روحیه را در انسان‌های بزرگ و بندگان صالح خداوند می‌توان یافت.

از سوی دیگر خداوند در قرآن مجید این گونه می‌فرماید:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾؛ خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.

و این نور است که در عالم ماده، رنگ‌ها و زیبایی‌ها را نشان می‌دهد، و گرنه بدون نور، همه چیز تاریک است. و در عالم معنا، فکر و اندیشه، بدون بهره‌گیری از نور و معرفت حرکت در سیر ظلمات است؛ لذا انسانی که با گناه و معصیت و کج فهمی، این نور هستی را نبیند، لایق این بیان مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است که فرمودند: «گور باد چشمی که خدا را نبیند».

حال باز گردیم به ادامه بحث پرستش که در این جا سؤالی مطرح می‌شود که چرا وقتی به تاریخ می‌نگریم، شیوه ارضاء نیاز درونی به پرستش خداوند این قدر متفاوت است؛

یکی به خدای واحد، دیگری به بت و مردمی دیگر به....

برای پاسخ به این سؤال در ذهن خود تصور نمایید، در دوران کودکی، دوستی داشته‌اید که به علت مسافرت به خارج از کشور، از او دور بوده‌اید.

اکنون پس از ۳۰ سال به استقبال او به فرودگاه می‌روید، در حالی که از او هیچ عکس و یا نشانی، جز خاطرات دوران کودکی ندارید و چهره دوست داشتنی او و یادآوری‌اش هنوز شما را دچار شعف و شادمانی می‌سازد، و نیز می‌دانید او در این پرواز است.

هنگامی که در فرودگاه، مسافران یکی پس از دیگری وارد سالن می‌شوند، ممکن است سراغ چه تعدادی از آن‌ها بروید و سوال کنید آیا شما فلانی هستید و پاسخ دهند خیرا

بدین صورت است که با وجود فطری بودن خداجویی، اما به علت‌های گوناگون دریافتن مصداق آن، انسان‌ها به سوی جلوه‌های متفاوت رفته‌اند، همان طور که دوست شما یک نفر بیش‌تر نبود، اما چون شباهت‌هایی از آن تصویر دوران کودکی که در ذهن دارید، در چهره افراد مختلف می‌بیند و به سوی آن‌ها کشیده می‌شوید، و سوال خود را تکرار می‌کنید، و حتی ممکن است فرد به خاطر منافی که از نام دوست شما به او می‌رسد، خود را همان دوست شما معرفی کند، و شما را از دستیابی به دوست واقعی‌تان محروم گرداند.

در این جا، آن ذکاوت و هوشیاری شما، می‌تواند مانع شود تا ادعاهای آنان را قبول نکنید و سریع نپذیرید! لازم به ذکر است که هر چند خداوند آدمی را تنها نگذاشته است و بنا فرستادن رسولان هدایت، آنان را به پیمودن راه راست تشویق فرموده است.

به هر صورت و با هر جلوه و مصداقی از خداوند، اعتقاد به آن ذات اقدس، یعنی برآوردن و سیراب کردن یکی از بزرگ‌ترین نیازهای وجود انسان، نیاز به درک عشق حقیقی، نیاز به درک نهایت خوبی، نیاز به فهم اوج زیبایی و....

و این جاست که پرستش به عنوان انعکاس و عکس‌العمل این نیاز در ارتباطی دو سویه بین عاشق

و عشق مطلق، جوینده کمال و کمال مطلق مطرح می‌گردد.

البته این سؤال ممکن است مطرح شود که آن افرادی که برای ارضاء این نیاز درونی و فطری به خدای یکتا معتقد می‌شوند، و جمعی دیگر به خدایان دیگر، اما گروهی هستند که اصلاً منکر چنین نیازی در عالم انسانی می‌شوند، آیا این اعتقاد برایشان مشکلی ایجاد می‌کند؟

پاسخ این سوال خود بحث مفصلی را می‌طلبد، اما به طور اجمال، بی‌توجهی به برآورده کردن یک نیاز وجودی انسان را ناپود نمی‌کند، بلکه او را با مشکلات و معضلات متعددی روبرو می‌سازد؛ مانند آن که فردی به غریزه حفظ خود که سلامتی جلوه‌ای از آن است بی‌توجه باشد و یا به غریزه جنسی پاسخ درست ندهد و بخواهد تا آخر عمر ازدواج نکند و یا به تعالی روح و فکر که از فطرت او سرچشمه می‌گیرد و کسب علم جلوه‌ای از آن است بی‌توجه باشد.

برای بی‌توجهی به نیاز فطری اعتقاد به وجود خداوند و پرستش او، قرآن در بیانی عمیق به این موضوع اشاره می‌کند:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (سوره طه: ۱۳۴) و هر کس از یاد من روی گرداند، زندگی سختی را برای خود فراهم خواهد نمود و در آخرت ما او را کور و نابینا محسوس می‌کنیم (زیرا که در زندگی دنیا، حقیقت خود و هستی را ندید و چشم فرو بست).

اما در فرهنگ اسلامی چگونه این ارتباط تحقق می‌یابد و ارتباط برقرار می‌شود؟

پاسخ این سوال در دو منبع قرآن و ادعیه وجود دارد.

به عنوان یک مسلمان، شاید گفته شود به جایگاه قرآن به عنوان کلام وحی شکی نداریم، اما ادعیه

که کلام انسان است، چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟

گرچه تعدادی از آیات قرآن کریم، دعاهایی است که از زبان پیامبران و بندگان شایسته خداوند نقل گردیده، اما به اعتقاد شیعیان، رسول گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام به عنوان انسان‌های کامل که اوج بندگی خداوند را در عالم هستی رقم زده‌اند، شیوه‌های پرستش خداوند را در گفتار و عمل نشان داده‌اند.

نیز ادعیه چیزی نیست جز روش بیانی راز و نیاز با پروردگار از زبان آنان. لذا تعبیر زیبایی هست که شاهراه ارتباط دو سویه بین خداوند و بندگان را نشان می‌دهد: «اگر می‌خواهید خداوند با شما صحبت کند، قرآن بخوانید، و اگر می‌خواهید شما با او صحبت کنید، دعا بخوانید».

شاهراه ارتباط دو سویه بین خداوند و بندگان را نشان می‌دهد.

دعاهایی که از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است دروازه‌هایی است که روح و جان‌ها را به این



شاهراه باز می‌کنند. در همین راستا، مرحوم شیخ المحدثین، حاج شیخ عباس قمی رحمته الله علیه مجموعه‌ای گران بها از اذکار و ادعیه معتبر را از منابع اسلامی گردآوری نموده است.<sup>۱</sup> اما وقتی این کتاب شریف را می‌گشاییم، با تعابیری مواجه می‌شویم که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

مثلاً آمده است:

خداوند با خواندن دعای مجیر، در ایام البیض ماه مبارک رمضان، گناهان انسان را، گرچه به تعداد دانه‌های باران و برگ درختان و ریگ بیابان‌ها باشد، خواهد آمرزید.<sup>۲</sup> و یا ثواب خواندن سوره مبارکه «یس» را برابر ثواب دوازده بار قرائت قرآن کریم<sup>۳</sup> و خواندن چهارصد مرتبه ذکر ماه رجب المرجب، اجر صد شهید را دارد.<sup>۴</sup> و یا قرائت هزار مرتبه از ذکر دیگری، به همان اندازه، در ماه شعبان، ثواب عبادت هزار ساله را در پی دارد.<sup>۵</sup>

آیا می‌توان گفت این تعابیر غلوآمیز است؟

در فرهنگ اسلامی که انسان به تلاش در راه کسب رضای خدا و مال حلال و جهاد تشویق می‌شود، و از گناه و خیانت برحذر می‌گردد، چگونه با آن تعابیر تطبیق می‌کند؟ مثلاً خداوند کریم در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿مَا غُرِّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ﴾ چه شده است شما را که به خدای خود مغرور شده‌اید.

در جای دیگر می‌فرماید:

﴿مَا شَأْنُكُمْ بِمَالِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُم مِّنْهُ يَتَّبِعُونَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ وَالرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ﴾

به تعبیر دکتر شهید بهشتی (ره): «بهشت را به بها دهند نه به بهانه».

آیا آن تعابیر، به حراج گذاشتن بهشت است؟ و آیا کم ارزش کردن مفاهیمی چون شهادت، و تلاش برای کسب رضای الهی است؟

برای پاسخ گویی به این پرسش‌ها بیان چند نکته ضروری است؟

الف) این تعابیر بخشی از بیانات معصومین (ع) است که لازم است در کنار سخنان دیگر آنان و نیز همراه با فرمایش خداوند نگریسته شود.

ب) در این که این ثواب‌ها می‌تواند تشویق‌هایی باشد که توجه انسان را به اهمیت موضوع و یا

۱. خوشبختانه، در سال گذشته نیز، موفق شدیم، به همت دوستان دلسوز، منتخبی از آن را با عنوان «منتخب محمدیه» در اختیار علاقمندان قرار دهیم تا از این دروازه‌های نور، کمال بهره را ببرند.  
از آن جا که کتابی که در پیش روی ما قرار دارد، کتابی است پژوهشی، و در آن مجموعه ادعیه، فرصت و مجال ذکر بحث‌های استدلالی نبود، لازم است در این مقام به آن موارد اشاره گردد تا خوانندگان ما، که نوعاً از مطالعات خوبی برخوردار هستند، با این بحث‌ها بیشتر آشنا شوند.  
۲. مفتاح الجنان، ص ۱۴۶، نشر موسسه جهانی خدمات اسلامی، چاپ سوم، سال ۱۳۷۰. ۳. همان منبع، ص ۲. ۴. همان، ص ۲۵۰. ۵. همان، ص ۲۸۱.

وجود اسراری در این ادعیه که در زمان و مکان خاصی بیان شود جلب کند.

ج) همان گونه که در احادیث متعدد نقل شده است، استغفار از چیزی که در آن حق الناسی وجود داشته باشد، معنا و مفهومی ندارد.

د) گرچه دعا و راز و نیاز با خداوند می‌تواند اثرات و ثواب‌های زیادی داشته باشد، اما طبق بیان در بیان حضرت مولی المومنین امیرالمؤمنین علی (ع) در دعای ارزشمندی که به جناب کمیل (ره) تعلیم فرمود، گناهایی وجود دارد که مانع اجابت دعا می‌گردند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ؛ خدایا ببخش آن گناهایی را که مانع قبول دعاهایم می‌شود.

ه) در حدیثی آمده است که شخصی خدمت یکی از ائمه معصومین رسید و از این که با عمل به حدیث نبوی (ص) که به فرستنده صلوات، وعده کاخی در بهشت از سوی خداوند متعال داده شده است، احساس غروری به او دست داده بود، فرمودند:

مواظب باش گناهی نکنی که آن نعمت را به آتش تبدیل کنی!

و) در مواقعی، مؤلفه‌هایی هم چون زمان و مکان و روش انجام کار، می‌تواند اهمیت خاص پیدا کند؛ مثلاً یک دانش‌آموز، ممکن است هزاران تست کنکور را در منزل یا امتحاناتی درست زده باشد، اما اگر بخواهد به دانشگاه راه یابد، باید در کنکور، که در زمان و مکان خاص تعیین شده، حضور یابد و با شیوه‌ای که برایش تعریف می‌شود، عمل کند، وگرنه هر کدام از این سه مؤلفه، را به درستی اجرا نکند، راه یافتنش غیر ممکن است.

ز) در قرآن به تعبیری برخورد می‌کنیم که خداوند پس از بیان نزول قرآن در شب قدر، پرسشی را مطرح می‌کند که آیا می‌دانی شب قدر چیست؟ و پاسخ می‌فرماید: آن شب، از هزار ماه بالارزش‌تر است! اما به راستی چگونه یک شب، می‌تواند از هزار ماه که معادل ۸۳ سال (متوسط عمر بشر) داشته باشد، یا اهمیت‌تر بود که درک آن و راز و نیاز در آن شب، ارزشی بالاتر از یک عمر عبادت (۸۳ ساله) داشته باشد.

ح) همان گونه که می‌دانید، یکی از جوایزی که هر سال به تعدادی از دانشمندان در رشته‌های گوناگون اعطا می‌شود، جایزه نوبل است. ارزش این جایزه برای افرادی که به آنان تعلق می‌گیرد، بیش از یک میلیون و دویست هزار دلار است.

آیا این سوال برای شما مطرح نشده که چگونه فردی در یک مراسم جایزه‌ای می‌گیرد که معادل کار و تلاش یک عمر انسان (۱۰۰ ساله) مثلاً استاد یک دانشگاه است که ماهیانه یک میلیون تومان دریافت می‌کند؟!؟

**نتیجه:**

با بیان مطالبی که ذکر شد، در صدد بودیم تا روشن شود که کمیت ثواب‌ها که در احادیث نقل شده، و برای بعضی از ادعیه آمده است، غیر عادی نیست، که خداوند به بندگانی که اعمالی را خالصانه انجام می‌دهند حتی در حد بیان اذکاری، اعطا نماید، اما در نوعت و کیفیت دعا باید توجه داشت که در پیشگاه الهی، میزان و مقدار عمل ملاک نیست، و مؤلفه‌های یاد شده در بخش «و» و نیز اخلاص و... می‌تواند ارزشی بسیار والا به یک سخن یا یک عمل بدهد، هم چون حدیث نبوی که فرمودند:

ضربت علی يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين؛ ارزش یک ضربه شمشیر حضرت علی (ع) در روز جنگ خندق، از عبادت جن و انس در پیشگاه خداوند بالاتر است.

همان طور که برای یک دانش آموزی که می‌خواهد کنکور دهد، ارزش یک تست صحیح، بالاتر از ارزش هزاران تست در مواقع دیگر دارد، اما مغفرت و رحمت الهی برای گذشت از گناهان انسان موقعی به حقیقت می‌پیوندد که حق‌الناسی در آن نباشد، لذا اگر فردی بخواهد مشمول این رحمت‌های واسعه قرار گیرد، بایست پس از ادای حق‌الناس، امید به مغفرت و رحمت الهی داشته باشد که به وسیله ادعیه ماثوره به آن دست می‌یابد.

**سخن آخر**

آن چه در این خوان نعمتی که اهل بیت عصمت و طهارت (ع) مشاهده می‌کنیم که به ما نشان داده‌اند، چگونه اوج‌گیری انسان را در پهنه وجود حتی پس از مرگ فراهم کرده‌اند، چون با آموختن ادعیه، که در هر یک دنیایی از حکمت و مغفرت وجود دارد، علاوه بر کسب علم و آشنایی با باب‌هایی از عالم هستی ما را به کسب اجر و ثواب‌هایی رهنمون می‌سازد که مافوق تصور انسان است که شاید در نگاه اول احساس غلو کنیم.

نیز در این فرهنگ می‌آموزیم که ای انسان! می‌توانی کاری کنی که پس از مرگ، نامه عمل تو بسته نشود و با باقی گذاردن صدقات جاریه، به این هدف دست یابی که یکی از جلوه‌های این مسیر، در حدیث مشهوری است که می‌فرماید:

اگر فردی عمل صالحی را در مردم رواج دهد، تا موقعی که به آن عمل می‌شود، خداوند اجر آن عمل صالح را در نامه عمل او خواهد نوشت، بدون آن‌که از ثواب عمل کنندگان کاسته شود، و اگر معصیتی را به مردم بیاموزد، تا موقعی که بدان عمل می‌شود، خداوند گناه عمل گناهکاران را در نامه عمل او می‌نویسد، بدون آن‌که از گناه آن معصیت‌کاران کاسته شود.

بدین سان تلاش کردیم تا در این نوشتار، به موضوعات زیر پرداخته شود:

۱. آیا اعتقاد به خداوند و پرستش او نیازی واقعی است و منشاء آن چیست؟
۲. آیا به راستی خداوند را می‌توان دید و چرا حضرت علی (ع) فرمود: کور باد چشمنی که خداوند را نپندد!
۳. چرا برخی از انسان‌ها رو به پرستش خدایان متعدد کرده‌اند؟
۴. عدم اعتقاد به خداوند چه مشکلی را برای بشر ایجاد می‌کند؟
۵. چگونه ارتباط دو سویه بین خداوند و بشر در فرهنگ اسلامی برقرار می‌شود؟
۶. کتاب‌های ادعیه، چه نقشی در برقراری این ارتباط ایفا می‌کند؟
۷. آیا شبه وجود غلو در بیان ثواب برخی از ادعیه، صحیح است؟
۸. همان‌طور که در زندگی، افراد می‌توانند با ثروت اندوختنی به توانایی‌های مادی دست یابند، که از ثروت هزاران انسان دیگر پیش‌تر باشد، در فرهنگ اسلامی چنین امکانی برای عالم آخرت قرار داده شده است.
۹. با توجه به این که به طور معمول، نامه عمل انسان‌ها با مرگ آن‌ها بسته می‌شود، آیا می‌توان با انجام کارهایی، این نامه عمل را تا مرز بی‌نهایت زمان (روز قیامت) بازنگاه داشت تا اعمال صالح و یا گناهان در آن ثبت گردد.
۱۰. و دهها مسأله دیگر نیز هست، که لازم است خود ما، در آن‌ها تدبیر داشته باشیم.

### نقش دعا و زیارت در تربیت بیدار دلان

رابطه مستقیم انسان با خدا، جوش و خروش درونی انسان آگاه و بیدار دل با آفریننده جهان و هستی بخش تمام موجودات، نقشی ویژه در تعمیق مفاهیم و ارزشهای یاد شده در متون ادعیه در درون انسان دعا کننده دارد، و به جوشش درآورنده احساسات و عواطف مثبت او نسبت به خواسته‌های یاد شده است که از ارزش‌های الهی و معنوی انسان برخاسته است.

### رابطه با ائمه معصوم (ع)

رابطه مستقیم انسان، با امام یا پیامبر یا راهبر و راهنما، در زیارت آنان، نوعی گفت‌وگو و گفت‌وگویی خاضعانه و خاشعانه میان انسان و خدا و زیارت شونده می‌باشد که تعهداتی و تصمیماتی توسط انسان زیارت کننده مطرح و تثبیت می‌گردد و بدین سان ارزش‌های مطرح شده در درون انسان کاشته شده و یا تعمیق گشته و یا گسترش کمی و کیفی در جامعه پیرامون پیدا می‌کند.

با توجه به بعدهای خودجوشی و پویندگی و رازداری و خلوص و صمیمیت و الگوگرایی در دعاها و زیارت‌نامه‌های ویژه اهل بیت (علیهم‌السلام) که سراسر نغمه، بلیغ، پرمحتوا، عمیق و برخاسته از مفاهیم و ارزش‌های قرآنی است، بیش‌ترین نقش را در تربیت انسان‌های بیدار دل می‌تواند ایفا کند.

۱۰. امید است این نوشتار رضای حق را در بر داشته باشد و مورد توجه صاحب نظران و بیدار دلان قرار گرفته باشد.

### دروازه‌های نور

دعاهایی که از معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است، دروازه‌هایی است که روح و جان را به این شاهراه باز می‌کند. بر این اساس این قسمت از ادعیه که ارتباط معنوی را به وسیله معصومین علیهم‌السلام با خداوند متعال می‌گشاید، در کتاب منتخب محمدیه به «دروازه‌های نور» نام نهادیم و بحمدالله تعالی در بهار سال گذشته به زیور طبع آراسته گردید. در این کتاب نیز امید آن داریم که دلباختگان حضرت ولی عصر علیه‌السلام و شیفتگان آن حضرت، از یاد او و جستجوی وجود شریفش غفلت نوزند و با شناخت کامل از آن حضرت، به وسیله ادعیه مأثوره، با آن وجود نورانی و مقدس و بابرکت، ارتباط صحیح برقرار نمایند؛ چرا که از جمله خطرهای آسیب‌هایی که در عصر غیبت برای منتظران اتفاق می‌افتد، «ملاقات‌گرایی» است؛ به این صورت که از وظایف واجب غافل شویم و مهم‌ترین وظیفه را، دیدار امام زمان (ع) بدانیم، و ساده‌ترین خواب یا اتفاقی را ملاقات بینداریم. پیامدهای این آسیب، یأس و ناامیدی، رویکرد به شیادان و مدعیان دروغین ملاقات و دورماندن از انجام وظایف اصلی است. مهم‌ترین راه درمان این آسیب، رویکرد به منابع و معارف ناب دین و بررسی احوال و سیره شریف یافتگان راستین می‌باشد تا بدانیم وظیفه اصلی منتظران بیش از هر چیزی ایمان، تقوا، تزکیه نفس، خودسازی، انجام تکالیف فردی و اجتماعی، و انتظار حقیقی به همراه پرهیزکاری است تا یار که را خواهد و میلش به که باشد!

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالنُّورَةَ الْخَبِيئَةَ وَاطْحَلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مَنْيَ إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ  
فَخْرَجَهُ؛ پروردگارا! به ما آن طلعت زیبای رشید را بنما و از پرده غیبت پدیدار کن و سرمه  
نور و روشنی ابد به یک نظر بر آن جمال مبارک به چشم من درکنش و فرج آن حضرت را  
نزدیک و خروجش را آسان ساز!

تهران: خردادماه ۱۳۸۸

دکتر زهره پورمحمدی

مهندس مجتبی ثقفی

### آشنایی کوتاه با ستاره درخشان حوزه‌های علمیه

آن چه در این مقام ذکر می‌گردد، مطالبی است که جهت مقدمه کتاب حاضر، از مجتهد پارسا و نیکوسیرت، ابوذر زمان، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت، مرجع عالی مقام دینی، حضرت آیه الله العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی فقیه (یزدی)، دامت برکاته العالیه، به صورت املائی توسط محقق کتاب (آقای سید جواد هاشمی) تحریر گشته است.

شخصیت‌های بزرگ که به نوعی ویژگی یا ویژگی‌های ممتازی دارند، همه محبوب‌اند. هر یک در صفتی، جلوه بیش تری دارند. گروهی سرشار از اندیشه‌های عالی‌اند؛ برخی دریای محبت‌اند؛ عده‌ای مثنی و مزام متواضعانه دارند؛ بعضی آرام و با حوصله‌اند؛ دسته‌ای را جلسه فکر درس آموزی است؛ گروهی را حلقه ذکر باصفایی است؛ خلاصه هر کدام عالمی دارند و هر عالمی خواهانی و رهرو.

مهم این است که حقوقی که بر گردن ما دارند، ادا کنیم؛ انجام وظیفه کنیم؛ زیرا هر آن چه ما داریم، حتی بالاتر... خود دین مبین اسلام، با تلاش و مجاهدت عالمان و بزرگان، از شر مخالفان حفظ مانده‌ا پس وظیفه سنگینی بر عهده ما هست... حتی نسبت به معرفتی آن محققان بزرگ و عالی مقام به عموم مردم نیز، کوچک‌ترین کوتاهی، نابخشودنی است. آنان کسانی هستند که در راه دین و علوم آل محمد (ع) هم چون شمع سوخته و می‌سوزند. بر این اساس، اگر ارادتمان به آن شخصیت‌های محبوب را در این مقام متذکر نشویم، و قدرشناس این بزرگان نباشیم، پس کجا و کی باید ادای دین کنیم؟!

### جایگاه علمای بلاد در سازمان روحانیت شیعه

این مجتهدین و اسلام شناسان خبره، همان کارشناسانی هستند که پای مکتب استادانی بزرگ، طعم شریعت را چشیده، و از راه شریعت به حقیقت رسیده‌اند؛ و دیگران که به این طراز نرسیده‌اند، اگرچه خوبند، اما ترویج و اشاعه شخصیت و راهشان بی‌ثمر است! از این روست که تجلیل از مقام شامخ آن بزرگان، که دین را عزت بخشیدند، و از دست ناهلان و مخالفان و معاندان دور نگاه داشتند، یک وظیفه است!! بسیاری از دوستداران فقه و فقاہت، متدینین، محققین و... شیفته منش والای انسانی و رفتار و سلوک عالمان زاهد و ستاره‌های درخشان حوزه‌های علمیه هستند.

حضرت استاد، حفظة الله تعالی، فرزند برومند مرحوم حضرت آیه الله العظمی حاج میرزا ملا احمد احمدی نجفی خایری طبرجانی یزدی (فرزند شهید آخوند ملا حسین مقتول و مدفون در سامراء در رواق حرم حضرت امام هادی و حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)) است. مرحوم حضرت آیه الله العظمی

حاج شیخ عبدالکریم حائری<sup>(ع)</sup> توجه خاصی به آن بزرگوار داشته‌اند. مرحوم آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی<sup>(ع)</sup> فرموده‌اند: «اگر ایشان موردی و شخصی را از نظر عدالت توثیق و از نظر علمی تأیید و از ناحیه اجتهاد و عدالت تصدیق می‌کرد، تمام فقها و مراجع حوزه علمیه نجف، آن را گواهی می‌کردند».

آیه الله العظمی حاج سید مهدی اخوان مرعشی، مدظله‌العالی، نقل می‌کردند که ایشان در حوزه «نجف»، مقام و منزلتی نزد علما و مراجع و فقهای بزرگ داشته‌اند...

اهمیت تعظیم و تکریم علمای اسلام، بویژه جایگاه علمای بلاد در سازمان روحانیت شیعه، که جایگاهی استراتژیک و حیاتی است، از آن روست که عالمان وارسته و زاهد، پیوندی عمیق میان رأس هرم این سازمان (مراجع تقلید) و بدنه (روحانیون و وعاظ) و جامعه شیعی (متدینین) برقرار می‌کنند. آگاهی از منش و رفتار حضرت استاد، یادآور منش و سلوک عالمان مخلص، فقیهان معادباور و استادان دلسوز سلسله عالمان شیعه است. معظم‌له را مصداقی برای این بیان معصوم (ع) می‌دانیم که: «زمام امور به دست عالمان الهی و امناء و آگاهان به حلال و حرام خدای تعالی است».

اربعین رحلت جانسوز فقیه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و بزرگ مرجع عالیقدر جهان تشیع، حضرت آیه الله العظمی بهجت، رضوان الله تعالی علیه، را پشت سر گذاشتیم! از آن جهت که نتوانستیم در زمان حیات آن عالم پارسا، آن‌طور که شایسته است، بهره‌ی وافیه و کافی را ببریم، سخت حیرانیم.

رحلتش غم‌انگیز است! اما نقطه عطفی است تا با همه سختی‌ها و تأسف‌های بسیار از هجران و دوری‌اش، محضر پرخیز و برکت بزرگان و علمای پرهیزکار را، در زمان حیات پربرکتشان بیش‌تر درک کنیم، آنان را بزرگشان بداریم، عشق مان را به آنان ابراز داریم، و در محضرشان زانوی شاگردی بنزیم؛ چرا که آنان وارثان انبیاء‌اند! و این بشارتی است برای امتداد ارادت به ساحت قدسی شان!

شایسته است تا نسبت به تجلیل از علما و فقها غفلت نکنیم، بلکه تا فرصت باقی است جبران کنیم! برای محققین ارجمند و دوستداران و شیفتگان علم و معنویت و شاگردان و رهروان علما و مراجع عالی مقام تقلید، آرزوی توفیق و طول عمر بابرکت داریم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در کتاب حاضر، که پیش روی خوانندگان ارج مند است، درباره حضرت ولی عصر، مهدی قائم علیه السلام مطالب گران سنگی به قلم محقق گرانقدر، مطرح شده است. در این مقدمه نیز سعی شده به برخی از مطالبی که درباره امامت حضرت و اوضاع و شرایط زمان غیبت است، اشاره گردد:

بخش اول:

### اشارات قرآنی درباره حضرت بقیه الله ولی عصر (عج)

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

۱- در قرآن، بشارت‌ها و اشارت‌های فراوانی درباره وجود نورانی حضرت مهدی (ع) وجود دارد.

هنگامی که همین عنوان «بقیه الله» را در امتداد این آیه شریفه ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ﴾ مقایسه کنیم، و لوازم آن را بسنجیم، امتداد امامت جلوه گر می‌شود. حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت به ذریه خود برنامه توحید - و شعاع آن امامت - را در نسل خود خواهان بود. دقیقاً، از ذریه آن حضرت، از حضرت خاتم الانبیاء رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا خاتم الائمه (ع) حضرت ولی عصر (عج) «کلمه باقیه امامت» به وضوح استفاده می‌شود.

(تأکید خداوند در قرآن مبنی بر جاودانگی امامت علی (ع) و یازده فرزندش تا قیامت)

روح این مطلب در فرمایش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر جلوه کرده است:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ وَ عَرَّفْتُكُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ﴾ وَ قُلْتُ لَنْ تَضِلُّوا مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِمَا.

ای مردم! این قرآن است که به شما معرفی می‌کند: امامان پس از علی همه از فرزندان او هستند. و من هم معرفی می‌کنم (و آگاه کردم) شما را که امامان (ع)، از من و از علی (صلی الله علیه و آله) هستند. به طوری که خداوند نیز در قرآن (به این مطلب اشاره) می‌فرماید: و آن (گوهر امامت) را کلمه‌ای ماندگار و همیشگی در نسل او قرار داد. (یعنی امامت، در اولاد علی (ع) به عنوان امری جاودانه و ولایت را در نسل او پایدار و ثابت، تا قیامت باقی خواهد ماند.)



### تأکید پیامبر اکرم (ص) در خصوص تمسک به قرآن و عترت (ع)

حضرت رسول خدا (ص) فرموده است:

و هم چنین گفتیم (و تأکید کردم): مادامی که به قرآن و عترت تمسک جویند هرگز گمراه نمی‌شوید. و با التزام و اعتصاب به این دو امر گران‌سنگ کتاب خدا و اهل بیت من هیچ‌گاه دچار لغزش و گرفتار پشیمانی نخواهید شد.

اشاره و تذکر:

البته این بحث قرآنی، نیاز به تألیف کتاب‌ها و رساله‌های خاصی دارد. آن‌چه در این مقام ذکر می‌گردد، مواردی است که نام مبارک حضرت ولی عصر (عج) در آثار وارد شده است. بنابراین آن‌چه در این مقام، نقش اساسی دارد، بیان مصداق با نام مبارک آن حضرت است. از این رو مناسب دیده شد که قسمت‌هایی از بیان‌های حضرت رسول اکرم (ص) در خطبه غدیر مطرح گردد:

### ۲ - فرازهایی از خطبه حضرت رسول اکرم (ص) در غدیر (درباره حضرت قائم مهدی)

مَعَاشِرَ النَّاسِ! التُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي مَسَلُوكِ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْضِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِبِينَ وَالْأَثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ وَالْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ! ای مردم! و آن نور محیط و فراگیر از اشراقات الهی خداوند عزوجل (که نور هدایت و نور عصمت است) در من سرشته شده و متجلی و تابان است، و پس از من، در علی (ع) است، و بعد از او هم، در نسل او خواهد بود؛ تا عصر (دوازدهمین امام) حضرت قائم مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که قیام کننده است. و آن کسی است که حق خدا را می‌گیرد، و همه حق (از دست رفته) ما را می‌گیرد و به ما می‌رساند، و برمی‌گرداند. زیرا خداوند عزیز و والا بلند مرتبه، ما را بر کارشکنان (در کار دین خدا) و لجوجان و دشمنان دین که عناد می‌ورزند، و مخالفان (با ولایت اهل بیت) و خائنان که مخالفت و خیانت می‌کنند و گنه‌کاران و ستم‌گران و ظالمان که ستم‌کاری دارند و آنان که غاصب (اموال و حقوق و...) هستند، از همه مردم جهان، حجت خود قرار داده است.

**حکومت جهانی و قدرت فراگیری حضرت امام مهدی (ع) و وارث علوم**

معاشر الناس! إنه ما من قرية إلا والله مهلكها بتكذيبها قبل يوم القيامة و مملكتها الإمام المهدي والله مصدق وعده!؛ ای مردم! هیچ سرزمینی نیست مگر آن که خداوند در اثر تکذیب آنان (نسبت به حق) هلاک می‌کند و به حکومت و تسلط امام مهدی (ع) درمی‌آورد. قطعاً، خداوند وعده خود را انجام می‌دهد.

**ویژگی‌ها و مأموریت‌های خاص «خاتم الائمه» حضرت قائم مهدی (ع)**

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيُّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ، أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ وَ هَادِيهَا. أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذِي الدِّينِ اللَّهُ أَلَا إِنَّهُ الْعُرَافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ قَسِيمٌ كُلِّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلِّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ. أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ اللَّهُ مُخْتَارُهُ. أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ بِكُلِّ فَهْمٍ!؛ ای مردم! آگاه باشید که آخرین امام، مهدی قائم، صلوات الله علیه، از ما است. آگاه باشید که او، پشتیبان دین و انتقام‌گیرنده از ظالمان و فتح‌کننده و ویران‌کننده قلعه‌های (شُرک و کفر) است. آگاه باشید که خاتم الائمه آخرین امام از خاندان ما قائم مهدی (علیه السلام) است. آگاه و بیدار و متوجه باشید که او، بر همگی ملت‌ها با دین (های گوناگون) پیروز می‌گردد. بر هر گروهی از اهل شرک غالب است و هدایت‌کننده آنان است. آگاه باشید که او است که انتقام (خون دوستان خدا را) از ستم‌کاران می‌گیرد. آگاه باشید که او یاری‌کننده دین خدا است. آگاه باشید که او (حضرت مهدی) از دریای عمیق (علم و قدرت الهی) بسیار بسیار بهره می‌گیرد (و زندگی سراسر پریشانی انسان‌ها را سامان می‌دهد. رسول خدا (ص) امام زمان (ع) را به کسی تشبیه کرده که در کنار دریایی عمیق باشد و آب‌های زیادی را با دست از دریا بکشد. این دریا، کنایه از دریای عدالت حق است که بسیار عمیق است و تمام انبیای و اوصیای الهی از این دریا استفاده کردند و جامعه را بهره‌مند ساختند، ولی مهدی موعود، علیه السلام، بر حسب مأموریتی که دارد و باید عدل کامل را در جامعه پیاده کند و با استفاده فراوان از دریای علم و قدرت و عدالت خداوند، جامعه را از عدل و داد سیراب خواهد کرد.) آگاه باشید که او است که هر صاحب فضیلتی را به قدر فضلش و هر صاحب جهالتی را به قدر جهلش، مشخص می‌کند (در واقع، او، فضل و برتری‌های

دانایان و جهل و بی‌خردی نادانان را می‌داند.) آگاه باشید که او برگزیده و منتخب خدا است. بدانید که وارث همه علوم و دانش‌ها و حاکم بر ادراک‌ها است. (تمام علوم عالم به دست مبارک او است.)

**امتیازات و ارتباطات خاص حضرت مهدی (ع) با خداوند برای اجرای مأموریت‌های الهی**  
أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالنَّبِيُّ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ (لَأْمُرِ آيَاتِهِ). أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ الشَّدِيدُ. أَلَا إِنَّهُ التَّنَوُّضُ إِلَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ (مِنَ الْقُرُونِ) بَيْنَ يَدَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنصُورَ عَلَيْهِ. أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ؛ آگاه باشید که او از سوی پروردگارش سخن می‌گوید و آیات و نشانه‌های او را برپا می‌کند. آگاه باشید که همانا او هدایت یافته‌ای استوار است. آگاه باشد که همانا او (کسی است که از جانب خداوند، اموری) به او واگذار شده است. آگاه باشید که گذشتگان پیش از مهدی (ع) به او بشارت داده‌اند. آگاه باشید که او حجت باقی خواهد ماند و بعد از او (امام و) حجتی نیست. و حقی نیست مگر (آن چه) همراه او است، و نوری نیست مگر آن چه نزد او است. آگاه باشید که هیچ‌کس نمی‌تواند بر او غلبه کند و کسی که بر ضد او است یاری نمی‌شود. آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین و حاکم خدا در میان خلقش و مورد اعتماد خدا در اسرار نهان و آشکار او است.

**معرفی حضرت علی (ع) و امامان (ع) به عنوان محل اصلی مراجعات دینی مردم تا قیامت**  
أَلَا وَ إِنَّ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَ أَعْرَفَهُمَا قَامِرًا بِالْحَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأَمِرْتُ أَنْ أَخْذَ الْبَيْعَةَ عَلَيْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ مِنْكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (وَ الْأَيْمَةَ) وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُعَدُّرُ وَ يَقْضِي؛ آگاه باشید که همانا (تعداد) حلال و حرام (احکام الهی) بیش‌تر از آن است که من آنها را بشمارم (و در این فرصت کوتاه عمرم همه را) به شما یاد دهم و بشناسانم. پس به صورت یک جا و در قالب یک دستور کلی و جامع، شما را به امور حلال (و انجام دادن واجبات) امر می‌کنم و از امور حرام نهی می‌کنم. (اما راه یادگیری حلال و حرام آن است که به جانشینان بر حق من که علی و اولاد علی (ع) هستند، رجوع کنید. هر آن چه من در مدت کوتاه عمرم نتوانستم برای شما بیان کنم، از ایشان

پرسید.) مأمور شده‌ام که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم به قبول کردن آن چه از طرف خدای بلند مرتبه در مورد امیرالمؤمنین علی (ع) و امامان بعد از او آورده‌ام. ایشان از من هستند. از (نسل) علی، امامانی منصوب شده‌اند که یکی از آنان و قائم آنان حضرت مهدی (ع) است که تا روز قیامت به حق حکومت خواهد کرد.

بخش دوم:

درباره این موضوع، تا همین مقدار بسنده می‌کنیم. در این مقام، به صورت فشرده، به اوضاع سیاسی دوران حضرت امام حسن عسکری (ع) اشاره می‌نماییم:

### سیر مخفی بودن تاریخ شهادت آن حضرت (ع)

۳- درباره شهادت حضرت امام حسن عسکری (ع) قول‌های گوناگونی است: بعضی، اول ماه ربیع‌الاول ذکر کرده‌اند و گروهی هشتم ماه و دسته‌ای دهم ماه را.

یکی از علت‌های اختلاف و نقل قول‌های مختلف درباره شهادت حضرات ائمه معصومین (ع)، آن است که نوعاً شهادت ائمه معصومین (ع)، مخفیانه صورت می‌گرفته است و یا احیاناً در حبس و زندان یا حصر شبه حبس پنهانی بوده است، لذا شیعیان هم به طور دقیق نمی‌توانستند در جریان قرار گیرند، خصوصاً با فاصله مکانی زیادی که داشتند.

بنابراین روی گمان‌شان یا ظن قوی‌شان، تاریخی را حدس می‌زدند.

بر این اساس چه بسا به طور کلی گفته شده است که شهادت آن حضرت، در اوائل ماه ربیع‌الاول بوده است.

البته بعدها از این سنخ عبارت، استنتاج کردند که روز اول یا در دهه اول بوده است. این تاریخ، بر هشتم و دهم هم صدق می‌کند.

این نکته‌ای است که در اختلاف نقل زمان شهادت ائمه (ع) - که غالباً این گونه بوده - وجود داشته است.

شهادت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در محراب مسجد کوفه، یا شهادت امام حسین (ع) در روز دهم محرم، به طور علنی رخ داد، لذا در این دو مورد اختلافی نیست.

(اما نسبت به سایر ائمه (ع)، چون با دسیسه‌های حکومت‌های جائر همراه بوده است، یگانه چنین حالت‌های مخفیانه بوده که این اختلاف‌ها به وجود آمده است.)

بدیهی است که این گونه اختلاف‌ها، درباره تاریخ ولادت آن حضرات (ع) نیز جریان دارد. دلیل

آن هم، در بیان بالا روشن شد.

### بیان‌های پیام‌گونه آن حضرت علیه السلام

۴- بیان‌های آن حضرت علیه السلام نوعاً حالت پیام‌گونه‌ای دارد. شاید علت آن، همین جهت بوده است که بعد از شهادت آن حضرت علیه السلام امامت به شکل حضوری نبوده، بلکه مبدأ غایب شدن معصوم علیه السلام از زمان شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام محقق شده است.

براین اساس، آن حضرت باید به مطالبی که عنوان پیامی دارد و به صورتی وصیّت‌گونه محسوب می‌شود، تصریح فرماید، تا پیروان آن حضرت، تبعیّت کامل را بکنند. لذا می‌بینیم تذکرات خاصی را آن حضرت در زمان خود داده‌اند. از جمله تذکرات پیام‌گونه آن حضرت، درباره «وقف‌ها» است. فرموده است: «الْوُقُوفُ عَلَى حَسَبِ مَا يُوقِفُهَا أَهْلِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ». قضیة «وقف»، سابقه داشته و در زمان سایر ائمه علیهم السلام و حتی زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و بلکه انبیای گذشته هم، به نوعی بوده است، ولی این فرمایش آن حضرت، اشاره به این معنا دارد که چه بسا بعد از من در زمان «غیبت صغرا» (غیبت محدود) و «غیبت کبرا» (غیبت تامه) قضایایی رخ دهد، مثلاً افرادی - مانند حکام جور و کسانی که زور دارند - «اوقاف» را تبدیل به عنوانی می‌کنند که خود می‌خواهند.

مثلاً «املاک وقفی» را جنبه «صاحب ملکی» به آن‌ها می‌دهند و کلاً از بین می‌برند یا تولیت آن‌ها را عوض می‌کنند یا مصرف موقوف‌علیهم را به صورت دل‌خواه تغییر می‌دهند. لذا حضرت می‌فرماید:

«وقف‌ها به همان صورت که صاحبان آن‌ها وقف کرده‌اند، باید باقی باشد» (و باید عمل به

وقفنامه‌ها بشود، و تمام مفاد آنها رعایت گردد». ان شاء الله

### اشاره به اوضاع سیاسی دوران حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

۵- ورود حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و پدرشان به سامرا، خیلی قابل بحث است و باید روی آن مطالعه کرد، مخصوصاً شرائط حضرت امام هادی علیه السلام که در حقیقت زمینه‌ی دوران غائب شدن حضرت ولی عصر (عج) بوده است. آن موقع، بغداد، تا حدودی مرکز حکومت بوده است. حضرت امام کاظم علیه السلام زندانی بودند و بعد هم حضرت امام جواد علیه السلام را با نوعی اجبار، از مدینه به بغداد منتقل کردند.

ناگفته نماند که ستم‌های بنی‌امیه بسیار بوده، و این ظلم‌ها به صورت علنی بوده است؛ یعنی معاویه و یزید، به صورتی رفتار کردند که اساساً خانواده آنها برای ادامه حکومت جا نداشتند، که یکی

از آن‌ها، عمر بن عبدالعزیز بوده است.

علیرغم این که عمر بن عبدالعزیز کسی بود که لعن و سب حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را برداشت، اما بنی امیه نتوانستند ادامه بدهند و سپس بنی العباس روی کار آمدند.

سیاست بنی العباس، یک سیاست خاصی بود. آنان به گونه‌ای عمل می‌کنند تا در ظاهر، مقبول عموم مردم، حتی شیعیان خاص باشند.

البته بر خوردهای منصور دوانیقی با حضرت امام صادق (ع) و رفتارهای فشارگونه هارون با حضرت امام موسی کاظم (ع) داستان دیگری است.

مأمون عباسی، حضرت امام رضا (ع) را ولایت عهد خود کرد و در گام بعدی، دخترش ام‌الفضل را به حضرت امام جواد (ع) تزویج کرد. از طرفی، نسل علویان را در عباسیان به شیعیان معرفی کند و بگوید که شما که دنبال علویان هستید، علویان از این نسل هستند، و از سوی دیگر ام‌الفضل جاسوسی در منزل حضرت جواد (ع) باشد.

مشیت الهی بر آن بود که حضرت امام جواد (ع) از طریق ام‌الفضل اولاد نداشته باشد. حضرت امام هادی (ع) از کنیزی متولد شدند.

شاید یکی از امراری که برخی از ائمه ما از کنیز متولد شده‌اند، همین جهت بوده است که از طرفی جانوران زمان، چندان حساس نشوند، و از طرف دیگر، آنان به اهدافشان نرسند.

### تأثیر نامناسب فشارهای سیاسی در بغداد

۶- با همه این نیرنگ‌هایی که بنی العباس به کار بردند، شرائط به گونه‌ای شد که در بغداد نتوانستند ادامه کار دهند، لذا سامرا را برای حکومت پایه گذاری کردند و نام آن را «سِرِّ مَن رَأَى» گذاشتند، یعنی خوش حال و مسرور است کسی که آن منطقه را ببیند.

البته پیش از آن که نام آن به «سامرا» تبدیل بشود، حضرت امام صادق (ع) فرمودند: طولی نمی‌کشد که همین «سِرِّ مَن رَأَى» می‌شود «سَاءَ مَن رَأَى». این، از معجزات آن حضرت است. «سامرا»، از «سَاءَ مَن رَأَى» گرفته شده است و دقیقاً سامرا منطبق بر همان عنوانی است که حضرت امام صادق (ع) پیش‌گویی فرموده بودند.

در زمان متوکل عباسی به بعد، حضرت امام هادی (ع) و حضرت امام عسکری (ع) هر دو در سامرا بودند.

در این منطقه، حضرت امام هادی (ع) مسئولیت خاصی بر عهده خود دارند. ایشان، حقایقی را به

صورت زیارت انشا فرمودند.

آن حضرت، زیارتی برای کربلا دارند. نیز زیارت جامعه کبیره - که مقامات ائمه (ع) در آن، برای همگان آشکار و روشن شده است - از ایشان است.

برنامه‌های فرهنگی که امام هادی بر عهده داشتند، برخی دربارهٔ زمینه آشنایی مردم با دوران غایب شدن معصوم (ع) است.

در غیبت صغرا، چهار نایب خاص وجود داشته است:

یک - عثمان بن سعید عمروی.

دو - محمد بن عثمان عمروی.

سه - حسین بن روح ثوبختی.

چهار - علی بن محمد سمری.

اولین نایب حضرت ولی عصر (ع) در دوران غیبت صغرا را حضرت امام هادی (ع) معرفی می‌کند.

دربارهٔ جناب عثمان بن سعید عمروی می‌فرماید: هر چه او بگوید، مثل این است که من گفتم. ثقة و مؤتمن است.

در ظاهر، این چنین بود که گویی آن حضرت یکی از اصحاب خود را مورد تأیید قرار داده است، ولی در حقیقت زمینه را برای ایشان به عنوان نایب اول حضرت ولی عصر (ع) آماده کرده‌اند.

نیز در زمان بعد، حضرت امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید جناب عثمان و پسرش، محمد بن عثمان، هر چه بگویند، مانند آن است که من گفتم. حضرت امام حسن زکی عسکری (ع) دقیقاً یکی دیگر را هم اضافه می‌کنند، او، پسر عثمان است.

بدین صورت، دو تا از نایبان خاص حضرت ولی عصر، علیه السلام، معین شده است.

### سیری از دفن حضرت امام هادی (ع) در منزل

۷ - حضرت امام هادی (ع) رسماً می‌فرمایند: «مرا در منزل دفن کنید».

سر آن چیست؟

این، سیره مستمره‌ای است که امام معصومی که شهید می‌شود و از دنیا می‌رود، امام بعدی، امور تدفین و تجهیز و غسل و دفن و... را بر عهده می‌گیرد. نماز را هم باید معصوم بعدی بخواند.

جائز آن زمان، یکی از مناصب خود را این می‌دانستند که باید بر بزرگان عصر خود، نماز میت

بخوانند. لذا پیکر مطهر امام هادی (ع) را می‌برند تا نماز بخوانند.

به هر حال، به نظر خودشان، امام هادی (ع) را تشییع کردند و نماز هم خواندند، اما چون وصیت حضرت است که در منزل دفن شوند، او را به خانه‌شان بردند. آن جا شیعیان خاص و امام حسن عسکری (ع) نماز اصلی و شرعی را بر عهده گرفتند.

پس سر این وصیت، این است که حضرت معصوم، بر حضرت معصوم نماز بخواند و امور کفن و دفن را انجام دهد.

### آشنا ساختن مردم با وظایف زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)

۸- در زمان حضرت امام حسن عسکری (ع) دستور العمل رجوع مردم به فقهای جامع الشرائط در زمان غیبت کبرا علنی می‌شود. روایتی را که اساس آن از حضرت امام صادق (ع) بوده است، از زبان آخرین شهید از ائمه (ع) بیان شده است.

حضرت امام حسن عسکری (ع) به نقل از حضرت امام صادق (ع) فرمود:

«... مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِعًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوهُ»

کسی (کسانی) از فقها که خود نگه‌دار (صیانت نفس داشته) باشد و حافظ (نگهبان) دینش (دین‌نگه‌دار) باشد، با هوس رانی (و هوا و خودخواهی) مخالف باشد، فرمان‌بر امر مولا باشد، پس برای عوام (عامه و عموم مردم) است که از وی تقلید کنند. (مسئولیت امر تقلید در احکام شرعی را به عهده او گذارند و این امر خطیر را هم چون قلابه‌ای به گردن او افکنند).<sup>۱</sup>

قابل توجه است که این روایت شریف، در زمان حضرت امام صادق (ع) به این صراحت مطرح نشده است، ولی در زمان حضرت امام حسن عسکری (ع) - که مدت امامت آن حضرت نیز حدود شش سال بیش‌تر نبوده است - این گونه علنی شده و ابلاغ گشته است.

### شهادت و مکان دفن حضرت امام حسن عسکری (ع)

۹- پس از آن که امام حسن عسکری (ع) را مسموم و شهید کردند، عده‌ای از شیعیان منتظر بودند جسد مطهر ایشان را بیاورند و در همان منزل، کنار پدرشان، دفن کنند. سلاطین در این باره حساس نیستند. این اتفاق هم قبلاً افتاده است. حضرت امام جواد هم پهلوی قبر مطهر جدشان امام کاظم (ع) دفن شده است.

۱. یکی از مشایخ ما، مرحوم آیه الله العظمی حاج سید مصطفی خوانساری (ره) می‌فرمودند یکی از نواده‌های ائمه که بعدها وقتی از دنیا رفته بودند، جسد مطهرش چند روز روی زمین بگه داشتند تا از ناحیه آن دستگاه سلطنتی جور، شخصی را بفرستند تا بر او نماز میت بخواند.  
 ۲. وسائل، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۳۳۲۰۱.



مراسم نماز با حضور حضرت ولی عصر (ع) در همان منزل صورت می‌گیرد و دفن هم محقق می‌شود. شیعیان خاص هم آن جا بودند. از همان جا هم امام ولی عصر (عج) غایب به غیبت صغرا می‌شوند.

از آن جا که جانشینان زمان، برنامه داشتند حضرت ولی عصر (ع) را شهید یا دستگیر کنند یا در حبس نگه دارند، غیبت صغرای حضرت شروع می‌شود.

این، خلاصه‌ای بود از جریان شهادت امام حسن عسکری (ع) و اوضاع سیاسی آن دوران که منجر به غیبت حضرت مهدی (ع) گردید. در غیبت صغرا، مقصود این بود که امام علیه السلام می‌خواستند مردم شیعه را برای غیبت کبرا آماده کنند.

بخش سوم:

### اشاره‌ای به مقطع غیبت صغرا

۱۰- در زمان غیبت صغرا، مردم از طریق نایبان خاص حضرت ولی عصر (عج) با ایشان ارتباط داشتند. غالباً، این ارتباط، ارتباط در کارهای اجتماعی و سیاسی و احیاناً فرهنگی بوده است. البته به طور کلی نوعی کارهای اجرایی را توأب خاص انجام می‌دادند.

بر این اساس، مرسوم نبوده است که روایات فقهی از این طریق به راویان ابلاغ شود.

### نقش مرحوم محدث اعظم، کلینی (ره)

مرحوم محدث اعظم، ثقة الاسلام کلینی (ره) (متوفی ۳۲۹ یا ۳۲۸)، کتاب شریف کافی را در همان عصر و زمان تألیف کرده و گویا در همان زمان در بغداد نیز تدریس می‌کرده است.

علی القاعده باید این کتاب عظیم را، از طریق توأب خاص به آن حضرت عرضه کرده باشد، ولی شاید بر اثر بعضی از جهات تقیه و یا برای موفقیت ادامه کار خود، مرحوم کلینی (ره)، به خصوصیات این رابطه در جایی - بر اساس آن چه تاکنون در دسترس ما قرار گرفته - تصریح نکرده است. شاید در جای دیگری به همین موضوع اشاره کرده باشد.

آن گونه که مرحوم کلینی (ره) توید داده، می‌خواسته کتابی وسیع تر و کامل تر از این کتاب - درباره سنت - که قاعدتاً شامل روایات زیادتر از آن چه در کافی فعلی بوده - تألیف کند. ممکن است در آن کتاب، موضوع رساندن نوشته‌هایش به حضرت ولی عصر، علیه السلام، را مطرح کرده باشد.

(مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در آغاز کتاب *مرآة العقول* در شعاع شرح همین کلمات مرحوم کلینی رحمته الله

مطلبی فرموده‌اند که قابل دقت و تأمل است.)

البته عبارت ایشان در کافی چنین است:

و أرجو أن يسهل الله جلّ و عزّ امضاء ما قدمنا من النية - إن تأخر الأجل - صنفنا كتاباً أوسع و أكمل منه نوفيّه حقوقه كلّها إن شاء الله تعالى و به الحول والقوة و إليه الرغبة في الزيادة في المعونة والتوفيق؛ و امیدوارم که خدای عزوجل آسان سازد - به گونه‌ای که - نیت گذشته ما را امضا فرماید تا اگر اجل مهلت دهد و عمری باشد، کتابی وسیع تر (مفصل تر) و کامل تر از این تصنیف کنیم و بنویسیم که تمام حقوق آن را ادا کنیم، به خواست خدا و به حول و قوه او درخواست فزونی و امید زیادی کمک و توفیق به درگاه او و تنها به سوی او است.

شایان ذکر است که این چنین کتاب مهمی، اگر تألیف فرموده بوده، به دست ما نرسیده است و ممکن است مانند کتاب مدینه العلم مرحوم شیخ صدوق (ره) مفقود شده باشد، ولی این نکته را متذکر می‌شویم که معنای این چند کتاب و فقدان آن، چنین نیست که بسیاری از وظائف شرعی از نظر فقهی به ما نرسیده باشد، بلکه شاید منظور مرحوم کلینی از تألیف چنین کتابی، تکثیر روایات در باب‌ها - که نوعاً آن روایات مؤید هم هستند - یا عنوان بندی‌های جدید و کامل تر باشد.

در بعضی از موارد، ایشان عنوانی برای باب ذکر نکرده است، بلکه تنها به عنوان «باب...» یا «باب آخر» و یا «باب النوادر» اکتفا کرده است. در اواخر کتاب کافی، در باب حدود، باب النوادر، چهل و پنج حدیث ذکر کرده است که می‌تواند هر کدام عنوانی جداگانه داشته باشد.

به هر حال، این جهات و مانند آن‌ها، جای بحث و تعقیب داشته است.

گرچه ممکن است تعبیر «صنفنا کتاباً أوسع و أكمل منه» مربوط به خصوص کتاب الحجّة کافی - که درباره امامت است - بوده باشد؛ چون، عبارت قبلی ایشان این است که «و وسعنا قليلاً كتاب الحجّة و ان لم نكملها على استحقاقه لانا كرهنا ان تبخس حظوظه كلّها و أرجو...»؛ یعنی ما اندکی کتاب حجت را توسعه و تفصیل دادیم، اگرچه چنان چه سزاوارش بود تکمیل نکردیم (و حق کامل آن را ادا نکردیم)؛ زیرا (ناگوار بود که آن را بکاهیم و) نخواستیم تمام بهره‌های آن را کاهش دهیم و امیدوارم...

از این عبارت استفاده می‌شود که چه بسا نظر ایشان تألیف کتاب اوسع و أكمل درباره مباحث حجت و امام شناسی بوده است. بر این اساس، قضیه ملاقات با حضرت و ارجاع نوشته‌ها، با کتاب

۱. و اتاجزم بعض النجاذین يكون جميع الكافي معروضاً على القائم (ع). لكونه في بلدة السفراء فلا يخفى ما فيه على ذي لب. نعم عدم إنكار القائم و آياته صلوات الله عليه و عليهم، عليه و هلى أمثاله في تأليفاتهم و روایاتهم من يورث الغن المتاعم للمعلم بكونهم (ع) راغبين بفعلهم و معجزين للعسل بأخبارهم. مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۲.

الحجة و کتابی که در آن شعاع منظور بوده، تناسب بیش تری دارد.  
در عین حال، برادر مرحوم کلینی (ره) که معروف به جناب شیخ اسحاق است - و گویا استاد صاحب کافی نیز بوده است - سؤالاتی را از حضرت ولی عصر (عج) کرده‌اند و آن حضرت جواب فرموده‌اند که در کتاب‌ها مذکور و مسطور است.  
به هر حال آن چه می‌توان گفت، این است که نواب خاص در آن زمان، ظاهراً چنین وظیفه و برنامه‌ای نداشته‌اند که احادیث را مانند زمان حضرت امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، جدا جدا درباره احکام بیان کنند. شاید یکی از اسرار آن، این باشد که اصول مباحث فقهی در آن زمان‌ها مطرح شده است که باید مورد استنباط و اجتهاد واقع شوند؛ زیرا، فرموده‌اند «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع».

### دوران غیبت کبرا

۱۱- غیبت صغرا، که حدود شصت و نه سال طول کشید، مردم را آماده ساخت تا غیبت کبرا شروع گردد.

در دوران غیبت کبرا دو مسأله اساسی مطرح بود:

۱- نیابت.

۲- زیارت.

آن چه بر اساس روایات، به طور کلی نفی می‌شود، داعیه نیابت و سفارت خاص از ناحیه حضرت است و آن چه از طرق متعدد قابل اثبات و تأیید است، امکان زیارت آن حضرت است.

دیدار آن حضرت در دوران غیبت، به دو گونه ممکن است:

۱- ملاقات بدون شناخت.

۲- ملاقات همراه با شناخت.

مهم آن است که انسان به چنان کمال و لیاقتی دست یابد که امام خویش را بشناسد و با معرفت عرض ارادت کند.

همان گونه که در این پژوهش نیز به آن اشاره شده است، در زمان غیبت کبرا، و حتی در ظهور صغرا، تا وقتی حضرت تشریف بیاورند، هیچ شخصی، ارتباط با اختیار خودش، با امام زمان (عج) ندارد، و اگر داشته باشد، هیچ کسی حتی نزدیک‌ترین افرادش نمی‌دانند.

بر این اساس اگر کسی بگوید:

«من ارتباط دارم»، و یا خبر بیاورد که آقا چنین گفته‌اند، او دروغگو است! چرا که دستور این است

که بگویند: «این گونه افراد کذاب اند.»

البته به هیچ وجه منکر دیدار و رؤیت امام زمان علیه السلام نیستیم، بلکه افرادی که خدمت حضرت رسیده‌اند و گواهی داده‌اند، از صالحان روزگار بوده‌اند. این، یکی از دلایل محکم بر وجود حضرت مهدی علیه السلام است.

ادعای ملاقات به عنوان سفارت و نیابت و تبلیغ و... طبق نص توفیق مبارک آن حضرت، منتفی است و مدعی آن، دروغگو است.

بر این اساس، خود مردم باید دقت داشته باشند و به گزافه‌گویی‌های افراد فرصت طلب اهمیت ندهند.

### حرکت در جهت جلب رضایت آن حضرت (ع)

۱۲- آن چه در روایات بر آن تأکید شده است، حرکت در جهت رضایت امام مهدی علیه السلام و پیروی از آن حضرت در گفتار و کردار است. بنابراین آن چه مهم است، تبیین وظایف منتظران در عصر غیبت امام است تا اگر توفیق ملاقات با امام دست داد، در حالت رضایت مندی آن بزرگوار باشد. درباره امکان تشرف نیز از متن دعاهایی که درباره حضرت مهدی علیه السلام است، می‌توان به امکان تشرف استدلال کرد. در این کتاب، به دعای عهد اشاره گردیده است:

وَ الْكُحْلُ نَاطِرِي بِنَظْرَةٍ مِّنِّي إِلَيْهِ؛ خدایا! با نگاهی به چهره آن عزیز، چشم مرا زینت نما.

و در دعای ندبه نیز آمده است:

وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى؛ ای کسی که دارای توان و نیروی شدیدی هستی، مولا و آقای این

عبد را به او نشان ده.

و پس از دعا، در سلامی که در سرداب غیبت حضرت مهدی علیه السلام خوانده می‌شود این چنین آمده است:

أَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ؛ ای خدا صورت و چهره مولایمان را به ما نشان ده.

در این کتاب گران سنگ، نویسنده و مؤلف گران قدر، چنین استنباط نموده که از تمام این دعاها و دعاهایی شبیه آن، استفاده می‌شود که تشرف به خدمت آن عزیز، نه تنها ممکن است، بلکه درخواست آن از خداوند تبارک و تعالی مستحب است.

نکته دیگر این که در طول تاریخ غیبت، اشخاصی موفق به ملاقات حضرت مهدی علیه السلام شده‌اند که در بخش‌هایی از این کتاب، به آن موارد اشاره شده است.

پرهیز از طرح مباحث غیر ضروری (دوری جستن از تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص)

۱۳ - در روایات فراوان، نشانه‌هایی برای ظهور امام مهدی علیه السلام بیان شده است، اما کیفیت دقیق و خصوصیات صحت کیفیت آن‌ها چندان روشن نیست. این روش و سبک، بستری برای تحلیل‌ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی گردیده است. گاهی بعضی در پی تطبیق علائم ظهور بر پدیده‌های موجود بر می‌آیند و بدین وسیله خبر از نزدیکی ظهور و احتمال قریب الوقوع بودن آن می‌دهند. این جریان نیز از آسیب‌های فرهنگ مهدویت است که گاهی به یأس و ناامیدی از ظهور می‌انجامد.

در طرح مباحث مهدوی، جامع‌نگری لازم است. در فرهنگ مهدوی، معارف بسیاری است که پرداختن به آن‌ها ضروری است.

پرداختن به بحث «ملاقات با امام زمان» و ترغیب و تشویق فراوان و به شکل افراطی نسبت به این موضوع، پیامدهای ناگواری دارد و باید پرهیز شود.

البته مؤلف گران قدر به این مسأله دقت کافی مبذول داشتند.

مراجعه و سپردن امور در دوران غیبت کبرا به فقهای جامع الشرائط

۱۴ - در این زمینه، فرمان حضرت به گونه توفیق مانند، صادر شده است:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛ در

رخ دادها و پیش آمدها (که در آینده روی خواهد داد)، به روایان احادیث ما (که با درایت در

احادیث و ژرف‌نگری در آن‌ها، دارای مقام فقاہت و استنباط هستند) رجوع کنید؛ زیرا، آنان

حجت من بر شمایند و من حجت خدایم.

در ارتباط با این توفیق شریف، که خود روایت ویژه‌ای است - از جهات مختلف، صرف نظر از

ناحیه سندی، مباحثی مطرح است که به برخی از آن‌ها اشاراتی خواهد شد.

اشاره‌ای به فضای صدور روایت (ساحة الصدور)

یک) منظور از «حوادث» علاوه بر احکام و مسائل شرعی، برنامه‌های قضایی و حکومتی و مانند

آن‌ها را نیز شامل است و تنها مسائل شرعی نیست، بویژه آن‌که حضرت ولی عصر (ع) در پایگاه اداره

امور مانند عاصمة بغداد که نائب خاص برای اجرای اموری داشته‌اند، و با توجه به این چنین فضای

خاص صدور، این بیان را با توجه به این گونه امور و موارد صادر فرموده‌اند.

در حقیقت فضای صدور چنین حدیث شریفی در ارتباط با این برنامه‌ها بوده است. دو) تعبیر «الْوَأَقِعَةُ» نیز از ناحیه احکام به مسائل مستحدثه و نوپیدا قابل انطباق است، علاوه بر آن که به متن جریان‌ات اجتماعی، سیاسی، مخصوصاً سیاست‌های بین‌المللی نیز منطبق است؛ زیرا، آن‌ها نیز از واقعیاتی است که عنوان «وَأَقِعَةُ» بر آن‌ها قابل صدق است.

شاید عنوان «واقعه» که بر قیامت نیز در قرآن کریم انطباق پیدا کرده، بنا بر تفسیر بنه جلوه‌ای از قیامت، بر اساس جدید بودن و نبودن آن است.

سه) عنوان «رجوع» در جمله «فَارْجِعُوا فِيهَا» نیز قابل دقت است. آن، هم رجوع در احکام - یعنی تبعیت از مجتهد و تقلید - است، و هم رجوع قضایی و حکمی. البته رجوع‌های اجتماعی و سیاسی بویژه در موضع‌گیری‌های سیاسی و داخلی جهانی نیز مطرح است. این مورد، برنامه و قضیه «ولایت فقیه» را تثبیت می‌کند. به عبارت دیگر رجوع در این موارد، تبیین موارد به حسب واقع است، نه تنها نسبت به ارجاع.

چهار) بیان «إِلَى رُؤَاةٍ» اشاره به مطالب خاصی دارد که در این فرصت، مجال بیان آن‌ها نیست، ولی به طور اجمال باید توجه داشت که منظور از «رواة»، تنها ناقلان و نقل‌کنندگان نیستند، بلکه کسانی است که به جد، روایت و درایت کلمات معصومان علیهم‌السلام از روایات نبوی و امامی را بر عهده دارند. آنان، با درایت و فهم کامل و تفقه دقیق و نظر در حلال و حرام، راوی هستند.

«رواة الحدیث» اشاره به مفاد و مفهومی دارد که در لسان ائمه‌ی معصوم علیهم‌السلام مطرح بوده است. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده:

يَنْظُرَانِ (أَنْظُرُوا) إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِنْ مَنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرِضُوا بِهِ حَكْمًا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ (بِحُكْمِهِ) بِحُكْمِنَا (بِحُكْمِ) فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى خَدِّ الشَّرِكِ بِاللَّهِ؛ نظر کنند (نظر کنید) به شخصی از خود شما که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر افکند و احکام ما را بفهمد، به حکمیت او راضی شوند، همانا من او را حاکم شما قرار دادم، اگر طبق دستور الهی حکم داد (و حکم الهی را بیان داشت) - و یا در مقام قضاء، حکم صادر کرد) و یکی از آن‌ها (و کسی از مردم) از او نپذیرفت، همانا حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است، و آن که ما را رد کند، خدا را رد کرده و این در مرتز شرک به خدا است.

پنج) راوی حدیث و ناظر در حلال و حرام؛ در این بخش «رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا» ارتباط

«راوی» و «ناظر در حلال و حرام» به وضوح استفاده می‌شود؛ زیرا، منظور از راوی - که روایت را مرتبط با نظر و دقت در حلال و حرام به عهده گرفته است - در این مقام کسی است که نظر علمی و دقیق و اجتهادی در احکام الهی داشته باشد و دقیقاً منطبق بر فقیه و مستنبط و مجتهد است.

شش) عارف به احکام؛ ظاهراً منظور از معرفت در احکام شرعی، شناخت موارد حکم‌های شرعی اسلامی است؛ زیرا، مراد از عرفان، در این مقام، شناخت‌های مشخص و جزئی و موردی است. به طور کلی فرق بین علم و معرفت این است که «علم»، شناخت کلی را شامل می‌شود، و «معرفت»، شناخت‌های جزئی نسبت به موارد احکام و مسائل شرعی را. شاهد این موضوع این جمله گویا است: «وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا» یعنی کسی که احکام ما را می‌شناسد و معرفت مشخص از حکم‌های الهی دارد، که این تعبیر در امتداد جمله گذشته انشاء شده است.

در موارد دیگری نیز این تعبیر وارد شده است.

از آن جمله در مورد قضا و حکم حاکم شرعی است:

اجْعَلُوا بَيْنَكُمْ رَجُلًا قَدْ عَرَفَ حَلَالَنَا وَ حَرَامَنَا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ قَاضِيًا؛ قرار دهید بین خودتان

مردی را که حلال و حرام ما را می‌شناسد، پس به درستی که من او را بر شما قاضی و حاکم قرار دادم.

هر چند مورد صدور این روایت، مورد قضا و حکم است، ولی معلوم است که قاضی کامل شرعی، همان فقیه و مجتهد مسلم است.

هفت) در واژه «حَدِيثًا»، اسراری نهفته است. از یک سو حدیث معصومان علیهم‌السلام اشاره به کیفیت استفاده آنان از قرآن کریم و چگونگی تعلیم استنباط از قرآن کریم را اشاره دارد، و از سوی دیگر به حقایق و اسرار کلمات معصومان علیهم‌السلام؛ زیرا، بدون رسیدن به حقایق و بلکه اسرار آن کلمات، عنوان «روایات» به سادگی صدق نمی‌کند.

بر این اساس، از طرفی راوی حدیث به «نظر در حلال و حرام» و «عارف به احکام» توصیف شده است. و از سوی دیگر «محدث» به «فقیه» توصیف شده است. به این قسمت از روایت دقت شود:

قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام اعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا بِقَدْرِ مَا يُحْسِنُونَ مِنْ رِوَايَاتِهِمْ عَنَّا فَإِنَّا لَا نَعُدُّ الْفَقِيهَ مِنْهُمْ فَحَقِيهَا حَتَّى يَكُونُ مُحَدِّثًا. فَقِيلَ لَهُ: أَوْ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُحَدِّثًا. قَالَ: يَكُونُ مِنْهُمَا وَ الْمُنْهَمُ الْمُحَدِّثُ؛

بشناسید قدر و منزلت شیعیان ما را به مقداری که از روایت ما نیک (فهمیده و) بیان می‌کنند؛

زیرا، ما فقیه از آنان را فقیه به حساب نمی‌آوریم، تا آن که محدث (حدیث شناس یا درایت) باشد. به حضرت عرض شد آیا مؤمن محدث است؟ حضرت فرمود: کسی که حدیث شناس با فهم و درایت باشد.»

در همین واژه‌های نورانی نیز به مراتبی از علم با درایت و کمال فهم و ذرک صحیح اشاره دارد که مصداق واضح و صریح آن، فقهای جامع‌الشرائط است.

البته عناوین دیگری نیز در روایات وارد شده که منطبق بر روایات صاحب نظر و فقهای مستنبط می‌باشد از آن جمله:

هشت) امین بر حلال و حرام خدا؛ درباره برخی از اعظام راویانی که واجد مقام فقاہت بوده‌اند، چنین رسیده است: «أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ»؛ آنان امینان خدا بر حلال و حرام الهی هستند.

نه) عیبه علم معصوم؛ درباره راویانی که نسبت به علوم امام معصوم علیه السلام خزانهدار اسرار بودند، چنین وارد شده است: «كَانُوا عَيْبَةَ عَلِمِهِ». آنان خزانهداران علم او هستند.

ده) مستودع السر؛ نیز به عنوان محل ودیعه اسرار و رازدار (رازنگه دار) امام معصوم علیه السلام چنین وارد شده: «مُسْتَوْدَعُ سِرِّي»؛ محل ودایع و امانت‌های سِر من هستند. (سِر معصوم منطبق بر حکم الهی است)

یازده) عناوینی نظیر: تجوم الشیعة؛ کاشف البدع؛ نافی نحلتهای باطل؛ نافی تأویل غالی و... نیز درباره آنان وارد شده است.

درباره راویان و اقوامی از اصحاب حضرت امام باقر علیه السلام، حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ الْأَرْضِ سُوءًا صَرَفَ بِهِمْ عَنْهُمْ السُّوءَ هُمْ تَجُومٌ شِيعَتِي أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتًا (هُمُ الَّذِينَ أَحْيَوْا) ذَكَرَ أَبِي (ع) بِهِمْ يَكْشِفُ اللَّهُ كُلَّ بِدْعَةٍ يَنْقُونَ عَنْ هَذَا الدِّينِ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَأْوِيلَ الْعَالِينَ؛ هرگاه خداوند متعال نسبت به اهل زمین سوء (بلا و عذابی) را اراده فرماید، برطرف می‌کند به واسطه آنان (راویان و فقیهان مجتهد) آن بدی و بلا و عذاب را از اهل زمین. آنان، ستارگان شیعیان من هستند، چه زنده باشند و در حال حیات دنیوی، و چه مرده و در حال حیات برزخی، آنان کسانی هستند که یاد پدرم (امام باقر، علیه السلام) را احیا کردند (نیز فقهای هر زمان که احکام الهی که از زبان معصومان صادر شده احیا می‌کنند). به سبب آنان، برطرف می‌کند خداوند هر بدعتی را، و دور می‌کند از این دین، گرایش‌های فرقه‌های باطل را و تأویل غلو

۱. وسائل، باب ۱۱۶ و تجوم الرجوع فی النقصان و الفتوی إلى روضة الحديث من الشيعة، ر ۱۲.

۲. وسائل، باب ۱۱۶ و تجوم الرجوع فی النقصان و الفتوی إلى روضة الحديث من الشيعة، ر ۱۲.

۳. وسائل، باب ۱۱۶ و تجوم الرجوع فی النقصان و الفتوی إلى روضة الحديث من الشيعة، ر ۱۲.



## کنندگان را.

دوازده) قائل بالقسط؛ قوام بالقسط؛ درباره همین گونه راویان، چنین رسیده است: «هُوَ لَاءِ الْقَائِلُونَ بِالْقِسْطِ» هُوَ لَاءِ الْقَوَامُونَ بِالْقِسْطِ؛ آنان گویندگان به قسط و عدل بوده و قائم کنندگان به قسط حقیقی و بهره و حظ آنان هستند.

## نتیجه

روایات با آن بیانی که در زمان حضرت ولی عصر (ع) ذکر شده، منظور خزانه داران روایات در طول زمان معصومان علیهم السلام است. با این جهت گیری کامل، اشاره به اجتهاد مطلق و استنباط کامل است. بدیهی است این چنین عنوان، جز بر فقها قابل انطباق نیست. پس از بیان این چند نکته اساسی، به وضوح می توان دریافت که چرا آنان حجّت الهی هستند؛ زیرا، جز با قرآن و روایات با درک عقلی صحیح، احتجاجی ندارند. حجّت آنان بر این اساس است. لذا تصریح فرموده است: فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ.

## سیزده) راوی حدیث، مبین حکم الله است

راوی حدیث با اوصاف ذکر شده حجّت است؛ زیرا با نقل از معصوم علیه السلام، گویی از خدای متعال حدیث را بازگو می کند. در این بخش از روایت، دقت کنید: «مُحَدَّثًا عَنِ إِمَامِهِ لَا عَن رَّبِّهِ لِأَنَّهُ لَا يُحَدِّثُ عَنِ اللَّهِ إِلَّا الْحُجَّةُ»<sup>۱</sup>. چهارده) حاکم به حکم الهی؛ گرچه این مطلب در ارتباط با حکم قضایی صادر شده که اگر چنین شخصی با اوصاف ذکر شده حکم کرد، ردّ بر او، در حدّ شرک به خدا است، ولی نسبت به فتوای مجتهد نیز این مطلب جریان دارد؛ زیرا، فتوا نیز به مانند حکم، در جهت استحکام، همان موازین را دارد. باید توجه داشت که جمله «إِذَا حَكَمَ (بِحُكْمِهِ) بِحُكْمِنَا (بِحُكْمِ)» با گوناگون بودن عبارات، معانی متعددی دارد.

اگر «بِحُكْمِهِ» باشد یعنی حکم او حکم الله است که بر اساس قرآن کریم حکم فرموده است. در آیات قرآن، اشاره به احکام شرعی و حکم ما انزل الله دارد، مانند: «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا حُكْمًا». نیز در آیه دیگری پس از آن که احکام شرعی را بیان فرموده، می فرماید: «ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ»<sup>۲</sup>. بنابراین منظور از «بِحُكْمِهِ»، حکم شرعی الهی است. این مطلب، با «بِحُكْمِنَا» نیز ملازمه دارد؛ زیرا، آن چه آنان می فرمودند، همان حکم خدا بوده است.

۱. وسائل، باب ۱۱۱ و تجرید الرجوع فی القضاء و الفتوی إلى رؤاؤ الحدیث من الشیخ، ر ۲۵.

۲. وسائل، باب ۱۱۱ و تجرید الرجوع فی القضاء و الفتوی إلى رؤاؤ الحدیث من الشیخ، ر ۲۸. ۳. سوره ۱۶۱ غنچه، آیه ۱۰.

هنگامی که «حُكْمِنَا» فرمودند، منظور حکم رسول و ائمه است که حکم الله است.

نیز «بِحُكْمِ» اشاره به همین مطالب و احیاناً حکم قضایی دارد.

به هر حال حکم شرعی الهی در هر عبارتی شامل است. البته بحث علمی در مبادی استنباط و نقد

نظریه در مسیر منتهی به فتوا، وجهه و سمت و سوی دیگری دارد.

### وظیفه عموم مردم؛ پذیرفتن حکم فقیه

این مطلب در چنین عنوانی به عنوان نتیجه طرح شده است.

#### نتیجه

استخفاف بحکم الله = رَاذَ عَلَى اللَّهِ فِي حَدِّ الشِّرْكِ؛ بر دیگران است که حکم این گونه فقیه را بپذیرند

وگرنه سبک شمردن فتوا و حکم الهی که از مجتهد صادر شده است، در حکم ردّ بر خدای متعال

است و کسی که ردّ حکم خدای تعالی را کند، در حدّ شرک حق متعال است و عنوان مشرک بالله بر او

منطبق است. البته از نظر احکام فقهی ممکن است به مانند کافر مشرک نباشد، ولی در بعضی از آثار به

منزله شرک به خدا به شمار می رود. از این جا معلوم می شود که پیام حضرات معصومین علیهم السلام، تا

حضرت ولی عصر، سلام الله علیه، نسبت به احکام و فتاوی مجتهدان، با چنین حالتی بیمه شده و

استواری و استحکام احکام انشا شده از آنان و فتواهای صادره آنان، مورد احترام و اهمیت و عمل

متدینان است.

یا توفیق حضور در ماه مبارک رجب المرجب ۱۴۳۰ در سرداب حضرت ولی عصر علیه السلام در آستانه

حضرت امام هادی و امام حسن زکی عسکریین علیهم السلام تجدید رؤیت شد و در ایام شهادت حضرت

موسی بن جعفر علیه السلام در حرم مطهر آن حضرت و حضرت امام جواد علیه السلام اضافاتی محقق شد.

قم المشرفه؛ مجلس دعا خیا و میثا و برزخاً

حاج میرزا محمد حسن احمدی فقیه

## به پاس بیش از نیم قرن، مجاهدت و تبلیغ دین مبین اسلام

عالم متقی، خطیب فرزانه، آیه الله حاج سید حسین هاشمی حفظه الله تعالی

در ماه محرم ۱۳۱۸ هجری شمسی، فرزندی از تبار کوثر دیده به جهان گشود که پس از گذراندن دوران خردسالی، هم‌زمان با فراگیری تحصیلات ابتدایی، به حفظ قرآن مجید رو آورد و در سن ۱۲ سالگی، به فراگیری دروس حوزوی مشغول گردید. معظم‌له، دروس سطح را نزد حضرات آیات عظام: علامه طباطبائی رحمته الله علیه، مشکینی رحمته الله علیه، نوری همدانی و سبحانی و... حفظهم الله تعالی فراگرفتند و از شاگردان ممتاز در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی، مرعشی نجفی و غیرهم رحمته الله علیه بودند. این خطیب فرزانه و عالم متواضع، زندگی پربار خویش را با تبلیغ آیین پاک محمدی صلی الله علیه و آله و سلم گره زدند و ضمن رسالت و عظمت و خطابه، کتاب‌ها و آثار ارزنده‌ای را نیز در سنین جوانی (۱۳۳۸ ش) تألیف نمودند که برخی از آنها به تقریظ بزرگانی هم‌چون آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالنبی نجفی عراقی رحمته الله علیه مزین گردید و مورد تحسین قرار گرفت. این عالم مجاهد، در رژیم ستم‌شاهی، در منابر، مردم را به مبارزه علیه رژیم منحوس پهلوی دعوت نموده، با سخنرانی‌های پرجاذبه، نقش مؤثری در به وجود آمدن شور و شعور سیاسی و انقلابی در بین مردم می‌گردید.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و صدور فرمان امام خمینی رحمته الله علیه، مبنی بر تشکیل بسیج همگانی و ارتش بیست میلیونی، منزل مسکونی خویش را پایگاه مردمی قرار داد و در راه آموزش نظامی، عزیزترین فرزندش را که هشت سال بیشتر نداشت، تقدیم انقلاب اسلامی نمود. از سوی دفتر پیرمردش امام خمینی رحمته الله علیه، تقدیرنامه‌ای برای این روحانی دلسوز صادر گردید و از «مجاهدت ایشان در راه اسلام و شهادت فرزندشان» تجلیل شد.

این افتخار و ستاره پر فروغ حوزه علمیه، که ایمان، تقوی، تهجد، تواضع و فروتنی از جمله صفات پسندیده ایشان می‌باشد، در سال‌های دفاع مقدس نیز با حضور پر رنگ در جبهه‌های حق علیه باطل، سنگر به سنگر، رسالت حسینی را ابلاغ نمود و در پشتیبانی جبهه‌ها نیز بسیار کوشید.

اکنون هزاران هزار انسان شیفته اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، از بیانات ارزنده معظم‌له بهره‌مند گشته و به راستی، در زمره شاگردان ممتاز مکتب امام جعفر صادق علیه السلام و از سربازان صدیق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند، که با خدمتی صادقانه و با تلاشی وصف‌ناپذیر بیش از نیم قرن، رسالت تبلیغ را بر عهده دارند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا»

از درگاه ایزد متان، طول عمر بابرکت، همراه با سلامتی و صحت‌شان را خواستاریم.

## شراره عشق مهدوی

### عنايات امام عصر (عج)

چشم به راه عنایت‌هایی از امام عزیز و سرور مهربان به سر می‌بریم و همچنان این «پیمانانه ارزش‌ها» را در آرزوی درک فیوضات معنوی به دست گرفته‌ایم و از برکات آن برخوردار هستیم، و پیوسته انتظار می‌کشیم که مطالعه‌کنندگان این ارمغان پراج روز به روز بیش‌تر شوند، تا شیفتگان حضرت مهدی - عجل الله فرجه الشریف - از شمار بیرون رود.

### آینه تمام‌نمای حق و واسطه شناخت خدا

فلسفه آفرینش، رسیدن به معرفت خداست، اما این معرفت حاصل نمی‌شود مگر به معرفت امام و حجت عصر (عج)، زیرا امام آینه تمام‌نمای حق و واسطه شناخت خداوند است. امام حسین (عج) فرمود:

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ، الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ شناخت خدا این است که اهل هر زمانی، امام خویش را که باید از او فرمان برد بشناسد.

تنها راه خداشناسی در عصر و زمان ما، مهدی‌شناسی است، چرا که او جلوه تام حق و آینه‌دار صفات جمال و جلال الهی است.

پس هر کس اراده خداشناسی دارد، جز مهدی‌شناسی راهی ندارد، چرا که خدا را فقط از نگاه و منظر معصوم زمان (عج) می‌توان شناخت.

۱. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۰.

۲. سرور و سالار ما، هم در آفرینش و چهره‌شبه‌ترین آفریدگان به رسول خداست و هم در اخلاق و سیره. از این رو بررسی چهره و سبزه محمدي می‌تواند چونان آینه‌ای تمام‌نما، سیمایی کامل از چهره و سیره مهدوی را فرآوری ما بنمایاند. (از سیدری کاشانی)

طینین نغمه الله اکبر

خوش آن روزی که برخیزد ز کعبه

نستار او کنیم این جان شیرین

خوش آن روزی که ما بر عهد دیرین

بر پژوهشگران گران قدر واجب است، تا در خصوص اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی و شخصیت والای حضرت امام خمینی علیه السلام از نظر زمینه سازی انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام و بیان وظایف منتظران در این عرصه مبارک، گام های مؤثری بردارند و با تحکیم مبانی انقلاب، آرمان های متعالی امام راحل علیه السلام و منویات مقام عظمای ولایت، حضرت آیه الله العظمی خامنه ای، دامت برکاته، برای سالم سازی پیش تر فضای جامعه، اقدامات مؤثری انجام دهند. هر چند در این کتاب نیز به مفهوم واقعی انتظار و بیان وظایف منتظر راستین اشاره گردیده است، اما با طرح مباحثی هم چون تزکیه و خودسازی، بصیرت و معرفت، مجاهدت و شجاعت، حضور فعال و خالصانه در عرصه های مختلف انقلاب، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، صبر و شکیبایی در مسیر مواجهه با شیاطین درون و بیرون و نیز دفاع از ارزش های انقلاب و شهدا، رسالت اسلامی و انقلابی به خوبی انجام می شود تا قلب نازنین آن غایب همیشه حاضر مسرور گردد و نائب برحق حضرتش را نیز از خود خوشنود سازد. ان شاء الله.

به امید آن روز که بر گرد شمع وجودش حلقه زینم و پروبال به شعله عشقش بسوزانیم و محو و مات جمال دلربایش شویم و دیگر اشک حسرت نریزیم و آه یتیمانه نکشیم. در کتاب حاضر، سعی شده، تا معرفت و شناخت لازم را نسبت به آن یگانه عصر ارتقا بخشیم و به این بهانه، توفیق جرحه نویسی از جام ولایت و معرفت و دعای خیر آن حضرت را از خداوند طلب نماییم.

آرزو مندیم که به ما توفیق خدمت خالصانه، توأم با معرفت و بصیرت عنایت فرموده و همگان در پرتو تزکیه و مجاهدت و خدمت، در زمره سربازان صدیق آن امام همام قرار گرفته و با فعالیت سازنده و بالنده خویش، در عرصه های گوناگون، نهضت همیشه سبز خمینی عزیز علیه السلام را به انقلاب جهانی آن حضرت (عج) پیوند زنیم.

### تقدیم به استاد الفقهاء والمجتهدین، سیدنا الاستاد حضرت امام خمینی علیه السلام

تقدیم به شخصیت عظیم الشان عصر حاضر، استاد فرزانه و کبیر، پیرمُراد، امام خمینی (ره) که سالیانی در محضر مقدس اش استفاده های ارزنده ای برده ایم؛ آن که یاور و غم خوار مستضعفان بود. این تألیف در باره امید مستضعفان جهان، مهدی

موعود (عج) است. سروده زیبای آن یگانه عصر و دوران، معمار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی ره را در طبیعه سخن می آوریم که چه زیبا سرودند:

آتش از عشق در جانم فکندی، خوش فکندی  
 من که جز عشق تو آغازی و پایانی ندارم  
 هر چه گوید، عشق گوید، هر چه سازد، عشق سازد  
 من چه گویم؟ من چه سازم؟ من که فرمانی ندارم  
 سر نهم در کوی عشقت، جان دهم در راه عشقت  
 من چه گویم؟ من به جز عشقت سر و جانی ندارم!

اینگ ماییم و این توصیه الهی!

ماییم و این بشارت نبوی! ماییم و میراث داری محبت مهدوی!

بر دامان پاک و نورانی مادران و پدران این مرز و بوم، هزاران درود و سلام که سودای محبتش را در سرای دل های فرزندان به ودیعت نهادند؛ چرا که اول سرمایه قدم نهادن در هامون عشق مهدوی، اصلاط شامخ پدران و ارواح مطهر مادران است:

«پس ما که نسیم دل افروز محبت مهدوی را در قلب داریم، به روح پاک مادرانمان تحیت و دعا می فرستیم»<sup>۱</sup>

و اینک با هدای درود و سلام بی پایان به ساخت ارواح مطهر پدران، مادران، عالمان، معلمان، شهیدان و امام شهیدان، با مددگیری از انقاس قدسی مولایمان و تأییدات علما و مراجع بزرگوارمان، برآئیم تا با شعله و سازای «عشق مهدوی» شور و شوقی دیگر در میان مسلمانان افکنیم، و «محبت مهدوی» را پیش چشم جهانیان، به نهایت درجه تجلی و ظهور برسانیم. ان شاء الله.

### پرهیز از مدعیان دروغین

یکی دیگر از نکاتی که باید به آن دقت داشته باشیم، ظهور مدعیان دروغین در این جریان مقدس است. در طول سالیان غیبت امام مهدی عج افرادی به دروغ ادعا کرده اند که با آن حضرت، ارتباط خاص دارند و یا از سوی آن بزرگوار، به مقام نیابت خاص رسیده اند.

امام زمان عج در آخرین نامه خود به نایب چهارم، تصریح فرمودند:

تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت، کارهایت را سامان ده و درباره جانشینی از خود،

۱. استاد عظیم الشان، مرجع عالی مقام، حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی، دامت برکاته، چنین زیبا می فرمود:

اگر دوستی پیدا شود، پشت کوه قاف هم که باشد، تو را می کشاند و بالاخره به محبوب می رساند؛ یا در خواب و یا در بیداری، یا به خودش و یا به مقربانش. هیچ گنمی، هیچ ذکر و وردی، هیچ طلسم و اسی بالآخر از محبت نیست، نزدیک ترین راه برای رسیدن به درگاه خدا و پیشگاه قطب عالم امکان، محبت به آن بزرگوار است.

باید محبت در وجودت مستقر شود. باید به پایه ای برسد که در فراق او بسوزی، بنالی، اشک بریزی، در طلب حقیقی اش بر آیی و حسنه و مانده نشوی! مولای من! دوستداران تو را چه مقام و منزلتی است که خداوند خود دوستدار آنان گشته است؟!

آری، آری! تو آن محبوب خدایی که در سابه عشق پاکت می توان از کوتاه ترین راهها به محبت و محبوبیت خدا رسید!

پیر من، مراد من، تو بمنای محبتی! خورشید جاودانه هدایتی! گوشه زلال تربیتی! تندیس آستان عدالتی!

(مهری مغانی)

به هیچ کس وصیت نکن که غیبت کامل فرا رسیده است... و در آینده بعضی از شیعیان من ادعای مشاهده (و ارتباط با من) می‌کنند. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه (آسمانی) ادعای مشاهده داشته باشد دروغگو است.<sup>۱</sup>

با این بیان روشن، هر شیعه آگاهی وظیفه دارد، مدعیان نیابت خاص و ارتباط با امام را تکذیب کند و راه نفوذ و سودجویی این فرصت‌طلبان و دنیا خواهان را ببندد.

بعضی از این دروغگویان پا را فراتر نهاده و پس از ادعای نیابت، مدعی مهدویت شده‌اند و در پی این ادعای باطل، مکتب و فرقه‌ای انحرافی را بنیان نهاده‌اند و زمینه انحراف اعتقادی عده بسیاری را فراهم کرده‌اند، که با مطالعه تاریخچه این گروه‌ها روشن می‌شود که بسیاری از آنان با پشتیبانی و حمایت استعمار به وجود آمده و ادامه حیات داده‌اند.

روشن است که شکل‌گیری گروه‌های منحرف و پیوستن و اعتماد کردن افراد به مدعیان مهدویت یا نیابت امام عصر علیه السلام، ریشه در جهل و نادانی آن‌ها دارد.

شوق فراوان به دیدار امام علیه السلام بدون معرفت و آگاهی کافی نسبت به آن حضرت و غفلت از وجود شیادان در این عرصه، زمینه‌ساز ارتباط با مدعیان دروغین می‌گردد.

بنابراین شیعیان منتظر باید با آگاهی کافی از معارف ناب مهدویت خود را از دام شیادان و نیرنگ‌بازان حفظ کنند، و با پیروی از علمای متعهد شیعه، در مسیر روشن مکتب، گام بردارند.

این تالیف را به روح پاک و مطهره بسیجی هشت ساله، شهیده فخرالسادات هاشمی در آستانه‌ی سی و یکمین سال شهادتش تقدیم می‌کنیم؛ او که از ذراری حضرت رسول صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام بود و در راه دفاع از ولایت، در قالب ارتش بیست میلیونی، به ندای رهبرش لبیک گفت.

وجه زیبا فرمود مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، حفظه الله تعالی که: «یاد شهدا، باید همیشه در فضای جامعه زنده باشد. خاطره شهدا را باید در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت. زنده نگه داشتن یاد شهدا، باعث تداوم حرکت انقلاب ما است. عزت امروز اسلام، ثمره خون شهداست.»

### مهم‌ترین وظیفه در عصر غیبت

اقتدا به شهدا و تقویت روحیه شهادت‌طلبی در وجود خویش و در جامعه و انتقال این روحیه به نسل آینده، از مهم‌ترین وظایف، در عصر غیبت است.

یکی از میان‌برترین راه‌ها در عرصه پاکی و تهذیب نفس، تحصیل روحیه شهادت‌طلبی است، به

گونه‌ای که انسان خود را سرباز عاشق و فدایی امام زمان (عج) بداند و آماده هرگونه جان فشانی در رکاب امام خویش باشد.

روحیه شهادت طلبی، کیمیاست؛ کیمیایی که انسان را از هزاران درد بی درمان روحی و اخلاقی به یکباره نجات بخش است.

اگر چه ماتمشان داغ بر جگر بسته است	زمینه ساز ظهورند شاهدان شهید
بسنا که دست دعا را ز پشت سر بسته است	کرامتی که ز خون شهید می جوشد
که چشم و گوش حریفان همسفر بسته است	در این رسالت خونین بخوان حدیث بلوغ
در این میانه مرا گرچه بال و پر بسته است	قسم به شهد شهادت که پرواز خواهم کرد

در این مقام، این کلام ارزشمند را متذکر شویم:

در حریم محبت، اصالت فقط برای یک نقطه است: «قُلِ اللَّهُ ثُمَّ دَرُّهُمْ»<sup>۱</sup> بگو: خدا، پس بقیه را واگذار!

همان نقطه‌ای که تمام پیامبران و امامان آمده‌اند تا ما را به سوی آن متوجه سازند. همان نقطه‌ای که حتی محبت به امام زمان (ع) نیز در آن اصالت خود را از دست می‌دهد. باری، عشق و محبت، فقط و فقط از آن خداست. و امام زمان (ع) را نیز از آن جهت دوست می‌داریم که بنده صالح و محبوب خداست. به او عشق می‌ورزیم، چون وجودش شعاعی از وجود خدا و عشق به او، نشانی از عشق خداست... چنین محبتی کیمیاست و چنان دلی، تجلی گاه عشق کبریا؛ دلی که امام زمانش را فقط برای خدا دوست می‌دارد نه برای خود!

۱. امام شهادت مظلومان حضرت صدیقه کبرا، لاطمه زهرا (ع)  
جمادی الثانی ۱۲۳۰ هجری قمری - خرداد ۱۳۸۸ هجری شمسی  
قم المشرفه - مسجد قبا - الاحقر: حاج سید حسین ماشینی



# فصل اول

## انتظار

## غزل انتظار

نگذار مردابی شویم ای روح دریایی  
ما را ببر با جذبه ی موجی تماشایی  
دیگر دلم سیر است از دل‌های پا درخاک  
دیگر دلم سیر است از دل‌های دنیایی  
حتی بهاران بوی غربت می‌دهد این جا  
دور از تو می‌خوانند گله‌ها، شعر تنهایی  
خورشید من! لطفی که برخیزد دلم از خاک  
صبحی که می‌خواهی نقاب از چهره بگشایی  
سروش‌ها خواهد شد زمین از مهربانی‌ها  
لبریز خواهد شد جهان از عشق و زیبایی  
با بارش دست تو در آدینه ی موعود  
از برق چشمان تو در آن صبح رؤیایی

## حقیقت انتظار و آثار سازنده آن

آیا ایمان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام با هدف از بین بردن ریشه‌های ستم و بیداد و ایجاد عدالت در جهان، آثار منفی دارد؟

یا این که اثر سازنده تربیتی دارد؟

آیا موجب تحرک و بیداری است؟

یا این که رکود و فرار از مسئولیت‌ها را به وجود می‌آورد؟

و ده‌ها سؤال دیگر از این قبیل...

برای دست‌یابی به این مهم، لازم است نگاهی به روایات اسلامی داشته باشیم و آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم.

شخصی از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید: اگر شخصی معتقد به ولایت پیشوایان و ائمه معصومین علیهم السلام باشد، و انتظار ظهور حکومت حق (ظهور مهدی) را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود، چگونه مرده است؟

حضرت امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود:

او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب، در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد - سپس

کمی سکوت کرد - و فرمود: مانند کسی است که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در «مبارزاتش» همراه

بوده است.

۱. تنها ناباکر ادگاتند که از جذبۀ عشق مهدی به طور کامل بی‌بهره‌اند، جذبۀ عشق مهدوی، تنها جذب کننده دل‌های پاک‌زادان و نورانی کننده قلب‌های مؤمنان است. این ماییم که باید شراره عشق و جذبۀ محبت او را لبیک گوئیم؛ چرا که او همواره در انتظار لبیک ماست.  
۲. هو بستره من کان مع القائم فی فسطاطه - ثم سکت خیمته - ثم قال هو کمن کان مع رسول الله»

این گونه تعبیر، از مسأله «انتظار و جهاد» اهمیّت انتظار را یادآور می‌شود. از سوی دیگر در زاویت متعددی، انتظار به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، بِالْأَتْرَيْنِ أَعْمَالِ أُمَّتٍ مِنْ، أَنْتِظَارِ فَرَجٍ مِنْ نَاحِيَةِ خَدَا كَثِيْدِنِ اسْت. .

### مفهوم انتظار

معنای کلی انتظار؛ یعنی چشم داشت همیشگی به این که وعده بزرگ الهی روی دهد، و روزی قرا رسد که بشر در سایه عدالت کامل به رهبری حضرت مهدی (عج) زندگی کند، با این وجود، برداشت‌های گوناگونی از آن آرایه شده است.

دو برداشت عمده که محققین معاصر به ذکر آن پرداخته‌اند، از این قرار است:

۱. انتظار به معنای قیام و انقلاب علیه دولت‌های ظالم و غاصب و مبارزه با فساد و تباهی برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام و شکل دهی به حرکت اصلاحی و سازنده.
۲. انتظار به مفهوم انزوا، بی تفاوتی و بی اعتنائی نسبت به حکومت‌های نامشروع و بی توجهی نسبت به اصلاح جامعه.

یکی از محققین در این باره می‌نویسد:

پارسایان شیعی، با الهام از فلسفه انتظار، همواره در جست و جوی کسی بوده‌اند که جامع شرایط نیابت باشد و سلطنت آسمانی را در زمین مستقر سازد و به شرارت‌ها پایان دهد. چون جمع چنین شرایطی در شخص واحد، به آسانی میسر نیست و یا در صورت تحقق، موانع زیادی در راه تشکیل دولت صالح وجود دارد، شیعه با یک ارزیابی منفی از شرایط عملاً خود را از حوزه اقتدار سیاسی حاکم کنار کشید، ولی به لحاظ نظری هم چنان بر همراهی دین و دولت مضر بود. انزوال و انقطاع از اقتدار سیاسی جامعه، در عمل دو صورت متفاوت پیدا کرد: ۱ - کناره‌جویی پارسایانه و بی تفاوتی نسبت به تحولات سیاسی پیرامون؛ ۲ - تلاش فعالانه برای تصاحب کردن یا منقاد ساختن قدرت سیاسی حاکم جهت رعایت اصول و مقررات شریعت.<sup>۲</sup>

معاصرین برقی طبق بحارالانوار، ط قدیم، ج ۱۳، ص ۱۳۶.

۲. تاریخ الغیبه الکبری: سید محمد صدر، ص ۲۳۶.

۱. بحارالانوار ج ۵۲، باب ۲۲ فضل انتظار الفرج، ص ۱۲۸.

۳. مقاله دین و دولت، شجاعی زند، ص ۱۲.

بنابراین، نتیجه پای بندی به این برداشت از مسئله «انتظار» توقف هرگونه اقدامی، در جهت ایجاد دولت شیعی و اجرای حدود و قوانین اسلامی است، و این که در شرایط موجود به دلیل ظلم و ستم غاصبان و تحریف امام معصوم علیه السلام، زمینه تشکیل حکومت اسلامی به رهبری امام از بین رفته است، و تا فراهم آمدن شرایط مطلوب، چنین امری به تأخیر خواهد افتاد که مسئولیت آن با ستم‌گران و غاصبان منصب امامت خواهد بود.

### نظریه علامه متفکر، آیه الله، استاد شهید مطهری رحمته الله علیه

حال که زمینه بحث روشن گردید، بیان ارزنده استاد متفکر آیه الله شهید مرتضی مطهری رحمته الله علیه را مرور می‌کنیم که به اختلاف برداشت‌ها در این زمینه به خوبی توجه داشته و آن‌ها را به دو گروه سازنده و ویرانگر تقسیم می‌نماید:

### انتظار فرج دوگونه است:

۱. انتظار سازنده، تحرک بخش و تعهدآور، که عبادت است، بلکه از با فضیلت‌ترین عبادات به شمار می‌آید.

۲. انتظاری که ویرانگر، بازدارنده و فلج‌کننده است و نوعی اباحت‌گری محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

### انتظار ویرانگر

مهدویت و انقلاب مهدی موجود، در نظر قشری از مردم، این گونه است که فقط با گسترش و اشاعه و رواج ظلم و تبعیض و تباهی، شکل می‌گیرد.<sup>۲</sup>

این برداشت قشری از مفهوم انتظار، سبب شده است که عده‌ای در لزوم تشکیل حکومت اسلامی و انقلاب علیه ستم‌گران تردید کنند و بگویند که برای تشکیل حکومت اسلامی باید به انتظار فرج صاحب آن بود.<sup>۳</sup>

بر این اساس «انتظار» معمولاً به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند.

یعنی ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه با آن‌ها از یک سو، و

۱. امامت و غیبت: سید مرتضی رحمته الله علیه.

۲. آتشی از عشق در جانم فکندی، جوش فکندی  
هر چه گویند، عشق گویند، هر چه سازد، عشق سازد  
سرانهم در کوی عشقت، جان دهم، در راه عشقت

۳. قیام و انقلاب مهدی، استاد متفکر آیه الله شهید مرتضی مطهری، ص ۹۶.

۴. شاید در استای چنین نگرش‌هایی بوده است که برخی از فقیهان نخستین قرون پس از غیبت، به دین ستم‌انگام از خمیس و مانند آن فتوا دادند. آنان بر این عقیده بودند که آن حضرت پس از ظهور و قیام این اموال را برای اصلاح جامعه اسلامی مصرف می‌کند. *الروضه البهیة*، شهید ثانی، ج ۱، ص ۱۳۵.

من که جز عشق تو آغازی و بنیانی ندارم  
من چه گویم؟ من چه سازم؟ من که فرمانی ندارم  
من چه گویم؟ من به جز عشقت سرو جانی ندارم  
(امام خمینی رحمته الله علیه)

خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر. با دقت در این گونه انتظارها در می‌یابیم که چنین انتظاری، سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است.

### سیدنا الاستاد حضرت امام خمینی (ره)، احیاگر مفاهیم فراموش شده

در قاموس مفاهیمی که بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران تدوین آن را آغاز فرمود، واژه‌هایی چون جهاد، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر و... که سال‌ها به فراموشی سپرده شده بودند، حیات دوباره یافتند، هم‌چنان که واژه «انتظار» که سال‌ها با سکون و سکوت، تحمل ظلم و دم فرو بستن و در یک کلمه، ماندن و در جا زدن به امید برآمدن دستی از غیب، مترادف شمرده می‌شد، مفهومی دیگر یافت و این بار «انتظار» نه به عنوان عاملی برای خاموش ساختن روح سرکش اجتماع، بلکه به عنوان ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد. برای آشنایی هرچه بیش‌تر با مفهوم «انتظار» در فرهنگ و آراگان امام راحل علیه السلام، و درک نقش عظیمی که آن فرزانه دوران در احیای اندیشه انتظار داشتند، بیان ارزنده استاد عظیم الشان، حضرت امام خمینی علیه السلام را یادآور می‌شویم. امید که نسبت به ساحت مقدس بزرگ احیاگر اندیشه اسلامی، وظیفه شناس باشیم.

### انتظار، زمینه ساز، قدرت اسلام

حضرت امام خمینی علیه السلام با توجه به شناخت عمیقی که از وضعیت اجتماعی سیاسی مسلمانان در عصر حاضر داشتند، احیای هویت اسلامی و بازگشت به خویشستن راه، تنها راه تجدید عظمت و قدرت اسلام و مسلمانان در جهان دانسته، و این موضوع را سرلوحه دعوت خویش قرار دادند و فرمودند:

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود، برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و

۱. یکی از شخصیت‌های برجسته دین و حوزه، و نماینده گرانقدر امام خمینی (ره) در کویت، حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید عباس مهنری (ره) بودند. اندیشمند فرهیخته، استاد سید جواد مهنری، در جلسه‌ای [به محقق این کتاب] فرمود: فلانی [آقای سید جواد] مرحوم «آقا» سحرها که برای نماز شب بیدار می‌شد، دور حیاط راه می‌رفتند و گریه می‌کردند؛ هم بر بنای تقوا و خداترسی، و هم به خاطر دعا در تعجیل ظهور حضرت ولی عصر (عج)، این رفتار مرحوم «آقا» خیلی شبیه به پیرمردش امام خمینی (ره) بود. حضرت آقای جواد مهنری، در نمایشگاه کتاب سال ۱۳۸۷ که تشریف آورده بودند، مطالب فوق را مطالعه نمود، فرمودند: «بله، همین‌گونه بوده، عرض کردم؛ چون مرحوم آقا» خیلی علاقه‌مند به امام بودند، این مطلب را در ذیل این صفحه آوردم.

### فزون طلبی صاحبان قدرت، پول و قریب را نگیرد<sup>۱</sup>

از آن جا که انتظار موعود، یا به عبارتی انتظار تحقق وعده الهی در خاکمیت جهانی دین اسلام می تواند در احیای هویت اسلامی مسلمانان و مقابله با روحیه خودباختگی و احساس حقارت در مقابل فرهنگ و تمدن مغرب زمین بسیار موثر باشد، حضرت امام خمینی علیه السلام با ژرف اندیشی تمام، احیای فرهنگ انتظار را به عنوان یکی از ارکان مهم احیای هویت اسلامی و وسیله ای برای تحقق دوباره قدرت و شوکت گذشته مسلمانان در جهان مد نظر قرار داده و در اولین سال استقرار نظام اسلامی ضمن بیان مفهوم «انتظار فرج» و وظیفه منتظران حضرت صاحب الامر علیه السلام را چنین برشمردند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود.<sup>۲</sup>

چنان که ملاحظه می شود در مفهومی که حضرت امام خمینی علیه السلام از «انتظار» ارائه می دهند، نه تنها از سکون و سکوت و تن دادن به وضع موجود خبری نیست، بلکه صحبت از تلاش و کوشش برای تحقق قدرت اسلام و آماده شدن زمینه ظهور است، که این با مفهومی که سال ها سعی می شد از «انتظار» در اذهان مردم جا داده شود بسیار فاصله دارد.<sup>۳</sup>

به نظر مؤلف، این یکی از زیباترین کلمات درباره مسئله انتظار و حکومت حضرت مهدی (عج) است. امید که از این رهنمودها، بیشترین بهره را برده و آن کلمات دُرریار را در زندگی مادی و معنوی خود به کار ببندیم. ان شاء الله.

### احیای اندیشه انتظار

انقلاب شکوهمند اسلامی، که در واقع انقلاب زهائی بخش مردم مظلوم و ستم کشیده ایران، از چنگال رژیم منحوس پهلوی ستم گر بود، به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام، انجام گرفت، که نه تنها باعث دگرگونی در صحنه حیات اجتماعی - سیاسی مردم مسلمان ایران شد، بلکه منشأ تحولی بزرگ در فرهنگ و آرزوها و مفاهیم اسلامی گردید.

یکی از محققین گرانقدر، حفظه الله، در این باره می نویسد:

به برکت این انقلاب (اسلامی)، بسیاری از واژگان معنایی نو یافتند و بسیاری از مفاهیم

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۱۸

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵

۳. بنگر: شناخت زندگی بخش، فاضل معریز، ابراهیم شفیعی سروستانی.

فراموش شده، حیات دوباره پیدا کردند. امام راحل است به مدد پشتوانه غنی فکری و مبنای نظری خود، که مبتنی بر منابع و متون اصیل اسلامی و به دور از هر گونه شائبه التقاط و خودباختگی بود، در طول حیات پربرکت خود دست به تدوین قاموسی عظیم از مفاهیم اسلامی زد که در سراسر تاریخ حیات فکری - فرهنگی مردم مسلمان ایران بی سابقه بود، زیرا در این قاموس، واژه ها نه در صفحات محدود کتاب بلکه در صفحه ای به گستردگی زندگی اجتماعی - فرهنگی مردم معنا می شد.

بیا وگرنه در این انتظار خواهم مُرد

اگر که بی تو بیاید بهار، خواهم مُرد!

به روی گونه‌ی من اشک سال‌ها جاری ست

و زیر پای همین آبشار خواهم مُرد

خبیر رسید که تو با بهار می‌آیی

در انتظار تو من تا بهار خواهم مُرد

پدر که تیغ به کف رفت، مزده داد که من

به روی اسب سپیدی، سوار خواهم مُرد

تمام زندگی من در این امید گذشت

که در رکاب تو با افتخار خواهم مُرد!

غنچه‌ی لبخندهایت چیدنی

با نگاهی روشن و بخشیدنی

مثل گل‌های چمن بالیدنی

می‌شدی یک آرزوی دیدنی

کاش یک شب می‌شدی تابیدنی!

ای طلوع چشم‌هایت دیدنی

کاشکی می‌آمدی از دورها

می‌شدم در دست‌های گرم تو

می‌شدی یک آفتاب دسترس

ای فروغ چشم‌های انتظار



## آثار سازنده انتظار

باور دینی انتظار، در مورد حجت خدا، چندین آثار مثبت و سازنده دارد:

۱. این اعتقاد، که ریشه در اعماق فرهنگ اصیل اسلامی دارد و از «قرآن و سنت» گرفته شده است، سبب اتحاد و قوت قلب و تصمیم‌گیری و اهتمام شدید افراد نسبت به انجام تکالیف و وظایف شرعی می‌شود.

۲. موجب خلوص نیت و تهذیب نفس و رشد اخلاقی در فرد و اجتماع می‌گردد.

چنین اعتقادی با این نظریه که «غیبت» باعث تفرقه و ضعف و سستی در مردم می‌شود، مغایرت اساسی دارد؛ زیرا، این اعتقاد و باور دینی بهترین وسیله انذار نسبت به کارهای منفی و خلاف اخلاق است، و مردم را از ارتکاب معاصی و گناهان باز می‌دارد.

۳. اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، بهترین عامل تشویق و ترغیب به کارهای خیر و اعمال صالح است.

به همین جهت، همان گونه که قبلاً نیز ذکر شد، در روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام رسیده است، انتظار از برترین اعمال شمرده شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛<sup>۱</sup> بالاترین اعمال امت من انتظار فرج از

ناحیه خدا کشیدن است.

بدون شک، انتظار فرج، هنگامی از برترین عمل‌های امت خواهد بود که شخص منتظر سعی کند،

تمام اعمال و کردار خود را بر اساس موازین اسلام و بدون سهل انگاری انجام دهد. این جا است که باید گفت: کسانی که اسلام را طبق سفارش پیامبر از اهل بیت آن حضرت گرفته‌اند، هیچ مشکل فکری و عقیدتی نسبت به اعتقادات اسلامی ندارند. زیرا ائمه اطهار علیهم‌السلام، در طول دو بیست و پنجاه سال بعد از پیامبر، تمام مسایل اسلامی را با بهترین شیوه بیان فرموده‌اند و چیزی را ناگفته نگذاشته‌اند؛ اما کسانی که دنبال پیگانگان رفته‌اند، هیچ وقت طعم شیرین معارف اسلام و قرآن را نمی‌چشند؛ زیرا، از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ، مَثَلُ كَثْبِي نُوْحٍ اسْت؛ هر که متوسل به آن شد، نجات یافت و هر که از آن تخلف ورزید، هلاک گردید.<sup>۱</sup>

آری اگر مخالفینی هم چون طنطاوی و ابن خلدون و... انتظار ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام را از دیدگاه مبارک امام صادق علیه‌السلام می‌نگریستند، هیچ وقت مرتکب اشتباهاتی که آنان را بدنام ساخته است، نمی‌شدند و انتظار را عامل رکود نمی‌دانستند؛ بلکه مستظران را افرادی پر تلاش و فعال می‌دانستند، همان‌گونه که امام صادق علیه‌السلام فرمود:

مَتَّظِرُ إِمَامٍ دَوَاذِمٍ حَضْرَتِ مَهْدِيٍّ عَلَيْهِ‌السَّلَامُ مِثْلُ مَنْ مَتَّظِرٌ كَسِيٍّ اسْت؛ در زکاب پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شمشیر کشیده، از آن حضرت دفاع می‌کند.<sup>۲</sup>

از مفهوم این حدیث و احادیث دیگر به این مضمون، روشن می‌شود که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام تنها ایجاد ضعف در افراد نمی‌کند، بلکه موجب تحرک و آمادگی زیاد در آن‌ها می‌شود؛ زیرا، کسی که بخواهد در حضور شخصیتی مانند پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از اسلام و ارزش‌های والای آن دفاع کند و در راه خدا شمشیر بزند، باید آمادگی کافی داشته باشد.

در روایت دیگری حضرت امام علی علیه‌السلام فرمود:

كُفِيَ مَنْ مَتَّظِرٌ أَمْرًا مَا (قِيَامِ حَضْرَتِ مَهْدِيٍّ عَلَيْهِ‌السَّلَامُ) بَاشِدْ، مِثْلُ مَنْ مَتَّظِرٌ اسْت؛ هر که در راه خدا در خون خویش بغلظد.<sup>۳</sup>

از این حدیث نیز به خوبی استفاده می‌شود که منتظرین واقعی امام زمان علیه‌السلام، لحظه‌ای از تلاش در پیشبرد اهداف دین، باز نمی‌ایستند، بلکه همیشه می‌کوشند خود را بر اساس اسلام اصیل و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، آن چنان پرورش دهند که شایستگی درک حضور حضرت را در زمان ظهورش داشته باشند، تا از مصداق این آیه شریف باشند:

۱. إِنْ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ فِي أُمَّتٍ كَمَثَلِ سَيِّدَةِ نُوْحٍ فِي قَوْمِهِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ. بحار الأنوار، ج ۲۳، باب ۷۷، فضائل أهل البيت علیهم‌السلام، ص ۱۱۹.  
 ۲. الْمَتَّظِرُ لِلنَّبِيِّ عَشْرًا كَالشَّاهِدِ سَيِّفَةً بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى‌اللَّهُ‌عَلَيْهِ‌وَأٰلِهِ‌وَسَلَّمَ يَدْبُرُ عَنْهُ كَمَلِ الدِّينِ، ص ۶۲۷ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۲۱، فضل انتظار القرب، ص ۱۲۹.  
 ۳. الْمَتَّظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَّحِبِّ بِدِيَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. بحار الأنوار، ج ۱۰، باب ۷۷، ما علمه صلوات الله عليه، ص ۱۰۴.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند گردید.

### مهم ترین آداب انتظار

منتظر واقعی، باید برای به دست آوردن دو چیز تلاش کند: زینت باطنی و ظاهری.

### زینت باطنی

۱. منتظر در زینت باطنی، باطن خود را به مکارم اخلاقی زینت می دهد که عبارت است از:

(الف) متصف شدن به صفت حلم و وقار؛

(ب) عفت و بی نیازی از غیر خدا؛

(ج) توکل؛

(د) ترحم؛

(ه) خضوع و خشوع و تواضع؛

(و) جود و کرم؛

(ز) و صدها صفت همانند این امور.

### زینت ظاهری

۲. منتظر در زینت ظاهری، ظاهر خود را به آداب و سنت های نبوی ﷺ مزین می سازد، همانند:

(الف) انجام دادن نوافل و مستحبات؛

(ب) ترک نمودن مکروهات.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

خودتان را به امر خیر عادت بدهید، و از اهل آن شوید، تا آن که نزد هر کسی به وصف خیر

و نیکی شناخته شوید، و هر کس شما را به طریق صلاح بشناسد، پس به درستی که من به

این طریق و این نحو اولاد و شیعیان خود را امر می کنم.<sup>۲</sup>

حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

بارها از پدر بزرگوارم شنیدم که می فرمود: شیعه ما نیست کسی که مخدرات؛ پرهیزکاری او

را در حجله ها و خانه هایشان ذکر نکنند، و از اولیاء ما نیست کسی که او در قریه ای باشد که

۱. انبیاء: ۱۰۵.

۲. و هودوا أنفسکم الخیر و کونوا من أهله فترقوا فانی بهذا أمر ولدی و شیعیی. بحار الانوار ج ۴۶، باب ۵۱ معجزاته و تعانی آموزه، ۱۲۲۳، خراج، ص ۵۹۶.

در او ده هزار نفر مرد باشد و در ما بین آنها پرهیزکارتر از او پیدا شود.<sup>۱</sup>  
 از این احادیث درمی یابیم آن چه وسیله تقرب به ائمه اطهار (علیهم السلام) است، و موجب لیاقت انس با  
 آن ها می گردد، اهتمام در به دست آوردن محاسن اخلاق و مکارم سنن و آداب است.  
 پس آن کسی که اشتیاق به درک فیض حضور مبارک مولای خود را دارد، و می خواهد به خدمت  
 آن حضرت (علیه السلام) برسد، باید در این دو امر؛ یعنی محاسن اخلاق قلبی، و حسن آداب ظاهری نبویّه؛  
 کوشش فراوان نماید.

### نتیجه بحث انتظار

در مبحث انتظار، باید به شایستگی های لازم برسیم.

حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد باید در عصر انتظار مظهر اخلاق نیک  
 اسلامی باشد. چنین کسی اگر پیش از قیام قائم درگذرد، پاداش او مانند کسانی باشد که قائم  
 را درک کنند و به حضور او برسند پس (در دینداری و تخلق به اخلاق اسلامی) بکوشید و  
 در حال انتظار ظهور حق به سر برید. این (کردار پاک و افکار تابناک) گوارا باد بر شما ای  
 گروهی که رحمت خدا شامل حال شماست.

جامعه منتظر، باید جامعه ای اسلامی باشد و بزرگترین وجه تمایز جامعه ای اسلامی از دیگر  
 جامعه ها، اخلاق توراتی اسلام است.

### رعایت امور مهم در عصر انتظار

و این که تاکید شده است که شیعه باید «زین» امامان خود باشد نه «شعین» آنان، رعایت آن در عصر  
 انتظار به مراتب لازم تر به نظر می رسد تا همواره مایه زینت و افتخار و آبروی ائمه ظاهریین (علیهم السلام) باشد.  
 آن گونه باشد که ائمه (علیهم السلام) به شیعیان خود افتخار کنند.

این رعایت، در دوران غیبت امام مهدی (علیه السلام)، از احترام امام واجب تر است.<sup>۲</sup>

### انتظار؛ زمینه ساز تحول در رفتار و کردار

انتظار، آمادگی در معرفت و احساس و رفتار آدمی است.

معرفت به امام، زمینه ساز تحول در رفتار آدمی می شود و عشق به او را در دل می آورد.<sup>۳</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۷۹، و ۱۵، و در حدیث دیگر فرموده در شهری که در او صد هزار نفر یا بیشتر باشد و در ما بین آنها، پرهیزکارتر از او پیدا شود.

۲. ایضاً انتظار، فاضل محترم مجید حیدری نیکه، با تصرف و تلخیص.

۳. بشارة پرفروغ حوزه های علمیه قم و نجف، مرحوم آیه الله العظمی حاج ملا احمد حائری نجفی یزدی طرزجانی (علیه السلام) از شخصیت هایی بوده که در  
 زهد و تقوا، در زمان مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (علیه السلام) - مؤسس حوزه علمیه قم - از اساتید برجسته به شمار می آمده.

اگر ما در تصوّر خویش بینداریم که از دیدار امام خود محروم هستیم و توفیق، ما را یار و یاور نگشته است و باخود، نجوا کنیم «ای کاش، محضر امام را درک می کردیم» تا با درک حضورش و کسب بی واسطه معارف از آن امام، سعادت دنیا و آخرت نصیبمان گردد، یعنی آن که تمامی مشکلات را در همین دیده و می دانیم! و از همین روست که اوج همت مان، «رؤیت» جمال دل آرای ایشان گشته و در طلب آن امام هستیم و برای «دیدن» او، حاضریم جانمان را تقدیم کنیم.

این گونه، با خود، «فرهنگ انتظار» را مشق می کنیم و چشم به راه آن یوسف سفر کرده هستیم. آیا «انتظار»ی که این همه از آن داد سخن رفته، تمامی کار کردش به همین میزان است و به همین قلمرو ختم می شود، یا آن که فراتر از این هاست؟! امید که در این قسمت بسیار تأمل و تدبیر و تفکر کنیم.

بنابر عقیده یکی از پژوهشگران فعال در این عرصه، مهدی باوران و مهدی باوران، باید بر اساس فرهنگ انتظار، مهندسی اجتماعی خود، و هندسه فکری مهدویت را در سه محور «رغبت اجتماعی»، «شکایت اجتماعی» و «استعانت اجتماعی» پایه ریزی و پی گیری می کنند تا در زمره ی زمین سازان ظهور آن حضرت قرار گیرند.

### شیعه و انتظار

انتظار شیعه، انتظاری امید آفرین و هستی زا و شورانگیز و محرک است، و این امید و انتظار است که نه تنها جامعه پویای شیعه را در طول تاریخ پرافتخارش، از حرکت باز نداشته، بلکه عامل محرک آن نیز بوده است، و همین انتظار، راز بقا و پیش روی این گروه گردیده است.

برای آشنایی با مفهوم راستین این اصل، سزاوارترین مرجع، رهبران تشیع اند. حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

کسانی که در انتظار دولت قائم به سر می برند، چون افرادی هستند که در خدمت قائم باشند... و بلکه چون شمشیر زنان در رکاب مهدی اند... نه به خدا سوگند، بسان شهیدانی هستند که جان در رکاب پیامبر باخته اند.

یک شیعه آگاه، باید کرداری را در زمان انتظار داشته باشد که گویی در زمان ظهور حضرت

است. استاد و عالم زاهد، آیه الله العظمی حاج میرزا محمد حسین احمدی فقیه یزدی، دامت برکاته، از این فقیه برجسته، از مرحوم والدش مرحوم حاج ملا حسین علیه السلام که تربیت یاک و مطهر والد شهیدش در رواق حضرت امام عسکری علیه السلام است - عجایب و لطائف فراوانی را نقل کرده. «انتظار» برای ظهور حضرت سحبت (عج) همراه با آداب و شرایط ویژه، مسأله ای بوده که آن فقیه زاهد، به آن مقید بوده؛ همان گونه که خود مرحوم حاج ملا احمد علیه السلام نیز نسبت به قرانت زیارت عاشورا در پشت بام منزل، و به سوی مرقد حسینی اهتمام داشته اند. علما و مجتهدین، بسیار به حضرت ولی عصر (عج) نزدیک هستند، همان گونه که در زندگی نامه آنان خوانده ایم. امید که همه ما، از آن شیفتگان حضرت، پیامبریم و رهرو آنان باشیم.

مهدی علیه السلام زندگی می‌کند، و با این برداشت از مفهوم انتظار، عمق و ارجح این گفته را در می‌یابیم که: «بقرین کردار امت من انتظار فرج است».

کوتاه سخن این که انتظار شیعه، انتظاری راستین است که در حد خود با تلاشی پی‌گیر در مبارزه با باطل، زمینه قیام او را فراهم سازد و این گونه، با تمام وجود، چشم به راه قیامش باشیم.

### اهل سنت و انتظار

انسان مسلمان که به قرآن کریم معتقد است، و از جانب خدا می‌داند، و به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان دارد و حضرت ختمی مرتبت را پیام آور خدا می‌داند، باید به «مهدی (عج)» و «انتظار» حضرتش معتقد باشد، و به «آداب انتظار» عمل کند و خویشش را برای چنان ظهور عظیم، آماده سازد. توجه در احادیث نبوی، اقوال صحابه و تابعین، و صدها کتاب و... ایجاب می‌کند، که اهل تسنن نیز، از وجود این ولی بزرگ الهی غافل نمانند، و با هر مذهبی، و از هر کشوری، اعتقاد به ظهور قائم (عج) داشته باشند.

علمای بزرگ اهل سنت، در زمینه مهدویت، کتاب‌های خاص نوشته‌اند و برخی در کتاب‌هایشان، بخشی را به این موضوع عظیم اختصاص داده‌اند. این بیانگر اهمیت انتظار در بین اهل سنت است.

### وظیفه پژوهشگران در مبارزه با تفرقه دشمنان

لازم است پژوهشگران مسلمان، با رهبری ولی امر مسلمین جهان، مقام عظمای ولایت، حضرت آیه الله العظمی امام خامنه‌ای، دامت برکاته العالیه، با شعار انسجام اسلامی، به دور از هر گونه تفرقه، نقاط مشترک را بیش تر روشن کنند و شعار نوآوری و شکوفایی را، همه ساله، سرلوحه کارهای پژوهشی خویش قرار داده، نسبت به تبیین آن موازین، تلاش وافر کنند، تا راه سوء استفاده را بر اجانب و توطئه‌گران و هابی و... ببندند.

این هدف والا، با همکاری اندیشمندان شیعه و سنی، و با همت صاحب نظران در این عرصه، ممکن خواهد بود. ان شاء الله تعالی. یمنه و کرمه.



## فصل دوم

اصل و نسب

و ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام

## آخرین سپیده

نامت	آرام	جانم	ای تو روح و روانم
تا	کی	زنده	بمانم
چشمم	به	راحت	در خون نشسته
العجل	مولا	مولا	مولا
گریم	بر	حال	زارم
در	راحت	جان	سپارم
حُسن	تو	حُسن	حضرت خاتم
العجل	مولا	مولا	مولا
ای	آخرین	سپیده	اشکم
وقت	دعا	رسیده	یاس
چشم	انتظارم	یوسف	زهرا
العجل	مولا	مولا	مولا



### ولادت حضرت مهدی علیه السلام

اعتقاد به ولادت و وجود امام مهدی علیه السلام بر اساس ایمان و اعتقاد به امامت و ضرورت وجود حجّت در هر زمان است.

شیعه معتقد است که امامت از اصول دین است، و زمین هیچ زمانی از حجّت خالی نیست. مطابق نصّ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامان بعد از ایشان دوازده نفرند، که پیاپی تا روز قیامت خواهند بود، علاوه بر این که هر یک از امامان، بر امام بعد از خود نصّ و تصریح نموده‌اند. بر این اساس، جامعه شیعی، امامت امام مهدی علیه السلام را پذیرفته‌اند، و هر کس وظیفه دارد امام زمان خود را بشناسد و بیعت او را برگردد داشته باشد، و اعتقاد به ولادت و وجود حضرت مهدی علیه السلام، ضروری است.

### دلیل تولد امام زمان علیه السلام

در این کتاب ذکر خواهیم کرد که عقیده به مهدویت و منجی جهانی در اسلام امری مسلم است، و در دیگر ادیان نیز وجود دارد. اما ابتدا پرسشی که باید مورد بررسی قرار گیرد، این است که، به چه دلیل حضرت مهدی علیه السلام متولد شده‌اند؟

لازم به ذکر است که گروهی معتقدند که آن حضرت، در آخر الزمان به دنیا خواهند آمد! از آن جا که دلایل عقلی و نقلی قطعی داریم که حضرت مهدی علیه السلام، قبل از شهادت پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام متولد شده‌اند، لازم است به بررسی آن دلایل بپردازیم.

### دلیل عقلی

دلایلی که در این مقام به ذکر آن خواهیم پرداخت، تولد و زنده بودن امام زمان علیه السلام را ثابت می‌سازد:

اول؛ در علم کلام به اثبات رسیده که «هیچ گاه زمین نمی‌تواند از حجت الهی، خالی باشد». در روایات نیز به این مطلب تصریح شده، که برای نمونه، روایت ذیل را از نظر می‌گذرانیم:

لوقیت الأرض بغير إمام لساخت؛ اگر زمین بدون امام باشد، فرو می‌رود و نابود می‌شود.

دوم؛ آن که در علم کلام ثابت شده «که امامان معصوم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، دوازده نفر بیش‌تر نیستند، و همگی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند».

البته، روایات در این مورد بسیار است و مجال ذکر آن نیست.

سوم؛ آن که یازدهمین امام معصوم، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، در سال ۲۶۰ هجری قمری، در شهر سامرا به شهادت رسیدند، و از امور مسلم است که حضرت مهدی علیه السلام متولد شده‌اند.

### دلیل نقلی

#### الف) روایات

در روایات آمده است که حضرت مهدی علیه السلام، نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است. ششمین فرزند امام جعفر صادق علیه السلام است، پنجمین فرزند امام موسی بن جعفر علیه السلام است، چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام است، سومین فرزند امام محمد تقی علیه السلام است، و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. مجموع این روایات، بیش از ۷۸۰ مورد است.

از مجموع این روایات استفاده می‌شود که حضرت مهدی علیه السلام متولد شده‌اند.

#### ب) نقل تاریخی

مورخان شیعه و سنی، جریان تولد حضرت مهدی علیه السلام، و زمان و مکان آن را ضبط کرده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ج) ملاقات حضرت

از زمان تولد حضرت مهدی علیه السلام، تا این زمان، افراد زیادی، آن حضرت را ملاقات کرده‌اند، همانند:

الف) حکیمه خاتون، که عمه امام حسن عسکری علیه السلام بودند و شب تولد حضرت، در خانه امام

حسن عسکری علیه السلام حضور داشتند و شاهد تولد بوده‌اند.<sup>۱</sup>

ب) ابو نصر خادم، حضرت مهدی علیه السلام را در گهواره ملاقات نموده است.<sup>۲</sup>

ج) سعد بن عبدالله قمی، که در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام، با جمعی برای زیارت امام حسن علیه السلام، به سامرا رفتند، در طرف راست امام کودکی را مشاهده نمودند که مانند ماه درخشان بود. پرسیدند: این کیست؟

حضرت فرمود: مهدی قائم آل محمد علیهم السلام است.<sup>۳</sup>

در زمان غیبت نیز، افراد زیادی حضرت را ملاقات کرده‌اند، که در خصوص ملاقات با حضرت، کتاب‌هایی نوشته شده است.

بر این اساس، آن حضرت متولد شده‌اند.

### راز مخفی داشتن ولادت حضرت مهدی علیه السلام

خلفای بنی عباس، از طریق روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام نقل شده بود، دانستند که دوازدهمین امام، همان مهدی علیه السلام است، که زمین را پر از عدل و داد می‌کند... چون این امر را می‌دانستند، در صدد برآمدند تا این نور را خاموش کنند و این امام را به قتل برسانند.

از این رو، جاسوسان بسیاری گماشتند، و قابله‌هایی، مأمور بودند تا داخل خانه‌ی امام عسکری علیه السلام را، زیر نظر بگیرند.

از آن جا که اراده‌ی خداوند، بر حفظ و نگهداری این خجّت بود، همان کار که درباره حضرت موسی علیه السلام شد، تکرار گردید، هرچند دشمنان حضرت مهدی علیه السلام نیز، همان روش فرعون‌ی و سیاست فرعون‌ی را دنبال کردند.

در احادیث بسیاری آمده است که حضرت مهدی (عج)، شباهت‌هایی به حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام دارد، که در بخش مربوط به شباهت حضرت مهدی (عج) با انبیاء، در این کتاب، ذکر خواهد شد.<sup>۴</sup>

### مژده رسول خدا صلی الله علیه و آله از ولادت حضرت مهدی علیه السلام

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

۱. منابع الموده، ج ۳، ص ۱۱۲؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۴۱.

۲. کشف الغم، ج ۲، ص ۴۹۹؛ اثبات الهداء، ج ۷، ص ۳۲۲.

۳. اعلام الوری، ص ۴۰۲؛ منتخب الاثر، ص ۲۸۶ به نقل از واژه نامه مهدویت.

۴. الزام الناصب، ج ۱، ص ۳۲۲.

خداوند تبارک و تعالی توجّهی بر زمین کرد، و مرا انتخاب نمود، و من را نبی قرار داد. سپس بار دوم توجّهی کرد، و علی را از روی زمین انتخاب نمود، و او را امام قرار داد. و مرا امر نمود که او را برادر و ولی و وصی و خلیفه و وزیر خود قرار دهم. پس علی از من و من از علی ام؛ او شوهر دختر من، و پدر دو نوهام حسن و حسین است. آگاه باشید که خداوند تبارک و تعالی، من و آنان را حجت‌هایی بر پندگانش قرار داده است، و از صلب حسین، امامانی قرار داد که به امر من، قیام کرده و وصیت مرا حفظ خواهند نمود. نهمین از آن، قائم اهل بیت من، و مهدی امت من است. شبیه‌ترین مردم به من، در شمایل و اقوال و افعال است. بعد از غیبت طولانی و حیرت‌گمراه‌کننده، ظهور می‌کنند...!

#### مژده حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

اصبح بن نباته می‌گوید: خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رسیدم، دیدم که در فکر فرو رفته و با چوب دستی بر زمین می‌زند.

عرض کردم: ای امیرالمؤمنین! چه شده که شما را [این گونه] متفکر می‌بینم و چوب در زمین فرو می‌برید، آیا در آن رغبتی پیدا کرده‌اید؟

حضرت چنین فرمودند:

نه به خدا سوگند، من حتی یک روز به زمین و دنیا رغبت ننمودم، ولی در مولودی فکر می‌کردم که از پشت من است، او یازدهمین فرد از اولاد من است. او مهدی‌ای است که زمین را پر از عدل خواهد کرد، آن گونه که از جور و ظلم پر شده باشد. از برای او حیرت و غیبتی است که اقوامی در آن گمراه و گروهی نیز در آن هدایت می‌یابند...!

#### مژده حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

امامان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، دوازده نفرند، (نه نفر از آنان) از صلب برادر من حسین است، و از آنان مهدی این امت است...!

۱. إن الله تبارک و تعالی جعل من صلب الحسين أئمة يؤمنون بأمری و یصلحون وصیتی التاسع منهم قائم اهل بیته و مهدی ائمة الناس فی سنیته و اقواله و افعاله یظهر بعده غیبة طویلة و خیرة مصلحة... بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۲۱۱، نصوص الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۲۸۲.

۲. اثبت امیر المؤمنین علیه السلام فوجدته متفکراً یسأل فی الأرض فقلت یا امیر المؤمنین ما لی اراک متفکراً تنکث فی الأرض ارضیة ملک فیها قتال لا والله ما زینت فیها ولا فی الدنیا یوما قط و لکنی فکرت فی مولود یتکون بین ظهری الحادی عشر من ولدی هو المهدی الذی ینزل الأرض عدلاً و قسطاً کما نزلت جوراً و ظلماً تکون له غیبة و خیرة یصل فیها اقوام و یتهدی فیها اعزرون. کافی، ج ۱، باب فی الغیبة، ص ۳۳۸.

۳. الأئمة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله اثنا عشر من صلب ائمة الحسنین و منهم مهدی هذه الأمة. بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۲۳۶، نصوص الحسنین علیهما السلام، ص ۳۸۳.

### مژده حضرت امام حسين عليه السلام

مرحوم شيخ صدوق عليه السلام، به سندش از حضرت امام حسين عليه السلام نقل کرده که فرمود:  
در نهمين از فرزندانم، ستنی از يوسف، و ستنی از موسى بن عمران عليه السلام است. او قائم ما  
اهل بيت است. خداوند متعال امر او را در يك شب اصلاح خواهد نمود.<sup>۱</sup>

### مژده حضرت امام سجاد عليه السلام

فرزند امام زين العابدين عليه السلام از حضرت سؤال کرد: ای پدر! چرا برادرم را «باقر» نامیدی؟  
ایشان بعد از تبسمی فرمودند:

ای فرزندم! همانا امامت در اولاد او خواهد بود، تا قائم ما قیام کند و زمین را پر از عدل و  
داد نماید؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. و اوست امام، پدر امامان، معدن حلم و  
موضع علم، علم را خواهد شکافت. به خدا سوگند! هر آینه او شبیه ترین مردم به رسول  
خدا صلی الله علیه و آله است.

عرض کردم: امامان بعد از او چند نفرند؟

فرمودند:

هفت نفر، که از میان آن ها مهدی است، که در آخر الزمان به دین قیام خواهد کرد.<sup>۲</sup>

### مژده حضرت امام باقر عليه السلام

مسعودی در «اثبات الوصية» به سند خود، از علی بن ابی حمزه نقل کرده که فرمود: من با ابوبصیر  
بودم و با ما نیز یکی از موالیان حضرت امام باقر عليه السلام بود. او برای ما نقل کرد که از امام باقر عليه السلام شنیده که  
فرمود:

از ما دوازده محدث است، هفتمین بعد از من قائم است...<sup>۳</sup>

### مژده حضرت امام صادق عليه السلام

مرحوم شيخ صدوق عليه السلام به سندش، در حدیث مفصلی از امام صادق عليه السلام نقل کرده که آن حضرت  
فرمودند:

همانا زود است که ششمین فرزند من غایب شود، و او دوازدهمین نفر از امامان هدایت‌گر  
بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که اول آن ها امیرالمؤمنین و آخر آن ها قائم به حق «بقیة الله» در

۱. فی التاسع من ولدی سنة بن يوسف و سنة بن موسى بن عمران و هو قائمنا أهل البيت یصلح الله تبارک و تعالی امره فی لیلۃ واحدة. بحار الأنوار ج ۵، ص ۱۳۲.  
۲. یا ائبت و لم سئیته الباهر قال، فبسم و ما رأیته بتسم قتل ذلک... ثم قال، یا بنی ان الإمامة فی ولدی و ان یقوم قائمنا عليه السلام قبلنا ما یسعدنا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا و انما  
الإمام و أبو الأئمة منین العلم و موضع العلم یقره یقرأ و اللیة لهُوَ أشبه الناس برَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فقلت، فکم الأئمة بعده؟ قال، سبعة و بیهم المهدی القدی یقوم بالذین فی آخر  
الزمان. بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۱۲۲، نص علی بن الحسین صلوات الله، ص ۳۸۸.  
۳. ما اتنی عشر معدننا، السابع من ولدی القائم...

### روی زمین و صاحب الزمان است...

#### مؤده حضرت امام کاظم علیه السلام

یونس بن عبدالرحمن می گوید: بر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق آید؟

حضرت فرمود: من قائم به حقم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند و آن را از عدل و داد پر می نماید آن طوری که از جور پر شده باشد، پنجمین نفر از اولاد من است، برای او غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود...<sup>۱</sup>

#### مؤده حضرت امام رضا علیه السلام

حسین بن خالد در حدیثی می گوید:

به امام رضا علیه السلام عرض شد: قائم از شما اهل بیت کیست؟

حضرت فرمود: چهارمین از اولادم، فرزند بهترین زنان، خداوند به واسطه او زمین را از هر گونه ظلم و جور پاک و مقدس خواهد کرد. و اوست کسی که مردم در ولادتش شک کنند، و او کسی است که قبل از خروجش غیبت خواهد نمود...<sup>۲</sup>

#### مؤده حضرت امام جواد علیه السلام

در حدود ۹۰ حدیث، از حضرت امام جواد علیه السلام به ولادت حضرت مهدی علیه السلام اختصاص دارد. مرحوم شیخ صدوق رحمته الله به سندش از حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام نقل کرده که فرمود: من بر محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم و می خواستم تا از قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا شخص دیگر؟ حضرت در ابتدا فرمودند:

ای ابوالقاسم! همانا قائم از ما مهدی است که واجب است در غیبت او به انتظار نشسته شود و در ظهورش اطاعت شود. و او سومین از اولاد من است.<sup>۳</sup>

۱. ... شتقی بالشادین من ولیدی و هو الثانی عشر من الأئمة الهداة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله، أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و آخرهم القائم بالحق بجهة الله في الأرض و صاحب الزمان. بحار الأنوار، ج ۴۲، باب ۱۲۰۵ احوال اولاده و أزواجه، ص ۷۹.

۲. يا ابن رسول الله أنت القائم بالحق؟ قال: أنا القائم بالحق و لكن القائم الذي يظهر الأرض من أعداء الله و يذلونها ضللاً كما ضللت جوراً هو الخامس من ولدي... مستدرک الوسائل، ج ۱۲، باب ۳۶۱ تحریم تسمیة المهدی، ص ۲۸۲.

۳. و من القائم منكم أهل البيت؟ قال: الرابع من ولدي ابن ضجة الإمام يظهر الله به الأرض من كل جور و يقدسها من كل ظلم، و هو الذي يشك الناس في ولادته و هو صاحب القيبة قبل خروجه. بحار الأنوار ج ۵۲، باب ۲۷۶ سيرة و أخلاقه و عدد أصحابه، ص ۳۲۲.

۴. یا ابوالقاسم ان القائم منا هو المهدی الذي يجب ان ينتظر في غيبته و يطاع في ظهوره وهو الثالث من ولدي.

### مژده حضرت امام هادی علیه السلام

صقر بن ابی دلف می گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود:  
امام بعد از من حسن و بعد از حسن فرزندش قائم است، کسی که زمین را پر از عدل و داد  
خواهد کرد آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.<sup>۱</sup>

### مژده حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

موسی بن جعفر بن وهب بغدادی می گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود:  
گویا شما را می بینم که بعد از من در جانشین من اختلاف خواهید نمود. آگاه باشید! همانا  
کسی که اقرار به امامان بعد از رسول خدا کند، ولی منکر فرزندم باشد، همانند کسی است  
که اقرار به جمیع انبیا و رسولان داشته باشد، ولی نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله را انکار کند...<sup>۲</sup>

---

۱. الإمام بعدی الحسن وبعد الحسن ابنه القائم الذي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً.  
۲. كَأَنِّي بَكُم و قد اختلفتم بعدى في الخلف بيني. أما إن المير بالائمة بعد رسول الله المنكر يوتدى كمن أقر بجميع انبياء الله و رسله ثم أنكر نبوة محمد رسول الله صلی الله علیه و آله  
بحار الأنوار ج ۱۵، باب ۱۰۵، النص العسکری علیه السلام، ص ۱۶۰.  
نهم ربيع الأول، سالروز آغاز امامت حضرت ولی عصر (عج) و روز تجدید عهد و پیمان با آن یگانه دوران است. روزی که امتداد غدیر است و آن را  
«غدیر ثانی» نامیده اند. روزی که عهد و پیمانی دوباره را با ساخت حضرتش می طلبد؛ عهد و پیمانی تا همیشه...  
و در روزی که ظهور می فرماید، نخستین کسی که دستش را بوسه می زند و یا او بیعت می کند، جبرئیل است، و به دنبال او دیگر فرشتگان، و آن گاه  
نجای، جنان و سپس تقی و برگزیدگان انسان. (فرازی از فرموده امام صادق (ع) خطاب به مفضل بن عمر کاظمی، نقل از بشاره الاسلام، ص ۲۶۸)

## ولادت و امامت امام مهدی (عج) از نظر علما و مورخین اهل سنت

علاوه بر آن که عموم علمای حدیث و تاریخ نگاران و صاحبان کتاب‌های تراجم شیعه اثنی عشری، واقعه ولادت آن حضرت را بر اساس مدارک و مصادر صحیح ثبت و ضبط کرده‌اند. در عصر پدر بزرگوارش و عصر غیبت صغری و کبریا، صدها اشخاص مورد وثوق و اعتماد، به سعادت دیدار حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه نائل شده‌اند و معجزات و خوارق عادت کثیری از آن رهبر جهانیان دیده‌اند.

گروه بسیاری از مشاهیر علمای اهل سنت نیز ولادت آن حضرت را در کتاب‌های بسیار، ذکر نموده و بعضی به امامت و مهدویت آن حضرت اقرار دارند، و جریاناتی را از شرفیابی به محضر آن حضرت و استماع حدیث از ایشان نقل کرده‌اند.

نظر به آن که ذکر آن مباحث و موارد، کتابی مستقل می‌طلبد، امید است محققین بزرگوار و دوست‌داران علم و دین، با مراجعه به کتب مذکور، نهایت استفاده را ببرند. ان شاء الله.

ذکر مورد به مورد و نقد و بررسی آراء و نظریه‌های اهل سنت، از آن جهت که مخاطبین خاص خود را می‌طلبد، در این کتاب میسر نیست.



## مادر امام زمان

نرجس خاتون، مادر امام عصر علیه السلام، یکی از ملکه‌هایی است که از نسل خواریون عیسی بن مریم می‌باشد. قدرت الهی، آن بانوی مکرمه را برای همسری حضرت امام عسکری علیه السلام، از روم به سامرا فرستاده تا گوهر تابناک وجود مهدویت، در وی پرورش یابد. وی دختر بزرگ‌ترین قیصر روم و از خاندان «شمعون» (وصی بلا فصل حضرت مسیح علیه السلام) است.

### ملکه دختر یسوعا پسر قیصر روم، مادر قائم آل محمد علیه السلام

پسر بن سلیمان برده فروش، از فرزندان ابو ایوب انصاری، و از شیعیان با اخلاص حضرت امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام بود، و در سامره افتخار همسایگی حضرت عسکری علیه السلام را داشت.

او گفت که روزی کافور، یکی از خدمت‌گزاران امام هادی علیه السلام، به خانه‌ام آمد و گفت: امام با شما کار دارد.

وقتی من به خدمت حضرت رسیدم، چنین فرمود:

ای پُشرا تو از اولاد انصار هستی، که در زمان ورود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به یاری آن جناب پیا خاستند، و دوستی شما نسبت به ما اهل بیت مسلم است، بنابراین به شما اطمینان زیادی دارم و می‌خواهم به تو افتخاری بدهم. رازی را با تو در میان می‌گذارم که نزدت محفوظ بماند.

سپس نامه پاکیزه‌ای به خط و زبان رومی مرقوم فرموده و سر آن نامه را با خاتم مبارکش مهر کرد، و کیسه زردی که در آن ۲۲۵ اشرفی بود بیرون آورد و فرمود:

این کیسه را بگیر و به بغداد برو، و صبح فلان روز سر پل فرات می روی، در این حال کشتی می آید، در آن اسیران زیادی خواهی دید که بیش تر آنان مشتریان فرستادگان اشراف بنی عباس خواهند بود و کمی از جوانان عرب می باشند.

در چنین وقتی متوجه شخصی به نام عمر بن زید برده فروش باش، که کنیزی با چنین وصفی خواهی دید، که دو لباس حریر پوشیده و خود را از دسترس مشتریان حفظ می کند. در این حال صدای ناله ای به زبان رومی از پس پرده رقیق و نازکی خواهی شنید که برهنک احترام خود می نالد، در این حال یک مشتری می آید و می گوید عفت این کنیزک مرا به خود جلب کرده او را به سیصد دینار به من بفروش.

کنیزک به زبان عربی می گوید اگر تو حضرت سلیمان باشی و حشمت و جلال او را داشته باشی من به تو رغبت نخواهم کرد و مالت را بیهوده و بی جا خرج نکن. فروشنده می گوید پس چاره چیست؟ من چاره ای جز فروش شما ندارم. کنیزک می گوید:

این قدر شتاب نکن، بگذار خریداری پیدا شود که قلب من به او آرام بگیرد.

در این هنگام نزد فروشنده رفته و بگو من نامه ای دارم که یکی از بزرگان به خط و زبان رومی نوشته و آن چه که باید بنویسد در آن نامه درج است. نامه را به کنیزک نشان بده تا درباره نویسنده آن بیاندیشد، اگر او به نویسنده نامه تمایل پیدا کرد و شما هم اگر راضی شدی من به وکالت او این کنیزک را می خرم.

[یا مرا بفروش یا خودم را هلاک می سازم!]

بشر بن سلیمان گوید:

من به فرموده حضرت امام علی التقی عمل کردم و به همان جا رفتم و آن چه امام فرموده بود من دیدم و نامه را به آن کنیزک دادم، چون نگاه وی به نامه حضرت افتاد به شدت گریه کرد و نگاه «به عمر بن زید» کرد و گفت:

مرا به صاحب این نامه بفروش، و قسم یاد نمود که در غیر این صورت خودم را هلاک خواهم کرد!

من در تعیین قیمت با فروشنده گفتگوی زیادی کردم تا به همان مبلغی که امام داده بود راضی شد، من هم پول را تسلیم کردم و با کنیزک که خندان و شادان بود، به محلی که قبلاً

در بغداد تهیه کرده بودم، در آمدم.  
پس از ورود، دیدم نامه را با کمال بی‌قراری از جیب خود درآورد و بوسید و روی دیدگان  
و مزگان خود نهاد و بر بدن و صورت خود مالید.  
گفتم: خیلی شگفت است که شما نامه‌ای را می‌بوسی که نویسنده آن را نمی‌شناسی.  
گفت: آن چه می‌گویم بشنو، تا علت آن را دریابی:

#### [ملکه دختر یسوعا، پسر قیصر روم]

من ملکه دختر یسوعا، پسر قیصر روم هستم، مادرم از فرزندان حواریین است و از نظر  
نسب، نسبت به حضرت عیسی دارم، بگذار داستان عجیب خودم را برایت نقل کنم:  
جدّ من قیصر می‌خواست مرا در سن سیزده سالگی برای برادرزاده‌اش تزویج کند. سی صد  
نفر از رهبانان و قسیسین نصاری از دودمان حواریین عیسی بن مریم، و هفت صد نفر از  
رجال و اشراف و چهار هزار نفر از امرا و فرماندهان و سران لشکر و بزرگان مملکت را  
جمع نمود، آن‌گاه تختی آراسته به انواع جواهرات را روی چهل پایه نصب کرد، وقتی که  
پسر برادرش را روی آن نشاند صلیب‌ها را بیرون آورد و اسقف‌ها پیش روی او قرار  
گرفتند و انجیل‌ها را گشودند.

#### [شکستن تاج و تخت]

ناگهان صلیب‌ها از بلندی روی زمین ریخت و پایه‌های تخت درهم شکست.  
پسر عمویم با حالت بی‌هوشی از بالای تخت بر روی زمین درافتاده و رنگ صورت  
اسقف‌ها دگرگون گشت و به شدت لرزید.  
بزرگ اسقف‌ها چون چنین دید، به جدم گفت:  
پادشاه! ما را از مشاهدی این اوضاع منحوس، که علامت بزرگی مربوط به زوال دین مسیح  
و مذهب پادشاهی است، معاف بدار.  
جدم در حالی که اوضاع را به فال بد گرفت، به اسقف‌ها دستور داد تا پایه‌های تخت را  
استوار کنند و دوباره صلیب‌ها را برافرازند و گفت:  
پسر بدبخت برادرم را بیاورید تا هر طور هست این دختر را به وی تزویج نمایم، تا شاید که  
این وصلت مبارک، نحوست آن از بین برود.

وقتی که دستور ثانوی او را عمل کردند، هر چه که در دفعه اول دیده بودند تجدید شد، مردم پراکنده گشتند و جدم با حالت اندوه به حرم سراقه رفت و پرده‌ها بیفتاد.

همان شب در عالم خواب دیدم مثل این که حضرت عیسی و شمعون وصی او و گروهی از حواریین در قصر جدم قیصر اجتماع کرده‌اند و در جای تخت مشبری که نور از آن می‌درخشید قرار داد.

طولی نکشید که «محمد» پیغمبر خاتم و داماد و جانشین او، و جمعی از فرزندان او وارد قصر شدند.

#### استقبال حضرت عیسی از پیامبر اکرم

حضرت عیسی به استقبال شتافت و با حضرت محمد معانقه کرد و حضرت فرمود: یا روح الله! من به خواستگاری دختر وصی شما شمعون، برای فرزندم آمده‌ام، و در این هنگام اشاره به امام حسن عسکری نمود.

حضرت عیسی نگاهی به شمعون کرده و گفت:

شرافت به سوی تو روی آورده است، با این وصلت بامیثت موافقت کن، او هم گفت: موافقم.

#### اجرای خطبه عقد توسط حضرت محمد

آن‌گاه دید که حضرت محمد بالای منبر رفت و خطبه‌ای بیان فرمود و مرا برای فرزندش تزویج کرد، سپس حضرت عیسی و حواریون را گواه گرفت.

وقتی که از خواب بیدار شدم از ترس جان خود، خواب را برای پدرم و جدم نقل نکردم و پیوسته آن را در صندوق چه قلبم نهفته و پوشیده می‌داشتم.

از آن شب به بعد قلبم از فرط محبت به امام عسکری موج می‌زند تا به جایی که از خوراک بازماندم، و کم کم رنجور و لاغر شدم، و به شدت بیمار گردیدم.

#### احضار همه پزشکان برای مداوای فرجس خاتون

جدم تمام پزشکان را احضار کرد و همه از مداوای من عاجز گردیدند، وقتی از مداوا مایوس شدند جدم گفت:

ای نور دیده! شما هر خواهشی داری به من بگو تا حاجتات را برآورم.  
گفتم: پدر جان! اگر در به روی اسیران مسلمین بگشایی و قید و بند از آنان برداری و از زندان آزاد گردانی امید است که عیسی و مادرش مرا شفا دهند.  
پدرم درخواست مرا پذیرفت و من نیز به ظاهر اظهار شفا و بهبودی کردم و کمی غذا خوردم، پدرم خیلی خوشحال شد و از آن روز به بعد، نسبت به اسیران مسلمین احترام شدید انجام می داد.  
در حدود چهارده شب از این ماجرا گذشت.

[عیادت حضرت زهرا علیها السلام به همراه حوریان بهشتی.]  
باز در خواب دیدم که دختر پیغمبر اسلام، حضرت فاطمه علیها السلام به همراهی حضرت مریم و حوریان بهشتی به عیادت من آمدند.  
حضرت مریم علیها السلام به من توجه کرد و فرمود:  
این بانوی بانوان جهان، و مادر شوهر تو است.  
من فوری دامن مبارک حضرت زهرا علیها السلام را گرفتم، و بسیار گریستم و از این که امام حسن عسکری علیه السلام به دیدن من نیامده خدمت حضرت زهرا علیها السلام شکایت کردم. فرمود: او به عیادت تو نخواهد آمد، زیرا تو به خداوند متعال مشرکی و در مذهب نصارا زندگی می کنی، اگر می خواهی خداوند و عیسی و مریم از تو خشنود باشند و میل داری فرزندانم به دیدنت بیایند، شهادت به یگانگی خداوند و نبوت پدرم که خاتم الانبیا است بده.  
من هم حسب الامر حضرت فاطمه علیها السلام آن چه فرموده بود گفتم.  
حضرت مرا در آغوش گرفت و این باعث بهبودی من شد.  
آن گاه فرمود:

اکنون به انتظار فرزندم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام باش که او را به نزدت خواهم فرستاد.

[شوق و اشتیاق زیاد به امام]

وقتی از خواب بیدار شدم، شوق زیادی در تمام اعماق وجودم راه یافت و مشتاق ملاقات آن حضرت بودم، تا این که شب بعد امام را در خواب دیدم، در حالی که از گذشته شکوه

می نمودم، گفتم: ای محبوبم، من که خود را در راه محبت تو تلف کردم، فرمود: نیامدن من علتی جز مذهب تو نداشت، ولی حالا که اسلام آورده‌ای، هر شب به دیدنت می‌آیم تا آن‌که کم‌کم وصال واقعی پیش آید، از آن شب تا حال پیوسته در عالم خواب خدمت آن حضرت بودم.

### [در میان اسرا و غنائیم جنگی]

«بشر بن سلیمان» پرسید چگونه در میان اسیران افتادی؟

گفت: در یکی از شب‌ها در عالم خواب حضرت عسکری را دیدم فرمود:

فلان روز جدت قیصر، لشگری به جنگ مسلمانان می‌فرستد، تو می‌توانی به طور ناشناس در لباس خدمتگزاران، همراه با عده‌ای از کنیزان، که از فلان راه می‌روند، به آن‌ها ملحق شوی.

من به فرموده حضرت عمل کردم، و پیش قراولان اسلام با خیر شدند و ما را اسیر گرفتند و کار من به این جا کشید که دیدی، ولی تا به حال به کسی نگفتم که نوه پادشاه روم هستم، تا این‌که پیرمردی که در تقسیم غنائیم جنگی سهم او شده بودم، نامم را پرسید، من اظهار نکردم و گفتم: نرجس.

گفت: نام کنیزان؟

«بشر» گفت چه بسیار جای تعجب است که تو رومی هستی و زبانت عربی است؟

گفتم: جدم در تربیت من جهدی بلیغ و سعی بسیاری داشت، و زنی را که چندین زبان می‌دانست، برای من تهیه کرده بود و از صبح و شام نزد من می‌آمد و زبان عربی به من می‌آموخت، روی همین اصل است که می‌توانم عربی صحبت کنم.

### [عزت اسلام و ذلت نصاری]

«بشر» می‌گوید:

وقتی او را به سامره خدمت امام علی النقی علیه السلام بردم، حضرت از وی پرسید: عزت اسلام و

ذلت نصاری و شرف خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله را چگونه دیدی؟

گفت: در موردی که شما از من داناترید چه بگویم!

فرمود: می‌خواهم ده هزار دینار و یا مژده مسرت انگیزی به تو بدهم، کدام یک را انتخاب

می کنی؟

عرض کرد: فرزندی به من بدهید.

[فرزندی که جهان را از عدل پر می کند]

فرمود: تو را مژده به فرزندی می دهم که شرق و غرب عالم را مالک می شود و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد.

عرض کرد: این فرزند از چه شوهری خواهد بود؟

فرمود: از آن کس که پیغمبر اسلام در فلان شب در فلان ماه و فلان سال رومی تو را برای او خواستگاری نمود، در آن عیسی بن مریم و وصی او تو را به چه کسی تزویج کردند؟

گفت: به فرزند دلیند شما!

فرمود: او را می شناسی؟

عرض کرد: از شبی که به دست حضرت فاطمه علیها السلام آوردم، دیگر شبی نبود که او به دیدن من نیامده باشد.

آن گاه حضرت امام علی علیه السلام به کافور خادم فرمود:

خواهرم حکیمه را بگو نزد من بیاید.

وقتی که آن بانوی محترم آمد فرمود: خواهرم این همان زنی است که گفته بودم.

حکیمه خاتون آن بانو را مدتی در آغوش خود گرفت و از دیدارش شادمان گردید.

آن گاه حضرت فرمود:

ای عمه! او را به خانه خود ببر و فرایض مذهبی و اعمال مستحبّه را به وی یاد بده که او

همسر فرزندانم حسن و مادر قائم آل محمد علیه السلام است.<sup>۱</sup>

### اسامی گوناگون مادر مکرّمه امام زمان علیه السلام

برای مادر گرامی امام زمان (عج) اسامی مختلفی ذکر شده است.

محمد بن علی بن حمزه، ضمن نقل حدیثی از امام عسکری علیه السلام در این رابطه می‌گوید:

مادرش (مادر حضرت قائم) ملّیکه بود که او را در بعضی روزها سوسن، و در بعضی از اینام

ریحانه می‌گفتند، و ضیقل و نرجس نیز از نام‌های او بود.<sup>۱</sup>

خَمَط؛ یکی دیگر از نام‌های «نرجس خاتون» مادر گرامی حضرت ولی عصر (عج) است.<sup>۲</sup> خَمَط،

نام درختی است که میوه‌ی خوردنی دارد، و به هر چیز تازه و خوشبو و به دریای خروشان گفته

می‌شود.<sup>۳</sup>

سبیکه؛ از نام‌های نرجس خاتون، مادر گرامی امام زمان (عج) است.

سبیکه، طلای ناب و نقره‌ی خالص را گویند که پس از گداخته شدن، ناخالصی‌های آن جدا گردد

و طلای ناب و نقره خالص به صورت شمش در قالب‌ها ریخته شود.<sup>۴</sup>

او در پایتخت بیزانس، در عشق امام حسن عسکری علیه السلام گداخته شده و همه ناخالصی‌های

امپراطوری روم به دست کیمیا اثر حضرت زهرا (س) از او جدا شد، و طلای ناب جهان خلقت از او

پدید آمد.<sup>۵</sup>

و همه این تعبیرات، با آن بانوی بی‌همتا، تناسب دارد.

۳. لسان العرب، ج ۴، ص ۲۲۰.

۲. وقایع الایمان، ج ۳، ص ۲۱۶.

۱. کشف الحق، خاتون آبادی، ص ۲۴.

۵. او خواهد آمد، ص ۲۳.

۴. لسان العرب، ج ۶، ص ۶۲.



### تاریخ ولادت حضرت مهدی علیه السلام

دوازدهمین حجّت خدا و منجی جهانیان، حضرت امام زمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف است که خداوند به وسیله آن حضرت، کرامت را به بشریت باز می گرداند. حضرت حجّت (عج)، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ ق قدم به جهان گذاشتند.

#### جریان بارداری مخفیانه نرجس خاتون

در کتاب غیبت، شیخ الطائفة، به سند خود، از حکیمه خاتون، دختر امام محمد تقی، عمه امام حسن عسکری علیه السلام، در حدیث طولانی که میلاد حضرت قائم علیه السلام را در آن ذکر کرده چنین شرح می دهد:

امام حسن عسکری علیه السلام مرا خواست و فرمود: عمه، امشب نیمه شعبان است، نزد ما افطار کن؛ خداوند در این شب فرخنده مولودی به ما عطا می کند که حجّت او در زوی زمین خواهد بود.

عرض کردم: مادر این فرزند مبارک کیست؟

فرمود: نرجس.

گفتم: فدایت شوم، اثری از حمل در او ندیده ام!

فرمود: از نرجس است، نه غیر او.

حکیمه در ادامه می گوید: پس از نماز و افطار در کنار نرجس خوابیدم و تا سپیده دم مراقب او بودم ولی او با آرامش خوابیده بود.

سحرگاه برای نماز (شب) برخاستم، نرجس خوابیده بود و اثری از وضع حمل در او نبود. پس از نماز مجدداً خوابیدم.

اندکی بعد بیدار شدم، نرجس نیز بیدار شده بود ولی هیچ گونه علامتی در وی مشهود نبود.

## [تردید در بشارت امام]

تزدیک بود در وعده امام تردید کنم که از اتاق مجاور با صدای بلند مرا مخاطب قرار داد:  
 لا تعجلن یا عمه فان الامر قد قرب؛ عمه، تعجیل مکن که وقت نزدیک است.  
 من مشغول خواندن سوره «الم سجده» و «یس» شدم.  
 در این موقع، ترجس، هراسان از جای برخاست.  
 من او را در آغوش گرفتم و نام خدا را بر او خواندم.  
 امام علیه السلام - از اتاق دیگر - صدا زد سوره «إنا أنزلناه» را بر او بخوان و من خواندم و از ترجس  
 و حالش جو یا شدم.  
 گفت: آن چه مولای من به تو خبر داد نزدیک شده است، من هم چنان که امام علیه السلام فرمان داد  
 بود به خواندن سوره «قدر» ادامه دادم.  
 در این هنگام مولود نیز با من هم صدا شد، و همراه من او نیز سوره مبارکه «إنا أنزلناه» را  
 تلاوت می کرد.  
 من سخت هراسان شدم.  
 امام صدا زد: عمه! از امر خدای متعال تعجب مکن. خدای تعالی ما را در کوچکی به  
 حکمت گویا می سازد، و در بزرگی حجت در زمین قرار می دهد.  
 هنوز سخن امام به پایان نرسیده بود که ترجس از برابرم ناپدید شد؛ چنان که گویی پرده ای  
 میان من و او آویخته اند که او را نمی دیدم.  
 فریاد کشیدم و به سوی امام علیه السلام دویدم.  
 امام علیه السلام فرمود: عمه! باز گرد، او را در جای خویش خواهی یافت.

## [ترجس غرق در نور شد!]

بازگشتم و طولی نکشید که حجاب بین من و او برطرف شد و ترجس را دیدم که چنان غرق  
 در نور است که چشمم را از دیدنش می پوشاند و آن ماه پاره را دیدم که در سجده است و  
 انگشت سبابه را بلند کرده و می گوید:  
 أشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، ان جدی محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله و ان ابی  
 امیرالمومنین...

و آن گاه بر امامت یکایک امامان تا خودش گواهی داد.

در این هنگام امام عسگری علیه السلام صدا زد:

عمه جان! فرزندم را نژد من بیاور، او را نژد پدر بزرگوارش بدم، او را به سینه چسبانید و زبان در دهانش گذارد و دست بر چشم و گوش او کشید...

حکیمه خاتون می گوید:

فردای آن روز نزد امام علیه السلام آمدم، اما کودک را ندیدم.

وقتی از امام علیه السلام درباره آن حضرت پرسیدم فرمود:

او را به همان کسی سپردیم که مادر موسی فرزندش را بدو سپرد.

هفت روز بعد به دستور امام علیه السلام، به خانه آن حضرت رفتم.

امام فرزند خود را در آغوش گرفته بود. بدو گفتم فرزندم سخن بگو!

امام زمان (عج) لب به سخن گشود؛ شهادتین را گفت و بر ولایت ائمه، یک یک تصریح کرد

و آن گاه این آیه را تلاوت فرمود:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۱</sup> و ما بر آن

هستیم که بر مستضعفان روی زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان گردانیم و آن ها را

در آن سرزمین مکانت بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان چیزی که از آن می ترسیدند

نشان دهیم.

### هدف از مخفی نگاه داشتن امام زمان علیه السلام

مخفی کردن امام زمان علیه السلام با توجه به تلاش هایی بوده است که عباسیان در کنترل زندگی حضرت

امام حسن عسگری علیه السلام داشتند.

آنان می خواستند به هر نحو ممکن، راه امامت شیعه را مسدود سازند.

شیخ مفید در این زمینه چنین می نویسد:

ولادت آن حضرت به دلیل مشکلات آن زمان و جست و جوی شدید حکومت و کوشش

آنان برای یافتن آن حضرت مخفی ماند.<sup>۲</sup>

۱. فی کتاب الشیبة لشیخ الطائفة نور الله مرقدہ، باسناده الی حکیمه حدیث طویل تذکر فیہ مولد القائم بقول فیہ، وقد ذكرت أم القائم علیه السلام، و جلست و معها حیث تقعد المرأة من المرأة للولادة فقبضت علی کفی و غمزت غمزة شديدة ثم أتت آفة و تشهدت و نظرت تحتها فإذا أنا بولین الله صلوات الله علیہ تنقیا الأرض بستانیدہ فأخذت بکفیه فأجلسته فی حجری وإذا هو تکیف مطروح منه فنادی أبو محمد علیه السلام یا عمه هللی یا بنی فأتینہ به فقاوله و أخرج لسانه فمسحه علی عینی فمسحها ثم أدخله فی فیه فحکته ثم أدخله فی آذنیه و أجلسه فی راحیه البشری فاستوی ولی الله جالسا فمسح بیده علی رأسه و قال له یا بنی انطلق بقذرة الله فاستغاد ولی الله علیه السلام من الشیطان الرجیم و استفتح بسم الله الرحمن الرحیم و فرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین و نمنکن لهم فی الأرض و نری فرعون و هامان و جنودهما ینهم ما كانوا یحذرون و سألنی علی رسول الله و علی أبیر المؤمنین و الأئمة علیهم السلام و اجدأ و اجدأ حتی انتهى الی أبیه فقاویلہ أبو محمد علیه السلام و قال یا عمه زد به الی أمه حتی تقر عینی و لا تعین و نعلم ان وعد الله حق و لکن أكثر الناس لا یعلمون. تفسیر سور الشقلین، ج ۲، ص ۱۱۱ اكمال الدین، ج ۲، ص ۲۲۶-۲۲۷

تلاش بنی عباس برای یافتن فرزند امام یازدهم در بیش تر منابع آمده است. در حدیث مفصلی که احمد بن عبدالله بن حاقان نقل کرده درباره کاوش خانه امام حسن عسگری علیه السلام مطالب دقیقی آمده است. او می گوید:

وقتی خبر بیماری حضرت امام عسگری علیه السلام به خلیفه رسید، به دنبال پدرم (که وزیر خلیفه بود) فرستاد...

او به دارالخلافه رفت و با پنج نفر از نزدیکان خلیفه که همه از معتمدان او بودند برگشت و به آن ها گفت تا خانه امام علیه السلام را در کنترل داشته باشند.

پس از وفات امام علیه السلام، خلیفه دستور داد خانه امام را جستجو کرده، همه چیز را مهر و موم نمایند و به دنبال یافتن فرزند او باشند.

خلیفه هم چنین دستور داد تا کنیزان امام عسگری را کنترل کنند تا ببینند کدام یک باردار هستند و فرمان داد هر کنیزی که احتمال دارد حامله باشد به محل خاصی برده شود و از او مراقبت شود.

این نگهداری تا زمانی ادامه می یافت که مطمئن می شدند او بازدار نیست.

در ادامه روایت اشاره به فرصت طلبی «جعفر»، برای جانشینی امام عسگری علیه السلام شده است، که برای این کار از عبیدالله خاقان درخواست کمک کرد و عبیدالله او را طرد کرد.<sup>۱</sup>

### منزلت پیروان حضرت

حضرت امام سجاده علیه السلام فرمود:

قسم به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت و بشیر و نذیرش قرار داد، همانا نیکان از ما اهل بیت علیهم السلام و شیعیانش منزلت موسی علیه السلام و شیعیانش را دارند و همانا دشمنان ما و پیروانشان منزلت فرعون و پیروان او را دارند.

### مهدی (عج) و برکاتش

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. القیبه، ص ۱۳۲ - ۱۳۱.  
 در روایت دیگری نیز چنین آمده است: عده ای از شیعیان قم برای دادن وجوه شرعی به سامرا آمده بودند که خیر وفات امام عسگری را شنیدند. کسانی آن ها را نزد جعفر کذاب بردند. شیعیان خواستند او را امتحان کنند، پرسیدند آیا می دانند که چه مقدار پول آورده اند؟ او گفت نمی داند و این گونه علم آنها در انحصار خداوند است. آنان از دادن پول خودداری کردند. در آن هنگام شخصی آنان را صدا زد و به خانه ای را اکتفا می کرد، در آنجا آنان حاضر شدند. پول را به شخصی که گفت آنان چه مبلغ با خود دارند بدهند. جعفر خیر این خادش را به معتمد عباسی رساند و او نیز دستور داد تا مجدداً به جستجوی خانه ای امام و حتی همسایگان امام بپردازند. اكمال الدین ج ۱، ص ۴۷۳ - ۴۷۴.  
 ۲. و قال سيّدنا علي بن الحسين عليه السلام و آلهي بتمت محمداً بالحق بشيراً و نذيراً إن الأبرار منا أهل البيت و شيعتهم بمنزلة موسى و شيعة و إن عدونا و أشياهم بمنزلة فرعون و أشياهم. تفسير نور الثقلين، ج ۴، ص ۱۰۹، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۷.

اَنتُمْ در زمان مهدی علیه السلام، آن چنان بهره از نعمت برند که هرگز آن گونه بهره نبرده‌اند آسمان باران خود را می‌رساند و زمین از روئیدنی‌های خود فروگذار نمی‌کند، مگر آن که بیرونش می‌دهد و مال در آن روز فراوان و خرمن شده باشد شخص برخیزد و گوید: یا مهدی علیه السلام به من مال ببخش. فرماید: بگیر!

### علت نام‌گذاری مهدی علیه السلام

جابر جعفی می‌گوید:

من در خدمت امام محمد باقر علیه السلام بودم که مردی به حضور ایشان شرفیاب شد و عرض کرد: خداوند شما را رحمت کند! این پانصد درهم را که زکات مال من است بگیری و به مصرف برسانی.

حضرت فرمود: خود آن را بردار و به همسایگانت و ایتام و مساکین و برادران مسلمانان بده که [و جوب سپردن زکات به امام] هنگامی است که قائم ما قیام کند، و به مساوات تقسیم نماید و میان بندگان نیک و بد خداوند رحمان به عدل رفتار کند.

هر که از او اطاعت کند خدا را اطاعت نموده، و کسی که از او سرپیچی کند از فرمان خدا سرپیچی نموده است. او «مهدی» نامیده شده است، زیرا به امر پنهانی هدایت شده است...<sup>۱</sup> به نقل از ابوسعید خراسانی گفت: به حضرت امام صادق علیه السلام عرض کردم: مهدی علیه السلام و قائم علیه السلام یکی است؟

فرمود: آری. عرض کردم: چرا مهدی علیه السلام نامگذاری شده؟ فرمود: زیرا به هر کار مخفی و پنهان هدایت می‌کند و از آن جهت قائم علیه السلام نامیده شد که پس از مردن قیام کند و قیام به امر عظیمی فرماید.<sup>۲</sup>

### حرمت ذکر نام شریف آن حضرت

در مورد «حکم تسمیه» و نام بردن به اسم شریف حضرت «بقیة الله علیه السلام» با نام مخصوص آن حضرت (م. ح. م. د) - نه اسم‌ها و القاب دیگر ایشان - بیش از صد روایت ذکر شده است. امام هادی علیه السلام فرمود:

۱. عن أبي سعيد الخدري عن النبي صلى الله عليه وآله قال يتنعم أمتي في زمن المهدي عليه السلام بعملة لم يتفقوا عليها قط يرسل الشتاء عليهم بذرايا ولا تدع الأرض شيئا من نباتها إلا أخرجته عقدا الدور، ص ۱۷۰ بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۴۱ ما ورد من إخبار الله وإخبار، ص ۸۳.  
 ۲. هلال الشرايع، ص ۱۲۹، ر ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹.  
 ۳. عن أبي سعيد الخراساني قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام المهدي والقائم واحد فقال نعم قلت لأي شيء سمي المهدي قال لأنه يهدي إلى كل أمر خبي وسمي القائم لأنه يقوم بقد ما يموت إله يقوم بأمر عظيم اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶ بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۴۲۰ أسماؤه وألقابه وكناه عليه السلام، ص ۳۰.

«لَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرَهُ بِاسْمِهِ»؛ برای شما حلال نیست که او را به اسم یاد کنید.

امام صادق علیه السلام هم فرمود:

«لَا يَسْمِيَهُ بِاسْمِهِ الْكَافِر»؛ به جز کافر هیچ کس نام آن حضرت را نبرد.

البته در احادیثی، علت نهی از «تسمیه به اسم حضرت» خوف و تقیه دانسته شده است.

**اقوال درباره جواز تسمیه به اسم حضرت یا عدمش**

یکم: حرمت ذکر نام شریف آن حضرت تا زمان ظهور؛ مانند: علامه مجلسی، شیخ صدوق، شیخ مفید، طبرسی، میرداماد، محدث جزائری، محدث نوری، میرزای شیرازی، میرزا محمد تقی اصفهانی رحمتهما و...

گفتنی است که میرداماد، و میرزای شیرازی و نوری رحمتهما، ادعای اجماع کرده‌اند و جزائری رحمتهما ادعای اکثر نموده است.

دوم: حرمت ذکر نام شریف آن حضرت به جهت تقیه و خوف؛ مانند: مرحوم اربلی، خزاعلی، خواجه نصیرالدین طوسی، فیض کاشانی رحمتهما، و...

سوم: حرمت ذکر نام شریف آن حضرت در دوران غیبت صغری؛ یعنی، این حرمت، اختصاص به دوران «غیبت صغری» داشته است.

### اوصاف حضرت مهدی علیه السلام

درباره اوصاف و ویژگی های امام عصر علیه السلام روایات فراوانی نقل شده است:

برای تبرک، روایاتی در این باب ذکر می شود:

#### خشوع برای خدا

امام صادق علیه السلام فرمود: مهدی علیه السلام برای خدا خشوع دارد، همانند خشوع شیشه که چگونه زود آب

می شود یا خاشع است و شکل ها را می پذیرد.

#### کارزار بر اساس سنت

رسول الله صلی الله علیه و آله درباره مهدی علیه السلام فرمود: او مردی از عترت من است که بر اساس سنت من کارزار

می کند، چنان که من بر اساس وحی کارزار کردم.

#### نماز عیسی علیه السلام پشت سر مهدی علیه السلام

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مهدی علیه السلام توجه می کند در حالی که عیسی بن مریم علیه السلام نازل شده باشد، گویی از موهای

سرش آب می چکد (کنایه از عرق کردن است) و مهدی علیه السلام به عیسی علیه السلام فرماید: جلو

بایست و با مردم نماز بگذار، عیسی علیه السلام گوید: مگر نماز برای امامت تو منعقد نشده؟ پس

عیسی علیه السلام پشت سر فرزند من نماز گذارد!

۱. بیشترین اوصاف آن حضرت، در ادعیه و زیارات وارد شده است، که به برخی از آن اوصاف اشاره می شود:

عاصد فروغ الفی و الشقایق، طامس آثار الزیغ و الاهواء، قاطع حیایل الکذب و الافتراء، طالب بدحول الانبیاء و ابناء الانبیاء، طالب بدم المقتول بکریلاه، منصور علی من اعتدی علیه و افتری، فائق کل رقی، معشوق کل حقی، مبطل کل باطل، محیی المؤمنین و حیر الکافرین، مهدی الامم، سفینة التجماء، التقی، حافظ اسرار رب العالمین، معدن علوم النبوة، حجة الله فی ارضه، الرقی، باب الله و خازن کل علم، شاهد الله علی عباده، سبب المتصل بین الارض و السماء، حجة المعبود و کلمة النحیود، صاحب الصحاح، قاصم الشوكة المعتدین، منیر الحق، مؤمل لاحیاء الكتاب و حدوده، قائم بقسط الله، رمز الاولیاء و مثل الاعضاء، الرکی، دین المأثور، جامع الکلم، بقیة الله من الصفوة منجبین، التقی، عین الله فی خلقه، عین النبیوة، قمر الزاهر، السیف الشاهر، صاحب الشرف، وتر الموتور، مؤلف شمل الصلاح و الرضا، قائم المنصوب، خلف السلف، وارث الانبیاء، العدل المشتهر، هادم ابیة الشرك و النفاق، مُدَجِّرٌ لِجَهِدِ الْفَرِیضِ و السنن، مخرج الکرب و مزیل الهم، نور الباهر، صدر الخلائق ذوالنیر و التقوی، جامع الکلیة علی التقوی، متخیر لاعادة العلة و الشریعة، مبیّد اهل القسوق و العصیان و الطغیان، الكتاب المسطور، قائم بامر الله، خالق الهام، شمس الظلام و بدر النمام، مستأصل اهل العناد و التفتیل و الالحاد، صاحب يوم الفتح و ناشر رایة الهدی، عین الله الناظر، وجهه الله الذی لیه بتوجهه الاولیاء، ربیع الانام، نضره الايام، امنیة شایق یتقن من مؤمن و مؤمنة.

۲. قال الصادق علیه السلام: المهدي خاشع لله كخشوع الزجاج، يوم الخلاص، ص ۸۰.

۳. عن عائشة عن النبي صلی الله علیه و آله فی المهدي هو رجل من عترتي، یقاتل علی سنتي كما قاتلت انا علی الوضی، عقد الدرر، ص ۱۷.

۴. عن حدیقة، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یلتفت المهدي، وقد نزل عیسی ابن مریم کائما یقطر من شعره الماء، فیقول التهذي: تقدم صل بالناس فیقول عیسی: اما اقیست الصلاة.

## طاووس اهل بهشت

رسول الله ﷺ فرمود: مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است.<sup>۱</sup>

## پیشانی بلند و نورانی

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی (عج) از من است دارای پیشانی بلند و نورانی و بینی نازک که پشتش اندکی برآمدگی دارد.<sup>۲</sup>

## خوش رو با چهره‌ای چون ماه

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

مهدی علیه السلام روشن و خوشرو و موی مجعد دارد، چهره‌اش چون ماه و پیشانی درخشان است صاحب خال و علامت است دانشمند غیر تمند و آموزگاری است که خبر از آثار می‌دهد.<sup>۳</sup>

## زیبارو و زیبا مو

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مهدی (عج) زیبارو و زیبا مو است، موی سرش بر نشانه‌هایش ریخته و نور چهره‌اش بر سیاهی محاسنش برتری دارد.<sup>۴</sup>

## ابروه‌های پیوسته

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

مهدی (عج) دارای ابروان پیوسته و چشم‌ها بر اثر بیداری شبها به گودی فرورفته در چهره مبارکش اثر نمودار است.<sup>۵</sup>

## خال برگونه مبارک

حضرت امام صادق علیه السلام درباره حضرت مهدی (عج) فرمود:

نه بسیار بلند قد و نه کوتاه اندام است بلکه چهارشانه و جمجمه‌اش گرد و سینه‌اش وسیع و گشاده و پیشانی بلند و ابروان پیوسته دارد و برگونه مبارک راستش خالی است گویی خرده مشک بر خرده عنبر پاشیده.<sup>۶</sup>

۱. لک ۲ فیصلی خلف رجل من ولدی. عقد الدرر، ص ۱۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۱۴.

۲. ابن عبدالله بن عباس (رض) عن النبی صلی الله علیه و آله قال: مهدی طاووس اهل الجنة. عقد الدرر، ص ۱۲۸.

۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «مهدی منی و هو اجلی الجنه اثنی الاثني».

یوم الخلاص، ص ۱۷۵ بحار الانوار، ج ۳۶، باب ۲۱۱، تعرض الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۳۶۸.

۴. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «المهدی قبل ابعده، هو صاحب الوجه الاقر، والجبین الازهر، صاحب الشامة والعلامة، العالم الفیروز السعیم المنیر بالانوار، یوم الخلاص، ص ۱۷۶.

۵. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «حسن الوضوء حسن الشجر یسیر صفوة علی شکیبیه و نور وجهه یغلو سواد یحینه. یوم الخلاص، ص ۱۷۷ بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۱۴، صفاته صلوات الله علیه... ص ۳۶.

۶. قال الباقر علیه السلام: «الشرف العاجین عربش ما بین المنکبین براسه خراذ و یوجهه اکر». یوم الخلاص، ص ۱۷۹ بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۲۱، صفاته صلوات الله علیه... ص ۴۰.

۷. قال الصادق علیه السلام فی المهدی: «ینش بالطویل الشامخ ولا بالقصیر اللزق بل مزبور الثامة مدور الهامة صلت الجبین ارجع العاجین اثنی الاثني سهل العذین علی خذہ الأیسین خال کانه فأت سنک علی وضراصة عنبر، یوم الخلاص، ص ۱۷۹ بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۱۸۱، ذکر من رأه صلوات الله علیه، ص ۸.



## القاب و کنیه های حضرت مهدی علیه السلام

### کنیه حضرت مهدی علیه السلام

ابوالقاسم و ابو عبدالله و ابوجعفر و دارای در اسم و جانشین محمد صلی الله علیه و آله... پرچم حق با اوست هر کس پیروی او کند به حق ملحق شود.<sup>۱</sup>

### القاب معروف حضرت مهدی علیه السلام از اخبار قدسی

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر از دنیا تنها یک روز باقی ماند، خدا در آن روز مردی را مبعوث فرماید که اسم او اسم من، و اخلاق او اخلاق من، و کنیه اش ابو عبدالله باشد، مردم در میان رکن و مقام با او بیعت کنند. خدا به وسیله او دین را برگرداند، فتح های بسیاری برای او باشد، بر روی زمین کسی باقی نماند، جز آن که «لا اله الا الله» گوید. سلمان (رض) برخاست و عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله از کدام فرزندان باشد؟ فرمود: از فرزندان این پسر و دست مبارک را بر حضرت امام حسین علیه السلام نهاد.<sup>۲</sup>

القاب حضرت عبارت است از:

۱. حجت الله
۲. مهدی علیه السلام
۳. خاتم امامان علیه السلام
۴. نجات بخش امت
۵. کسی که چشم ها به راه اوست.

۱. و کناه علیه السلام ابوالقاسم و ابو عبدالله و ابوجعفر و ذوالاسمین و خلف محمد. معه رایة الحق من تبعها الحق. يوم الخلاص، ص ۷۳.  
۲. من خدیفة رضى الله عنه قال خطبتنا رسول الله (ص) فذاكرنا ما هو كتابهم قال لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطوف الله عز وجل ذلك اليوم حتى يبعث رجلا من ولدي اسمه اشمس لتمام سلمان رد فقال يا رسول الله من ابي وليك هو قال من ولدي هذا و ضربت يديه على الحسين علیه السلام. عقد الدرر، ص ۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۱۱۵ ما ورد من اخبار الله و اخباره، ص ۷۹.

۶. برانگیزاننده
۷. وارث
۸. جانشین شایسته
۹. قیام کننده به حق
۱۰. آشکار کننده دین
۱۱. گسترش دهنده عدل
۱۲. اثر باقی خدا در زمین
۱۳. صاحب زمان عجل الله فرجه
۱۴. صاحب شمشیر
۱۵. کسی که همه چشم به راه اویند برای دولت ایمان!
۱۶. منصور
۱۷. صاحب حجة و خالص
۱۸. صاحب خانه
۱۹. صاحب امر
۲۰. مورد آرزو
۲۱. تابع
۲۲. نائب
۲۳. برهان
۲۴. بسط دهنده عدل عجل الله فرجه
۲۵. صاحب خون عجل الله فرجه
۲۶. انتقام گیر
۲۷. تأیید شده
۲۸. سرور ۲۹. جبران کننده و ۳۰. نگهبان!

۱. و القایة المعروفة عجل الله فرجه من الاختيار القدسیة، حجة الله، والمهدی و خاتم الأئمة، و منقذ الأمة و المنتظر و الباعث و الوارث و الخلف الصالح و القائم بالحق و المظهر للدين و الباسط للعدل و بقية الله في الأرض و صاحب الزمان و صاحب السيف و المنتظر لدولة الايمان. المحجبة البيضاء، ج ۱، ص ۱۳۷؛ يوم الخلاص ص ۷۳.

۲. و القاب عجل الله فرجه، المنصور و صاحب، و الحجة و العالمين، و صاحب الدار و صاحب الأمر، و المأمول و التالي، و النائب و البرهان، و الباسط و التاجر، و المنتقم و المؤيد، و السيد، و الجابر و الخازن.

## دوران زندگانی امام عصر (عج)

دوران زندگانی بابرکت حضرت قائم (عج) را به سه دوره می‌توان تقسیم کرد:

۱- دوره کودکی؛ از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰ هـ.ق.

۲- دوره غیبت صغری؛ از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هـ.ق.

۳- دوره غیبت کبری؛ از سال ۳۲۹ هـ.ق شروع شده و تا زمانی که فرمان نهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر گردد، ادامه خواهد داشت.

## دوران غیبت صغری

غیبت صغری همان دوران پنهان زیستی کوتاه مدت حضرت مهدی علیه السلام است، که طبق نظر مشهور با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام (سال ۲۶۰ ق) آغاز، و با رحلت چهارمین نایب خاص آن بزرگوار (سال ۳۲۹ ق) به پایان رسیده. در مجموع، این دوران ۶۹ سال طول کشیده است.

اگر چه به روشنی محل زندگی آن حضرت در این دوران مشخص نیست، ولی از روایات و قرائن به دست می‌آید که این مدت را حضرت عمدتاً در دو منطقه سپری کرده‌اند:

۱. منطقه عراق؛

۲. مدینه منوره، که البته روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارد.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

برای [حضرت] قائم علیه السلام دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت اول، جز

شعبان مخصوص از جای آن حضرت خبر ندارند و در غیبت دیگر جز دوستان

مخصوص اش از جای او خبر ندارند.

حضرت در غیبت صغری، چهار نایب خاص داشتند:

۱. عثمان بن سعید عمروی.

۲. محمد بن عثمان عمروی.

۳. حسین بن روح نوبختی.

۴. علی بن محمد سمری.

حضرت علیه السلام از طریق این چهار نایب، به سؤالات و نیازهای مردم پاسخ می‌دادند و به واسطه آنان، دستوراتی برای افراد صادر می‌فرمود.

در دوران غیبت صغرا، از سفیران چهارگانه (نواب خاص)، کسی نزدیک‌تر به آن حضرت ذکر نشده است، و ایشان هم تماماً در عراق و همواره با حضرت در ارتباط بوده‌اند، و توقیعات فراوانی از طرف حضرت به دست آن‌ها شرف صدور یافته است.

بنابراین می‌توان گفت بخشی از عمر آن حضرت در این دوران در عراق سپری شده است.

### دوران غیبت کبری

در اصطلاح، غیبت کبرا، به مدت زمان پنهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام گفته می‌شود، که با وفات آخرین نایب خاص، - در سال ۳۲۹ هـ.ق - آغاز، و هم‌چنان ادامه دارد و تنها ایزد منان، از پایان آن باخبر است.

این دوران ویژگی‌هایی دارد که آن را از دوران غیبت صغرا کاملاً متمایز می‌سازد که از جمله آن ویژگی‌ها، کامل شدن غیبت آن حضرت است.

### نقش فقهای جامع الشرائط در عصر غیبت کبرا

حضرت مهدی علیه السلام در این دوره، نایب خاصی تعیین نکرده‌اند، بلکه فقهای جامع الشرائط را به عنوان نواب عام خود تعیین نموده‌اند، تا به نیازهای شرعی و اعتقادی و اجتماعی مردم در چارچوب احکام شرعی، پاسخ‌های لازم را ارائه دهند.

در این زمینه در توقیعی که از ناحیه آن حضرت صادر شده است می‌خوانیم:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَانْهَمُ حِجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حِجَّةُ اللَّهِ فِي دَرَجَاتِهَا

رخدادها و پیش آمدهایی که در آینده روی خواهد داد، به راویان احادیث ما رجوع کنید،

زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی می‌فرماید:

هر کدام از فقهاء که نگه دارنده نفس خود از انحرافات است، و صبر انقلابی دارد، و حافظ دین خود و مخالف هوا و هوس خود و مطیع فرمان خدا باشد، بر عوام است که از وی تقلید کنند.<sup>۱</sup>

### پنهان زیستی

به همان اندازه که پنهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام در این دوران به کمال می رسد و نیابت و سفارت همانند دوران غیبت صغرا وجود ندارد، محل زندگی آن حضرت نیز نامشخص تر می شود، و در این دوران است که هرگز به طور قطع نمی توان مشخص نمود آن حضرت در کجا زندگی می کند.

البته روایات در این باره به محل های مختلفی اشاره کرده اند که برخی از آن ها از این قرارند:

### دشت حجاز

از اقامت گاه های حضرت قائم (عج) در دوران غیبت کبری، دشت حجاز است که به آن اشاره شده است:

ابراهیم بن مهزیار، توسط فرستاده حضرت ولی عصر (عج) به پیشگاه آن حضرت فراخوانده می شود. از طائف می گذرد و به دشت حجاز که «عوالی» نامیده می شود، هدایت می شود و به دیدار حضرت قائم (عج) می رسد.

در این دیدار آن حضرت به پسر مهزیار می فرماید:

پدرم با من پیمان بسته است که در مخفی ترین و دورترین سرزمین ها مسکن گزینم، تا از تیررس اهل ضلالت در امان باشیم، این پیمان مرا به ریگزارهای عوالی (دشت حجاز از نجد تا تهامة) انداخته است...<sup>۲</sup>

### مدینه طیبه

در برخی از روایات، بدون قید زمان غیبت صغرا، «مدینه» به عنوان جایگاه آن حضرت در دوران غیبت ذکر شده است.

### ناحیه ذی طوی

ناحیه ذی طوی، در یک فرسخی مکه و داخل حرم قرار دارد، و از آن جا، خانه های مکه دیده می شود.

این مکان، در حدود یک فرسخی مکه، در راه «تنعیم» قرار گرفته است. برخی از روایات، آن محل را به عنوان جایگاه حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت معین کرده‌اند. در روایات عنوان شده که هنگام ظهور امام قائم (عج)، آن حضرت قبل از آن که کنار کعبه رود و صدای خود را به جهانیان برساند، در این مکان در انتظار ۳۱۲ نفر از یاران خاصش توقف می‌کند، تا این که آن‌ها می‌آیند و به آن حضرت می‌پیوندند...<sup>۱</sup>

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

صاحب این امر را در برخی از این درّه‌ها غیبی است و با دست خود به ناحیه ذی طوی - که نام کوهی است در اطراف مکه - اشاره نمود.<sup>۲</sup>

در برخی دیگر از روایات نیز ذکر شده که حضرت مهدی علیه السلام، قبل از ظهور در «ذی طوی» به سر می‌برد و آن‌گاه که اراده الهی بر ظهور آن حضرت تعلق گیرد، از آن جا وارد مسجد الحرام می‌شود. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

قائم علیه السلام در میان گروهی به شمار اهل بدر - سیصد و سیزده تن - از گردنه ذی طوی پایین می‌آیند تا آن که پشت خود را به حجرالاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروز را به اهتزاز درمی‌آورد.<sup>۳</sup>

### خرابات

«خرابات» یکی از اقامت‌گاه‌های حضرت قائم (عج) است. خرابات، عبارت از جزیره‌هایی در مغرب از دریای محیط (اقیانوس اطلس) است. میرزا محمد استرآبادی، در ضمن نقل داستان تشرّف خود به نزد امام زمان (عج)، می‌گوید: در حین ملاقات یک بوته گل سرخ که موسم آن نبود، به من عنایت فرمودند. من آن را بوئیدم و بوسیدم و عرض نمودم: سید من! مولای من! این گل از کجاست؟! فرمودند: از خرابات است. و آن‌گاه از نظرم ناپدید شدند.<sup>۴</sup>

### دشت‌ها و بیابان‌ها

از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که آن حضرت در طول غیبت کبرا، محل خاصی ندارد و همواره در سفر به سر می‌برد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴ و ۳۰۷. ۲. یكون لصاحب هذا الامر غيبة في بعض هذه الشّباب و اوما بيده إلى ناحية ذی طوی. غیبت نعمانی، ص ۱۸۱. ۳. إن القائم بهبط من نبتة ذی طوی في عدة اهل بدر ثلاثاً و ثلاثة عشر رجلاً حتى يسند ظهره إلى الحجر الأسود و يهتز رأية الغلبة. غیبت نعمانی، ص ۳۱۵. ۴. زیحانة الادب، ج ۳، ص ۳۶۴.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که وقتی شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام به انبیا را بیان نمودند، چنین فرمودند:

و اما شباهت حضرت مهدی علیه السلام به حضرت عیسی علیه السلام، جهانگردی (و نداشتن مکانی خاص) است.

در توفیقی که از حضرت مهدی علیه السلام به نام شیخ مفید رحمه الله صادر شده است، نیز به نامعلوم بودن مکان حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است. در آن نوشته چنین آمده است:

... با این که ما براساس فرمان خداوند و صلاح واقعی ما و شیعیان مؤمنان تا زمانی که حکومت در دنیا در اختیار ستم‌گران است در نقطه‌ای دور و پنهان از دیده‌ها به سر می‌بریم...<sup>۱</sup>  
هم چنین در پاره‌ای از ملاقات‌های معتبر که در دوران غیبت کبرا نقل شده است، حضرت به این نکته اشاره فرموده‌اند.

علی بن ابراهیم بن مهزیار، پس از نقل ملاقات خود با حضرت مهدی علیه السلام، به نقل از ایشان چنین می‌گوید: آن حضرت فرمود:

همانا پدرم ابو محمد با من عهد فرمودند که در مجاورت قومی که خداوند بر آنان غضب کرده است قرار نگیرم... و به من فرمود که در کوه‌ها ساکن نشوم، مگر قسمت‌های سخت و پنهان آن و در شهرها ساکن نشوم مگر شهرهای متروکه و بی آب و علف.<sup>۲</sup>

این نامعلوم بودن محل زندگی آن حضرت در دوران غیبت کبرا سبب شده تا عده‌ای به گمانه‌زنی‌هایی بعضاً سست و واهی پردازند و به طرح محل‌هایی که اثبات آن‌ها کاری بس مشکل است روی آورند.

خیال سبز تماشایت به ذهن آینه‌ها جاری است

و چشم آینه‌ها انگار بدون چشم تو رنگاری است

تو ای حضور اهورایی! به یک تبسم بارانی

بیا و جام مرا پر کن! کنون که لحظه سرشاری است

افسانه جزیره خضرا یا مثلث پرمودا و مانند آن، حکایت‌هایی است که در تاریخ پرفراز و فرود این اعتقاد رخ نموده است، ولی همواره روشن‌گران این مذهب حق، مردم را از لغزش در این

۱. و اتا شیخه من عیسی فالشیخه.

۲. ... وإن كنا نؤمن ببنكاننا التالي من مساكن الظالمين حسب الذي أرناهُ الله لنا من الصلّاح شيعةنا المؤمنين لي ذلك مادامت دولة الدنيا للظالمين...

۳. ما بين النازيار ابي ابو محمد عهد إليّ ألا أجاور قوماً غضب الله عليهم... وأمرني ألا أسكن من الجبال إلا بعمرها ولا من البلاد إلا قعرها.

بیراهه‌ها بر حذر داشته‌اند.

### آگاهی موالیان حقیقی به مکان غیبت

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

برای حضرت قائم علیه السلام دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت اول، جز شیعیان مخصوص، کسی از جای آن حضرت باخبر نیست. و در غیبت دوم، جز دوستان مخصوص و موالیان حقیقی در دین، کسی به مکان او آگاه نیست.<sup>۱</sup>  
بر این اساس، هیچ مانعی ندارد که شیعه واقعی و دوست صدیق امام زمان علیه السلام، از مکان اقامت امام علیه السلام در زمان غیبت، آگاه باشد، و با چنین آگاهی، توفیق حضور پیدا کند.

۱. للقائم غیبتان احدیها طویلة و الأخری قصیرة فالأولی یعلم بمكانه فیها خاصة من شیعه و الأخری لا یعلم بمكانه فیها إلا خاصة موالیه فی دینه. کافی، ج ۲، ص ۱۲۱.



### طول عمر حضرت مهدی علیه السلام

بنابر اعتقاد شیعه، هیچ گاه زمین از حجت خالی نیست؛ چه آن حجت ظاهر باشد یا غائب. آخرین حجت الهی در روی زمین، حضرت مهدی علیه السلام است که از دیدگان غائب است؛ ایشان در سال ۲۵۵ قمری متولد گشته‌اند، تا این زمان زنده هستند و در پس پرده غیبت به سر می‌برند، تا آن گاه که شرائط و زمینه ظهور و تشکیل حکومت جهانی آماده شود و به اذن و اراده الهی، حضرت ظاهر شوند و جهان را پر از عدل و داد نمایند. در این میان، یکی از نکاتی که همیشه مورد پرسش قرار گرفته است، مسأله طول عمر امام زمان علیه السلام می‌باشد، که لازم است برای ذهن‌های پرسش‌گر تبیین شود.

#### تبیین طول عمر امام زمان علیه السلام

برای تبیین عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام، راه‌های گوناگونی وجود دارد:

##### ۱. قدرت نامحدود الهی

خداوند تعالی بر هر چیزی قادر و توانا است: «ان الله على كل شيء قدير». آن ذات اقدس، دارای قدرت مطلق و نامحدود است.

خدایی که انسان را از هیچ آفرید، هر گاه اراده کند، می‌تواند سال‌ها و قرن‌ها، یک انسان را زنده نگه دارد، و اراده الهی بر این تعلق گرفته است که زمین از حجت خالی نباشد، و امام زمان علیه السلام تا آماده شدن جهان برای تشکیل حکومت جهانی و برقراری حکومت جهانی و داد در جهان، زنده باشند.

##### ۲. یافته‌های علمی از نظر علوم جدید

در قوانین طبیعی، در مورد مقدار عمر طبیعی بشر، هیچ اصل ثابت و غیر قابل تغییری وجود ندارد. به همین دلیل، دانشمندان علوم تجربی، همواره، در حال مطالعه و آزمایش‌اند و می‌کوشند تا متوسط طول عمر انسان را افزایش دهند.

بدون شک، اگر مقدار عمر طبیعی انسان، دارای اصول ثابت و غیر قابل تغییری بود، این مطالعات و آزمایش‌ها معنا و مفهومی نداشت.

هم چنین از نظر دانش جدید، جسم انسان برای سالیانی دراز، دارای قابلیت حیات و بقا است. دانشمندانی که نظریات آنان مورد اعتماد است می‌گویند، همه‌ی بافت‌های اصلی، در جسم انسان و حیوان، تا بی‌نهایت قابلیت بقا دارد و از این حیث، کاملاً ممکن است که انسانی هزاران سال زنده بماند.

جالب این که تحقیقات دانشمندان علوم تجربی با توفیقاتی نیز همراه بوده است و توانسته‌اند در طی چند دهه‌ی اخیر، با همگانی کردن و افزایش بهداشت و سلامت جامعه، سلسله‌ای از بیماری‌ها و مرگ و میرها را مهار کنند و کاهش دهند.

#### عوامل طولانی شدن عمر اشخاص

۱. از جهت ترکیبات جسمانی در کمال اعتدال باشد.
۲. عضوهای اصلی بدن همانند قلب، اعصاب، کلیه، کبد، مغز، معده و همه تیرومند و سالم باشند.
۳. ضمن اطلاع کامل از دستورات بهداشتی، رعایت آن‌ها را ضروری بدانند.
۴. از خواص و آثار خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها مطلع باشد.
۵. از طریق پیشگیری بیماری‌ها، بویژه پیری و مرگ آگاه باشد.
۶. از سموم آگاهی کامل داشته باشد و از آن‌ها دوری جویند.
۷. نیازهای بدن را از جهت غذا و اقسام ویتامین تأمین کند.
۸. بیماری خاصی از پدر و مادر و اجداد به ارث نبرده باشد.
۹. از اخلاق زشت و اضطراب روح که سبب فرسودگی اعصاب و مغز و مولد کثیری از بیماری‌هاست، به دور باشد.

۱۰. اخلاق نیکو که آسایش بخش روح و جسم هست، در او جمع باشد.

و موارد بسیار دیگر...

چنین فرد ممتازی، استعداد آن را دارد که چندین برابر افراد دیگر، سالیانی طولانی به زندگی ادامه

دهد.

امام زمان علیه السلام تمام این شرایط و زمینه‌ها را برای طول عمر دارند.

قضیه طول عمر، از پشتوانه‌ی دینی مطمئنی نیز برخوردار است.

« ۳. آنان که عمر طولانی داشتند» ..... ۱۰۷

سالم ماندن جسم پیامبران و امامان و اولیا و عالمان ربّانی و شهیدان راه خدا و صالحان، دلیل بر درستی این مطلب است.

این قضیه حداقل، در مورد پیامبران، دارای پشتوانه‌ی دینی است.

رسول خدا ﷺ، روزی به یارانش فرمود:

زندگی و مرگام برای شما مایه خیر و برکت است. حیات من، باعث هدایت شما از گمراهی و نجات شما از آتش شد. و مرگ من، برای شما خیر است، برای این است که اعمال شما بر من عرضه می‌شود و از خداوند می‌خواهم اعمال نیکو و شایسته‌ی شما را افزایش دهد و نسبت به اعمال نکوهیده‌ی شما از خداوند طلب آمرزش می‌کنم.

مردی از منافقان به پیامبر ﷺ عرض کرد:

ای پیامبر خدا! چه گونه چنین امری ممکن است، حال آن که بدن شما متلاشی و تبدیل به خاک خواهد شد؟!  
پیامبر فرمود:

كَلَّا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ لِحُومَنَا عَلَى الْأَرْضِ فَلَا يَطْعَمُ مِنْهَا شَيْئًا؛ چنین نیست! خداوند، گوشت ما پیامبران را بر زمین حرام کرده است و زمین چیزی از آن را نمی‌خورد.

### ۳. آنان که عمر طولانی داشتند

در طول تاریخ، افراد زیادی وجود داشته‌اند که عمرهای طولانی نموده‌اند.

در این مقام، به عده‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

حضرت آدم علیه السلام ۹۳۰ سال.

شیث بن آدم علیه السلام ۹۱۲ سال.

انوش بن شیث ۹۵۰ سال.

قینان بن انوش ۹۲۰ سال.

حضرت لوط علیه السلام ۷۳۲ سال.

حضرت ادریس علیه السلام ۳۰۰ سال.

حضرت نوح علیه السلام بیش از ۹۵۰ سال.

حضرت عاد علیه السلام ۱۲۰۰ سال.

گرچه ممکن است برخی از این موارد خالی از مبالغه نباشد، ولیکن عمر حضرت نوح علیه السلام نص

صریح قرآن است که مدت نبوت ایشان ۹۵۰ سال بود:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ

ظَالِمُونَ﴾؛ و به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم و در [میان] آنان هزار سال جز پنجاه

سال، درنگ کرد و (سرانجام) سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که آنان ستم کار بودند.

پس درمی یابیم که در طول تاریخ افرادی بوده اند که عمرهای طولانی داشته اند.

علاوه بر آن، روایاتی در این باب رسیده است. از آن جمله، حضرت امام سجادی علیه السلام فرمود:

در قائم علیه السلام، سنتی از نوح علیه السلام است، و آن طول عمر می باشد!

حضرت امام علی علیه السلام فرمود:

در باره مولودی که از صلب من و یازدهمین فرزندم علیه السلام باشد می اندیشیدم، او است که زمین

را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. او را غیبت و خیرتی خواهد

بود که گروهی به گمراهی درافتند و گروهی راه هدایت پویند تا آنجا که فرمود: آنان

گزیدگان امت اند که با گزیدگان و نیکان این عترت علیهم السلام باشند!

### طول عمر! ممکن است یا محال؟!!

طول عمر حضرت قائم علیه السلام، اگر چند هزار سال دیگر هم طول بکشد، دلیلی ندارد که محل شبهه

باشد؛ چرا که امکان ذاتی و امکان وقوعی طول عمر مسلم می باشد.

چنان چه ایمان به خدا و توانایی ذات اقدس داشته باشیم و نبوت پیام آوران را قبول داشته باشیم،

چه طول عمر حضرت را معجزه بدانیم و یا یک امری طبیعی، جای تردیدی باقی نمی ماند و

درمی یابیم که مشیت الهی بر انجام آن تعلق گرفته است.

براین اساس آنان که خدا را قادر مطلق می دانند، شکی در این مسأله نمی کنند. آنان که - العیاذ بالله -

آن ذات لایزال را ناتوان می شمارند، پس هر چه گفته شود باز هم کم است!

اگر کسی خدا را قادر مطلق بداند، در این مسائل شکی نخواهد داشت، ولی اگر کسی خداوند را

ناتوان بداند، پس هر چه دلیل گفته شود، قانع نخواهد شد.

۱. عنکیوت: ۱۴.

۲. عن سعید بن جبیر قال سمعتُ شیخنا العابدین علی بن الحسین علیه السلام یقول فی القائم سنه من نوح وهو طول العشر. مستخب الأثر، ص ۲۷۵. بحار الأنوار، ج ۱۵ باب ۱۱۳ ما فیہ من سنن الأنبیاء... ص ۲۱۷.

۳. عن الأصغر بن نباته عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی حدیث قال: فکرت فی مولود ینکون من طهری العادی عشر من ولدی، هو المهدی الذی یملا الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، ینکون له غیبة و حیرة یضل فیها اقوام و ینتدی فیها آخرون الی ان قال: اولئک خیار هذه الأمة مع خیار ابرار هذه العثرة. البیات الهدایة، ج ۳، ص ۲۲۲.

### شباهت طول عمر حضرت و معجزات انبیاء

آیا چیزی بالاتر از معجزات انبیاء وجود دارد؟

زنده کردن مردگان، تبدیل عصا به ثعبان، پیدایش شتر از میان سنگ و گوه، فرستادن مائده آسمانی، ولادت عیسی علیه السلام بدون پدر، سخن گفتن کودک در گهواره، از جمله معجزاتی است که خداوند توسط رسولانش برای انسان‌های هر زمان، فرستاده است.

طول عمر حضرت علیه السلام نیز از آن جمله است.

علاوه بر آن، بشارت خداوند و پیامبر و ائمه طاهرين علیهم السلام، به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، و نوید تشکیل حکومت جهانی در سراسر عالم، و برپایی عدالت اجتماعی، جای شک و تردیدی را باقی نمی‌گذارد.

به تعبیر یکی از محققین، «باید استبعاد در این مسئله را از وساوس شیطان بدانیم».

### نظر عالمان شیعی درباره طول عمر حضرت علیه السلام

از فقیه معاصر و مفسر عظیم الشأن حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد حسینی همدانی معروف به «آقاجفی علیه السلام» صیهر و داماد مرحوم آیه الله العظمی حاج میرزا محمد حسین نائینی - اعلی الله مقامه - و از تلامذه آن مرحوم، و آیه الله العظمی حاج شیخ محمد حسین اصفهانی و غیرهما، در «فقه و اصول»، و در «اخلاق» و «عرفان» از خواص مرحوم آیه الله قاضی طباطبائی علیه السلام، بحثی فشرده راجع به طول عمر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداء - و کیفیت زندگانی آن حضرت را، یادآور می‌شویم:

از جمله اصول مذهب شیعه اثنی عشری، اعتقاد به اصل «امامت» به طور اطلاق است، به این که دوازدهمین از اوصیاء طاهرين علیهم السلام حضرت بقیه الله الاعظم - ارواحنا فداء - در حال حیات و بطور «غیبت تمام بطور کامل» است، و لازم [لازمه] این گونه «غیبت» بتمام معنی و بطور اطلاق، بی‌نیازی از لوازم زندگی مادی و طبیعی است.

۱. محقق این کتاب، در یادداشت‌هایی آورده است: مجتهد نیکوسیرت، آیه الله العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی فقیه، دامت برکاته، در زمان حیات ملکی آن عالم ربانی، نسبت به تعلیق، تصحیح و تفسیر این مطالب اوزننده و چاب و نشر آن اقدام نمودند، که از نظر آن بزرگوار گذشت. آن عالم زاهد با تقوا و ربانی، که عمر شریفش را در راه دین بین اسلام مصروف داشت، در اواخر عمر شریفش، نسبت به بحث‌های علمی یا معظمه، سرشار از اشتیاق بود. (این همان سیره اولیاء الله است.)  
آن عالم ربانی، که اسرازی در عرفان، سیر و سلوک، اخلاق، معارف و... سینه به سینه از استادانش به یادگار داشت، در طی جلساتی، با معظمه در میان گذارد. عقد اخوت و محبت‌های فوق‌العاده، ابراز علاقه و تأییدات، اجازه علمی اجتهادی، از جمله ارتباط‌های آن عالم گرانقدر شیعی علیه السلام با این ستاره درخشان حوزه علمیه و استاد بزرگوار، حفظه الله تعالی، بود.  
نیز از مراجع عالیقدر جهان شیعه، حضرت آیه الله العظمی بهجت، رضوان الله تعالی علیه، و مرحوم آیه الله العظمی حاج ملا احمد خابری نجفی یزدی، طرز چنانی علیه السلام مطالب مهمی وجود دارد، که ذکر آن مجال دیگری را می‌طلبد. (رابطه این دو بزرگوار در نجف اشرف، عقد اخوت، رفاهت‌های دیرین، و رابطه حسینی با آن عارف سالک از آن جمله است.) برای آن عالمان ربانی و بزرگان عالی‌مقام، علو درجات را خواستاریم.

و مراد از «غیبت تام» پنهان بودن از عموم مردم و از مکانها نیست، به اینکه عزلت تام و کامل داشته باشد، چه اینکه اینگونه غیبت محدود و اعتباری است؛ یعنی حضور فی الجمله هست، بلکه مراد از غیبت تام احتیاج نداشتن به هرگونه لوازم زندگی طبیعی است. از آیه کریمه «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ» و کریمه «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ» استفاده می شود که حق سبحانه و تعالی «عیسی مسیح» را از شر و آزار یهود برحذر داشت، و به او زندگی با «رفعت و کرامت» موهبت فرموده، و زندگی او را با بدن عنصری و مادی و بی نیاز از لوازم زندگی طبیعی قرار داده، و هیچ گونه حاجت در زندگی ممتد [و طولانی] خود نداشته باشد، بلکه اراده او بر نظام طبع [قانون طبیعی در طبیعت] حکومت خواهد داشت، و از مواهب غیبی بهره مند است.

و نیز بر طبق کریمه «کلما دخل علیها زکریا المنحراب وجد عندها رزقا» هر وقت که پیامبر زکریا از نظر کفالت به ملاقات «مریم صدیقه» به بالا حجره از «مسجد اقصی» می رفت، او را در حال عبادت و بی نیاز از لوازم زندگی طبیعی مشاهده می نمود، و از این جهت مریم صدیقه دوره زندگی نوزادگی و شیرخوارگی و کودکی و در حال رشد و جوانی بی نیاز از لوازم طبیعی بوده، و از طریق [راه] غیبی غذا و مایحتاج او آماده می شد.

و امکان دارد که بشر سالها بدین منوال [و روش] زندگی ملکوتی داشته باشد، هم چنان که در زندگی دامنه دار و با رفعت عیسی بی نیاز از لوازم طبع [طبیعی] بوده و از طریق زندگی ملکوتی بهره مند باشد. غرض اثبات حیات و زندگی ملکوتی «بقیة الله» است.

دلیل «غیبت تام» و کبرای بقیة الله الاعظم - ارواحنا فداه - از طریق «روایات»، «رقعه ای» است که از آن مقام شرف صدور یافته، و به «چهارمین نائب خاص» خود جناب عالم ربانی «سیمری» خطاب بوده «فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ النَّامَةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ» (بهار / ج ۱، ص ۳۶۱ باب احوال السفراد از شیخ طوسی رحمته)

بدیهی است «غیبت تام» و کامل عبارت از بی نیازی از لوازم زندگی طبیعی است که به جز از «مشیت» و «اذن ساحت کبریائی» صورت نخواهد گرفت، و غیبت تام از نظام طبع [و برنامه طبیعی عالم] به آن است که با «بدن عنصری»، ولی از نظر زندگی، «ملکوتی» باشد، و لازمه آن خروج از نظام محدود طبع است، همچنان که مریم صدیقه در دوره و آغاز زندگی و کودکی و جوانی سالها با بدن عنصری، بی نیاز از «لوازم طبع» بود.

با توجه به قید جمله: «فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ وَطُولِ الْأَمَدِ» صریح در این است که: «غیبت

خاصی است که از «نظام طبع خارج باشد»، و جز به «اذن ساحت کبریایی» صورت نخواهد گرفت.

و مفاد جمله «قَدْ رَفَعَتِ الْغَيْبَةَ التَّامَّةُ أَنْ» است که بطور اطلاق و همیشگی حضرت «بقیة الله» شاهد آن است که «رسالت رسول اسلام ﷺ» به واسطه این که «بقیة الله الاعظم» مانند «عیسی مسیح» با رفعت و زندگی او ملکوتی بوده، و در جهان، ابدی خواهد بود.

غیبت بطور اطلاق به «اذن الله» همانا «بی نیاز بودن از لوازم زندگی دنیوی» است، و گرنه [در غیر این صورت] «غیبت اضافی و اعتباری» خواهد بود [که البته یک نوع اعتباری بیش نیست، و با معنای غیبت تام، سازش ندارد، بلکه مراد از غیبت تام، همان حیات خاص، و زندگی ویژه ملکوتی است، که لازمه آن بی نیازی از لوازم و آثار زندگی دنیوی است].

و در کریمه «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ» تعبیر به «غیبت تام به اذن الله تعالی» شده که از هر جهت بی نیاز [و عاری] از لوازم طبع خواهد بود. [و دارای این گونه وصفی می باشد]

خلاصه: رفعت امر وجودی و به معنای زندگی با کرامت و فوق نظام طبع است، و غیبت بطور اطلاق نیز امری است خاص، و عبارت از بی نیازی از لوازم زندگی طبیعی است.

حیات و زندگی با رفعت و ملکوتی «بقیة الله» به تبع بقاء دین اسلام، و رسالت رسول ﷺ بطور صریح از دلائل نامبرده استفاده می شود، زیرا وجودش بر اساس مژده به رسالت رسول، و بقاء ابدی رسالت رسول که ملازم با حیات ملکوتی «بقیة الله» خواهد بود، چه آنکه بقاء رسالت از طریق وصایت «بقیة الله» خواهد بود، و لازم آن است که زندگی و حیات بقیة الله نیز باقی و ملکوتی باشد، و غرض نیز همین است.

دلیل این که حیات و زندگی «بقیة الله» باید «ملکوتی» و فوق نظام طبع باشد، آن است که اهل ایمان چنانچه معتقد باشند که هرچه زمان غیبت به فرض به طول انجامد - گرچه هزاران سال باشد - همیشه حیات «بقیة الله» به طور طبع و غائب محدود باشد، این نظر صحیح نیست؛ بلکه حیات این گونه افراد رجال الهی حیات و ظهور آنان مبهم است، به طور حتم باید برخلاف طبع و ملکوتی باشد، چه مردم متوجه باشند، یا نباشند.

در مورد حیات و غیبت تام حضرت بقیة الله، چون قدر آن مبهم است، و طبق روایت لحاظ مجهول [خصوصیات آن نامعلوم] و مبهم است، ناگزیر باید حیات «بقیة الله» فوق نظام طبع [و ویژگی های نظام طبیعت] و بی نیازی از لوازم آن باشد.

و به فرض که «آیات کریمه» دلالت نداشته باشد، باز باید معتقد بود که حیات حضرت «بقیة

الله» که قائم آل محمد علیه السلام، و معرفی شده، و ناظر بر «مکتب ابدی قرآن و رسالت رسول اسلام» است، و نیز «اساس نظام جهان بر حجت استوار است»، باید زندگی او «ملکوتی» و بی نیاز از لوازم طبع باشد، و هرگز نمی توان حیات و زندگی او را عادی و بر وفق نظام طبع پنداشت.

و نیز از سیاق «آیات کریمه» به طور «تلویح» [و اشاره] استفاده می شود که: «حق سبحانه» برای اثبات و چگونگی زندگی حضرت «بقیه الله» - قبل از واقعه - قریب «هشتصد سال» حضرت عیسی علیه السلام را با کرامت زیاده بر تصویری خلق فرمود، و او را به صفاتی معرفی فرمود، که آیات کریمه ناطق است [و بر آن دلالت دارد]، از جمله حیات او را ملکوتی قرار داد، و نیز او را به صفت «مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي إِشْمُهُ أَحْمَدُ» معرفی فرمود، و لازمه دوام صفت «مبشریت» عیسی مسیح به آن است که از طریق «وصایت» «بقیه الله»، «بقاء دین اسلام و رسالت رسول برای ابد و همیشه» تحقق پذیر است.

حیات و زندگی نوع بشر بر حسب نظام طبع محدود است، چنانچه زیاده فرض شود به فرض هزاران سال قدرت ساحت کبریایی نامتناهی است، ولی نسبت به نوع بشر غیر طبیعی معرفی می شود که همان حیات با رفعت و کرامت و بی نیاز از لوازم طبع خواهد بود.

چه آن که سنت سنیه حق سبحانه در مورد «حیات نوع بشر»، بر حسب نظام طبع محدود است، و چنانچه به فرض زیاده صورت پذیرد، به طوری که زیاده بر اقتضاء - مثلاً هزاران سال - این چنین زندگی را که باید معتقد بود لازم [الازمه] حتمی آن، آن است که «ملکوتی» و با رفعت»، و «خروج از حدود نظام طبع» معرفی می شود.

آنچه لازم ایمان به اصول و مذهب تشیع است، اعتقاد به آن است که حضرت «بقیه الله الاعظم» در قید حیات است یا بدن عنصری مادی، ولی چگونگی زندگی «مقام قدس او» خارج از حدود فهم عموم است، از این نظر علم به چگونگی حیات مرموز و با برکت ملکوتی او، هرگز لزوم نخواهد داشت [و الزامی بر علم به جزئیات و نحوه آن نیست].



### وَعْدَةُ تَخْلُفَ نَائِذِيرِ الْهَيْ

بدون تردید امر ظهور امام زمان علیه السلام، یکی از وعده‌های تَخْلُفَ نَائِذِيرِ الْهَيْ است؛ وعده‌ای که خدای مهربان آن را به همه انبیا و اوصیا داده است. تحقق روزی که دنیا از آن بندگان صالح خداوند گردد، آرزوی دیرینه‌ی همه انسان‌های پاک فطرت است.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در این زمینه فرمود:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَبْشِرُوا بِالْفَرَجِ، فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلَفُ، وَقَضَاؤُهُ لَا يُرَدُّ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ، وَإِنَّ فَتْحَ اللَّهِ قَرِيبٌ؛ ای گروه مردمان! مژده باد بر شما فرج و ظهور (مهدی علیه السلام)، که به راستی وعده خداوند تَخْلُفَ نَمَى یَابِدُ، و قضای او باز نمی‌گردد، او حکیم و آگاه است و به راستی فتح و گشایش خداوند نزدیک است.

### همسر و فرزند امام زمان علیه السلام!

در باره‌ی همسر و فرزند داشتن حضرت، دو دسته روایات وجود دارد: گروهی معتقدند که امام زمان علیه السلام در دوره غیبت، دارای همسر و فرزندان هستند. برخی نیز معتقد شده‌اند زن و فرزند داشتن امام زمان علیه السلام، مسلم و حتمی نیست. آنان که بر این باور هستند که امام زمان علیه السلام زن و فرزند دارند، دلایل زیر را ارائه داده‌اند: ۱. سنت مؤکد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، در مسأله ازدواج، به گونه‌ای است که رعایت آن از جانب امام زمان علیه السلام، انتظار می‌رود.

۲. مرحوم سید بن طاووس رحمته الله در یکی از کتاب‌های خود به نام «جمال الأسبوع» می‌نویسد: روایتی با سندهای متصل یافتیم که حضرت ولی عصر علیه السلام را اولاد بسیاری است، در شهرهای کرانه دریا، که آن‌ها هر کدام والی و حاکم اند... ۳. در برخی از دعاها، از فرزند امام زمان علیه السلام اشاره شده است:

یا مولای یا صاحب الزمان صلوات الله علیک وعلی آل بیتک ... علی اهل بیتک ...

بر اساس ارائه این شواهد، نظریه زن و فرزند داشتن امام زمان علیه السلام، شکل می گیرد.  
در کتاب مصباح، مرحوم کفعمی رحمته الله نقل کرده است که بر طبق روایتی، همسر آن حضرت از نسل  
عبد العزی، پسر عبدالمطلب می باشد...<sup>۱</sup>

در مقابل این نقل، گفته شده آن حضرت هم اکنون فرزندی ندارند. آن نقل را از نظر می گذرانیم؛  
روایتی است که مسعودی، از علی بن ابی حمزه ابن السراج، و ابن سعید مکاری نقل می کند، که آن  
دو چنین می گویند:

به خدمت امام رضا علیه السلام رسیدیم، علی بن ابی حمزه عرض کرد: از پدران روایت کرده ایم  
که امام از دنیا نمی رود تا فرزندش را ببیند. حضرت فرمودند: آیا در این حدیث روایت  
کرده اید الا القائم؟ عرض کردند: بلی.  
در روایت دیگری آمده است:

امامی وجود ندارد، مگر این که فرزندی دارد، جز امامی که حسین علیه السلام برای او از قبر بیرون  
می آید. او فرزند ندارد و ...<sup>۲</sup>

ناگفته نماند که در بررسی احادیث، روایت معتبر یا مطلب خاصی به چشم نمی خورد. هر چند زن  
و فرزند داشتن، یا زن و فرزند نداشتن، هیچ کدام، با احکام اسلام منافات ندارد؛ چون امام علیه السلام از  
نیروی عصمت برخوردار است و عوارض نداشتن همسر، هیچ گاه متوجه امام علیه السلام نمی گردد.  
علی رغم این که هیچ گونه میلی به طول بحث در این زمینه نداریم، فقط مباحث طرح شده، در پاسخ  
به ذهن های کنجکاوی است که در صدد یافتن جواب برای سؤال های خود هستند. بر این اساس، با  
نقل اقوال علماء و یا طرح مطالب فضلاء، به وظیفه خود عمل کردیم.<sup>۳</sup>

۱. لازم به تذکر است که به روایات مذکور از جهات مختلفی ایرادهایی وارد کرده اند. در این باره، کتاب یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام،  
صفحه ۱۲۳-۱۲۴ را بنگرید.  
۲. منظور، زمان رجعت است و این که امام زمان علیه السلام ظهور می کند، و امام حسین علیه السلام رجعت می کند.  
۳. محقق کتاب، می نویسد: در ایام رحلت جانگداز حضرت آیه الله العظمی بهجت، رضوان الله تعالی علیه، یکی از عزیزان، شبهه ای را به نقل از برخی  
افراد نقل نمود. آیه الله العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی فقیه یزدی، دامت برکاته، در پاسخ فرمودند: بر این باور هستیم که باید یک منتظر  
واقعی، پیش تر تلاش خود را معطوف وظایف دینی و اسلامی کند، و فرصت های معتتم و بسیار حساس را، با طرح مباحثی که در جهان امروز، چندان  
تأثیری در رشد و شکوفایی نسل های پریش گرو بسیار نیزین ندارد، از دست ندهد. ان شاء الله با ظهور حضرت قائم علیه السلام، به آسانی، به این مطالب  
خواهیم رسید.



فصل سوم

سیمای حضرت مهدی علیه السلام

در قرآن کریم

### سیمای حضرت مهدی (ع) در قرآن کریم

در طول تاریخ، پیوسته دشمنان حق، از منتشر شدن معارف قرآن و آشکار شدن حقایق و اسرار آن به صورت‌های گوناگون جلوگیری کرده‌اند، تا آن جا که عزیزان بسیاری از اصحاب و یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهریین علیهم السلام همانند ابوذر غفاری، میثم تمار، حجر بن عدی و... به جرم دفاع از حریم ولایت به شهادت رسیده‌اند.<sup>۱</sup>

شناختن معارف قرآن و بهره گرفتن از سرچشمه‌های شیرین آن، به وسیله اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام امکان پذیر است که «لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»<sup>۲</sup>.

حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

هیچ کس جز اوصیای پیغمبر نمی تواند ادعا کند که (علم) تمامی قرآن - ظاهر و باطن آن - نزد او هست.<sup>۳</sup>

شیعیان با وجود همه سختی‌ها، در زمینه نشر احادیث اهتمام جدی داشته‌اند و طبق روش و سنت علما و اساتید، از سخنان دربار و احادیث گرانمایه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهریین علیهم السلام، با ذکر سند استفاده شده است.

### ۱۲۰ آیه از قرآن درباره مصلح جهان

بیش از ۱۲۰ آیه از آیات شریفه قرآن، به این معنا اشاره دارد که اراده و خواست خداوند متعال بر این است که دوران حکومت شیاطین و بساط جور آنان برچیده شود، و بندگان صالحش در همه جای

۱. رمز هدایت پذیری از قرآن «مهدی‌شناسی» و «مهدی محی»، سالک راه مقام «مهدی یآوری» می‌رساند و مقام ولایت «مهدی یآوری» سر حلقه اتصال سالک به مقام ربیع «خدا یآوری» و «قرآن یآوری» می‌گردد.

بدین سان «مهدی یآوری» با «قرآن یآوری» در پیوندی تکوینی و ناگسستن است تا جایی که در آغازین آیات سوره بقره، بر این پیوند پر رمز و راز تأکید می‌گردد و هدایت پذیری از قرآن، ویژه پرمیزکارانی معرفی می‌شود که به غیب و حجت غائب ایمان دارند. و چرا این گونه نباشد، در حالی که حجت غایب ما، شریک و همنای قرآن، تجسم یافته قرآن، و دهنه دار حقایق و اسرار قرآن، زنده کننده قرآن و حاکمیت بخش و برپادارنده آن در سرتاسر جهان است. بدین سان هدایت پذیری حقیقی از قرآن فقط برای مهدی یاوران میسر است و تلاوت ظاهری قرآن برای متکران مهدی (ع) جز خسران و زیان چیز دیگری نخواهد داشت.

(و لا یزید الظالمین الا خساراً) ۲. واقعه: ۷۹.

۳. بصائر الدرجات، ص ۲۱۳؛ کافی، باب ۳۴، کتاب الحجة.

زمین، حکومت نمایند.

خداوند سبحان در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ و حقا که ما بعد از نوشتن و مقدر ساختن در ذکر (یعنی ام‌الکتاب که لوح محفوظ است) در زبور (یعنی کتب نازل شده بر پیامبران) نیز نوشتیم (و ثبت و واجب ساختیم) که زمین را (یعنی کره ارض را که خلایق در آن ساکن هستند) بندگان شایسته و مطیع من ارث میبرند و مالک آن می گردند.

### دلیل ذکر نکردن نام ائمه علیهم السلام در قرآن

خداوند در قرآن کریم، برای معرفی شخصیت های الهی، در مواردی نام آن ها را برده و گاهی نیز به ویژگی های آنان اشاره کرده است. نام بردن حدود ۲۵ نفر از ۱۲۴ هزار پیغمبر، خود گواه این مطلب است. اما به چه علت، خداوند، در قرآن کریم، نام ائمه معصوم علیهم السلام را ذکر نکرده است؟

چه بسا یکی از علل آن، جلوگیری از تحریف قرآن باشد.

اما آیات بسیاری، ویژگی های اخلاقی و رفتاری ائمه علیهم السلام را ذکر کرده است؛ به عنوان مثال درباره حضرت علی علیه السلام، امام زمان علیه السلام و دیگر ائمه، آیات بسیاری وجود دارد، که این آیات همراه با احادیثی که در تفسیر و تبیین آن ها وارد شده است، شخصیت امامان معصوم علیهم السلام را معرفی می نماید. در این مقام، به پاره ای از آیات اشاره می کنیم:

### آیه مباهله

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلُ لُغْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾؛ بنابراین کسی که درباره عیسی علیه السلام با تو مجادله و مجادله کند پس از علم و یقینی که برای تو حاصل گشته (و آیات بیّناتی که موجب قطع و یقین تو گردیده است و آن ها شنیده اند و دست از گمراهی نکشیده اند) پس (با آن ها قطع سخن کن و معامله معاند با آن ها بنما و به ایشان بگو بیائید (و رأی و عزیمت خود را محکم کنید) هر یک از ما و شما بخوانیم پسرانمان را و شما هم پسرانمان را و ما زنانمان را و شما زنانمان را و ما خودمان را و شما هم خودتان را سپس مباهله کنیم (و از خدا بخواهیم که دروغگوی ما را از رحمت خود دور کند و لعن نماید) و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

### آیه اکمال دین

«... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...»<sup>۱</sup> من امروز دین شما را کامل ساختم (فرائض و حدود و حلال و حرام احکام را جزاء و کلاً به فرستادن کتاب و سنت پیامبر خود بدون کم و زیاد به شما رسانیدم و به نصب علی علیه السلام خلیفه و جانشین به حق پیغمبر خویش امام و مقتدای شما را منتصب و معلوم نمودم) و نعمت خود را بر شما مسلمانان تمام کردم (یعنی به غلبه شما بر مشرکان و راندن اغیار از بلاد شما احسان خود را به پایان رسانیدم و به عطایاتی که به شما از علم و حکمت و آداب دین و معرفت موهبت فرمودم به هیچ یک از پیشینیان شما چنین موهبتی ننمودم) و برای شما دین اسلام را پسند کردم.

### آیه ولایت

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ...»<sup>۲</sup> متولی مصالح امور و مدبّر کارهای دین و دنیای شما (که بر شما ولایت و اولویت دارند و اطاعتشان بر شما مسلمانان فرض و واجب است) فقط منحصر است به خدای تعالی و رسول خدا (که امر خدا را به خلق می‌رساند و طبق امر و دستور او عمل و ابلاغ می‌نماید) و کسانی که ایمان به خدا و رسول آورده‌اند (آن هم نه تمام مؤمنان بلکه) مؤمنانی که نماز را (به طور تامّ و کامل و مراعات حدود و شرایط آن) بر پا می‌دارند و در حالت رکوع زکاة می‌دهند.

### آیه تبلیغ

«يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَفْصِحُكَ مِنَ النَّاسِ...»<sup>۳</sup> ای پیامبر (ای فرستاده ما) آن چه را از جانب پروردگارت به تو نازل می‌شود برسان و تبلیغ کن و اگر چنین نکنی تبلیغ تمام رسالت خدا را نکرده‌ای (و اگر بیم داری که از تبلیغ آن چه بر تو نازل می‌کنیم از طرف مردم و منافقین گزندگی به تو رسد بیم مدار) خداوند تو را نگهدار است از آزار مردم (حامی توست و مانع است که آنان آسیبی به تو برسانند) زیرا خداوند کافران را (که با تو معانداند و در مقام آزار تو هستند) رهنمائی نخواهد کرد (چه با آن که راه راست به آن‌ها نموده شده آن‌ها به راه کج می‌روند و به راه کج هدایت نشده‌اند).

### آیه تطهیر

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا...»<sup>۴</sup> او در خانه‌های خودتان ساکن

شوید و آرام بگیرید (یا با وقار و سکینه باشید و از منازل خود بیرون نیائید) و به آرایش زمان جاهلیت اولی خود را نیارائید و به عادت آن‌ها (که خود را آراسته و بمردان نمایش می‌دادند) از خانه خارج نشوید و نماز را در اوقات آن و با شرایط آن برپا بدارید و ادا نمائید و زکاة مفروضه واجبیه را از دارائی خود بپردازید و خدا و رسول را (در آن چه شما را به آن امر و از آن نهی کرده‌اند) اطاعت نمائید همانا خداوند اراده کرده است که فقط از شما اهل بیت رسالت پلیدی (یعنی عمل شیطانی که در آن رضای خدا نیست) از بین ببرد و شما را از پلیدی گناه و چرکینی معصیت پاک و پاکیزه گرداند، پاک کردن کاملی.

### وصف گسترش اسلام در سطح جهان

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ او آن خدائی است که رسول خود (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) را با هدایت و دین حق (و قرآن مبین) فرستاد (و شرایعی تشریح نمود که پیروان آن مستحق ثواب و پیروان غیر آن مستحق عقاب می‌باشند) تا آن که آن دین حق را بر کلیه دین‌ها غلبه دهد (و دینی در روی زمین باقی نماند مگر آن که مغلوب و مغلوب دین اسلام گردد و هیچ فردی بر مسلمین به حجّت و دلیل غلبه نکند و بالقطع مغلوب براهین اسلامی گردد) هر چند مشرکان را بد و ناپسند آید.

خداوند سبحان در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ و حقا که ما بعد از نوشتن و مقدر ساختن در ذکر یعنی أم‌الکتاب که لوح محفوظ است در زبور یعنی کتب نازل شده بر پیمبران نیز نوشتیم و ثبت و واجب ساختیم که زمین را (یعنی کره ارض را که خلاق در آن ساکن هستند) بندگان شایسته و مطیع من ارث می‌برند و مالک آن می‌گردند.

این چند آیه که ذکر شد، هر کدام شأن نزولی دارد که بیان آن، مقام دیگری را می‌طلبد.

اما موضوع مورد بحث که درباره انتظار و ظهور حضرت ولی عصر (عج) و برقراری حکومت جهانی آن حضرت است در این آیه ذکر گردیده است. هر چند این وعده قرآنی، که اشاره به تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) دارد، هنوز تحقق نیافته است. آیات دیگری نیز پیرامون «حکومت جهانی امام زمان (عج)» در قرآن وجود دارد که در این بخش به برخی از آن موارد در جای خود، اشاره می‌گردد.

### دلایل عدم ذکر نام «مهدی» در قرآن

باید توجه داشت که تنها ذکر نام «مهدی»، دردی را دوا نمی‌کند. به عبارت واضح‌تر کسانی که در جستجوی آن هستند تا با صراحت تمام، منظورشان تأمین شود، شاید به دلایلی که در گذشته نیز ذکر شد، مصلحت‌هایی در این زمینه وجود داشته است، همانند: جلوگیری از تحریف در قرآن و...

یعنی اگر نام حضرت در قرآن برده می‌شد، امکان داشت در طول تاریخ، افراد شهرت طلب از آن سوء استفاده کنند، یا اشخاصی وجود حضرت را انکار نمایند!

هم چنین تجربه‌های تاریخی نشان داده که اگر در قرآن هم، صراحتاً نام حضرت مهدی برده می‌شد، باز، شیادان و مدعیان دروغین مهدویت، نام خود را امام زمان و مهدی موعود می‌گذاشتند، تا از انتظار مردم استفاده سوء ببرند. روشن‌ترین مثال در این باره، برنامه‌ای است که درباره نبوت حضرت محمد ﷺ، اسم ایشان در انجیل ذکر گردید! اما گروه‌های مخالف، همواره به دشمنی خود ادامه دادند!



## تفسیر آیات شریفه قرآن کریم به حضرت مهدی علیه السلام

قرآن کریم، صورت کسبی انسان کامل (امام زمان علیه السلام) است. پس هر قدر به قرآن تقرب بجوییم، به انسان کامل نزدیک تر شده ایم. حال بنگریم که بهره‌مان از قرآن چقدر است؟ چرا که حقایق آیات قرآن، در حقیقت، درجات وجودی و مدارج آن، تردبان عروج و تکامل انسان است.<sup>۱</sup>

### مضطر واقعی

«أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»<sup>۲</sup> چه کسی است که پاسخ مضطری را که او را بخواند می‌دهد و رنج از او دور می‌کند و شما را در زمین جانشین پیشینیان سازد.

امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه فرمود:

این آیه نازل شده است درباره حضرت قائم علیه السلام به هنگامی که خروج کند و عمامه بر سر گذارد و به نزد مقام، نماز گزارد و به سوی خداوند تضرع و زاری نماید، پس هرگز پرچمی از او مردود نگردد.<sup>۳</sup>

نیز حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

آیه شریفه درباره حضرت قائم آل محمد علیهم السلام نازل شده و به خداوند سوگند، او مبت مضطر، هنگامی که در مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز می‌گزارد و خداوند را می‌خواند و خداوند دعایش را مستجاب نموده و رنج و پلیدی و سوء را از وی برطرف نموده و او را خلیفه روی زمین قرار می‌دهد.<sup>۴</sup>

۱. برگرفته از فرمایش‌های ارزنده حضرت آیت الله علامه حسن زاده آملی، حفظه الله تعالى. ۲. نمل: ۶۲.  
۳. عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ» قَالَ: هَذَا نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ علیه السلام إِذَا خَرَجَ تَمَّتُّمْ وَحَمَلَى بِئِذِ الْقَامِ وَتَمَرَّعَ إِلَى رَبِّهِ فَلَا تَرُدُّهُ رَايَةً أَبَدًا. بخارالانوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المزمولة بقيام القائم، ص ۵۹.  
۴. حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ الْعَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ قُضَالَةَ عَنْ مَالِجِ بْنِ عَثْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ علیه السلام هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْقَامِ وَكَمَّتَيْنِ وَدَعَا اللَّهَ فَاجَابَهُ وَكَشَفَ السُّوءَ وَجَعَلَهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ. بحارالانوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المزمولة بقيام القائم، ص ۲۸؛ مستغيب الأثر، ص ۱۹۲؛ تفسیر قمی، ذیل آیه.

### امداد از جانب پروردگار (امداد الهی)

«وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ» و چون از سوی پروردگارت مددی رسد می‌گویند ما نیز با شما بوده‌ایم آیا خدا به آن چه در دل‌های مردم جهان می‌گذرد آگاه‌تر نیست.

در تفسیر علی بن ابراهیم رضی الله عنه درباره آیه شریفه فرمود:  
مقصود از مدد و کمک حضرت قائم علیه السلام است.<sup>۱</sup>

### رسول هدایت

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup> اوست خدایی که رسولش را برای هدایت مردم با دین حق فرستاد تا او را بر تمام ادیان پیروز گرداند. اگر چه مشرکان را خوش نیاید.

### پیروزی نهایی

حضرت علی رضی الله عنه فرمود:

آیا وعده این آیه تاکنون محقق شده است؟ هرگز! به خدایی که جانم در دست اوست به جایی خواهد رسید که هیچ قریه‌ای باقی نماند مگر آن که در آن، بر شهادت به وحدانیت الهی و رسالت رسول خدا هر صبح و شام ندا بر خیزد.<sup>۳</sup>

حضرت امام صادق رضی الله عنه در تفسیر آیه شریفه فرمود:

زمانی که حضرت قائم خروج کند، نه مشرکی به خداوند عظیم باقی ماند و نه کافری که ظهورش را ناخوشایند داند، کافر اگر چه در درون سنگی پنهان شود، آن سنگ به سخن آید و گوید: ای مؤمن! در درون من مشرکی است، مرا بشکن و کافر را بکش!<sup>۴</sup>

در تفسیر علی بن ابراهیم در تفسیر آیه کریمه فرمود:

این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام نازل شده است و اوست امامی که دین را بر همه عالم ظاهر سازد و بر همه ادیان پیروز می‌شود و زمین را پر از عدل و قسط نماید چنانچه پر شده باشد از ظلم و ستم و این آیه شریفه از زمره آیاتی است که تاویل آن پس از تنزیلش می‌باشد.<sup>۵</sup>

۱. تفسیر علی بن ابراهیم، «وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ» یعنی القائم علیه السلام، بحار، ج ۵۱، ص ۲۸.

۲. صف: ۸.

۳. قاطع البیان، ص ۱۲۶.

۴. قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَلَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ، حَتَّى لَوْ كَانَ فِي بطن صَخْرَةٍ لَقَالَتِ الصَّخْرَةُ: يَا مُؤْمِنُ فَيُشْرِكُ فَاكْسِرْنِي، وَأَقْتُلْهُ.

بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۴۲۷، سیره و أخلاقه و عدد أصحابه، ص ۴۲۶، منتخب الأثر، ص ۲۹۲.

۵. تفسیر علی بن ابراهیم رضی الله عنه، «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْأَرْضِ فَيَسْطُرُ وَغَدَاكُنَا نَبِيَّتٌ جَوْرًا وَظُلْمًا وَهَذَا يَمَّا دَكَّرْنَا أَنْ نَأْوِلَهُ بِفَتْحِ تَنْزِيلِهِ، بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات الموزولة بقیام القائم، ص ۵۰.

### وَعْدَهُ الْهَيِّ بِهٖ مُؤْمِنَانِ شَائِسْتَه

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»<sup>۱</sup> وعده داده است خداوند آنانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام دادند آنان را جانشینان دیگران در زمین قرار دهد، چنانچه صالحان قبل را جانشین در زمین قرار داد، و به آنان قدرت دین دهد بدان گونه که راضی گردند، و پس از خوف و ترس آنان را ایمن سازد که فقط مرا عبادت کنند و شرک به من نیاورند.

ابی بصیر رضی الله عنه نقل می‌کند که حضرت امام صادق رضی الله عنه در تفسیر آیه شریفه فرمود:

آیه درباره حضرت قائم رضی الله عنه و یارانش می‌باشد.

نیز امام سجاد رضی الله عنه فرمودند:

قسم به خدا آن هاشمیان ما اهل البیت هستند که خدا این وعده را در مورد آن‌ها به دست مردی از ما محقق می‌سازد و او مهدی این امت است و اوست آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: اگر روزی از دنیا باقی نمانده باشد خدا آنروز را تا آنجا طولانی می‌کند که مردی از عترتم که نامش نام من است به ولایت رسیده و زمین را آن چنان که از ظلم و جور پر شده باشد، از عدل و قسط پر سازد...<sup>۲</sup>

### امامت و وراثت مستضعفان

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۳</sup> و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان گردانیم و آن‌ها را در آن سرزمین مکانت بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان چیزی که از آن می‌ترسیدند نشان دهیم.

حضرت علی رضی الله عنه در تفسیر آیه مبارکه فرمود:

آنان آل محمد رضی الله عنهم هستند خداوند مهدی رضی الله عنه ایشان رضی الله عنهم را مبعوث می‌نماید بعد از آن که منکر وی شوند پس دوستان را عزیز و دشمنان را ذلیل می‌نماید.<sup>۴</sup>

حضرت علی رضی الله عنه فرمود:

۱. نور، ۵۵. ۲. عن ابی بصیر: عن ابی عبدالله رضی الله عنه قال: القائم واصحابه، منتخب الأثر، ص ۲۹۵.

۳. تفسیر صافی، ذیل آیه شریفه. ۴. قصص، ۵۰.

۵. عن علی رضی الله عنه فی قوله لئن لم یفرق الله بیننا وبنی عبدمناف لکنا من آل فرعون، قال: هم آل محمد یبعث الله مهدیهم بعد جدهم فیروزهم ویذل عدوهم. بحار الأنوار، ج ۱، باب ۵، «۵» الآیات المورثة بقیام القائم ص ۵۲.

مستضعفین در زمین کسانی باشند که خداوند در کتابش آنان را وارث قرار داده ما اهل بیت هستیم و خداوند مهدی ایشان را برانگیزد پس عزیز سازد اهل بیت را و ذلیل و خوار سازد دشمنانشان را!.

از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره نعمت ظاهری و باطنی پرسش شد؟ آن حضرت فرمودند:

نعمت ظاهری امامی است که در انظار مردم ظاهر باشد و نعمت باطنی امام غائب از دیده‌های مردم است که شخص امام از دیدگان مردم غایب باشد و برای آن امام همه گنج‌های زمین ظاهر گردد و هر چیز دوری برایش نزدیک می‌شود (فاصله‌ها از بین می‌رود)!

در کتاب کمال الدین<sup>۲</sup> به اسنادش آمده است که حضرت حکیمه گفت:

چون روز هفتم از مولد حضرت قائم علیه السلام فرا رسید من به نزد حضرت عسکری علیه السلام آمدم و سلام گفتم و نشستم به من فرمود:

فرزندم را بیاور من او را به پارچه‌ای پیچیدم و به محضر امام علیه السلام آوردم و کاری که در روز نخست انجام داده بود انجام داد آنگاه زبان مبارک را در دهان کودک چرخاند تو گویی به او شیر و عسل می‌خوراند آن‌گاه فرمود: سخن بگو پسرم او شهادت بر وحدانیت خداوند و به رسالت پیغمبر داده ثنا و دعا بر پیامبر و بر امیر مؤمنان و همه ائمه معصومین، صلوات الله و سلامه علیهم، و درود فرستاد و تا به نام پدر بزرگوارش رسید و ایستاد، و این آیه شریفه را خواند:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان گردانیم و آن‌ها را در آن سرزمین مکانت بخشیم و بنه فرعون و هامان و لشکریانشان چیزی که از آن

۱. قوله تعالى: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً﴾

قال المستضعفون في الأرض المذکورون في الكتاب الذين يجعلهم الله أمة نحن أهل البيت يبعث الله مهديهم فيوزعهم ويذل عدوهم. بخارج ج ۵۵، باب ۵۵، الآيات الموزونة بقیام القائم، ص ۶۳، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۸.

۲. من موسی بن جعفر علیه السلام؛ انه سئل عن نعم الله الظاهرة و الباطنة فقال النعمة الظاهرة الامام الظاهر و النعمة الباطنة الامام الغائب، یغیب عن ابصار الناس شخصه و تظهر له كنوز الأرض، و یقرب علیه كل بعيد. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمة در موضوع غیبت امام زمان علیه السلام می‌باشد.

از قسمت‌های قابل توجه این کتاب، باب ۲۵ تا ۲۸ کتاب است، که شیخ خندوق رحمته الله در آن‌ها به نقل روایاتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام و یازده امام معصوم علیهم السلام می‌پردازد که در آن‌ها ضمن شرح ویژگی‌های مهدی موعود این است، به غیبت طولانی آن حضرت علیه السلام تصریح کرده‌اند. توضیح بیش‌تر راجع به این کتاب اوزشمند و چند کتاب ماندگار و مرجع در موضوع حضرت ولی عصر (عج) برای استفاده بیش‌تر خوانندگان، در آخر این کتاب آمده است.

می ترسیدند نشان دهیم.

امام باقر علیه السلام فرمود:

به خداوند سوگند، گویی می بینم حضرت قائم علیه السلام را، که پشت به حجرالاسود داده، و خداوند را سوگند می دهد به حق خدائی اش، تا آن که فرمود:

آن گاه به مقام ابراهیم علیه السلام آید، و دو رکعت نماز گزارد، باز خداوند را به حقش سوگند می دهد.

سپس فرمود: اوست مضطری که در کتاب خدا فرموده: آیا که در مانده را چون بخواندش پاسخ می دهد، و رنج را از او دور می کند، و شما را در زمین جانشین پیشینان می سازد؟ آیا با وجود الله، خدای دیگری است؟ چه اندک پند می گیرند. نخستین کسی که با حضرت بیعت کند، جبرئیل علیه السلام، سپس میصد و سیزده نفر...

موعود همه کتب آسمانی

«أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»<sup>۱</sup> این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان وارثان زمین خواهند بود.<sup>۲</sup>

پیروزی ستم دیدگان

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ

لَقَدِيرٌ»<sup>۳</sup> به کسانی که با جنگ بر سرشان تاخت آورده اند و مورد ستم قرار گرفته اند اجازه داده

شد و خدا بر پیروز ساختنشان توانا است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

۱. قالت حكيمته فلما كان في اليوم السابع جئت و سئمت و جلست فقال ملكي لي اني فجئت بسيدى في العزقة ففعل به كفعليته الاولى ثم ادلى بيانه في ليو كأنه يقد به لينا أو حسلاً ثم قال تكلم يا بني فقال عليه السلام أشهد أن لا إله إلا الله و نبي بالصلاة على محمد و على أمير المؤمنين و الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين حتى وقف على أبيه عليه السلام ثم تلا هذه الآية: بسم الله الرحمن الرحيم «و نريد أن نمن على الذين استضئوا في الأرض و نجعلهم أنبياء و نجعلهم الراسخين» و تكلم لهم في الأرض و ثرى فروعون و هاشان و جرد فلما بينهم ما كانوا يخذلون» سفينة البحار، ج ۲، ص ۱۷۰، تور الثقلين، ج ۲، ص ۱۱۰، بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۱۰، ولادته و أحواله، ص ۲.  
۲. عن أبي خالد الكاكبي قال، قال أبو جعفر عليه السلام، و الله لكأنني أتلفر إلى القائم عليه السلام و قد أسند ظهري إلى الحجر ثم نفسد الله خلقه لي ان قال، ثم ينتهي إلى النقام قبضتي و كفتني و ينشد الله خلقه ثم قال، أبو جعفر عليه السلام هو و الله المضطر في كتاب الله في قوله «أمن يبيت المضطر إذا دعا و يكشفت الشرة و يهملكم خلفاء الأرض» (المنزل: ۶۶) فيكون أول من يتأيقه جبرئيل ثم الغلاميات و الثلاثة عشر رجلاً اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۵۳، بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۱۲۷، سيره و أخلاقه، ص ۳۱۵.  
تأكي بود قرآن نهان، دیدار کوی؟ دیدار کوی؟  
بر شعله ساق شوق دل، پروانه دلدار کوی؟  
(فیض کاشانی)

۳. انبیاء: ۱۰۵.

۴. عن الحسين بن محمد بن عبدالله بن الحسن بن أبيه عن أبي جعفر عليه السلام في قوله تعالى: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» (الأنبياء: ۱۰۵) قال، أصحاب المهدي في آخر الزمان، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۶۳، ح ۵، ص ۳۰.

او حضرت قائم (عج) و یارانش می باشد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

عامه می گویند آیه شریفه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله است هنگامی که قریش او را از مکه مکرمه بیرون کردند اما مقصود آیه شریفه حضرت قائم است به هنگامی که خروج کند، طلب خون سیدالشهدا علیه السلام از قاتلین نماید و این فرمایش امام مائیم اولیاء خون و طلب کنندگان خون بها.

حکومت در سراسر زمین

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»<sup>۳</sup> همان کسان که اگر در زمین مکاتشان دهیم نماز می گزارند و زکات می دهند و امر بمعروف و نهی از منکر می کند و سرانجام همه کارها با خداست.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

این آیه مربوط به آل محمد علیهم السلام مهدی علیه السلام و یارانش می باشد آن بی که خداوند مشرق و مغرب زمین را در اختیارشان گذارد و دین را به تمامی ظاهر سازد و خداوند اصحاب بدعت ها را نابود سازد و باطل از بین برود چنانچه نادانان حق را قبلا کشته بودند و اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف می شود و نهی از منکر می گردد و عاقبت امر همه به سوی خدا است.<sup>۴</sup>

نجات قوم از تاریکی

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ...»<sup>۵</sup> و به تحقیق ما موسی را با آیات و معجزاتی به رسالت فرستادیم و فرمان دادیم که قوم خود را از تاریکی به روشنایی بیرون آور و روزهای خدا را یاد آوریشان کن...

فرمود: روزهای خداوند سه روز است روزی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند و روزی که

۱. عن عبدالله بن مجلان عن أبي جعفر علیه السلام في قول الله عزوجل: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ طَيِّبًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ تَضَرُّعِهِمْ تَقَدِيرٌ»

(الصحيح: ۳۹) هي في القائم واصحابه. اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۶۳.

۲. عن ابن مسكان عن أبي عبد الله علیه السلام في قوله: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ طَيِّبًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ تَضَرُّعِهِمْ تَقَدِيرٌ» قَالَ إِنَّ الْعَائِمَةَ يَقُولُونَ قَوْلًا فِي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا أُخْرِجَتْهُ قُرَيْشٌ مِنْ مَكَّةَ وَ إِنَّمَا هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام إِذَا خَرَجَ يَطْلُبُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ هُوَ قَوْلُهُ: تَبْحَثُ أَوْلِيَاءُ الدَّمِ وَ طَلَبُ التَّرَدُّ بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المزمولة بقیام القائم، ص ۳۷.

۳. عن أبي الجارود عن أبي جعفر في قوله عز و جل: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (الصحيح: ۲۶) قَالَ هَذِهِ لِأَبِي مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ تَشَارِقُ الْأَرْضَ وَ تَمَارِقُهَا وَ يَطْهَرُ الدِّينَ وَ يُبَيِّنُ اللَّهُ حَرْوَ جَلِّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ النَّاطِلِ كَمَا أَمَاتِ السَّقَمَةَ الْعَتَقَ حَتَّى لَا يَرَى أَوَّلَ مِنَ الظُّلْمِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ. بحار الأنوار، ج ۲۴، باب ۲۸۱، أنهم خلفاء الله... ص ۱۶۵، اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۶۳.

۵. إبراهيم ۵.

آدمی از دنیا پرود و روز قیامت (که همگان برای حساب حاضرانند) .

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

روزهای خداوند سه روز است روزی که حضرت قائم علیه السلام قیام می کند و روز ناخوش

آیند یعنی مرگ و روز قیامت .

نیز حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

ایام الله سه روزند: روز قیام قائم، روز بازگشت، روز قیامت .

### وارث زمین

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۱</sup> و حقا که ما بعد از

نوشتن و مقدر ساختن در ذکر یعنی ام الكتاب که لوح محفوظ است در زبور یعنی کتب نازل شده

بر پیامبران نیز نوشتیم و ثبت و واجب ساختیم که زمین را (یعنی کره ارض را که خلائق در آن

ساکن هستند) بندگان شایسته و مطیع من ارث میبرند و مالک آن می گردند.

فرمود: تمام کتب آسمانی ذکر نامیده شود و بندگان صالح من که زمین را به میراث

می برند حضرت قائم و اصحابش می باشند.<sup>۵</sup>

### یاری مظلومان

«ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوِقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَتَصَرَّنَهُ اللَّهُ...»<sup>۶</sup> هر کس عقوبت کند (مقصود از

عقوبت کننده رسول خداست) هم چنان که او را عقوبت کرده اند (یعنی هنگامی که اراده کردند او

را بکشند) آنگاه که مظلوم واقع شود خدا یاریش خواهد کرد....

در تفسیر علی بن ابراهیم علیه السلام آمده، خدای تعالی می فرماید:

به وسیله حضرت قائم علیه السلام از فرزندان حضرت رسول صلی الله علیه و آله .<sup>۷</sup>

### قدرت خداوند

«إِنْ نَشَاءُ نُنزِلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»<sup>۸</sup> اگر بخواهیم از آسمان برایشان

آیتی نازل می کنیم که در برابر آن به خضوع سر فرود آورند.

۱. قال الله: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الطُّغْيَانِ إِلَى التُّورِ وَذَكَرْنَاهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ...» (ابراهيم: ۵) قال أيام الله ثلاثة يوم القيام صلوات الله عليه و يوم النوب و يوم القيامة. بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المنزلة بقيام القائم، ص ۲۵.

۲. عن نقي الحنظل، قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: «أيام الله ثلاثة يوم، يوم القيام، و يوم التور، و يوم القيامة. بحار الأنوار، باب ۲۴، أسماء القيامة...» ج ۷، ص ۶۱.

۳. تفسیر برهان ج ۲، ص ۳۰۵. ۴. انبیاء: ۱۰۵.

۵. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ...» قال، الكتاب كلها ذكر «أن الأرض يرثها عبادي الصالحون» قال، القائم عليه السلام و أصحابه. بحار الأنوار، ج ۱۲، باب ۵۳، ما أوحى إليه عليه السلام، ص ۳۷.

۶. تفسیر علی بن ابراهیم «وَمَنْ عَاقَبَ...» یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله «يُنزِلُ مَا عَرَبِيٌّ بِهِ...» یعنی حين أرادوا أن يقتلوه «ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَتَصَرَّنَهُ اللَّهُ...» یعنی بالقائم عليه السلام من و ولديه. بحار الأنوار، ج ۲۵، باب ۳۹، الوقائع السائرة من قتله... ص ۱۶۸.

۸. شعراء: ۴.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مقصود بنی امیه است و آن به نگامی است که صیحه آسمانی به اسم حضرت صاحب الامر برسد و گردن‌های بنی امیه خاضع گردد.

### انتقام از ستم‌گران

«وَلَمَنْ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ»؛ کسانی که پس از حکم و ستمی که بر آن‌ها رفته باشد انتقام می‌گیرند ملامت و سرزنشی نیست.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

مقصود حضرت قائم علیه السلام و یارانش می‌باشد وقتی که قیام کند از بنی امیه و از دروغگویان که امر ولایت را مربوط به خود دانستند و از ناصبی‌ها آن حضرت و اصحابش انتقام گیرند و این است معنی آیه شریفه «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» ملامت و سرزنش در خور کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و به ناحق در روی زمین سرکشی می‌کنند برای آنست عذابی دردآور.

### ظهور قائم

«اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ»؛ و نزدیک شد ساعت.

در روایت آمده:

مقصود ظهور حضرت قائم علیه السلام است.<sup>۵</sup>

### خداوند کامل کننده نور خویش

«يُرِيدُونَ ليطْفؤوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو كره الكافرون»؛ می‌خواهند نور خدا را به دهانشان خاموش کنند ولی خداوند کامل کننده‌ی نور

خویش است اگر چه کافران را ناخوش آید.

به قائم از آل محمد علیهم السلام است زمانی که خروج کند تا دین را بر همگان اظهار نماید تا

۱. تفسیر علی بن ابراهیم علیه السلام؛ «وإن لنا نزل عليهم من السماء آية فظنوا أنها عليهم من السحاب فظنوا أنها عليهم من السحاب فظنوا أنها عليهم من السحاب فظنوا أنها عليهم من السحاب»  
در قلوبهم یعنی بنی امیه و بنی المصیبه من السماء باسم صاحب الامر بحار الانوار، ج ۹، باب ۴۱ احتجاج الله تعالى على ارباب، ص ۲۲۸.

۲. شوری: ۴۱.

۳. «من أين جعفر علیه السلام قال: سبقتة يقول: «وولم من انتصر بعد ظلمه نفس القائم» و احتجابه فأرسلك ما عليهم من سبيل» و القائم إذا قام انتصر من بني أمية و بين المكذبين و الثماب هو و احتجابه و هو قول الله «وإنما السبيل على الذين يظلمون الناس و يبغون في الأرض بغير الحق أولئك لهم عذاب أليم» بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۱۵۱ الآيات المؤولة بقیام القائم، ص ۲۸.

۴. صفا: ۸.

۵. روی فی قوله تعالى: «اقتربت الساعة» یعنی خروج القائم علیه السلام، بحار، ج ۵۱، ص ۲۹.



۱۳۰ ..... «تفسیر آیات شریفه قرآن کریم به حضرت مهدی علیه السلام»

آنجا که غیر خداوند پرستش نشود و این است قول معصوم علیه السلام پر می نماید زمین را از قسط و عدل پس از آن که پر شده باشد از ستم و پیدادگری<sup>۱</sup>.

### بشارت نصرت خداوند بر مؤمنان

«وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَقِتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> و نعمتی دیگر که دوستش دارید

باری و نصرتی است از سوی خداوند و پیروزی نزدیک و مؤمنان را بر این فتح بشارت ده.

مقصود از آیه شریفه فتح و پیروزی ای است که توسط حضرت قائم علیه السلام در دنیا به وقوع می پیوندد<sup>۳</sup>.

### وعدة الهی

«حَتَّى إِذَا زَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْتَعْلَمُونَ مَنْ أضعفُ ناصِرًا وَأَقْلُ عَدَاةً»<sup>۴</sup> تا آن گاه که آن چه را به

آن ها وعده داده بودند بنگرند پس خواهند دانست چه کسی یاورانش ناتوان تر و در شمار کمتر بوده است.

فرمود:

مقصود حضرت قائم علیه السلام و امیر مؤمنان علیه السلام است معلوم می شود یاران چه کسانی از

دیگری بیش تر است<sup>۵</sup>.

### قیام قائم و انتقام از ستم گران

«إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا \* وَأَكِيدُ كَيْدًا \* فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُوَيْدًا»<sup>۶</sup> ای محمد صلی الله علیه و آله آنان را اندک

مهلت ده اگر قائم علیه السلام برانگیخته گردد و قیام کند از ستم کاران و از طاغوتیان قریش و بنی امیه و سایرین مردم انتقام گیرد<sup>۷</sup>.

### آب گوارا؛ حضور امام

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»<sup>۸</sup> بگو اگر آب شما در زمین فرو رود چه

کسی شما را آب روان خواهد داد.

در تفسیر علی بن ابراهیم علیه السلام درباره آیه شریفه آمده است:

۱. «يُرِيدُونَ ليطغوا أن الله بهم إله غير الله» قال: بالقائم بن أبي محمد صلوات الله عليهم إذا خرج ليظهره على الدين كله حتى لا يفيد غير الله وهو قوله بدل الأرض قسطاً وعدلاً كما نطقن ظلماً وجوراً. بهار، ج ۵۱، باب ۵۵۱ آیات المزملة بقیام القائم، ص ۴۹، ۲. صفح: ۱۳.

۳. و آخری تحبونها نصر من الله وقته قريب، یعنی فی الدنيا بفتح القائم علیه السلام. بهار، ج ۵۱، ص ۴۹، ۴. جن: ۲۴.

۵. «حتى إذا زأوا ما يوعدون» قال: القائم و امیر المؤمنین علیه السلام «فستعلمون من اضعف ناصراً و اقل عداة». بهار ج ۵۱، ص ۴۹.

۶. طارق: ۱۷-۱۵.

۷. «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا \* وَأَكِيدُ كَيْدًا \* فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُوَيْدًا» یا محمد «أهلهم رويداً» بولت بفتح القائم علیه السلام قتلتم لی من الجبارین و الطواغیت من قریش و بنی امیه و سایر الناس. بهار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹، ۸. ملک: ۳۰.

اگر دیدید امامتان غائب است چه کسی می تواند مانند امامتان امام بیاورد؟

امام رضا علیه السلام درباره آیه شریفه فرمود:

مقصود از آب در آیه شریفه درهای ائمه طاهرين است و امامان درهای خداوند هستند

پس چه کسی آب روان خواهد آورد یعنی علم امام علیه السلام تواند آورد؟<sup>۱</sup>

علی بن جعفر می گوید از برادر امام کاظم علیه السلام پرسیدم:

تاویل این آیه چیست؟

حضرت فرمود:

چه خواهید کرد اگر امامتان را از دست داده و او را نیبید.

در روایت دیگر از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

این آیه در مورد امام نازل شده است. سپس فرمود: اگر امامتان از شما غایب گردد.<sup>۲</sup>

### آمادگی قبلی

﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا

قُلِ انْتظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾<sup>۳</sup> روزی که بعضی از نشانه های خدا آشکار شود ایمان کسی که پیش از

آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است سودی ندهد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

مقصود از آیات امامان علیهم السلام می باشد و آیه مورد انتظار امام قائم علیه السلام است پس از آن که

خروج کند ایمان کسی که قبل از قیام به شمشیر حضرت ایمان نیاورده باشد سودی یار

نمی رساند اگر چه به پدارتش ایمان داشته باشد و به خودش ایمان نیاورده باشد.<sup>۴</sup>

پتهانی که آشکار می شود

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ \* الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾<sup>۵</sup> سوگند به ستارگان بازگردنده سیرکننده غائب شوند و

سوگند به شب چون تاریک شود و سوگند به صبح چون بدمد.

«آم هانی» می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیه ای در کتاب خدای عزوجل ذهن مرا به سختی

۱. تفسیر علی بن ابراهیم علیه السلام : ﴿قُلِ ارْأَيْتُمْ إِنْ أَمْسَحَ تَارُكُمُ عَزْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِتَارِكٍ﴾ قل، آری تم این امیج امامکم غائبیا فممن یأتیکم بامام منله، خذتنا سحشد بن جعفر عن محمد بن أحمد عن القاسم بن الغلاء عن إسماعیل بن علی الفزازی عن محمد بن جمهور عن فضالة بن أيوب قال سئل الرضا علیه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿قُلِ ارْأَيْتُمْ إِنْ أَمْسَحَ تَارُكُمُ عَزْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِتَارِكٍ﴾ فقال علیه السلام : «مَاؤَكُمُ أَوْلَادُكُمْ أَمْ الْأَيْمَةُ وَالْأَيْمَةُ أَبْوَابُ اللَّهِ بَيْتُهُ وَبَيْنَ حَلْفِهِ ﴿فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِتَارِكٍ﴾ یعنی یأتیکم بعلم الإمام. بحار الأنوار، ج ۲۴، باب ۳۷۶، أنهم عليهم السلام، ص ۱۱۲.

۲. انعام: ۱۵۸.  
۳. من این حدیث اللوری علیه السلام انه قال: فی قول الله عز وجل ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾ فقال: الآيات هم الأئمة و الآية المنتظر هو القائم علیه السلام فیومئذ لا یفیع نفسا ایمانها لم تكن آمنت من قبل. بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المنزولة بقیام القائم، ص ۵۱.  
۴. تکویر: آیات ۱۶-۱۵.

مشغول نموده، و شب مرا به بیداری می کشاند.

حضرت فرمود: کدام آیه است؟ آن را پرس!

گفتم: آیه شریفه ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُسِ \* الْجَوَارِ الْكُنُسِ﴾.

حضرت فرمود:

خوب مطلبی را پرسیدی ای ام هانی! این مولودی است در آخر الزمان. او مهدی علیه السلام، از این عترت است، که برای او حیرت و غیبتی خواهد بود، که گروه‌هایی در آن غیبت گمراه، و گروه‌هایی هدایت خواهند شد. پس ای خوشا بر تو اگر او را درک نمایی، و خوشا بر حال هر کس که او را درک کند.<sup>۱</sup>

### اقرار به قیام قائم علیه السلام

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾<sup>۱</sup>، آنان که ایمان به غیب می آورند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

مقصود اقرار به قیام حضرت قائم علیه السلام است و آن را حق و باور دارند.<sup>۲</sup>

یحیی بن ابن قاسم می گوید از معنای آیات فوق از امام صادق علیه السلام سؤال کردم فرمود:

متقین همان شیعیان علی علیه السلام هستند و غیب نیز همان حجت غایب است.<sup>۳</sup>

### ایمان به غیب حضرت قائم

﴿الْم \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾<sup>۴</sup>؛ الف لام میم - این است

همان کتاب که در آن هیچ ریب و شکی نیست پرهیزگاران را رهنماست آنان که به غیب ایمان می آورند.

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه، فرمود:

پرهیزگاران شیعیان علی علیه السلام هستند و اما مقصود از ایمان به غیب حضرت حجة بن

الحسن علیه السلام حجة غائب و شاهد است و این است معنی آیه شریفه.<sup>۵</sup>

۱. عن أم هانئ قالت، سمعت أبا جعفر محمد بن علي عليه السلام فسألته عن هذه الآية ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُسِ \* الْجَوَارِ الْكُنُسِ﴾ قال الخُنُسُ إمامٌ يغيب في زمانه عند انقطاع من بيته وند الناس سنة ستين ومانتين ثم يندو كالشهاب الواسع في قلعة الليل فإن أذرت ذكرك فرت عينك. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۱؛ کافی، ج ۱، باب في الغيبة، ص ۳۴۱؛ قاطع البرهان، ص ۲۲۹.

۲. عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ قال: من أقر بقيام القائم (ع) أنه حق. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۲.

۳. منتخب الآثار، ص ۵۱۴.

۴. عن يحيى بن أبي القاسم قال سألت الصادق عليه السلام عن قول الله عز وجل ﴿الْم \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ فقال المتقون شيعة علي عليه السلام و أما الغيب فهو الحجة الغائب و شاهد ذلك قول الله تعالى ﴿وَنُفُورًا لَّنَا لَا يُؤْمِنُونَ لَوْلَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْنَا إِنَّا نَبُؤُا الْقَيْبِ لَوْلَا فَانظُرُوا إِلَىٰ مَعَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ﴾ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۲، باب ۵۴، الآيات المنزلة بقيام القائم.

### وعدة خداوند

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾<sup>۱</sup> در آسمان روزی های شما است و آن چه به آن وعده داده شده‌اید.

روایت ابن عباس در تفسیر آیه شریفه:

آن خروج حضرت مهدی است.<sup>۲</sup>

### اصلاح زمین به وسیله قائم آل محمد

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾<sup>۳</sup> بدانید که خدا زمین را پس از مردنش زنده می‌کند ما آیات را برایتان به روشنی بیان کردیم باشد که به عقل دریابید.

به روایت ابن عباس در تفسیر آیه کریمه فرمود:

یعنی اصلاح می‌نماید زمین را به قائم آل محمد علیه السلام پس از آن که بمیرد یعنی پس از ستم و پیدادگری اهل مملکت زمین ما آیات را برایتان روشن نمودیم باشد که به عقل دریابید.<sup>۴</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود:

منظور از مرگ زمین کفر اهل زمین است چرا که کافر مرده است پس خدا زمین را با قائم علیه السلام را زنده می‌کند او عدالت را در زمین می‌گستراند و زمین را زنده نموده و اهل زمین را پس از مرگشان احیاء می‌نماید.

در روایت دیگری از موسی بن جعفر علیه السلام آمده:

زنده نمودن زمین با نزول باران نیست بلکه خدای عزوجل مردانی را برمی‌انگیزد که عدالت را احیاء نمایند و با احیاء عدالت و اقامه حدود زمین را زنده می‌سازند چرا که اقامه حدود در روی زمین از چهل روز باریدن باران پر سودتر است.<sup>۵</sup>

### اصحاب در خدمت قائم علیه السلام

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾ قَوْلَ رَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ﴾<sup>۶</sup> و

۱. قاریات: ۲۲.

۲. عن ابن صالح عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: هو خروج المهدي. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۳.

۳. حدیث: ۱۷.

۴. عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها يعني يبعث مؤمنها يعني يبعث جوار اهل مملكتها وقد بينا لكم الآيات في قائم آل محمد عليه السلام بحار الانوار، ج ۵۱، باب (۵۵) الآيات المنزلة بقائم القائم، ص ۵۳.

۵. بحار، ج ۴۲، ص ۲۲۵. ۶. قاریات: ۲۲-۲۳.

رزق شما و هر چه به شما وعده شده در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمان ها و زمین، که این سخن آن چنان باشد که سخن می گوید حتمی است.

به روایت ابن عباس، در تفسیر آیه شریفه فرمود:

مقصود قیام حضرت قائم علیه السلام و خروج حضرت مهدی علیه السلام است. مقصود اصحاب حضرت مهدی علیه السلام است که همه در خدمت حضرت جمع شوند.

### دولت خداوند

﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا...﴾<sup>۱</sup> و این روزگار و ایام است که هر

روزش به مراد کسی می گردانیم تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند بشناسد.

به روایت زرارة، از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

از روزی که خداوند آدم را بیافرید دولت و حکومت روزی از آن آدم و روز دیگر از آن

ابلیس بوده است، پس کجا است دولت خداوند آگاه باشید و بدانید آن دولت قائم آل

محمد علیه السلام است و یک دولت پیش نیست.

### نومیدی کافران

﴿الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي﴾<sup>۲</sup> امروز کافران از بازگشت شما از

دین خویش نومید شده اند، از آنان مترسید از من بترسید امروز دین شما را به کمال رسانیدم و

تعصبت بر شما تمام کردم.

امام باقر علیه السلام فرمود:

روزی است که قائم علیه السلام قیام کند و بنو امیه و آنان که کافر شده اند مأیوس گردند از

آل محمد علیه السلام.

### از بین رفتن کافران

﴿قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَالَّذِينَ هُمْ جِنَانٌ دَسْتِهِمْ جَمْعٌ وَهَمٌّ﴾<sup>۳</sup>

جنگ برخاستند شما هم همگی به جنگ ایشان برخیزید.

۱. عن ابن عباس رضي الله عنه في قول الله ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾ قال: «توزت الشما والأرض إله لعل كل ما أنتم تطوفون به قال قیام القائم علیه السلام وملة ﴿أَلَمْ نَكْتُمِبْ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ نَبِيًّا﴾ قال: أصحاب القائم يجمعهم الله في يوم واحد. بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المؤولة بقيام القائم، ص ۵۳، الغيبة، طوس، ص ۱۷۶.

۲. آل عمران، ۱۲۰.

۳. عن زرارة عن أبي عبد الله علیه السلام في قول الله ﴿قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَالَّذِينَ هُمْ جِنَانٌ دَسْتِهِمْ جَمْعٌ وَهَمٌّ﴾ قال: ما زال منذ خلق الله آدم دولة لله ودولة لإبليس فأين دولة الله أما هو قائم واحد. بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المؤولة بقيام القائم، ص ۵۴.

۴. مانند: ۳.

۵. عن جابر قال قال أبو جعفر علیه السلام في هذه الآية ﴿الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي﴾ يوم يقوم القائم علیه السلام يئس بنو أمية فهم الذين كفروا بكم من آل محمد علیه السلام. بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المؤولة بقيام القائم، ص ۵۵.

۶. توبه: ۳۶.

به روایت زرارة گفت امام صادق علیه السلام فرمود: از پدر بزرگوارم علیه السلام درباره تفسیر آیه کریمه پرسیدند، فرمود:

هنوز تاویل آیه شریفه نیامده است و روزی که قائم علیه السلام ما قیام کند به زودی می بیند کسی که آن حضرت را دیدار و درک کند تاویل آیه معلوم شود و به تحقیق دین محمد صلی الله علیه و آله تا آنجا که شب پیش رود می رسد، یعنی به محل غروب و طلوع آفتاب (هر دو طرف کره) می رسد تا این که دیگر مشرکی در روی زمین باقی نماند، چنان چه خدای تعالی فرمود:

### حضور یاران حضرت

﴿وَلَيْنَ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ ۗ﴾<sup>۱</sup>؛ اگر چند وقتی عذابشان را به تأخیر نکنیم می پرسند چه چیز مانع آن شده است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

جمعیتی به عدد جمعیت پدر در آن واحد دور آن جمع شوند خیلی تند و جست جلای مانند حرکت ابرهای پاییزی<sup>۲</sup>.

### جنگاوران زورمند

﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾<sup>۳</sup>؛ گروهی از بندگان خویش را که رزمندگان زورمند بودند بر سر شما فرستادیم.

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

او حضرت قائم و یارانش می باشد، که جنگاورانی زورمند هستند<sup>۴</sup>.

### میل خداوند به ظهور قائم علیه السلام

﴿فَذَلِكِ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ عَظِيمٌ يَسِيرٌ﴾<sup>۵</sup>؛ آن روز روزی سخت خواهد بود و برای کافران ناگوار.

از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

۱. عن زرارة قال قال أبو عبد الله عليه السلام قيل أبي عن قول الله عز وجل ﴿فَذَلِكِ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ عَظِيمٌ يَسِيرٌ﴾ حتى لا يكون مشرك عز وجل ﴿وَيَكُونُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ ثم قال: إنه لم يجهن تاويل هذه الآية ولو قد قام قائمنا سيدي من يدركه ما يكون من تاويل هذه الآية ولينلقن دين محمد صلى الله عليه وآله ما بلغ الليل حتى لا يكون بطرك على ظهر الأرض كنا قال الله.  
 ۲. هود: ۸  
 ۳. معارج الأنوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المنزلة بقيام القائم، ص ۵۵.  
 ۴. عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل ﴿وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ يعني عذبة كعذبة نذر قال يختمون له في ساعة واحدة فما تفرغ الخبر.  
 ۵. معارج الأنوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المنزلة بقيام القائم، ص ۵۵.  
 ۶. اسراء: ۵.  
 ۷. عن حمران عن أبي جعفر عليه السلام قال كان يقرأ عز وجل ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾ وهو القائم وأصحابه عز وجل ﴿أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾ معارج الأنوار، ج ۵۱، باب ۵۵، الآيات المنزلة بقيام القائم، ص ۵۷.  
 ۸. مدثر: ۹.

« تفسیر آیات شریفه قرآن کریم به حضرت مهدی علیه السلام »

این آیه شریفه درباره ما است و از ما امامی پیروز و پنهان خواهد بود و زمانی که خداوند اراده نماید امر ظهورش را در قلب مبارکش نکته و علامتی ظاهر شود پس در این وقت به دستور خداوند قیام کند.

### باور کردن ظهور قائم علیه السلام

« إِذَا تَنَلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ »<sup>۱</sup> چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید اساطیر و داستان پیشینیان است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود:

زمانی که به حضرت قائم علیه السلام می گویند ما تو را نمی شناسیم، و تو از فرزندان فاطمه علیها السلام نمی باشی چنان که مشرکان به محمد صلی الله علیه و آله می گفتند.<sup>۲</sup>

### یاوران الهی

« وَأَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا »<sup>۳</sup> به خدا قسم آن است که وقتی قائم ما قیام کند خداوند شیعیان ما را از تمامی نقاط در کنار او گرد می آورد.

راوی می گوید: از ابی الحسن علیه السلام از معنی آیه سؤال کردم، فرمود:

به خدا قسم آن است که وقتی قائم ما قیام کند خداوند شیعیان ما را از تمامی نقاط در کنار او گرد می آورد.<sup>۴</sup>

### امتحان غیبت

« وَتَلْبَلُوا نَفْسَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ »<sup>۵</sup> و هر آینه شما را به چیزی از ترس، گرسنگی و کاستی از دارایی ها و جانهاتان می آزمائیم و صابران را بشارت ده.

امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا پیش از قیام قائم علیه السلام بلایا و امتحانات الهی است.

محمد بن مسلم می گوید گفتیم: آن بلایا کدام است.

حضرت در پاسخ آن آیه را تلاوت فرمود.<sup>۶</sup>

۱. من الصادق علیه السلام « فذلیک یزنیذ یوم غیبر علی الکابرین غیر یسیر » فی هذه الایة قال إن بنا إنما نظرنا مستترا فإذا أراد الله عز وکرة إظهار أمره نکت فی قلبه نکتة فظهر فقام بأمر الله تبارک و تعالی. کافی، ج ۱، باب فی الغیبة، ص ۳۳۵ تفسیر صفائی، چاپ قدیم ص ۵۱۰  
 ۲. انفال: ۳۱  
 ۳. من ابی عبد الله علیه السلام فی قوله: « إِذَا تَنَلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ » یعنی تکذیبه یقائم آل محمد علیهم السلام إذ يقول له لستنا نفرک و لست من ولد فاطمة کما قال المشرکون لشمس علیه السلام. بحار الأنوار، ج ۵۱، باب (۵۵) آیات الموزلة بقیام القائم، ص ۶۱  
 ۴. بقره: ۱۲۸  
 ۵. تفسیر حباشی ج ۱، ص ۱۶۶  
 ۶. بقره: ۱۵۵  
 ۷. ارشاد مفید، ص ۳۲

### درود خدا بر یاوران مهدی

﴿أَوْلَيْكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلَيْكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾<sup>۱</sup> آن بند که بر ایشان درودها و رحمت پرورگارشان نثار شده و هم آنانند هدایت شدگان، هم آنانند رستگاران، هم آنانند پیروزمندان.

محمد بن احمد بن عبيدالله هاشمی می گوید در زمان عبدالله بن زبیر کتابی از زیر زمین کعبه یافت شد که در آن اسامی ائمه دوازده گانه آمده بود تا آنجا که: «... سپس امام منتظر است که نام او نام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. به عدل امر نموده و انجام می دهد و از منکر نهی نموده و دوری می گزیند.

خدا به واسطه او ظلم را برافکنده و تردید و کور باطنی را نابود می سازد تا جایی که گرگ و گوسفند در حکومت حضرت در آسایش زندگی می کنند و مرغان اهل آسمان ها و ماهیان دریاها از او خوشنودند. او عجب بنده ای است که این چنین مورد کرامت الهی واقع می شود. خوشایه حال کسی که از او اطاعت کند و وای بر آن کس که از او نافرمانی نماید. خوشایه حال آن کسی که به امر او به قتال برخاسته و کشته شده یا بکشد.<sup>۲</sup>

### نسل برگزیده

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾<sup>۳</sup> ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ<sup>۴</sup> در

واقع خدا، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان (برتری داد، و) برگزید، در حالی که آنان نسلی بودند که برخی آنها از برخی دیگرند.

امام علی علیه السلام در ضمن توصیه های شان به کمیل رضی الله عنه فرمود:

هر روز را با نام خدا ابتدا نموده و لاحول و لا قوة الا بالله گفته بر خدا توکل کن و ما را یاد نموده و نام ببر و بر ما درود بفرست و خویشش را هر چه می توانی بر این کار بدار تا انشاءالله از امور پنهان آن روز در امان بمانی... ای کمیل هیچ علمی نیست مگر آن که من گشاینده آنم و هیچ سزای نیست مگر آن که قائم علیه السلام آن را به آخر خواهد رسانید. ای کمیل فرزندانمی هستند یکی از نسل دیگری و خدا شنوا و داناست...<sup>۵</sup>

### تسلیم فراگیر و حکومت مطلق

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾<sup>۶</sup> و برای

۳. آل عمران: ۳۳-۳۴

۴. بحار، ج ۱۳۶، ص ۲۱۹

۵. آل عمران: ۸۳

۶. بقره: ۱۵۷

۷. تحف العقول، ص ۱۱۴



۱۳۸ ..... «تفسیر آیات شریفه قرآن کریم به حضرت مهدی علیه السلام»

او هر چه در آسمان‌ها و زمین است از روی اختیار یا اکراه تسلیم گردیده و به سوی او باز خواهید گشت.

هنگامی که قائم علیه السلام قیام نماید به عدل حکم نموده و در زمان حکومتش جور برطرف گردیده، و راه‌ها امنیت یافته، و زمین برکت‌هایش را خارج ساخته، و هر حقی به اهلش باز گشته، و اهل هیچ دینی نخواهند ماند، مگر آن که اظهار اسلام نموده و به ایمان معترف می‌گردند.  
آیا سخن خدای سبحان را نشنیده‌ای... ﴿أَفَعَيِّرُ دِينَ اللَّهِ...﴾<sup>۱</sup>

### ارتباط با امام زمان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۲</sup> بر ادای فرائض صبر نموده و یکدیگر را در برابر دشمنان به صبر واداشته و با امام منتظران رابطه برقرار نمائید.  
امام باقر علیه السلام در معنای آیه فرمودند:

بر ادای فرائض صبر نموده و یکدیگر را در برابر دشمنان به صبر واداشته و با امام منتظران رابطه برقرار نمائید.<sup>۳</sup>

### بندگان ذخیره شده

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾<sup>۴</sup> به زودی خداوند گروهی را خواهد آورد که خدایشان دوست دارد و آن‌ها نیز خدا را دوست دارند، در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران پر صلابت و شکست ناپذیرند.  
از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

همانا برای صاحب این امر (حکومت جهانی الهی) یارانی ذخیره شده که اگر همه مردم هم بروند خداوند آن یاوران را گرد خواهد آورد... و هم آنانند که خداوند در موردشان فرموده: به زودی خداوند گروهی را خواهد آورد که خدایشان دوست دارد و آن‌ها نیز خدا را دوست دارند، در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران پر صلابت و شکست ناپذیرند...<sup>۵</sup>

### آمادگی

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾<sup>۶</sup> و (مشرکان) می‌گویند: اگر راست گویند، این وعده (عذاب الهی) چه وقت است؟

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۶.  
۲. یونس: ۲۸.

۳. آل عمران: ۲۰۰.  
۴. غیبت نعمانی، ص ۳۱۶.

۵. از شاه مفیده، ص ۳۲۲.  
۶. مائده: ۵۴.

حضرت حسین بن علی علیه السلام فرمود:

از ما (اهل بیت) دوازده مهدی (هدایت شده و هدایت کننده) خواهد بود که اول آنان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و آخرین آن ها نهمین فرزند من است و او آن کسی است که به حق قیام نموده؛ خدا به واسطه اش زمین مرده را زنده می گرداند و با او دین حق را بر همه ادیان غلبه می بخشد، اگرچه مشرکان را ناپسند آید. برای او غیبتی است که در آن گروه های زیادی مرتد شده (از حق بر می گردند) و گروه های دیگری بر دین ثابت خواهند ماند و به آن ها گفته می شود این وعده چه زمانی است اگر راست می گوید. آگاه باشید کسی که در زمان غیبت آن امام در برابر اذیت ها و تکذیب ها صبر ورزد در جایگاه آن کسی است که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهاد برخاسته باشد.<sup>۱</sup>

#### وارثان زمین

«... إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup> (موسی به قومش گفت: از خدا یاری جویید، و شکیبایی کنید) که زمین از آن خداست، در حالی که آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می دهد و فرجام (نیک) برای پارسایان (خود نگهدار) است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ خاندانی که امکان در دست گرفتن دولت را داشته باشند باقی نخواهد ماند، مگر آن که قبل از ما به حکومت می رسند، تا آن که بعد از حکومت ما کسانی ادعا نکنند که اگر ما به حکومت می رسیدیم مثل روش این ها عمل می کردیم. و همین است سخن خدای عزوجل که: «عاقبت از آن پرهیزکاران است».<sup>۲</sup>

منتظران، اولیاء الله هستند

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ \* لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ»<sup>۳</sup> آگاه باشید! که دوستان خدا، هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می شوند. (همان) کسانی که ایمان آوردند، و همواره خودنگهداری (و پارسایی) می کردند.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

خوشا به حال شیعیان قائم ما و منتظران ظهورش در زمان غیبت؛ و اطاعت کنندگانش در

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲. اعراف: ۱۷۸.

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷.

۴. یونس: ۶۲، ۶۳.

۱۴۰ ..... «تفسیر آیات شریفه قرآن کریم به حضرت مهدی علیه السلام»

زمان ظهور، آنانند اولیاء خدا که نه ترس در آنان است و نه اندوهگین گردند.<sup>۱</sup>

### آرزوی پیامبران

«قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ»<sup>۲</sup>؛ (لوط) گفت: ای کاش در برابر شما نیرویی

داشتم! یا به تکیه گاهی محکم پناه می بردم، (تا با شما مقابله کنم).

امام صادق علیه السلام فرمود:

سخن لوط که به قومش گفت: ای کاش مرا بر شما قوتی بود یا آن که به تکیه گاهی پناه

می بردم؛ نبود مگر آرزوی توانایی قائم علیه السلام، و رکن هم چیزی نبود مگر قدرت یاران آن

حضرت هر مرد از آنان توان چهل مرد را داراست و قلب هر یک از آنان هم چون یک

قطعه آهن است که اگر بر کوهها گذر کنند آنها را از جا می کنند.<sup>۳</sup>

### ذخیره الهی

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...»<sup>۴</sup>؛ ذخیره الهی برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من

بر شما نگهبان نیستم.

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: آیا به امام قائم علیه السلام با خطاب (امیرالمؤمنین) سلام کنیم؟

حضرت فرمود: خیر.

امیرالمؤمنین اسمی است که خدا حضرت علی علیه السلام را به آن نامیده، و قبل و بعد از او کسی جز

شخصی که کافر شده باشد به این نام نامیده نشده است.

آن مرد پرسید: پس به چه خطابی به آن حضرت سلام نماییم؟

حضرت فرمود: می گویی «السلام عليك يا بقية الله» و سپس آن حضرت آیه «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» را تلاوت فرمود.<sup>۵</sup>

### آشنای ناشناس

«وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»<sup>۶</sup>؛ و برادران یوسف (به هنگام

خشکسالی به مصر) آمدند، و بر او وارد شدند، و وی آنان را شناخت و [لی] آنان او را

نشناختند، (و بیگانه شمردند).

امام صادق علیه السلام فرمود:

در قائم این امت علیه السلام چهار سنت از سنت پیامبران خواهد بود: سستی از موسی، که ترسان چشم

۱. تفسیر پرهان، ج ۲، ص ۳۳۱.  
۲. یوسف: ۵۸.

۳. هود: ۸۱.  
۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.

۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷.  
۶. هود: ۸۶.

انتظار بود. و سنتی از یوسف، که او آن‌ها را می‌شناخت ولی آن‌ها او را نمی‌شناختند. و سنتی از عیسی، که زنده است و هرگز او را نکشته‌اند. و سنتی از محمد ﷺ، که با نبرد قیام می‌کند.<sup>۱</sup>

### در حسرت او

﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا﴾<sup>۲</sup> (فرستادن پیامبران ادامه یافت) تا

آنگاه که فرستادگان (الهی از ایمان آوردن مردم) ناامید شدند و دانستند که آنان تکذیب شده‌اند.

(در این حال) یاری ما بدیشان رسید پس هر کس را که خواستیم، نجات داده شد و (لی) سختی

(مجازات) ما از گروه خلافکاران بازگردانده نشود.

حضرت امام صادق علیه السلام پس از توضیح آن که وعده حکومت صالحان و آثار آن هنوز محقق

نگردیده، به عنوان کندی و دور بودن ظهور حضرت قائم علیه السلام، این آیه را تلاوت کردند، تا آن که

رسولان مایوس شده و گمان کردند که به آن‌ها دروغ گفته شده، در آن هنگام یاری ما فرا رسیده...<sup>۳</sup>

### خوشا بر حال منتظران

﴿...الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُمْ﴾<sup>۴</sup> کسانی که ایمان آوردند و [کارهای]

شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین (زندگی)، و بازگشت نیکو برای ایشان است.

یونس بن عبدالرحمن می‌گوید: به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول

خدا! شما قائم به حق هستید؟

حضرت فرمود:

من هم قائم به حق هستم اما آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می‌کند و آنرا آن

چنان که از ظلم و جور پر شده باشد، از عدل و داد لبریز می‌سازد، او پنجمین از فرزندان

من است که غیبتی خواهد داشت که به دلیل ترس از جانش طولانی خواهد شد. در آن

زمان گروه‌های زیادی از دین برگشته و گروهی دیگر بر آن ثابت می‌مانند... خوشا به

حال شیعیان ما آنانی که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان ما آویخته، بر دوستی ما و

بی‌زاری از دشمنان ما استوار بمانند. آن‌ها از ما و ما از آن بیم آن‌ها به امامت ما خشنود

و ما نیز به شیعیگی آن‌ها خشنودیم. پس خوشا بر حال آن‌ها و باز هم خوشا بر آن، به

خدا قسم آن‌ها در روز قیامت در درجه ما خواهند بود.<sup>۵</sup>

### قضاوت با علم باطن

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»<sup>۱</sup>؛ همانا در این امور نشانه هایی برای اهل توسم وجود دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم آل پیامبر قیام کند در بین مردم مانند حضرت داوود حکم می کند و در قضاوت نیازی به پینه و شاهد ندارد. خدا به او الهام می کند و او به علم خویش حکومت می نماید؛ هر گروهی را به آن چه مخفی می کند خبر می دهد و دوست و دشمن خویش را از طریق توسم می شناسد. خدای متعال می فرماید: همانا در این امور نشانه هایی برای اهل توسم وجود دارد.<sup>۲</sup>

### مبارزان زمینه ساز ظهور

«وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا»<sup>۳</sup> فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ<sup>۴</sup>؛ و در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) اعلام کردیم که: قطعاً دو بار در ارض زمین فساد خواهید کرد، و حتماً با سرکشی بزرگی برتری خواهید نمود، و هنگامی که نخستین وعده (از آن) دو فرا رسد، (گروهی از) بندگان سخت نیرومند (و جنگ آور) مان را بر شما بشورانیم، و میان خانه ها (یتان برای سرکوبی شما) به جستجو در آیند و [این] وعده ای واقع شده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که در بیان تأویل آیه فوق فرمود:

دو فساد مورد اشاره در آیه، قتل امیرمؤمنان و زخمی شدن حسن بن علی علیه السلام بود و منظور از و هر آینه طفیاتی بزرگ مرتکب خواهید شد قتل امام حسین علیه السلام است. پس هنگامیکه وعده اول آن برسد یعنی هنگامیکه زمان پیروزی حسین علیه السلام شود بر می انگیزیم بر سرتان بندگانمان را که پرتوان گوشه و کنار هر دیاری را پی جویی کنند که آن ها گروهی هستند که خداوند قبل از قیام قائم علیه السلام بر می انگیزاند که هیچ امری را نداشته ای از آل محمد را نمی گذارند مگر آن که آنرا در خواهند یافت و این وعده محقق الهی است.<sup>۵</sup>

### انتقام گیرنده شهیدان مظلوم

«وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيِهِ سُلْطَانًا فَلَا يَشْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»<sup>۶</sup>؛ و شخصی را که

خدا (خونش را) حرام کرده، جز بحق نگشید و هر کس که مظلومانه گشته شده، پس برای سرپرستش تسلّطی (بر قصاص) قرار دادیم و اِلی ادر قتل زیاده روی نکنند، [چرا] که او یاری شده (خدا) است.

مردی از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه سؤال کرد.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مراد از آیه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم است که خروج نموده و در برابر خون حسین علیه السلام عده‌ای را به قتل می‌رساند، پس اگر همه اهل زمین را بکشد اسراف کننده نخواهد بود. بنا بر این، این که خداوند می‌فرماید: در کشتن اسراف کننده نخواهد بود یعنی کاری که می‌کند اسراف شماره نمی‌شود.

پس امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم فرزندان قاتلان حسین علیه السلام را به واسطه اعمال پدرانشان می‌کشد.

در تفسیر برهان<sup>۱</sup> آمده که شخصی از حضرت امام رضا علیه السلام از معنای کلام حضرت صادق علیه السلام سؤال می‌کند و این که کشتن فرزندان به گناه پدرانشان چگونه با آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» سازگار است؟

حضرت امام رضا علیه السلام در پاسخ فرمود:

منظور آن فرزندان هستند که به عمل پدرانشان راضی بوده و افتخار می‌کنند و اگر کسی در مشرق کشته شود و کسی در مغرب به قتل او راضی باشد او هم شریک قاتل محسوب می‌گردد.<sup>۲</sup>

### امّت امام

«يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ...»<sup>۳</sup> (یاد کن) روزی را که هر (گروهی از) مردم را با پیشوایشان فرامی‌خوانیم و هر کس نامه (عمل)ش به دست راستش داده شود، پس آنان نامه (اعمال)شان را (با شادی) می‌خوانند و کم‌ترین ستمی نخواهند شد.

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

امامت را بپشتاس که اگر امامت را شناختی نزدیکی و دوری این موضوع (قیام امام زمان) به تو زیانی نخواهد رسانید. چرا که خدای عزوجل می‌فرماید: قیامت روزی

است که هر امتی را به نام امامش فرامی‌خوانیم پس هر کس امامش را بشناسد، هم چون کسی است که در خیمه قائم علیه السلام به سر برد...<sup>۱</sup>

حق آمده و باطل رفتنی است

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾<sup>۲</sup> و بگو: حق آمد، و باطل نابود شد [چرا] که باطل نابود شدنی است.

حضرت امام باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه فرمود:

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل از میان خواهد رفت.<sup>۳</sup>

کمال نعمت

﴿... وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً...﴾<sup>۴</sup> آیا نظر نکرده‌اید، که خدا (منافع) آن چه را در آسمان‌ها و آن چه را در زمین است مسخر شما ساخت، و نعمت‌هایش را آشکارا و پنهانی بر شما گسترده و تمام کرد؟! و [الی] از میان مردم کسی است که بدون هیچ دانش و هیچ رهنمود و هیچ کتاب روشنی بخش، در باره خدا مجادله می‌کند.

حضرت امام کاظم علیه السلام در مورد آیه فرمودند:

نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غایب است.

راوی می‌گوید پرسیدم: آیا در میان امامان هم کسی هست که غایب شود؟

فرمود: آری، ظاهرش از دیدگان مردم پنهان می‌گردد اما یادش از دل‌های مؤمنان پنهان نمی‌شود. او دوازدهمین از ماست که خدا هر سختی را برایش آسان و هر مشکلی را راحت می‌کند.<sup>۵</sup>

تجلی به نور خدا در زمین

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...﴾<sup>۶</sup> و (در رستاخیز) زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه (اعمال) نهاده می‌شود، و پیامبران و گواهان آورده می‌شوند، و بینشان به حق داوری می‌شود. در حالی که آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند.

حضرت امام صادق علیه السلام در مورد آیه فرمود:

ربّ زمین، یعنی امام روی زمین و در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده همانا

۳. تفسیر ضائی، ذیل آیه. ۶۹ زمزم

۲. اسراء: ۸۱  
۵. تفسیر برهان ذیل آیه.

۱. فیت نعمانی، ص ۳۳۱  
۴. لقمان: ۲۰

هنگامی که قائم ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد.<sup>۱</sup>

### حلقه آخر زندگانی بشر

﴿... لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾؛ اگر شما عناصر کفر و ایمان از هم جدا می‌گشتید، همانا آنان که کافرند به عذاب دردناک معذب می‌ساختیم.

از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال شد، آیا علی علیه السلام در دین خدا قوی نبود؟  
حضرت فرمودند:

آری!

پرسیده شد پس چگونه آن گروه توانستند بر او غلبه کنند و او آن‌ها را کنار نبرد؟ چه چیز مانع از برخورد او شد؟

حضرت فرمود: آیه‌ای از کتاب الهی.

سوال شد کدام آیه است؟

حضرت علیه السلام فرمود:

﴿... لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾؛ اگر شما عناصر کفر و ایمان از هم جدا می‌گشتید، همانا آنان که کافرند به عذاب دردناک معذب می‌ساختیم.

خدای متعال را مؤمنانی است که به صورت امانت، در صلب کافران و منافقان قرار دارند.

پس حضرت علی علیه السلام، پدران را به امید آن که در آینده، این ودیعه‌ها از صلبشان خارج خواهند شد نمی‌گشت... و هم چنین است قائم ما اهل البیت، که هرگز ظاهر نمی‌شود تا آن که این امانات و ودایع الهی از اصلاب خارج شده باشد. پس آن گاه بر هر کس از کفار دست یابد، آن‌ها را خواهد گشت.<sup>۲</sup>

### عرضه خبرهای امانت بر امام علیه السلام

﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ \* سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ﴾؛ فرشتگان و

روح در آن (شب) به رخصت پروردگارش از برای (اندازه زنی) هر کاری فرود می‌آیند، آن

(شب) تا طلوع سپیده دم سلامت است!

امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود:

روزی علی بن ابیطالب علیه السلام سوره قدر را قرائت نمود و حسن و حسین علیه السلام در نزد آن

حضرت بودند. آنگاه امام حسن علیه السلام عرضه داشت: از خواندن این سوره گویا کسانتان



### شیرین گردید؟

علی علیه السلام فرمود: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و ای فرزندم! بدان که من در این مورد چیزی را می دانم که تو از آن بی خبری، و آن این که وقتی این سوره نازل شد جدت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در پی من فرستاد و این سوره را بر من قرائت نمود و بر شانه راستم زده و فرمود ای برادر، وصی و ولی امت بعد از من و جنگنده با دشمنانم تا روزی که در آن روز بر انگیزته خواهند شد، این سوره بعد از من در خصوص تو و پس از تو در خصوص فرزندان تو است. همانا برادرم جبرئیل خبرهای امتم در هر سال را به من می رساند و هم او این مطالب را هم چون پیام هایی که بر انبیا می رسانید، به همراه نوری فروزان به قلب تو و جانشینان او نازل خواهد کرد تا آن گاه که زمان طلوع فجر قائم فرارسد.<sup>۱</sup>

### وعدة الهی

«وَالشَّمْسِ وَضُحِيِّهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّيْهَا وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّيْهَا وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰهَا وَالسَّمَاءِ وَمَا بَيْنَهَا وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّيْهَا وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيَهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا»<sup>۲</sup>، سوگند به خورشید و (تابش) نیمروزش! سوگند به ماه هنگامی که در پی آن در آید! سوگند به روز هنگامی که آن را آشکار سازد! سوگند به شب هنگامی که آن را فراگیرد! سوگند به آسمان و آن که آن را بنا کرد! سوگند به زمین و آن که آن را گستراند! سوگند به نفس و آن که آن را مرتب ساخت! و بد کاریش و پارسایی اش را به او الهام کرد، که به یقین کسی که آن را پاک کرد و رشد داد رستگار (و پیروز) شد.

آن هنگام که نام مقدس امام عصر، ارواحنا فداه، در حضور حضرت امام رضا علیه السلام برده می شد، دست روی سر می گذاشت و می ایستاد، تعظیم می کرد و سه مرتبه می فرمود: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ. حضرت امام صادق علیه السلام می فرمود:

اگر من او را درک می کردم، در تمام عمر خدمتگزارش می بودم.

خدای تعالی این را تأیید کرده است که می فرماید:

«إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»<sup>۳</sup> شما انتظار او را داشته باشید من هم با شما انتظار او را دارم.

### تفسیر سوره الشمس والشمس

از شمس تا نفس، از آفتاب تا بیان تا نفس فروزان (با اندیشه‌ی آزاد و روشنی خردمند) اثری ارزشمند است از فقیه پارسا، آیت الله العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی فقیه یزدی، دامت برکاته، که در درس‌های تفسیری که برای جوانان در سازمان ملی جوانان استان قم داشتند، آن مطالب را افاضه فرمودند:

در آن کتاب گران سنگ چنین آمده است:

در این سوره، بیش از هر سوره‌ای، قسم ذکر شده است، لذا مناسب است، اشاره‌ای به قسم در قرآن بشود.

در قرآن، موارد قسم، به گونه‌ی غالب، ایزد تعالی، به خودش، به عنوان فاعل و ایجاد کننده‌ی جهان، قسم نخورده است.

در قسم‌هایی که در قرآن است، به غایات و هدف‌های آن، بیش‌تر توجه شده است. از این رو، قسم به جنبه‌ی ربوبی اله، در قرآن، مشاهده می‌شود.

قسم‌هایی که در این سوره آمده، خارج از این قاعده نیست.

این آیات، غایات خورشید و ماه و زمین و انسان را بیان می‌کند.

غایت و هدف خورشید، نوربخشی و روز آفرینی است.

گویی به نقش نور در حوادث و پیشرفت‌ها اشاره دارد آن چنان که کاربرد با نور (اکنون مانند «لایت» در تحکیم مواد دندان استفاده می‌شود) در جریان‌های طبی و مانند آن استفاده گردد.

زمین، باید جوشش و کشش و صعود داشته باشد و انسان، باید فلاح را بیابد.

تأویل این سوره براساس بعضی از روایات به وجود نورانی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد و در روایتی اشاره شده است که منظور از «شمس»، وجود نورانی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و منظور از «قمر»، وجود نورانی حضرت امیر علیه السلام و هم چنین سایر ائمه علیهم السلام، بویژه حضرت قائم (عج) است، که قرائن بسیاری از خود قرآن در این رابطه به دست می‌آید.

در روایتی «ابن عباس» چنین گفته است که مراد از «شمس» نبی صلی الله علیه و آله است و در کلام حضرت امام صادق علیه السلام به کار آن حضرت اشاره شده است که با وضوح و ضحی ملازم است، زیرا فرموده است:

« تفسیر آیات شریفه قرآن کریم به حضرت مهدی علیه السلام »

«الشمس رسول الله ﷺ اوضح للناس دينهم»؛ در حقیقت برنامه آن حضرت که روشنگری و نورافشانی در امور دینی است، نظیر ضحی و نور خورشید است و چه نور و فروغی بالاتر و عظیم تر از روشن کردن دین خدا.

البته شواهد دیگری هم می توانیم از نص قرآن بر این معنا پیدا کنیم، آن گونه که درباره «والنجم» در این دو آیه «والتَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ» «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ» استفاده می شود، زیرا پس از تعبیر به «والنجم» هنگام فرود آمدن، تصریح شده که هم صحبت و رفیق شما، یعنی پیغمبر خاتم، در گمراهی و هوی نیست.

نیز از سوره های «الضحی» و «الم نشرح» حقایقی به دست می آید که مراد از «الضحی» حضرت رسول اکرم ﷺ می باشد، زیرا پس از آیه اول، خطاب به شخص پیامبر ﷺ آمده: «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ»، گویی چنین ذکر شده که ای پیغمبر و ای «ضحی»، چنین و چنان است.

پس با تعبیر «ضحی» به گونه ای خطاب به آن حضرت شده است، آن چنان که «الم نشرح لك صدرك» خطاب به گونه صریح و واضح به آن حضرت می باشد.

نیز در این آیه شریفه «والفجر» و مانند آن، این گونه مطالب، به دست می آید.

در قرآن کریم بعضی از موارد به نام آن حضرت تصریح شده است، مانند: «وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» و در پیش از یک مورد به نام حضرت «محمد» ﷺ تصریح شده و به عنوان برنامه ای از آن حضرت که تهجد و نماز شب خواندن بوده، به مقام محمود خطاب آمده است که لازمه آن مقام در قلعه بلند آن، محمودیت آن حضرت است. نیز در بعضی از موارد، به عنوان «رسول الله» تعبیر شده، آن گونه که «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» واضح است که رسول بودن خدا نسبت به انبیاء دیگر هم تا حدودی جریان دارد، ولی مصداق اتم و اکمل آن، وجود نورانی حضرت ختمی مرتبت به عنوان خاتم رسولان صدق می کند.

### قسم به زمان ظهور

﴿وَالْعَصْرِ﴾<sup>۱</sup>؛ سوگند به عصر.

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

﴿وَالْعَصْرِ﴾، عصر خروج قائم است و مراد از انسان دشمنان ما هستند. و ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ آنانند که به نشانه‌های ما ایمان آورده‌اند و ﴿عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾، آن‌یند که با برادران خویش مساوات نمایند و منظور از حق امامت و مراد از ﴿تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾، صبر در هنگام عدم دسترسی به امام است.<sup>۲</sup>

### یاری الهی

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾<sup>۳</sup>؛ هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و از طولانی شدن مدت دولت و سیطره ظلم شکایت کرد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام به او فرمود:

به خدا آن چه آرزو دارید محقق نخواهد شد تا آن زمان که اهل باطل هلاک گردیده و نادانان فرو پاشند و اهل تقوا که چه کمند آن‌ها امنیت یابند... در چنین زمان پأس و خواری است که: **اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ** محقق می‌شود.<sup>۴</sup>

اگر مهدی موعود (عج) را از آن جهت دوست می‌داریم که بیاید و جهانمان را آباد کند و نعمت‌هایمان را فزونی بخشد، ما دوستدار آبادانی و نعمتیم، نه دوستدار ولایت و امامت! اگر به او عشق می‌ورزیم، از آن جهت که در پرتو ظهورش علم و حکمت و پیشرفت‌های معنوی را به راحتی دریابیم. ما راحت طلبیم نه مهدی طلب!<sup>۵</sup>

رسیدن به فضائل و آثار هر سوره به طور کامل، علاوه بر تلاوت، وابسته به عمل کردن معارف آن سوره است...

دستورالعمل‌های آسمانی ۵ سوره نورانی (حدید، حشر، صفت، جمعه، تغابن) که به مسبّحات خمس (سوره‌های ۵ گانه‌ای که با «سَبَّحَ لِلَّهِ» آغاز می‌شود مشهور است. خلاصه آن عبارتند از:

۱. دستوری به ایمان و تقوا

۲. تاکید بر مجاهده در راه خدا با مال و جان

۱. نصر: ۱.

۲. تفسیر صافی.

۳. ابتداء علامه مصباح یزدی.

۴. والعصر: ۱.

۵. فاطع البرهان، ص ۲۵۱.

۳. تشویق به اعطای قرض الحسنه

۴. توصیه به بخشش سخاوتمندانه در راه خدا و دوری از بخل

۵. مراقبه و محاسبه نفس در پرتو تقوای الهی

۶. مداومت بر یاد خدا

۷. بزرگداشت نماز جمعه و...

در زمستان غیبت، بر محمل بهار دیدمت که نماز می‌گزاری....

و شنیدم ذکر قنوتات را و چشیدم حلاوت دعایت را و دیدم زیبایی رکوع و سجودت را... ای

چشم بینای خدا، تو حاضری در لحظه لحظه زیستن ما، نفس کشیدن ما، نشستن ما برخاستن ما، در

هر پگاه و نگاه ما و در ژرفای نماز و نیاز ما<sup>۱</sup>

اگر اهل صفای مصطفایی

اگر رهروی راه اولیایی

که گیرد دل ز نورش روشنایی

که دارد پنهان هر دردی دوائی

سفر تا سرزمین مساورایی

اگر دلدادهای اهل و نسایی

اگر بسا وادی دل انس داری

بسیا تا روز و شب قرآن بخوانیم

شسقای دردها آیات قرآن

تورا ممکن شود بنا ببال تریل

## فصل چهارم

بشارت ظهور مهدی علیه السلام

در کتاب‌های مقدس

اوپانیشاده، باسک، پاتیکل، وشن جوک، دید، دادتگ، ریگ ودا، شاکمونی  
کتب ادیان دیگر

## انتظار عمومی برای یک مصلح بزرگ

تمام اقوام جهان در انتظار یک رهبر بزرگ انقلابی به سر می‌برند؛ هرچند هر کدام او را به نامی می‌نامند، ولی همگی در اوصاف کلی و اصول برنامه‌های انقلابی او اتفاق نظر دارند. ایمان به ظهور یک «منجی» و نجات بخش بزرگ، تنها در میان مسلمانان، و یا مربوط به مذهب‌های مشرق زمین نیست، بلکه در میان همه اقوام و مذاهب شرق و غرب، یک اعتقاد عمومی است، که گواه بر فطری بودن این موضوع است.<sup>۱</sup>

### «مهدویت» در اعتقاد و تفکر شیعی

همان گونه که ذکر شد، اعتقاد به یک منجی جهانی (= مهدویت)، اختصاص به شیعه ندارد. همه ادیان و مذاهب، به گونه‌ای اعتقاد به «منجی» برای انسان‌ها دارند. در منابع حدیثی اهل سنت نیز، روایات در خصوص حضرت مهدی علیه السلام فراوان است. اما تفاوت نظر شیعه و سنی در این است که اهل سنت عقیده دارند، مهدی علیه السلام در آخر الزمان متولد خواهد شد؛ در صورتی که شیعه بر این باور است که آن حضرت متولد شده و هم اکنون زنده هست.

### اعتقاد به منجی در دیگر ادیان

در ادیان غیر اسلامی، همانند زردشتی، یهودی، مسیحی، بودایی، ادیان هندی و... اعتقاد به منجی وجود دارد، و در منابع زردشتی (کتاب زند و کتاب جاماسب نامه)<sup>۲</sup>، منابع هندی (کتاب شاکمونی و کتاب دید)<sup>۳</sup>، انجیل<sup>۴</sup>، تورات<sup>۵</sup>، زبور و... به مسأله «منجی جهانی» اشاره شده است.

۱. همین انتظار که امروز ما نسبت به حضرت حجت (ع) داریم، یهود نسبت به حضرت خاتم (ص) داشتند. یهودیان بر اساس همین انتظار به سوی مدینه روان شدند و در اطراف آن (عیبر، فدک) سکنی گزیدند تا به هنگام ظهور پیامبر آخر الزمان نخستین بیعت کنندگان یا او باشند. آثار و متنی پیامبر موعود به رسالت خیرت شده، نه تنها با او بیعت نکردند، بلکه در مقابل انجام رسالتش، خدعه و توطئه کردند. (ابن عربی)

۲. مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و بردین جد خویش بود، با سپاه بسیار، و روی به ایران نهاد و آبادانی کند و زمین پر داد کند.

۳. در انجیل آمده است: کمرهای خویش را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید، و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خودشان را می‌کشند که

بنابراین اعتقاد به منجی جهانی، در ادیان غیر اسلامی هم وجود دارد، و اختلاف دین اسلام با دیگر ادیان در مصداق خارجی و خصوصیات شخصی منجی جهانی و مهدی است. باز تاب این عقیده در میان اقوام و ملل مختلف، از دو منظر قابل توجه است:

تخت توجه به عمومی بودن مسأله است؛

و دیگر آن که اصول مشترکی درباره برنامه آن مصلح بزرگ، در میان همه وجود دارد. از این رو در این مقام به آن مشترکات اشاره می‌گردد.<sup>۵</sup>

### بشارت ظهور حضرت مهدی در زبور

«زبور» نام کتاب حضرت داوود علیه السلام است.

در این کتاب که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای «عهد عتیق» آمده، نویدهایی درباره ظهور مهدی (عج) داده شده است و می‌توان گفت، در هر بخش از «زبور» اشاره‌ای به ظهور آن حضرت و نویدی از پیروزی صالحان و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین واحد وجود دارد.

نویدهای حضرت مهدی (عج) در زبور فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه، نوید «ظهور» آن حضرت موجود است.<sup>۶</sup>

۴. وقت از عروسی مراجعت می‌کند، تا هر وقت که آید و در را بگوید، بی درنگ برای او باز کنند خوشابه حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابند پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید به سر انسان می‌آید... (انجیل لوقا، فصل ۱۲، بند ۳۵ و ۳۶)

۵. تورات می‌گوید: هر تهنائی از تنه یسوی بیرون آمده و شاخه‌ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد... گرگ با بز، سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله، و گوساله و شیر و پروازی با هم، و طفل کوچک آن‌ها را خواهند راند... در تمامی کوه مقدس من ضرری نخواهند کرد، زیرا جهان از معرفت جلتا پر خواهد شد (تورات اشعیا نبی، فصل ۱۱، بند ۱-۱۰)

۶. فاصله ما با مهدی موعود نیز فاصله اخلاقی و معنوی است. این فاصله اگر بر داشته نشود، دیر یا زود ما را از امام زمان جدا خواهد ساخت... در مقابل چه بسیار کسانی که در ظاهر از بی‌خبران بسیار دورند اما به دلیل آگاهی و پاکی خرونی در واقع به امام عصر نزدیکند و پس از ظهورش بلافاصله به او می‌پیوندند.

پیرویان، نزدیکان دور بودند و امثال سلمان و اویس‌ها، دوران نزدیکان خدا کند که ما از نزدیکان دور نباشیم! (حیدری کاشانی) آخرین امید، ص ۱۹۳.

آن حضرت را غایب نامیده‌اند، چون «ظاهر» نیست، نه آن که «حاضر» نیست، غیبت به معنای «حاضر نبودن»، تهت ناروایی است که به آن حضرت برده‌اند و آنان که چنین پنداشته‌اند، فرق میان «ظهور» و «حضور» را ندانسته‌اند. آمدن آن حضرت به معنای «ظهور» است، نه «حضور». و شیفتگان حضرتش، ظهورش را از خدا می‌طلبند نه حضورش را. از این روست که وقتی ظاهر می‌شود همه انگشت حیرت به دندان می‌کنند که ای وای او را پیش از این هم دیده‌اند، ولی نشناخته‌اند!

توجه به حضور همیشگی حضرتش در جای جای زندگی ما، تأثیر فوق‌العاده‌ای در هدایت و تربیت مهدوی ما می‌گذارد.



## بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب زردشت

### سوشیانت، جاماسب و...

در دین «زردشت»، موعودهایی معرّفی شده‌اند که آنان را «سوشیانت»<sup>۱</sup> می‌نامند. این موعودها سه تن بوده‌اند که مهم‌ترین آنان، آخرین ایشان است. و او «سوشیانت پیروزگر» خوانده شده است، و این «سوشیانت» همان موعود است، چنان‌که گفته‌اند:

سوشیانت مژدیسنان، به منزله کریشنای برهمنان، بودای پنجم بودائیان، مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان، و مهدی (عج) مسلمانان است.<sup>۲</sup>

در کتاب معروف «زند» پس از ذکر مبارزه همیشگی «ایزدان» و «اهریمنان» آمده است:

... آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود؛ و اهریمنان را منقرض می‌سازند... پس از پیروزی ایزدان، و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک‌بختی خواهند نشست!

«جاماسب» در کتاب «جاماسب نامه»، از زردشت نقل می‌کند که می‌گویند:

مردی بیرون آید از زمین تازیان... مردی بزرگ سر، و بزرگ تن، و بزرگ ساق، و بر آئین جدّ خویش و با سپاه بسیار، و روی به ایران نهاد، و آبادانی کند و زمین را پر داد کند.

## بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب تورات

در کتاب تورات در سفر پیدایش، شماره ۴۹-۱۰ آمده است:

عصای قدرت و سلطنت از یهود دور نخواهد شد و نه فرمانروایی از میان پاهای وی، تا «شیلو» بیاید و او را اطاعت امت‌ها خواهد بود.<sup>۳</sup>

«شیلو» از نام‌های مصلح جهانی در کتب مقدس است. «شیلو» یعنی کسی که دارای حق است.

۱. سوشیانت به معنی رهاننده یا نجات دهنده است.

۲. خورشید مغرب من ۱۵۲ دایرة المعارف فارسی ج ۱، ص ۱۲۷۳.

۳. مصلح آخرالزمان، ص ۷۷.

### بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب اوپانیشاد

در کتاب «اوپانیشاد» که یکی از کتب معتبره و از منابع هندوها به شمار می رود، بشارت ظهور مهدی موعود علیه السلام چنین آمده است: این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می شود، و شیران را تماماً هلاک می سازد، و خلقت را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

مقصود از «مظهر ویشنو» همان وجود مقدس حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است؛ زیرا، طبق روایات متواتر اسلامی، آن حضرت در آخرالزمان و در پایان جهان، ظهور خواهد نمود و با شمشیر قیام خواهد کرد، و تمامی جباران و ستم گران روی زمین را از بین خواهد برد، و در دوران حکومت آن مظهر قدرت خداوندی، جهان، آفرینش نوینی خواهد یافت.

#### حضرت مهدی (عج)، سوار بر اسب

این عنوان که در دومین فراز بشارت کتاب «اوپانیشاد» آمده است، در اخبار معصومین علیهم السلام بدان اشاره شده که برای نمونه برخی از آن ها را می آوریم: در حدیثی از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده که در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام و به هنگام حرکت آن حضرت از نجف به سوی مسجد سهله فرموده است: گویی او را با چشم خود می بینم که در نزدیکی نجف از وادی السلام عبور کرده، به سوی مسجد سهله پیش می رود در حالی که بر اسب دست و پا سفیدی سوار است که پیشانی سفید و درخشنده ای دارد، و همه درخشندگی آن را چون چراغ و ستاره می بینند و او در آن حال دعا می خواند...<sup>۲</sup>

۱. اوپانیشاد، ترجمه محمد دار الشکره (از متن سانسکریت) ج ۱، ص ۶۳۷.  
۲. کتابی به وفد غیرین وادی السلام إلى مسجد سهله علی فرس مشعل له شراخ یزهو و هو یذعو و یقول فی دعائه...  
دلایل الامانه ص ۲۲۲؛ منتخب الاثر ص ۵۱۹؛ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۹۱ و ۲۱۲.

## بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب باسک

### بشارت ظهور در کتاب باسک و پاتیکل هندیان

در کتاب «باسک» که از کتب مقدسه آسمانی هندوهاست، بشارت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان، که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آن چه در دریا و زمین ها و کوه ها پنهان باشد همه را به دست آورد، و از آسمان ها و زمین و آن چه باشد خیر دهد، و از او بزرگ تر کسی به دنیا نیاید.

## بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب پاتیکل

در کتاب «پاتیکل» که از کتب مقدسه هندیان می باشد، و صاحب آن کتاب از اعظم هند است، و به گمان پیروانش، صاحب کتاب آسمانی است، بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است:

چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نوسود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخرالزمان» و دیگری «صدیق اکبر» است. یعنی وصی بزرگ تروی که «پشن» نام دارد. و نام آن صاحب ملک تازه، «راهنما» است، به حق.

پادشاه شود، و خلیفه «رام» باشد، و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام.

و دولت او بسیار کشیده شود، و عمر او از فرزندان «ناموس اکبر» زیاده باشد، و آخر دنیا به او تمام شود. و از ساحل دریای محیط و جزایر سرانندیب و قبر بابا آدم علیه السلام و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره، تا سیف البحر و اقیانوس را مستخر گرداند، و بتخانه «سومنات» را خراب کند.

و «جگرنات» به فرمان او به سخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی که در هر جا باشد بشکند.<sup>۱</sup>

### توضیح تعبیرهای به کار رفته در این بشارت

۱. مقصود از «ناموس آخر الزمان»، ناموس اعظم الهی، پیامبر خاتم حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.
۲. پشن، نام هندی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است.
۳. صاحب ملک تازه، آخرین حجّت خداوند حضرت ولی عصر علیه السلام است و راهنما، نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام است که بزرگ‌ترین نماینده راهنمایان الهی و نام مقدّس وی نیز، هادی و مهدی و قائم به حق است.
۴. کلمه «رام» به لغت «سانسکریتی» نام اقدس حضرت احدیت (خدا) است.
۵. این جمله «هر که به او پناه برد، و دین پدران او اختیار کند، در نزد رام، سرخ روی باشد» صریح است در این که، حضرت مهدی علیه السلام جهانیان را به دین اجداد بزرگوارش، اسلام، دعوت می‌کند.
۶. «سومنات» بنا به نوشته علامه دهخدا، در کتاب لغت نامه بتخانه‌ای بوده است در «گجرات» و گویند: سلطان محمود غزنوی آن را خراب کرد، و «منات» را که از بت‌های مشهور است و در آن بتخانه بود، شکست. و گویند: این لغت هندوی است که مفرس شده و آن نام بتی بود، و معنی ترکیبی آن «سوم، نات» است: نمونه قمر، زیرا «سوم» به لغت هندوی قمر را گویند، و نات، تعظیم است.<sup>۲</sup>

۱. جگرنات به لغت سانسکریتی، نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می‌دانند.  
 ۲. علامت ظهور کرمانی، ص ۱۷ لمعات شیرازی، ج ۱، ص ۱۸، به نقل از کتاب زیادة المعارف و تذکرة الأولیاء.  
 ۳. برای اطلاع بیشتر تر به لغت نامه دهخدا، ماده «سومنات» مراجعه فرمایند.

## بشارت ظهور حضرت بقیة الله در کتاب و شن جوک

### ظهور حضرت بقیة الله و رجعت گروهی از اموات

در کتاب «جوک» که رهبر جوکیان هندو است، و او را پیامبر می دانند، درباره بشارت ظهور حضرت «بقیة الله» و رجعت گروهی از اموات در دوران حکومت عدالت گستر آن حضرت علیه السلام، چنین آمده است:

آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می دارد و از بتدگان خاص او باشد و نام او «خجسته» و «فرخنده» باشد. خلق را، که در دین ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند، و عالم را نو گرداند، و هر بدی را سزادهد، و یک «کرور» دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند.<sup>۱</sup>

دو کلمه «فرخنده» و «خجسته» در عربی به (محمّد و محمود) ترجمه می شود و این هر دو اسم، نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام می باشد، و شاید هم اشاره به «محمّد» و «احمد» باشد؛ زیرا، در روایات وارد شده که حضرت مهدی علیه السلام دو نام دارد: نامی که مخفی است «احمد»، و ظاهر «م ح م د» می باشد.

### بشارت ظهور حضرت ولی عصر در کتاب دید

در کتاب «دید» که از کتب مقدسه هندیان است، بشارت ظهور مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

پس از خرابی دنیا، «پادشاهی» در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد، و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد، و به دین خود درآورد، و همه کس را از مؤمن و کافر

بشناسد، و هر چه از خدا بخواهد بر آید.<sup>۱</sup>

در برخی از روایات اسلامی، ائمه معصومین علیهم السلام، «منصور» را یکی از اسامی مبارک حضرت مهدی علیه السلام خوانده‌اند.

آیه شریفه ذیل را به حضرت قائم علیه السلام تفسیر نموده‌اند:

«وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا»؛ هر آن که

مظلوم کشته شود ما برای ولی او حق - قصاص - قرار دادیم، پس در کشتن اسراف نمی‌کند، همانا او یاری شده است.

آن یگانه، بازمانده حُجَجِ الهی، ولی خون مظلومان و منصور و مؤید من عند الله است.

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم ما، به وسیله رُعب (در دل دشمنان) یاری می‌شود، و با نصرت الهی تأیید می‌گردد،

زمین زیر پایش پیچیده می‌شود، و گنج‌های زمین برای او ظاهر می‌شود، و دولت او به شرق

و غرب عالم می‌رسد.<sup>۲</sup>

### بشارت ظهور حضرت قائم در کتاب دادتگ

در کتاب «دادتگ» که از کتب مقدسه برهمنیان هند است، بشارت ظهور مبارک حضرت قائم (عج) چنین آمده است:

بعد از آن که مسلمانی به هم رسند، در آخر الزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان

و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی‌دیانتی امینان و حسد حاسدان بر طرف

شود و به جز نام از آن چیزی نماند، و دنیا مملو از ظلم و ستم شود، و پادشاهان، ظالم و

بی‌رحم شوند، و رعیت بی‌انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و عالم را کفر و

ضلالت و فساد بگیرد، دست حق به در آید، و جانشین آخر «ممتا» ظهور کند و مشرق و

مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا (همه جهان را) و بسیار کسان را بکشد، و خلائق را

هدایت کند، و آن در حالتی باشد که ترکان، امیر مسلمانان باشند، و او غیر از حق و راستی

از کسی قبول نکند.<sup>۳</sup>

۱. اسراء: ۳۳

۲. بشارت عهدین، ص ۲۲۵. علامت ظهور کرمانی، ص ۱۸

۳. قائم ممتا منصور بالرحمة، مؤید بالضمیر، تطوی له الأرض، و تطهر له الکتور، ویبلغ سلطانه المشرق و المغرب، بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۹۱، ۲۲۲. مستغیب الانس،

ص ۲۹۲. ۲. علامت ظهور کرمانی ص ۱۸، او خواهد آمد ص ۸۰

آن چه در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام، در این بشارات ها آمده، با روایات اسلامی نیز هم خوانی دارد، اما چه بسا تصور شود که بعضی از این پیشگویی ها، دور از غلو نباشد. اما همان گونه که ذکر شد، تعدادی از علائم ظهور - که در بسیاری از روایات آمده -، در فرازهای این بشارات ها، به چشم می خورد.<sup>۱</sup>

### بشارات ظهور حضرت قائم علیه السلام در کتاب ریگ ودا

در کتاب «ریگ ودا» که یکی دیگر از کتاب های مقدس هند است، بشارات ظهور حضرت قائم علیه السلام چنین آمده:

ویشنو، در میان مردم ظاهر می گردد... او از همه گس قوی تر و نیرومندتر است... در یک دست «ویشنو» (نجات دهنده) شمشیری به مانند ستاره دنباله دار، و دست دیگر انگشتری درخشانده دارد. هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید.<sup>۲</sup>

این بشارات نیز، از ظهور انسانی با عظمت و ممتاز خبر می دهد و برخی از علائم ظهور ذکر شده؛ از آن جمله این که، در وقت ظهور، با شمشیر آتش بار، که همانند ستاره دنباله دار است، قیام صورت می گیرد. این تعبیر (یعنی قیام با شمشیر) تعبیری است که دقیقاً در رابطه با ظهور حضرت قائم علیه السلام در روایات به چشم می خورد.

۱. بخارا انوار، ج ۶ ص ۲۵۴؛ کالمی، ج ۸ ص ۳۶ مهدی موعود، ص ۱۰۳۶.  
۲. او خواهد آمد، ص ۶۵ نقل از کتاب ریگ ودا، ماندلای، ص ۴ و ۱۶ و ۲۴.

## بشارت ظهور حضرت قائم علیه السلام در کتاب شاکمونی

### کتاب مقدسه هندیان

کتاب «شاکمونی»، از کتاب مقدسه هندیان است. به اعتقاد کفره هند، پیغمبر صاحب کتاب است و می‌گویند: وی بر اهل خطا و ختن مبعوث بوده است. درباره بشارت ظهور آخرین حجّت خدا، چنین تعبیری آمده است:

پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان «گشن» بزرگوار تمام شود، و او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود، و فرشتگان کارکنان او باشند، و جنّ و انس در خدمت او شوند، و از «سودان» که زیر خط «استوا» است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است و ماورای بحار و ماورای اقلیم هفتم و گلستان ارم تا باغ شداد را صاحب شود، و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد، و نام او «ایستاده» باشد، و خداشناس باشد.<sup>۱</sup>

«گشن» در لغت هندی نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که در این بشارت فوق، فرزند پرومند وی را به نام «ایستاده» و «خداشناس» نامیده، چنان که شیعیان او را «قائم علیه السلام» و حضرت مهدی علیه السلام می‌خوانند. موضوع سوار شدن آن حضرت بر ابرهای آسمان که در این بشارت آمده است، یکی از بزرگ‌ترین امتیازات آن حضرت است که نه تنها در بشارت فوق، بلکه مکرراً در بشارت‌های انجیل از آن سخن رفته است؛ هم چنین در روایات متواتره اسلامی نیز به صورت یک امر جدی و خارق‌العاده مطرح شده است:

### چند نمونه از احادیث

۱. مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در ضمن حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود:



خداوند در شب معراج فرمود:

... و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می سازم؛ شرق و غرب جهان را به او تملیک می نمایم؛ پادها را به تسخیر او در می آورم؛ ابرهای سخت و نا آرام را برای او رام می گردانم، برترین ابزارها را در اختیار او می گذارم، با سپاه خود او را یاری نموده و با فرشتگانم او را مدد و تقویت می نمایم، تا دعوت مرا آشکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد. آن گاه دولت او را پایدار نموده و دوران حکومتش را تا پایان روزگار بین دوستانم جاودانه می سازم.

۲. در حدیثی از حضرت امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود:

ذوالقرنین میان دو ابر مخیر شد: یکی «ابر رام» و دیگری «ابر نا آرام»، و او «ابر رام» را برای خود برگزید و «ابر نا آرام» را برای صاحب شما نگه داشت.  
گفته شد: «ابر نا آرام» چیست؟

فرمود: ابری که با رعد و برق و غرش باشد، که صاحب شما سوار بر آن خواهد شد. آری! صاحب شما سوار ابر می شود، همه اسبابها و ابزارها را زیر پا می گذارد، اسبابهای هفت آسمان و هفت زمین را.

۱. ... ولأظهرن الأرض بأجرهم من أعدائهم، ولأهلكته مشارق الأرض ومغاربها، ولأصجرن له الرياح، ولأدللن له السحاب المصاب، ولأرفقته في الأسباب، ولأنصرته بجندی، ولأبدته بتلاكيه، حتى يطين دعوتيه، ويجمع الخلق على توحيدى، ثم لأويسن ملكته، ولأدولن الأيام بين أوليائى إلى يوم القيامة. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲.  
۲. أما إن ذا القرنين قد خیر السحابین، فأختار الذلول، وأخیر لصاحبکم الصمب، فقیل له: وما الصمب؟ فقال: ما كان من سحاب فيه رعد وصاعقة ویزق، فصاحبکم یزکبه. أما إنّه سیزکب السحاب، ویزق فی الأسباب، أسباب السحابات السبع والأرضین السبع. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

### بشارت ظهور در کتب هندیان و برهمنائیان

در کتاب «وشن جوک» از کتب هندوها چنین آمده است:

سرانجام دنیا به کسی بر گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد. و نام او «فرخنده و خجسته» باشد!

در کتاب دیگری به نام «دیده» آمده است:

پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر زمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد؛ و نام او «منصور» باشد، و تمام عالم را بگیرد؛ و به آیین خود آورد.

در کتاب «دداتک» از کتب مقدسه برهمنائیان آمده است:

... دست حق در آید و جانشین آخر «ممتا» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد همه جا؛ و خلایق را هدایت کند.

در «پاتیکل» از کتب هندوان آمده است:

چون مدت روز تمام شد، و دنیای کهنه نو شود؛ و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود؛ از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخر زمان و دیگری و حتی بزرگ وی که «پشن» نام دارد و نام صاحب آن ملک تازه «راهنما» باشد؛ بحق پادشاه شود، و خلیفه رام باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد.

در کتاب «باسک» از کتب هندوها آمده است:

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر زمان که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد؛ و راستی حق با او باشد، و آن چه در دریا و زمین ها و کوه ها پنهان باشد، همه را به دست آورد، و از آسمان و زمین آن چه باشد خیر می دهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید!

## بشارات ظهور در کتب عهد قدیم (تورات و ملحقات آن)

### مزامیر داوود

در کتاب «مزامیر داوود» مزمور ۳۷ چنین آمده است:

... زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد،  
هان، بعد از اندک مدتی شریز نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود؛ اما  
حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد!

و نیز در همان مزمور ۳۷ (از مزامیر داوود) جمله ۲۲ می خوانیم:

زیرا «متبرکان خداوند» وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد.

و نیز در جمله ۲۹ در همان مزمور آمده است:

صدیقان وارث زمین شده ابدأ در آن ساکن خواهند شد.

در کتاب «حقوق» نبی، فصل ۷، آمده است:

... و اگرچه تأخیر نماید؛ برایش منتظر باش! زیرا که البته خواهد آمد و درنگ خواهد نمود؛

بلکه جمیع امت‌ها را نزد خویش جمع می‌کند؛ و تمامی را برای خویشتن فراهم می‌کند.

در کتاب «اشعیای نبی»، فصل ۱۱، در بخشی که سراسر تشبیه است آمده است:

و نهالی از تنه یسی بر آمده شاخه‌ای از شاخه هایش قد خواهد کشید...

ذلیلان را به عدالت حکم؛ و برای مسکینان زمین به راستی تشبیه (و مایه بیداری) خواهد

بود... کمربند کمرش عدالت، و وفا نطق میانش خواهد بود؛ و گرگ با بره سکونت داشته...

و طفل کوچک راغی (شبان) ایشان خواهد بود... و در تمامی کوه مقدس من هیچ ضرر و

فساد نخواهند کرد، زیرا که زمین از دانش خداوند، مثل آب‌هایی که دریا را فرو می‌گیرند،

پر خواهد شد.

### بشارت ظهور در کتب عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)

در انجیل «متی»، فصل ۲۴، آمده است:

چون که برق از مشرق بیرون می آید و تا به مغرب ظاهر می گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم!

و فرشته های خود را (یاران خود را) خواهد فرستاد با صور بلند آواز،  
و آنان برگزیدگان شان را جمع خواهند نمود.

در انجیل «لوقا»، فصل دوازدهم، آمده است:

کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را افروخته دارید، و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می کشند، تا هر وقت بیاید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنید!

### بشارت ظهور در میان قبایل مختلف در کشورهای گوناگون

بشارت ظهور در میان چینیان و مصریان و مانند آن ها

قسمت اعظم ترجمه متن های پهلوی «صادق» درباره ظهور و علائم ظهور است و اگر روی هم رفته نیز به همه متون پهلوی صادق توجه کنیم باید بگوییم تماماً جنبه مذهبی دارد... موضوع ظهور و علائم ظهور موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت

خاصی است...<sup>۱</sup>

### قبائل سرخ پوست آمریکائی

در میان قبائل سرخ پوست آمریکائی، این عقیده شایع است که روزی گرد سرخ بومستان ظهور خواهد کرد، و آن‌ها را به بهشت زمین رهنمون خواهد شد...

کتابها تا پیش از سال ۱۸۹۰، بالغ بر بیست نوع از این نهضت‌ها در تاریخ آمریکا ضبط شده است.

### اهالی اسکاندیناوی و بومیان مکزیک

آثار عقیده به منجی بزرگ و نظایر این تعابیر را، در میان اهالی اسکاندیناوی و بومیان مکزیک و...

نیز می‌توان یافت.

### در اندیشه یک مصلح جهانی

در همه زمان‌ها، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی، در اندیشه و دل‌های خداپرستان وجود داشته است.

این آرزو، نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ مانند زردشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان سابقه دارد، بلکه آثار آن را، در کتاب‌های قدیم چینیان، و در عقاید هندیان؛ و در بین اهالی اسکانندیناوی، و حتی در میان مصریان قدیم؛ و بومیان و حتی مکزیک؛ و نظایر آن‌ها نیز می‌توان یافت.

عقیده به ظهور یک رهایی بخش بزرگ، و برچیده شدن بساط ظلم و ستم از میان انسان‌ها، و حکومت حق و عدالت منحصر به شرقی‌ها و مذاهب شرقی نیست؛ بلکه یک اعتقاد عمومی و جهانی است، که چهره‌های مختلف آن در عقاید اقوام گوناگون دیده می‌شود، و همه روشن‌گرایان حقیقت است که این اعتقاد کهن، ریشه‌ای در فطرت و نهاد انسانی؛ و در دعوت همه پیامبران داشته است.

بدیهی است که هر فرد علاقه‌مند به سرنوشت بشریت و طالب تکامل معنوی، آن‌گاه که از همه ناامید می‌شود و با وجود پیشرفت‌های علمی شگفت‌انگیز، شاهد بی‌خبری و غفلت بشریت است، و روز به روز فساد و تباهی را، بیش از پیش تجربه می‌کند، دوری از خداوند بزرگ و سرپیچی از فرامین دین را به چشم می‌بیند، بنا به فطرت ذاتی خود، متوجه خداوند شده، تا آن جا که منتظر یک مصلح جهانی می‌شود.

بر این اساس می‌توان گفت: انتظار جنبه منطقه‌ای ندارد؛ انتظاری است گسترده و در سطح جهانی، و سرانجام شاهدهی بر فطری بودن این اعتقاد است.

## اسامي مقدس حضرت مهدي در کتب مذهبي اهل اديان

اينک قسمتي از اسامي مبارک آن حضرت را که با الفاظ مختلفي در بسياري از کتب مذهبي اهل اديان و ملل مختلف جهان آمده است، از نظر مي گذرانيم.

۱. «صاحب» در صحف ابراهيم عليه السلام؛
۲. «قائم» در زبور سيزدهم؛
۳. «قيدمو» در تورات به لغت ترکوم؛
۴. «ماشيع» (مهدي بزرگ) در تورات عبراني؛
۵. «مهيد آخر» در انجيل؛
۶. «سروش ايزد» در زمزم زرتشت؛
۷. «بهرام» در ابستاق زند و پازند؛
۸. «بنده يزدان» هم در زند و پازند؛
۹. «لند بطاوا» در هزار نامه هندیان؛
۱۰. «شماخيل» در ارماتس؛
۱۱. «خوراند» در جاويدان؛
۱۲. «خجسته» (احمد) در کندران فرنگيان؛
۱۳. «خسرو» در کتاب مجوس؛
۱۴. «ميزان الحق» در کتاب اثری پيغمبر؛
۱۵. «پرويز» در کتاب برزين آذر فاريان؛
۱۶. «فردوس اکبر» در کتاب قبروس روميان؛
۱۷. «کلمة الحق» در صحيفه آسماني؛
۱۸. «لسان صدق» هم در صحيفه آسماني؛

۱۹. «صمصام الاکبر» در کتاب کندرال؛

۲۰. «بقیة الله» در کتاب دوهر؛

۲۱. «قاطع» در کتاب قنطره؛

۲۲. «منصور» در کتاب دید براهمه؛

۲۳. «ایستاده» (قائم) در کتاب شاکموتی؛

۲۴. «ویشنو» در کتاب ریگ ودا؛

۲۵. «فرخنده» (مجمد) در کتاب وشن چوک؛

۲۶. «راهنما» (هادی و مهدی) در کتاب پاتیکل؛

۲۷. «پسر انسان» در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)

۲۸. «سوشیانس» در کتاب زند و هومو من یسن، از کتب زردتشیان؛

۲۹. در کتاب «شاهوهرگان» کتاب مقدس «مانویه» ترجمه «مولر» نام «خود شهر ایزد» آمده که باید

در آخر الزمان ظهور کند، و عدالت را در جهان آشکار سازد؛

۳۰. «فیروز» (منصور) در کتاب شعیای پیامبر.

علاوه بر این ها اسامی دیگری نیز برای حضرت مهدی علیه السلام در کتب مقدسه اهل ادیان ذکر شده

است که به جهت اختصار از نقل آن ها خودداری گردید.

اسامی مقدسی چون: «صاحب، قائم، قاطع، منصور و بقیة الله» که در کتب مذهبی ملل مختلف

آمده است، از القاب خاص وجود مقدس حضرت حجّت بن الحسن العسکری، عجل الله تعالی

فرجه الشریف است که در بیش تر روایات اسلامی، به آن ها تصریح شده و ائمه معصومین علیهم السلام در

اکثر روایات، از آن حضرت به عنوان «صاحب»، «قائم» و «بقیة الله» یاد کرده اند.<sup>۱</sup>



## فصل پنجم

عصر غیبت

## امام زمان (عج)

ادریس عشق، آینه دار جلال تو  
از جذبه ی کلام تو مسحور، هند کلیه علیه السلام  
شرمنده شد مسیح نجابت در آسمان  
داود علیه السلام پردهای ز مقام تو را نواخت  
خضر علیه السلام است جرعه نوش میستان آن دو چشم  
ایوب علیه السلام هم شکیب تو را آه می کشد!  
کار هزار یسوسف صادق کند عزیز!  
اشکی فرو چکید ز چشمت، بهار شد  
چشمان تو دو نقطه ی هستی ست، نازنین!  
تبعی زمان به حرمت نام تو می طید  
پر می کشد به غمزه ی چشم تو کهکشان  
دشت غزل بهارترین می شود اگر

لقمان عقل کیست به پیش کمال تو؟  
اعجاز می کند سخن بی مثال تو!  
از ارتفاع منزلت بی زوال تو  
آتش گرفت زخمه اش از شور و حال تو  
تسلیتیم دیگری ست در اشک زلال تو  
یسعوب اشک، شعله ور از ابتهال تو  
یک چشمه از تجلی صبح جمال تو  
باغ بهشت، سبز شد از بوی شال تو  
خورشید چیست؟ عکس ظریفی ز خال تو!  
هر روز، روزگار تو هر سال، سال تو  
هفت آسمان گره زده خود را به بال تو  
از آن کنند عبور غزال خیال تو

## غیبت

### پیشینه غیبت

پیشینه چرایی غیبت به قبل از تولد حضرت حجت باز می‌گردد؛ زمانی که فلسفه غیبت در میان مردم مطرح و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در مقام پاسخگویی به آن برآمده‌اند. غیبت ولی عصر علیه السلام از رازهای بسیار پیچیده‌ای است که با ظهور او همه حقیقت روشن می‌گردد.

### سرّ غیبت

مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، دامت برکاته، در زمینه سرّ غیبت مطالبی ارزنده بیان فرموده‌اند که توجه خوانندگان گرامی را به آن جلب می‌نمایم:

... حضرت مولی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گوید: «سبحانک ما أعظم ما نرى من خلقک و ما أصغر عظیمها فی جنب ما غاب عنا من قدرتك» منزهی تو، بزرگ است آنچه را ما از آفرینش تو می‌بینیم و چه کوچک است آن در جنب آنچه از قدرت تو از ما پنهان است. حال دیگران معلوم است.

... کسی نمی‌تواند نسبت به وجود یکی از پدیده‌های این جهان بزرگ به علت عدم کشف سر پیدایش و آفرینش آن اعتراض کند و یا پاره‌ای از نظامات و قوانین عالم تکوین را بی فایده و بی مصلحت بداند...

غیبت آن حضرت، امری است واقع شده، و معتبرترین احادیث از آن خبر داده، و جمع بسیاری از بزرگان در این مدت، به درک حضور مقدس آن حضرت نایل شده‌اند.

پس میان این مطلب، یعنی ندانستن سرّ غیبت و صحت امکان وقوع آن، هیچ ارتباطی اصلاً و قطعاً وجود ندارد.

می‌توانیم بگوییم ما سرّ غیبت آن حضرت را نمی‌دانیم، اما به غیبت آن بزرگوار ایمان داریم.

مثل این که فایده بسیاری از چیزها را نمی‌دانیم، ولی به وجود و هستی آن‌ها آگاه هستیم.

### اول: فلسفه غیبت

پناب آن چه در برخی روایات آمده، علت واقعی غیبت امام زمان علیه السلام بر ما پوشیده است. با بررسی و پژوهش در دلایل نقلی و عقلی، درمی‌یابیم که علت غیبت حضرت قائم علیه السلام، ترس از حاکمان ستم‌گر بوده است، همان گونه که پدران بزرگوار ایشان، نیز به صورت شدیدی زیر نظر بودند، و حاکمان جور، از هیچ مسمی دریغ نکردند.

شهادت مظلومانه آن بزرگواران، و اذیت یاران باوقای آن معصومین علیهم السلام گواه بر این مدعا است. بر این اساس، اگر غایب نمی‌شدند، عاقبت کارشان، همان عاقبت کار پدران بزرگوارش بود. شهادت به وسیله شمشیر، مسمومیت با زهر، و... از آن موارد ظلم و جفا در حق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر از عمر دنیا جز یک روز هم باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد ساخت، تا این که مردی از خاندانم را برانگیزد. و این امر، با وجود «غیبت» آن حضرت، ممکن گردید. عوامل دیگری که به آن‌ها باید اشاره نمود، مطالبی است که از روایات استفاده می‌گردد که در این مقام به آن‌ها اشاره می‌گردد:

### ۱. حفظ جان حضرت

حضرت امام صادق علیه السلام خطاب به زراره فرمود:

ای زراره! قائم ما ناچار است که غیبت کند.

عرض کردم: برای چه؟

فرمود: از جان خود بیم و ترس دارد.

### ۲. امتحان و آزمایش

غیبت آن حضرت سبب می‌شود تا نفاق پنهان‌عده‌ای، آشکار شود، و ایمان حقیقی شیعیان واقعی و محبان امام مهدی علیه السلام هویدا شود و دورویی‌ها از نفاق تمیز داده شود.

۱. مکالمات المنکرم، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. اثبات الهداة، ج ۴، ص ۲۳۷. البته روشن است که امام زمان علیه السلام از کشته شدن و مرگ بیم و هراس ندارند، بلکه حفظ جان ایشان به خاطر این است که مبادا بر چرخ هدایت زمین بماند، و رشته ی هدایتی که به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله متصل است، قطع گردد.

حضرت امام کاظم علیه السلام در این زمینه فرمود:

هنگامی که پنجمین فرزند امام هفتم علیه السلام غایب شد، مواظب دین خویش باشید، تا مبادا کسی شما را از دین خارج کند! ای پسرک من! برای صاحب الامر بناچار غیبتی خواهد بود، به طوری که عده‌ای از مؤمنان از عقیده خود برمی‌گردند، همانا خدا به وسیله غیبت، بندگانش را امتحان می‌نماید.<sup>۱</sup>

### ۳. بیعت نکردن با ستم‌کاران

امام رضا علیه السلام فرمود:

گویا شیعیان را می‌بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام حسن عسکری علیه السلام) در جست و جوی امام خود همه جا را می‌گردند، اما او را نمی‌یابند.

عرض کردم: به چه دلیل؟

فرمود: زیرا امامشان غایب می‌شود.

عرض کردم: چرا غایب می‌شود؟

فرمود: برای این که وقتی با شمشیر قیام نمود بیعت کسی در گردنش نباشد.<sup>۲</sup>

### دوم: برکات امام مهدی علیه السلام در زمان غیبت

در روایات، فواید گوناگونی برای غیبت حضرت مهدی علیه السلام ذکر گردیده است.

بهره‌مندی مسلمانان از برکات غیبت امام زمان علیه السلام، کمتر از حضور آن حضرت نیست. در این جا

به برخی از آن فواید و الطاف اشاره می‌شود:

#### ۱. واسطه فیض و امان اهل زمین

آن حضرت، برای اهل زمین، واسطه فیض و باعث امنیت هستند، و این در حالی است که اگر

زمین، از حجت خداوند خالی باشد، نابود خواهد شد.

مثالی که در روایات آمده، بسیار ظریف است؛ همان گونه که خورشید پشت ابر، باعث خیر و

برکت است، امام غائب را هم می‌توانیم این گونه تشبیه کنیم.

به یک نمونه از آن روایت‌ها توجه نمایید:

حضرت امام سجاد علیه السلام فرمود:

ما پیشوای مسلمانان و حجت بر اهل عالم و سادات مؤمنان و رهبر نیکان و صاحب اختیار

مسلمانان هستیم؛ ما امانِ اهل زمین هستیم چنان که ستارگان امانِ اهل آسمانند. به واسطه ی ماست که آسمان بر زمین فرود نمی آید، مگر وقتی که خدا بخواهد؛ به واسطه ما باران رحمت حق نازل و برکات زمین خارج می شود. اگر ما روی زمین نبودیم اهلش را فرو می برد. و آن گاه فرمود: از روزی که خدا آدم را آفریده تا حال هیچ گاه زمین از حجتی خالی نبوده است، ولی آن حجت گاهی ظاهر و مشهور، و گاهی غایب و مستور بوده است، تا قیامت نیز از حجت خالی نخواهد شد، و اگر امام نباشد خدا پرستش نمی شود. سلیمان می گوید عرض کردم: مردم چگونه از وجود امام غایب، منتفع می شوند؟ فرمود: همان طور که از خورشید پشت ابر بهره برند.<sup>۱</sup>

### ۲. امید بخشی به مسلمانان

جامعه شیعی، طبق اعتقاد خویش به وجود امام شاهد و زنده، همواره انتظار بازگشت ایشان را دارد.

ایمان و اعتقاد به امام غایب علیه السلام، سبب امیدواری مسلمانان نسبت به آینده پر مهر و صفای خویش در عصر ظهور امامشان می گردد.

هر چند امام علیه السلام در میان مردم دیده نمی شود، اما این به آن معنا نیست که امام خود را جدای از مردم بدانند.

آن حضرت، همواره مراقب احوال شیعیانش می باشد، و نقطه آغازی است برای تلاش شیعیان در رسیدن به وضعیت مطلوب در جهان، و به همین خاطر در آن انتظار، به بالندگی و رشد می رسند.

### ۳. پاسداری از دین

از دیگر فواید امام غایب، این است که عاشقان و سرایان آن حضرت، به امید عصر ظهور، خود را برای دفاع از دین آماده می کنند.

امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

به برکت آن امام، گروهی از مردم برای دفاع از دین و درهم کوبیدن فتنه ها آماده می شوند، چنان که شمشیر و تیر به دست آهنگر تیز می گردد؛ چشم آن ها به واسطه ی قرآن روشن است. تفسیر و معانی قرآن در گوششان گفته می شود و شب و روز از جام حکمت و علوم الهی سیراب می شوند.<sup>۲</sup>

### سوم: انکار حضرت مهدی (عج) در ایام غیبت

زندگی همراه با انتظار، و امید به آینده، و پرورش نسل‌های شیعی و مسلمان با اندیشه‌ها و آرمان‌های اسلامی، نکته مهمی است که باید مورد توجه مسلمانان باشد. نقطه مقابل، مسأله بیهوده انکار است!

باید دقت کنیم، تا در انتخاب مسیر و روشن کردن راه، دچار خطا و اشتباه نشویم.

مورد نظر دشمنان اسلام، رواج اندیشه‌های باطل در میان جوانان است، تا «انتظار» را به «انکار» تبدیل کنند. حضرت رسول اکرم ﷺ فرمود:

کسی که قائم علیه السلام از فرزندان مرا در ایام غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلیت خواهد مرد!

حضرت امام حسین علیه السلام فرمود:

(برای مهدی علیه السلام) غیبتی است که گروهائی در آن مرتد شوند و گروه‌های دیگر در دین ثابت می‌مانند و دوستدار باشند، و به آنان گفته شود (در چه وقتی این وعده تحقق یابد اگر راستگو هستید) هان کسی که در غیبت مهدی علیه السلام بر اذیت و تکذیب صبر کند، به منزله کسی است که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله، جهاد کرده باشد!

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

به خدا قسم، تمیز کرده می‌شوید. به خدا قسم خالص و پاک می‌شوید. به خدا قسم غربال می‌شوید، هم چنان که دانه‌های غیر گندم از گندم در موقع غربال کردن جدا می‌گردد!

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر قائم علیه السلام خروج کند بسیاری از مردم منکرش شوند. چون در قیافه جوان موفق مسدد محکم برمی‌گردد و در عقیده به او فقط مؤمنی که خدا در عالم ذر از او پیمان گرفته باقی می‌ماند!

حضرت امام کاظم علیه السلام فرمود:

تاگزیر صاحب الامر علیه السلام غیبتی دارد که حتی معتقدان به امر ولایت از آن برمی‌گردند. همانا این امر محنتی از خدای عزوجل است که خلق خود را می‌آزماید و اگر پدران و نیاکان شما

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله من انکر القائم من ولدی اثناء غیبتہ مات میتة جاهلیة. يوم الغلاص من ۲۹.  
۲. قال الحسين علیه السلام انه غیبة یزید فیها اقوام و یثبت علی الدین فیها اخرون فیردون [فیؤذون] و یقال لهم متى هذا الوعد ان کنتم صادقین انان العاشر فی قیبتہ علی الاذی و التکذیب بمنزلة المجاهد بالشیخ بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله منتخب الاثر، من ۱۲۰۵ بحار، ج ۵۱، من ۱۲۳، يوم الغلاص، من ۱۷۰.  
۳. عن الباقر علیه السلام والله لیسیرن، والله لیسخسن، والله لیمزینن کما یفریل الزوان من القمح (و فی روایة عن الصادق علیه السلام یزیدة حتی لا یبقی منکم الا الاقل ثم کفه بتقلیلة).  
يوم الغلاص، من ۲۲۹ بحار ج ۵۲ من ۱۱۴.  
۴. قال الصادق علیه السلام قال لو خرج القائم علیه السلام یفد ان اکثره کثیر من الناس یزجج الیهن شابا فلا یثبت علیه الا کل مؤمن أخذ الله بیثاقه فی الذر الاول.  
يوم الغلاص من ۱۲۷ بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، سیره و اخلاقه و جرد اصحابه، من ۳۸۵.

صحیح تر از این می دانستند متابعتش می کردند<sup>۱</sup>.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

همانا پسرم همان قائم علیه السلام پس از من است و او است که سنت های پیغمبران علیهم السلام را آباد می سازد و عمر طولانی و غیبت در او جاری می شود تا حدی که به سبب طول زمان غیبت سنگدلی مردم فراهم می گردد.

چهارم: زمین از حجت خدا خالی نمی ماند

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مهدی (عج) خروج می کند و بر بالای سرش ابری باشد و در آن است که فریاد کند این مهدی خلیفه خدا است پس متابعتش کنید<sup>۲</sup>.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

بارالها! ناگزیر است که زمین تو از حجت پر مخلوقات خالی نباشد که آنان را به دینت هدایت کند و علم تو را به آن ها آموزش دهد و اولیای تو پس از آن که هدایتشان فرمودی ضایع نمانند. حجت آشکار که اطاعتش نکنند یا حجت پنهان که اگر شخص او از مردم غائب باشد خلق چشم برایش باشند در روزگار صلح و ثبوت علمش از مردم غائب نباشد در این هنگام قلب های مؤمنین ثابت و عامل به علمش گردند<sup>۳</sup>.

حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

زمین تا قیام قیامت خالی از حجت نمی ماند و اگر چنین نباشد خدا پرستش نشود<sup>۴</sup>.

حضرت امام هادی علیه السلام فرمود:

جانشین پس از من امام حسن علیه السلام است پس چگونه خواهید بود از جانشین او پس از جانشین من؟ راوی گوید: عرض کردم: فدایت شوم چرا؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و بر شما حلال نیست که نام او را ببرید! عرض کردم: پس چگونه یادش کنیم؟ فرمود: بگویید: حجت از آل محمد صلی الله علیه و آله است<sup>۵</sup>.

۱. قال الکاتب علیه السلام : لا ید ایجاب هذا الأمر من غیبة حتى یزجج من هذا الأمر من کان یقول یؤمننا من الله عز وجل المتخین بها خلقه لو علم آباءکم وأجدادکم وینا أضح من هذا لا یتفوه. منتخب الأثر، ص ۱۲۱۸؛ يوم الخلاص، ص ۱۷۸؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله : یدخرج المهدي، و علی رأسه عمامة، فیها مناد ینادی هذا المهدي خلیفة الله فاتبعوه. کشف الغممة، ج ۲، ص ۲۸۶.

۳. قال امیرالمؤمنین علیه السلام : اللهم لا بد لأرضک من حجة علی خلقک یدبهم الی دینک و یعلمهم علمک و لا یضیع اولیایک بعد اذ هدیتهم؛ ظاهر و لیس بالمطاع، او شکتم؛ شرف ان غاب شخصه عن الناس فی حال هدنة، لم یغیب عنهم ثبوت علمه فاذا قلوب المؤمنین متبته بهم بها عاملون. منتخب الأثر، ص ۱۲۷۲؛ يوم الخلاص، ص ۱۶۹.

۴. قال زین العابدین علیه السلام : لا تغلب الأرض الی ان تقوم الساعة من حجة، و لو لا ذلك لم یبدل الله. بحار ج ۵۲، ص ۹۲؛ يوم الخلاص، ص ۵۳.

۵. قال الامام الهادی علیه السلام : الخلف من بعدی الحسن علیه السلام، فكيف من بعد الخلف؟ قلت: و لم یعمی الله فدایک؟ قال: انکم لا ترون شخصه و لا یعل لکم ذکره باسمه، قلت: فكيف تذاکره؟ قال: قولوا: الحجة من آل محمد صلی الله علیه و آله. کافی، ج ۱، ص ۷۱۳؛ کشف الغممة، ج ۲، ص ۲۲۹؛ بحار ج ۵۱، ص ۱۵۸؛ مستدرک سفینه، ج ۱۰، ص ۴۹۵.



## فصل ششم

شبهات مهدی علیه السلام به انبیاء عظام

### تمنای خورشید تباران

تمام پیامبران و امامان علیهم السلام، آرزومند ظهور فرخنده مهدی موعود (عج) و استقرار دولت کریمه مهدوی در جهان بوده‌اند و همواره از خداوند توفیق دیدار و خدمتگزاری به ساحت آن حضرت را می‌طلبیده‌اند؛ تا جایی که زبان حال و قال تمام پیامبران و امامان چنین بوده است:

«اگر او را درک نمایم، تمام روزهای زندگی‌ام را وقف خدمت‌گزاری به او خواهم کرد.»

### شباهت مهدی علیه السلام به انبیاء عظام

(گلچینی از روایات مندرج در کتاب شریف مکیال المکارم)

#### آشنایی مختصر با مؤلف کتاب:

سید مؤلف بزرگوار، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، در خاندانی پاک سرشت پرورش یافت. پدرش سید میرزا عبد الرزاق فرزند میرزا عبد الجواد بن حاج سید محمد مهدی موسوی نائب الصدر اصفهانی خراسانی، ملقب به افتخار الدین، یکی از علمای معروف به اجتهاد و درستی بوده و در بین الطلوعین روز جمعه ۲۸ محرم ۱۳۱۹ وفات یافته است.

فرزند برومندش در یکی از تألیفاتش درباره او چنین گفته:

«عالم ربّانی و حبر صمدانی، آن‌که هر دو مرتبه علم و عمل را حائز گردیده و از

هر نقص و زشتی اجتناب ورزیده است.»

### شباهت به حضرت آدم

خداوند، آدم علیه السلام را خلیفه خود در زمین قرار داد و او را وارث آن ساخت و فرمود:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ هَٰذَا مِن دَرَجَاتِنَا ۚ إِنَّكَ لَا تَرَئِينَ دَرَجَاتِنَا إِلَّا مِن قَدَرٍ مَّا نَشَاءُ ۚ وَنُفِثْنَا بِكَ فِي الْأَرْضِ ۖ فَخَرْنَا عَلَيْهَا ۚ إِنَّكَ لَنظِيرُ الْعَادَمِ ۗ﴾

خداوند حضرت قائم علیه السلام را نیز وارث زمین، و خلیفه خود در زمین قرار خواهد داد، چنان که از

حضرت امام صادق علیه السلام مروی است که در تفسیر آیه ذیل فرمود:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسَّخِرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِمَّا شَاءَ اللَّهُ﴾ خداوند به کسانی از شما

که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده که آنان را در زمین خلافت

بخشد.

او قائم و اصحابش می‌باشند و هنگام ظهورش در مکه، در حالی که دست بر صورت می‌کشد،

می‌گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْزَنَّا الْأَرْضَ...»<sup>۱</sup> سپاس خداوندی که وعده‌اش را درباره ما

راست گردانید و زمین را به میراث ما درآورد.

و در حدیث مفضل آمده که:

خروج می‌کند در حالی که ابری بالای سرش سایه افکنده و در آن منادی ندا می‌کند: این

مهدی خلیفه خدا است، از او پیروی کنید.

### گریه آدم علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

آدم علیه السلام آن قدر بر فراق بهشت گریست، تا این که اشک از دو گونه‌اش مانند آبراه جاری شد.

حضرت قائم علیه السلام نیز - مانند آدم - گریه بسیار دارد، چنان که در زیارت ناحیه از آن حضرت است

۱. از امام صادق علیه السلام نیز همین معنی روایت شده است. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۰.

۲. تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۱۲۶.

که - خطاب به جدش حسین علیه السلام - عرضه می دارد:

شب و روز برایت ندبه می کنم و به جای اشک بر تو خون می گیرم.

### تعلیم اسماء و سمات الهی

خداوند تمام اسم ها را به آدم علیه السلام تعلیم فرمود و در این باره آیه نازل شد.

بر این اساس، آن چه به آدم آموخت به حضرت قائم علیه السلام نیز آموخته، و اضافه بر آن هم مطالب

دیگری آموخته است. حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

آن علمی که بر آدم علیه السلام نازل شد دیگر برداشته نشد، و هیچ عالمی نمرده مگر این که علمش را

به ارث گذاشته است، زمین بدون عالم باقی نمی ماند.

### زنده کردن زمین، با برداشتن کفر

حضرت آدم علیه السلام با عبادت خدا، زمین را زنده کرد، پس از آن که جتیان با کفر و طغیانشان آن را

میرانده بودند.

حضرت قائم علیه السلام نیز، با دین خدا و عبادت و عدالت و برپایی حدودش، زمین را زنده خواهد کرد،

بعد از مردن آن به کفر و معصیت اهل زمین.

حضرت امام باقر علیه السلام درباره آیه «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛ زمین را پس از مرگ آن زنده می سازد؛

فرمود:

خداوند - عزوجل - به وسیله قائم علیه السلام زمین را بعد از مرگش زنده گرداند و منظور از مرگ آن،

کفر اهل آن می باشد، که کافر در حقیقت مرده است.<sup>۱</sup>

حضرت امام کاظم علیه السلام فرمود:

به وسیله باران احیا نمی کند، بلکه خداوند مردانی برمی انگیزد که عدالت را زنده می کنند، و

زمین به خاطر احیای عدالت، زنده می شود، و به درستی که اگر یک حد در زمین برپا شود،

سودمندتر از چهل روز باران است.<sup>۲</sup>

إِنَّ الَّذِي خَلَقَ الْمَكَارِمَ حَازَهَا      فِي صَلْبِ آدَمَ لِإِمَامِ الْقَائِمِ

آن که مکارم اخلاق را آفرید، همه را در صلب آدم قرار داد، برای امام قائم، عجل الله فرجه

الشریف.

### شبهات به هابیل

نزدیک‌ترین و خویشاوندترین افراد، هابیل را کشت، یعنی برادرش قابیل.  
خداوند متعال می‌فرماید:

«وَإِثْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» و بر آنان، داستان دو پسر آدم را به حق تلاوت کن، که چون قربانی‌ای تقدیم داشتند، از یکی از آنان پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد، (قابیل به هابیل) گفت: تو را خواهم کشت. گفت: خداوند تنها از تقوی‌پیشگان می‌پذیرد.

### سوء قصد نسبت به امام قائم علیه السلام

نزدیک‌ترین و خویشاوندترین افراد، قصد کشتن امام قائم علیه السلام را نمود، و او عموی آن حضرت، جعفر کذاب بود.

از امام زین العابدین علیه السلام آمده است که فرمود:

گویا جعفر کذاب را می‌بینم که سرکش زمانش را، بر تفتیش امر ولی خدا و آن که در غیب الهی محفوظ و بر حرم پدرش موکل است و ادا کند، به خاطر جهل او به ولادتش و حرص بر کشتنش - اگر بر او دست یابد - از روی طمع در میراث پدرش، تا آن را به ناحق بگیرد.

### شبهات به شیث

هبة الله شیث، اجازه نیافت که علم خودش را آشکار کند.

حضرت امام باقر علیه السلام در خبری طولانی چنین فرمود:

وقتی هبة الله، پدرش آدم را دفن کرد، قابیل به نزدش آمد و گفت:

ای هبة الله! من دیدم که پدرم آدم تو را از علم آن قدر عطا کرد که به من عطا نکرد، و آن همان علمی است که برادرت هابیل به آن دعا کرد و قربانی اش قبول شد، و بدین جهت او را کشتم که فرزندان نداشته باشد تا بر فرزندان من افتخار کنند و بگویند ما فرزندان کسی هستیم که قربانی اش قبول شد، و شما فرزندان کسی هستید که قربانی او قبول نشد. و تو اگر علمی را که پدرم به تو اختصاص داده آشکار کنی، تو را هم می کشم همان طور که برادرم هابیل را کشتم!

پس هبة الله و فرزندان او مخفی می کردند آن چه از علم و ایمان نزد آن ها بود...

#### مخفی نگاه داشتن علم

حضرت قائم علیه السلام نیز اجازه نیافته که علم خود را آشکار کند، تا روز وقت معین.

درباره حضرت علیه السلام روایت شده:

هنگام ولادت بر زانو قرار گرفت و دو انگشت سبابه اش را به سوی آسمان بلند کرد، و عطسه

نمود و عرض کرد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»، ستم گران بنداشته اند که حجّت الهی

باطل و نایب است، و حال آن که اگر در سخن گفتن به ما اجازه داده شود شک از بین

می رود.

## شباهت به نوح

### طول عمر حضرت علیه السلام

از امام صادق و امام هادی علیه السلام روایت است که حضرت نوح علیه السلام ۲۵۰۰ سال عمر کرده است. بر این اساس آن حضرت، شیخ الانبیاء است. حضرت قائم علیه السلام نیز شیخ الاوصیاء است؛ (بنابره روایت کافی)، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری متولد شدند.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

در قائم، روشی از آدم و نوح است و آن طول عمر می باشد.<sup>۱</sup>

### پاک کردن زمین از لوث وجود کافران

حضرت نوح علیه السلام زمین را با سخن خود از کافرین پاک کرد و عرضه داشت:

پروردگارا! بر روی زمین دیوار بشری از کافران برجای مگذار.

حضرت قائم علیه السلام زمین را با شمشیر، از لوث وجود کافرین پاک می گرداند تا جایی که هیچ اثری از آن ها باقی نماند.

### صبر حضرت

حضرت نوح علیه السلام، ۹۵۰ سال صبر کرد. خداوند می فرماید:

« قَلْبَتْ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ »؛ پس در میان آنان

هزار سال، منهای پنجاه سال به سر برد، آن گاه طوفان آنان را فرو گرفت، در حالی که ایشان ستم کار بودند.

حضرت قائم علیه السلام نیز از اول امامتش تا کنون صبر کرده است.

۱. مؤلف محترم کتاب ارزشمند مکالم المکارم می نویسد: پس عمر آن حضرت تا کنون -روز یکشنبه دهم ذی القعدة الحرام سال هزار و سیصد و شصت و یک هجری - هزار و هشتاد و پنج سال می شود.  
۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۲.

### هلاکت مخالفین

آنان که از دستورات حضرت نوح علیه السلام تخلف کردند، هلاک شدند، هر آن کس که از حضرت قائم علیه السلام تخلف جوید نیز، هلاک می شود.<sup>۱</sup>

### تأخیر فرج

خداوند آن قدر فرج حضرت نوح علیه السلام و اصحابش را به تأخیر انداخت، تا این که بیش تر معتقدین به آن حضرت از او برگشتند. فرج قائم علیه السلام را نیز خداوند آن قدر به تأخیر می اندازد، که بیش تر معتقدین به آن حضرت از او برمی گردند.<sup>۲</sup>

### بشارت ظهور

حضرت ادریس علیه السلام، به ظهور حضرت نوح علیه السلام بشارت داد. خداوند تعالی نیز فرشتگان را، به ظهور حضرت قائم (عج) بشارت داد. و پیغمبر و امامان علیهم السلام، بلکه پیغمبران گذشته ظهورش را بشارت دادند.

### رسیدن ندا به شرق و غرب عالم

یکی از معجزات حضرت نوح علیه السلام این بود که نداهايش به شرق و غرب عالم می رسید. حضرت قائم علیه السلام نیز هنگام ظهورشان، بین رکن و مقام می ایستند و می فرماید: ای نقبا و سرداران من! و ای خواص من! و ای کسانی که خداوند پیش از ظهور، آنان را بر روی زمین برای یاری من ذخیره کرده؛ با خواست و رغبت به سوی من آید. در حالی که در محرابها و فرشها و رختخوابهایشان هستند، صدای آن حضرت علیه السلام، با یک فریاد، به آن ها می رسد. همه صدایش را می شنوند، و به سوی آن صدا اجابت می کنند، و یک چشم برهم زدن نمی گذرد که همگی آن ها بین رکن و مقام قرار می گیرند.<sup>۳</sup>



## شباهت به ادریس

### پرواز به سوی آسمان

حضرت ادریس علیه السلام، جد پدری نوح علیه السلام است. او نامش اخنوخ بوده است. خداوند او را به جایگاه بلندی بالا برد. و گفته شده به آسمان چهارم و یا آسمان ششم برده شده است.

در کتاب شریف مجمع البیان، از مجاهد نقل کرده که گفت:

ادریس به آسمان بالا برده شد، همان گونه که عیسی به آسمان برده شد، و او زنده است.

و دیگران گفته اند: بین آسمان چهارم و پنجم قبض روح شده است.

این معنی از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است.

حضرت قائم علیه السلام را نیز خداوند به جایگاه والایی به آسمان برد.

### همراه با روح القدس

ادریس علیه السلام را خداوند بر بال فرشته ای نشاند که در فضای آسمان او را به پرواز درآورد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند تبارک و تعالی بر فرشته ای از فرشتگان غضب کرد و بال هایش را بُرید، و او را در

یکی از جزیره های دریا افکند. زمانی طولانی - که خدا می داند - در آن دریا ماند.

وقتی خداوند ادریس را به رسالت برانگیخت، آن فرشته نزد وی آمد و گفت: ای پیغمبر

خدا! دعا کن خداوند از من راضی شود و بال هایم را برگرداند.

ادریس فرمود: آری، [چنین خواهم کرد].

آن گاه از پروردگار درخواست نمود، و خداوند بال های آن فرشته را بازگرداند و از او راضی

شده.

سپس آن فرشته به ادریس گفت:

آیا حاجتی داری؟

فرمود: آری! دوست دارم مرا به آسمان بالا ببری تا به ملک الموت نگاه کنم، چون با یاد او زندگی ندارم.

پس فرشته او را برگرفت و بر بال‌های خود به آسمان‌ها برد تا به آسمان چهارم رسید که ناگهان دید ملک الموت سر خود را از روی تعجب حرکت می‌دهد.

ادریس بر ملک الموت سلام کرد و به او گفت:

چرا سرت را تکان می‌دهی؟

گفت: چون خداوند به من امر فرمود که تو را بین آسمان چهارم و پنجم قبض روح کنم. گفتم: پروردگارا! چگونه این کار را انجام دهم و حال آن‌که غلظت آسمان چهارم به مقدار پانصد سال راه است و از آسمان چهارم تا آسمان سوم مقدار پانصد سال راه است و غلظت آسمان سوم نیز پانصد سال است، و هر آسمان از مابین آن به همین ترتیب است، این چگونه شدنی است؟ سپس او را بین آسمان چهارم و پنجم قبض روح نمود.

و همین است که خداوند می‌فرماید:

﴿وَرَفَعْنَا مَكَانًا عَلِيًّا﴾؛ و ما او را به جایگاه بلندی رسانیدیم.

و بدین جهت او را ادریس نامیدند که کتاب‌های بسیار درس می‌گفت.

و گفته می‌شود که او در بهشت زنده است.<sup>۱</sup>

حضرت قائم علیه السلام را هم روح القدس بر بال خود گرفت و به آسمان‌ها برد.

در حدیثی، از حکیمه نقل شده، در باب میلاد حضرت قائم علیه السلام آمده است:

... شنیدم که حضرت ابومحمد (امام عسکری علیه السلام) خطاب به حضرت قائم علیه السلام می‌فرمود: تو

را به کسی می‌سپارم که مادر موسی فرزندش را به او سپرد.

ترجس گریه کرد. آن حضرت به او فرمود: آرام باش که شیر جز از پستان‌های تو بر او حرام

است، و به زودی به تو باز خواهد گشت، چنان‌که موسی به مادرش بازگردانده شد. خدای -

عزوجل - می‌فرماید:

﴿فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ﴾ سرانجام ما او را به مادرش بازگردانیم تا دیده‌اش

روشنی یابد، و غمگین نشود.

امام فرمود: روح القدس موکل امامان است. آن‌ها را تسدید و توفیق می‌دهد و به علم تربیت می‌کند...!

### غیبت در میان قوم

هنگامی که می‌خواستند ادریس علیه السلام را بکشند، از قومه غایب شد.

در حدیثی از حضرت باقر علیه السلام آمده است:

قائم علیه السلام همین‌طور است، هنگامی که دشمنان می‌خواستند آن حضرت را بکشند، غایب شد.

### طولانی شدن غیبت

غیبت ادریس علیه السلام به طول انجامید، به حدی که شیعیان و پیروان او در سختی و شدت و فشار واقع شدند. قائم - عجل الله فرجه الشریف - نیز غیبتش طولانی است، تا جایی که شیعیانش به منت‌های سختی و فشار و مشقت واقع شوند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

پیوسته وضع شما چنین خواهد بود تا این‌که در میان فتنه و جور، کسی متولد شود که مردم او را نشناسند. آن‌گاه زمین به حدی از ظلم و ستم پر شود که هیچ‌کس نتواند «الله» بگوید او نام حقّ ببرد، سپس خداوند - عزوجل - مردی از من و از عترت من برانگیزد که او زمین را پر از عدل سازد، هم‌چنان که قبل از او آن را پر از ظلم و ستم کرده باشند.

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود:

البته زمین پر از ظلم و جور می‌شود، تا جایی که کسی - جز مخفیانه - الله نگوید. سپس خداوند قومی صالح را می‌آورد که آن را پر از قسط و عدل نمایند، چنان‌که پر شده است از ظلم و جور.

### توبه در زمان غیبت

وقتی غیبت ادریس علیه السلام به طول انجامید، مردم بر توبه اتفاق کردند و به سوی خدا بازگشتند؛ خداوند متعال هم او را ظاهر ساخت و شدت و بدی را از آنان دور کرد.

قائم - عجل الله فرجه الشریف - نیز همین‌طور است که اگر مردم بر توبه اتفاق کنند و تصمیم

قطعی بر یاری‌اش داشته باشند، خدای تعالی او را ظاهر خواهد ساخت.

### تسلیم شدن جبّاران

هنگامی که ادریس علیه السلام ظهور کرد، پادشاه ستم‌گر و مردم برای او تسلیم شدند. قائم - عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ الشَّرِيفُ - نیز چنین است: هرگاه ظاهر شود، پادشاهان و امرای جبّار و مردم عالم، به آن حضرت می‌گروند و سر فرود می‌آورند.

### شبهات به هود

نام حضرت هود علیه السلام «عابره» است، و نوح علیه السلام ظهورش را بشارت داد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که وفات نوح نزدیک شد، شیعیان و پیروان خود را فراخواند و گفت:

بدانید که پس از من غیبتی خواهد بود که طاغوت‌ها ظاهر می‌شوند، و البته خداوند - عزّوجلّ - به وسیله قیام‌کننده‌ای از فرزندانم که «هود» نامیده می‌شود، بر شما گشایشی می‌رساند، او هیبت و سکنه و وقار دارد، در خلقت و اخلاق شبیه من است، و خداوند هنگام ظهور او دشمنان شما را به وسیله باد هلاک می‌کند.

پس پیوسته منتظر و مراقب ظهور و قیام هود بودند، تا این که مدت بر آن‌ها طولانی شد و دل بیش‌ترشان را قساوت گرفت.

﴿إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ - مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرِّمِيمِ﴾ که بر آنان

تندبادی بی‌باران فرستادیم که بر هیچ چیزی نگذشت مگر این که آن را همچون استخوان

خاک شده ساخت.

خداوند متعال، بعد از آن که مردم نومید شده بودند و بلا و گرفتاری وجودشان را پر کرده بود، پیغمبرش «هود» را فرستاد، و دشمنان به وسیله باد بدون نفع، هلاک شدند، بادی که خداوند متعال آن را در قرآن چنین توصیف کرده است:

﴿مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرِّمِيمِ﴾ بر هیچ چیزی نگذشت مگر این که آن را

همچون استخوان خاک شده ساخت. آن گاه غیبت بر او واقع شد تا این که هود علیه السلام ظاهر

گشت.<sup>۱</sup>

قائم علیه السلام را نیز با تمام خصوصیات، پدران بزرگوارش مرده، و غیبت و ظهورش را بیان فرمودند.

### شباهت به صالح

حضرت صالح علیه السلام از قومش غایب شد و پس از آن که به سوی آن ها بازگشت، تعداد زیادی او را انکار کردند.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

صالح علیه السلام مدتی از قومش غایب شد، روزی که از آنان غیبت یافت، میانسال بود. هنگامی که به قومش بازگشت او را به صورتش نشناختند، و آن ها را بر سه طایفه دید: یک طایفه منکر و کافر، و طایفه دیگر اهل شک و تردید بودند، و طایفه سوم یقین و ایمان داشتند. ابتدا، آن طایفه که اهل شک و تردید بودند را دعوت کرد، و به آنان گفت: من صالح هستم. آن ها او را تکذیب کردند، و دشنام دادند و راندند، و گفتند: خداوند از تو بیزار است، صالح به صورت تو نبود.

سپس نزد منکرین و کافرین آمد، و آن ها را دعوت فرمود، ولی از او نپذیرفتند و به بدترین وجهی او را طرد کردند.

آن گاه نزد طایفه سوم آمد و گفت: من صالح هستم.

گفتند: نشانه ای بگو که بدائیم تو صالح هستی، چون که ما تردید نداریم که خداوند تعالی آفریدگار است، هر کس را به هر شکل که بخواهد درمی آورد، ما در میان خودمان نشانه های قائم را به یکدیگر اطلاع داده و بررسی کرده ایم تا این که هر گاه بیاید برای ما معلوم باشد و صحت آن به وسیله یک خبر آسمانی بر ما محقق گردد.

صالح علیه السلام فرمود: من همان صالح هستم که شتر را برای شما بر آوردم.

گفتند: راست می‌گویی؟ همین مطلب را ما با هم بررسی می‌کردیم.  
نشانه‌های آن چیست؟

فرمود: یک روز او آب می‌آشامید و روز دیگر شما.

گفتند: ما به خداوند و آن چه تو از جانب او آورده‌ای ایمان داریم.  
این جا است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ﴾ همانا صالح از سوی پروردگارش فرستاده شده است.

و اهل یقین و ایمان گفتند:

﴿إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ ما به آن چه او فرستاده شده ایمان داریم.

و کسانی که تکبر کردند - که شک کنندگان باشند - گفتند:

﴿إِنَّا بِالذِّی آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ ما به آن چه شما ایمان آورده‌اید، کفر ورزیده‌ایم.

راوی گوید: آیا آن زمان، میان آن‌ها عالمی هم بود که به صالح آگاه باشد؟

فرمود: خداوند عادل‌تر از آن است که زمین را بدون عالمی بگذارد که مردم را به سوی خداوند رهبری کند، و آن مردم تنها هفت روز پس از خروج صالح از میان آن، در حال حیرت که امامی را نمی‌شناختند به سر بردند، که در همان حال هم دین خدای - عزوجل - را در اختیار داشتند، و با هم متحد بودند، و چون صالح علیه السلام ظاهر شد، پیرامونش جمع شدند، و همانا مثل قائم علیه السلام نیز مثل صالح است.<sup>۱</sup>

آری، قائم علیه السلام هم مانند صالح علیه السلام خواهد بود. آن چه بر صالح جاری شده بی‌کم و کاست بر او جاری می‌شود. با آن که در سن پیری و پس از عمری طولانی ظهور می‌کند، به صورت جوانی کم‌تراز چهل سال است.

مردم نیز بر سه دسته خواهند بود: اهل یقین؛ شک؛ و انکار.

اهل شک و انکار را دعوت می‌کند، و چون منکر شوند و نفی کنند، آن‌ها را می‌کشد. و اهل یقین از او نشانه می‌خواهند که به آن‌ها ارائه می‌دهد، پس با او بیعت می‌کنند.

## شباهت به ابراهیم

### ولادت مخفیانه!

حضرت ابراهیم علیه السلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود.

حضرت قائم علیه السلام نیز حمل و ولادتش مخفی بود.

حضرت ابراهیم علیه السلام در روز به قدری رشد می کرد که دیگران در یک هفته رشد می کنند، و در یک

هفته آن قدر رشد داشت که دیگران در یک ماه رشد می نمایند، و در یک ماه به مقداری که دیگران در

یک سال رشد دارند، چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده است -

### دوری از مردم

حضرت ابراهیم علیه السلام از مردم عزلت گزید.

خداوند - عزوجل - به نقل از او فرموده:

«وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۗ إِنْ أَرَادْتُمْ إِطَاعَتِي فَأَعْبُدُونِي ۗ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ كَثْرَتَكُمْ عَنِ الْكَافِرِينَ»

می گیرم.

حضرت قائم علیه السلام نیز از مردم دوری و کناره جسته است.

### دو غیبت

حضرت ابراهیم علیه السلام دو غیبت داشته است.

قائم - عزجل الله فرجه الشریف - نیز دو غیبت دارد.

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۹.

حضرت قائم علیه السلام نیز چنین بود، چنان که دو غیر حکیمه علیهم السلام آمده که گفت: پس از گذشت چهل روز به خانه حضرت ابومحمد (امام حسن مکی علیه السلام) وارد شدم که ناگهان عولایم صاحب الزمان را دیدم که در خانه راه می روزه، از او زیارتی تر و نصیح تر ندیدم. حضرت ابومحمد علیه السلام به من فرمود: این است مولود گرامی نوه خداوند - عزوجل - عرض کردم: ای آقای من چهل روزه است و من این وضع را در او نمی بینم؟ فرمود: ای غم من! مگر ندانستی که ما گروه ارمیا در یک روز به مقدار یک هفته دیگران و در یک هفته به مقدار یک ماه دیگران و در یک ماه به مقدار یک سال دیگران رشد می کنیم.

۲. مریم: ۲۸.

بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۷.

## جامه بهشتی

ابراهیم علیه السلام هنگامی که در آتش افکنده شد، جبرئیل برایش جامه‌ای از بهشت آورد.  
 قائم - عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ الشَّرِيفُ - نیز همان جامه را هنگامی که قیام کند خواهد پوشید.

## نصب حجرالاسود

ابراهیم علیه السلام خانه کعبه را بنا کرد و حجر الاسود را در جایش نصب فرمود. خداوند - عَزَّوَجَلَّ -  
 می‌فرماید:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ و (به یاد  
 آور هنگامی که ابراهیم و نیز اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا بردند و گفتند: پروردگارا!  
 از ما بپذیر که همانا تو شنوای دانا هستی.

از یکی از دو امام باقر و صادق علیهما السلام روایت است که فرمود:

خداوند - عَزَّوَجَلَّ - به ابراهیم دستور داد که خانه کعبه را بسازد و پایه‌های آن را بنا نماید، و  
 به مردم محل عبادت و مناسکشان را ارائه دهد. پس ابراهیم و اسماعیل خانه کعبه را هر  
 روز به مقدار یک ساق می‌ساختند تا به جایگاه حجر الاسود رسیدند.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

پس در این جا کوه ابوقییس او را ندا کرد که تو نزد من امانتی داری، آن‌گاه حجر الاسود را به  
 ابراهیم داد و آن حضرت آن را در جای خودش نصب کرد.

قائم علیه السلام نیز مانند آن را دارد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه قائم علیه السلام پیاخیزد، مسجد الحرام را منهدم می‌کند تا به اساس آن برساند و مقام ابراهیم  
 را به جایی که در آن بوده باز می‌گرداند...!

## نجات از آتش

حضرت ابراهیم علیه السلام را خداوند از آتش نجات داد. خدای - عَزَّوَجَلَّ - در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾ ای آتش بر ابراهیم! سرد و سلامت باش.

قائم علیه السلام نیز به همین ترتیب خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود:



هنگامی که قائم علیه السلام خروج می کند، شخصی نزد آن حضرت می آید، و معجزه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را تقاضا می کند؛ پس آن جناب دستور می دهد که آتش عظیمی برافروزند و این آیه را می خوانند: ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾<sup>۱</sup> پس منزّه است خداوندی که مالکیت و زمام همه چیز در دست اوست؛ و به سوی او بازگردانده می شوید. سپس داخل آتش می شود و آن گاه به سلامت از آن بیرون می آید.

آن مرد ملعون این معجزه را انکار می کند و می گوید: این سحر است. پس آن حضرت علیه السلام به آتش دستور می دهد، مرد را می گیرد و می سوزاند، و می فرماید: این جزای کسی است که صاحب الزمان و حجت الرحمن را انکار نماید.

#### فراخواندن به سوی خداوند

حضرت ابراهیم علیه السلام، مردم را به سوی خداوند فراخواند، خداوند می فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾<sup>۲</sup> و در مردم به حج اعلام و دعوت عمومی کن.

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

ابراهیم در میان مردم به حج بانگ زد و گفت:

ای مردم! من ابراهیم خلیل الله هستم، خداوند شما را امر فرمود که حج این خانه را به جای آورید، پس شما حج را انجام دهید. و هر کس به حج می رود - تا روز قیامت - ابراهیم را اجابت کرده است.<sup>۳</sup>

حضرت قائم علیه السلام نیز مردم را به سوی خدا دعوت می کند.

## شبهات به اسماعیل

### بشارت ولادت

خداوند به ولادت اسماعیل علیه السلام بشارت فرمود:  
 ﴿فَبَشِّرْ نَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾<sup>۱</sup> پس او را به پسر بردباری مژده دادیم.  
 خداوند به ولادت و قیام قائم علیه السلام نیز بشارت داده است.  
 علاوه بر آن، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نیز بشارت داده‌اند.

### جوشش چشمه زمزم

اسماعیل علیه السلام چشمه زمزم از زمین برایش جوشید.  
 قائم علیه السلام نیز آب از سنگ سخت برایش خواهد جوشید<sup>۲</sup> و چندین بار نیز آب از زمین برای آن  
 بزرگوار جوشیده است.

### تسلیم او امر الهی

اسماعیل علیه السلام تسلیم امر خدای - عزوجل - بود، او عرضه داشت:  
 ﴿يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۳</sup> ای پدر! آن چه امر می‌شوی انجام  
 ده آن شاء الله مرا از صابرین خواهی یافت.  
 قائم علیه السلام نیز تسلیم امر الهی است.

۱. همان‌که در بحث شبهات آن حضرت به موسی علیه السلام خواهد آمد.

۲. صفات: ۱۰۳.

۳. صفات: ۱۰۴.

## شباهت به اسحاق

### بشارت به ولادت

اسحاق عليه السلام؛ خداوند تعالی - پس از آن که ساره از بیچه دار شدن مأیوس شده بود، ولادت اسحاق را بشارت داد. خدای - عزوجل - چنین فرموده:

﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكْتُ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَقَ يَعْقُوبَ، قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا

عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ زَنَش در حالی که ایستاده بود [از خوشحالی]

بخندید، پس او را به اسحاق و بعد از او به یعقوب بشارت دادیم. (سارا) گفت: آیا می شود من

بزیام در حالی که پیرزنی هستم و این شوهرم پیرمردی است! همانا این چیز شگفتی است.

قائم عليه السلام نیز بعد از آن که مردم از ولادت او مأیوس شدند، ولادتش بشارت داده شده.

## شبهات به لوط

### یاری فرشتگان

لوط علیه السلام؛ فرشتگان برای یاری اش نازل شدند:

﴿قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ﴾؛ گفتند: ای لوط همانا ما فرستادگان

پروردگارت هستیم، هرگز آنان به تو نمی‌رسند [که آزارت دهند].

قائم علیه السلام نیز، فرشتگان برای یاری اش فرود خواهند آمد.

در خیر کنیز حضرت ابومحمد (امام عسکری علیه السلام) آمده که: وقتی سید - یعنی حضرت حجت علیه السلام -

متولد شد، نور درخشنده‌ای دید که از آن حضرت آشکار شد و تافق آسمان رفت و پرندگان سفیدی

را دید که از آسمان فرود می‌آیند و بال‌های خود را بر سر و صورت و بدتش می‌کشند، سپس پرواز

می‌کنند. وقتی به حضرت ابومحمد (امام عسکری علیه السلام) این مطلب را گفتم خندید و فرمود:

این‌ها فرشتگانی هستند، فرود آمده‌اند تا به این مولود تبرک جویند، و این‌ها یاران او خواهند بود

هنگامی که خروج می‌کند.<sup>۱</sup>

### خروج از بلاد فاسقین

لوط علیه السلام از بلاد فاسقین بیرون رفت.

از شبهات‌های حضرت قائم علیه السلام به لوط این است که آن حضرت نیز از بلاد فاسقین بیرون رفته

است.

## شباهت به یعقوب

### رفع پریشانی و پراکندگی

یعقوب علیه السلام؛ خداوند - پس از مدتی طولانی - پراکندگی او را جمع فرمود و فراهم آورد.  
قائم علیه السلام نیز، خداوند پریشانی و پراکندگی او را پس از مدتی درازتر جمع خواهد ساخت.

### گریه برای جد

یعقوب علیه السلام برای یوسف آن قدر گریست تا این که چشمانش از اندوه سفید شد در حالی که چشم خود را فرو می برد.

قائم علیه السلام نیز برای جدش حسین علیه السلام گریسته او می گرید او در زیارت ناحیه فرموده است:

«وَلَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا» به جای اشک بر تو خون می گرییم.<sup>۱</sup>

یعقوب علیه السلام منتظر فرج بود و می گفت:

﴿لَا تَيْأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ از رحمت خداوند ناامید

نشوید که همانا کسی، جز گروه کافران از رحمت خداوند مأیوس نشود. قائم علیه السلام نیز منتظر فرج

است، چنان که روایات شاهد بر این معنی است.

## شبهات به یوسف

### زیباترین

یوسف علیه السلام زیباترین اهل زمان خود بود.  
قائم علیه السلام نیز زیباترین اهل زمان خود می باشد.

### غیبت

یوسف علیه السلام مدتی طولانی غایب شد تا این که برادران بر او داخل شدند پس آنان را شناخت در حالی که آن ها او را نشناختند.<sup>۱</sup>  
قائم علیه السلام نیز از خلق غایب شده، در عین حالی که در میان آن ها راه می رود و آنان را می شناسند، ولی آن ها، او را نمی شناسند.

### شب موعود

یوسف علیه السلام، خداوند امرش را، یک شب اصلاح فرمود، پادشاه مصر خواب دید.  
قائم علیه السلام نیز، خداوند متعال امرش را در یک شب اصلاح می فرماید، پس در آن یک شب یاران آن حضرت را از بلاد دور جمع می کند.  
حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

در صاحب این امر، شبهاتی از یوسف علیه السلام هست و آن این که خداوند - عزوجل - در یک شب امر او را اصلاح می فرماید.<sup>۲</sup>

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مهدی از ما اهل البیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند.<sup>۳</sup>

یوسف علیه السلام دچار زندان شد، وی گفت:

۳. بخارالانوار، ج ۵۶، ص ۲۸۰.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۹.

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۹.

«عمر طولانی!» ..... ۲۰۱

«رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ» پروردگارا! زندان برایم خوش تر از چیزی است که اینان مرا به آن فرامی خوانند.

حضرت قائم علیه السلام نیز چنین است. حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:  
در صاحب این امر سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله هست - تا آن جا که فرمود: «و اما سنت از یوسف، زندان و غیبت است.»

## شباهت به خضر

### عمر طولانی!

خداوند عمر حضرت خضر علیه السلام را طولانی نموده، و این موضوع نزد شیعه و سنی مسلم است و روایات بسیاری بر آن دلالت دارد.

خداوند متعال، عمر حضرت قائم علیه السلام را طولانی قرار داده است. از بعضی روایات استفاده می شود که حکمت این که عمر خضر طولانی شده این است که دلیل بر طول عمر قائم علیه السلام باشد.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

و اما بنده صالح خضر علیه السلام را خداوند عمر طولانی عنایت فرمود، نه به خاطر نبوتی که برایش تقدیر کرده باشد، یا کتابی که بر او نازل فرماید، و نه آیینی که شرایع دیگر را نسخ نماید، و نه برای امامتی که بندگان خود را به اقتدای او ملزم سازد، و نه اطاعتی که بر او فرض فرماید، بلکه چون در علم خداوند تبارک و تعالی گذشته بود که عمر قائم علیه السلام در دوران غیبت طولانی خواهد شد تا آن جا که بندگان او باور نکنند و آن عمر طولانی را انکار نمایند. خداوند عمر بنده صالح (خضر) را بدون سبب طولانی ساخت، مگر به علت

استدلال به وسیله آن بر عمر قائم علیه السلام و تا این که دلیل و برهان معاندین را قطع نماید که مردم را بر خداوند حجتی نباشد.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود:

خضر علیه السلام از آب حیات آشامیده پس او زنده است و نمی میرد تا در صورت دمیده شود و البته او نزد ما می آید و بر ما سلام می کند، صدایش شنیده می شود ولی خودش دیده نمی شود، و او هر جا که نامش به میان آید حاضر می شود، پس هر که از شما او را یاد کرد بر او سلام کند، او هر سال در مراسم حج حاضر است، تمام مناسک را انجام می دهد و در عرفه و قوف دارد، پس بر دعای مؤمنین آمین می گوید، و خداوند وحشت قائم ما را در هنگام غیبتش به وسیله او به انس مبدل می سازد، و تنهایی اش را به او برطرف می نماید.<sup>۲</sup>

نام خضر علیه السلام «بلینا» است و بعضی اسم های دیگری گفته اند.

### سرسبزی و طراوت

علت این که خضر نامیده شده - چنان که از شیخ صدوق آمده - این است که بر چوب خشکی نمی نشست مگر این که سبز می شد، و نیز گفته شده که هرگاه نماز بگزارد اطرافش سبز می شود.<sup>۳</sup> و گفته اند: برای این که او در سرزمین سفیدی بود که به یکباره تکان خورد و از پی او سبز شد. در «نجم الثاقب» روایت کرده که حضرت قائم علیه السلام به هر سرزمینی که بگذرد، سبز و پرگیاه می شود و آب از آن جا می جوشد، و چون از آن جا برود آب فرو می رود و زمین به حال خود برمی گردد.<sup>۴</sup>

### حضور به صورت های گوناگون

خضر علیه السلام؛ خداوند متعال به او قدرت و نیرویی عنایت فرموده که به هر شکل که بخواهند، در می آید؛ چنان که علی بن ابراهیم در تفسیرش از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. قائم علیه السلام را نیز خداوند همین قدرت عنایت فرموده است.

### علم باطن

خضر علیه السلام مأمور به علم باطن بود، چنان که به موسی علیه السلام گفت:

﴿إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلٰی مَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ خُبْرًا﴾ همانا تو هرگز همراه من

صبر نتوانی کرد و چگونه صبر نمایی بر آن چه نسبت به آن علم و احاطه نداری؟

قائم علیه السلام نیز، مأمور به علم باطن است.



### حکمت‌ها و اسرار

حضرت علیه السلام؛ وجه کارهایش آشکار نشد مگر بعد از آن که خودش فاش کرد.  
قائم علیه السلام نیز، علت غیبتش آن طور که باید مشخص نمی‌شود، مگر بعد از آن که ظهور فرماید.

### حضور در مراسم حج

حضرت علیه السلام؛ هر سال در مراسم حج شرکت می‌کند و تمام مناسک را انجام می‌دهد.  
قائم علیه السلام نیز، هر سال در مراسم حج شرکت و تمام مناسک را به جای می‌آورد.

## شباهت به موسی

### دوران حمل مخفیانه

موسی علیه السلام؛ دوران حملش مخفی بود.  
قائم علیه السلام نیز همین طور، دوران حملش مخفی بود.

### ولادت مخفیانه

موسی علیه السلام؛ ولادتش مخفیانه صورت گرفت.  
قائم علیه السلام نیز، ولادتش مخفیانه انجام شد.  
موسی علیه السلام از قومش دو غیبت داشت که یکی از دیگری طولانی تر بود، غیبت اول از مصر بود و غیبت دوم هنگامی که به سوی میقات پروردگارش رفت، مدت غیبت نخستین بیست و هشت سال بود.

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

در قائم علیه السلام سستی از موسی بن عمران هست.

عرضه داشتیم: سستی که از موسی بن عمران در او هست چیست؟

فرمود: مخفی بودن ولادتش و غیبت از قومش.

گفتم: موسی بن عمران علیه السلام چند وقت از قوم و اهلش غایب بود؟

فرمود: بیست و هشت سال.<sup>۱</sup>

و مدت دومین غیبت چهل شب بود، خداوند متعال فرموده:

﴿فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾ که میقات [وعده گاه] پروردگارش چهل شب به پایان رسید.

قائم علیه السلام نیز، دو غیبت داشته یکی از دیگری طولانی تر.

### سخن با خداوند

موسی علیه السلام؛ خداوند تعالی با او سخن گفت و چنین فرمود:

﴿إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ همانا من

به وسیله رسالت‌ها و کلام خودم تو را بر مردم برتری دادم، پس آن چه به تو دادم بگیر و از

سپاسگزاران باش.

قائم علیه السلام نیز همین طور، خداوند متعال با او سخن گفت هنگامی که آن حضرت را به سراپرده عرش

بالا بردند.

در کتاب بحار الانوار، از حضرت ابو محمد عسکری علیه السلام آمده که فرمود:

هنگامی که پروردگار من، مهدی این امت را به من موهبت فرمود، دو فرشته فرستاد او را به

سراپرده عرش بردند تا این که او را در پیشگاه خداوند - عزوجل - نگاه داشتند، از جانب خداوند

خطاب آمد:

مرحبا به تو ای بنده من! برای یاری دینم و آشکار نمودن امر و راهنمایی بندگانم،

[برگزیده شده‌ای] سوگند خورده‌ام که به [خاطر] تو بگیرم و به [راه] تو بدهم و به تو

بخشایم و به تو عذاب کنم.<sup>۲</sup>

### غیبت به خاطر دشمنان

موسی علیه السلام؛ از قوم خود و دیگران از ترس دشمنانش غایب شد، خداوند - عزوجل - می فرماید:

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ﴾<sup>۳</sup> پس از آن [دیوار] ترسان و نگران بیرون رفت.

قائم علیه السلام نیز از ترس دشمنان از قومش و غیر آن‌ها غایب شد.

### رنج و مشقت مردم

موسی علیه السلام وقتی غایب شد، قومش در رنج و فشار و مشقت و ذلت واقع شدند، که دشمنانشان

پسران آن‌ها را می‌کشند و زنانشان را زنده می‌گذاشتند.

قائم علیه السلام نیز شیعیان و دوستانش در زمان غیبتش در سختی و فشار و ذلت می‌افتند (تا خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند پاک کند و کافرین را هلاک سازد).

### انتظار فرج

موسی علیه السلام؛ بنی اسرائیل منتظر قیامش بودند.

قائم علیه السلام نیز، شیعیان منتظر هستند.

### معجزه عصا

موسی علیه السلام؛ خداوند متعال او را عصایی عنایت فرمود، و آن را معجزه آن جناب قرار داد.

قائم علیه السلام، به همان عصا اختصاص یافته است.

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

عصای موسی از آن آدم بود، سپس به شعیب رسید و آن‌گاه به موسی بن عمران رسید، آن

عصا نزد ما است و من آن را پیش‌تر دیده‌ام، سبز رنگ است به همان وضعی که از درختش

گرفته شده، و اگر استنطاق شود سخن می‌گوید، برای قائم علیه السلام آماده شده، به وسیله آن

همان کارها را انجام دهد که موسی انجام می‌داد، و هرچه مأمور شود انجام می‌دهد، و

هرکجا افکنده شود با زبان خود نیرنگ‌های دشمنان را برمی‌گیرد.

### گریز از دست دشمنان

موسی علیه السلام با ترس از مصر فرار کرد، خداوند - عز و جل - به نقل از او می‌فرماید:

﴿فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ﴾ پس آن‌گاه که از [کیفر] شما بیمناک شدم از شما گریختم.

قائم علیه السلام نیز، از ترس اشرار از شهرها گریخت، با وجود این به نزد مردم می‌آید، و در میان آن‌ها راه

می‌رود و از احوالشان باخبر می‌شود، در حالی که آن‌ها حضرتش را نمی‌شناسند.

هنگام ظهورش نیز به خاطر ترس از سفیانی از مدینه فرار خواهد کرد.

حضرت امام باقر علیه السلام درباره سفیانی - لعنه الله - فرمود:

و سفیانی گروهی را به مدینه می‌فرستد، پس مهدی علیه السلام از آن جا به سوی مکه فرار می‌کند، به امیر

ارتش سفیانی خبر می‌رسد که مهدی علیه السلام به سوی مکه رفته، لشکری در تعقیب آن حضرت می‌فرستد

ولی به آن جناب نمی‌رسند، تا این‌که قائم علیه السلام هراسان و ترسان - به روش موسی بن عمران - وارد مکه

می‌شود و امیر ارتش سفیانی در بیابان بیداء فرود می‌آید، و جارچی از سوی آسمان به آن بیابان خطاب می‌کند که: «یا بیداء! ابیدی القوم» ای صحرای بیداء! این گروه را نابود کن، پس زمین آن‌ها را فرو می‌برد و فقط سه نفر از آن‌ها باقی می‌مانند که خداوند چهره‌هایشان را به پشت باز می‌گرداند و آن‌ها از قبیله کلب هستند، و درباره آن‌ها این آیه نازل شده:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ أَسْمَانُ كَانَتِ هُمْ بِهِمْ مُّشْرِفِينَ ﴾<sup>۱</sup>

کنند نشانه‌هایی است که همراه شما است ایمان آورید پیش از آن که چهره‌هایی را محو کنیم آن‌گاه به پشت سر بازگردانیم.

### فرو رفتن دشمنان در زمین

موسی علیه السلام؛ خداوند دشمنش - قارون - را به زمین فرو برد، چنان‌که خداوند - عز و جل - می‌فرماید:

﴿ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ ۗ ﴾ پس او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم.

قائم علیه السلام نیز، خداوند متعال دشمنانش - لشکر سفیانی - را به زمین فرو خواهد برد.

### درختش خیره کننده!

موسی علیه السلام؛ چون دستش را برمی‌آورد می‌درخشید و سفیدی آن بینندگان را خیره می‌ساخت...

قائم علیه السلام نیز، نورش می‌درخشید تا جایی که مردم از نور آفتاب و ماه بی‌نیاز شوند.

## شباهت به هارون

### سیر در آسمان‌ها

هارون علیه السلام را خداوند متعال به آسمان بالا برد و سپس بار دیگری به زمین بازگرداند. حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: موسی علیه السلام به هارون گفت:

بیا با هم به کوه طور سینا برویم. چون با هم رفتند ناگاه خانه‌ای دیدند که بر در آن درختی بود بر روی آن دو پیراهن، پس موسی به هارون گفت: جامه هایت را براق کن و داخل این خانه شو و این دو حله را ببر کن و بر تخت بخواب. هارون همین کار را کرد، پس چون بر تخت آرمید، خداوند او را به سوی خود قبض کرد و خانه و درخت برداشته شد، موسی به بنی اسرائیل بازگشت و به آن‌ها خبر داد که خداوند هارون را قبض روح کرد و به سوی خود بالا برد. گفتند: دروغ می‌گویی تو او را کشته‌ای، پس موسی به درگاه الهی شکوه کرد، خداوند متعال به فرشتگان امر فرمود تا او را بر تختی مابین زمین و آسمان فرود آوردند تا این‌که بنی اسرائیل او را دیدند و دانستند که مرده است.<sup>۱</sup>

حضرت قائم علیه السلام را نیز، خداوند بعد از ولادت به آسمان بالا برد، سپس به سوی زمین بازگرداند.<sup>۲</sup>

### همواره در کنار شیعیان

هارون علیه السلام از راه دور سخن موسی را می‌شنید هم‌چنان که موسی سخن هارون را از دور می‌شنید.<sup>۳</sup> و درباره حضرت قائم علیه السلام، حضرت امام صادق علیه السلام چنین فرمود:

هنگامی که قائم ما پیاخیزد خداوند - عزوجل - در گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما خواهد افزود به طوری که بین آن‌ها و حضرت قائم علیه السلام یکی نخواهد بود، با آن‌ها سخن می‌گوید و آن‌ها می‌شنوند، و به او نگاه می‌کنند در حالی که در جای خودش باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۶۸. نزدیک به همین روایت از صاحب الکامل نقل شده است.

۲. در شباهت آن حضرت به موسی علیه السلام نیز چنین است.

۳. این نکته را صاحب کتاب بدایع الزهور آورده است.

### شبهات به داوود

حضرت داوود علیه السلام را، خداوند - عزوجل - در زمین خلیفه ساخت و فرمود:

﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾؛ ای داوود ما تو را در زمین خلافت دادیم.

حضرت قائم علیه السلام را نیز، خداوند خلیفه خود در زمین نمود و فرمود:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾<sup>۱</sup> آیا چه کسی اجز

خداوند [دعای مضطر را به اجابت می‌رساند، و گرفتاری را برطرف می‌سازد، و شما را خلفای

زمین قرار می‌دهد.

و در دعایی از حضرت امام رضا علیه السلام چنین آمده است:

«ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّتِكَ وَخَلِيفَتِكَ...».

همه امور در اختیارشان؛ حتی نرم شدن آهن

حضرت داوود علیه السلام؛ خداوند آهن را برایش نرم کرد که در قرآن آمده:

﴿وَأَلْنَا أُمَّ الْهَدِيدِ﴾<sup>۱</sup> آهن را برایش نرم ساختیم.

حضرت قائم علیه السلام نیز، خداوند آهن را برایش نرم کرده است، چنان‌که در بعضی از کتاب‌ها از محمد بن

زید کوفی از امام صادق علیه السلام مروی است که فرمود:

مردی از عمان به خدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام می‌آید و عرض می‌کند:

آهن برای داوود نرم شد اگر تو هم مانند او [معجزه] بیاوری تصدیقت می‌کنیم.

پس آن حضرت معجزه داوود را به او نشان می‌دهد، ولی آن شخص منکر می‌شود، پس قائم -

عجل الله فرجه الشریف - عمود آهنی به گردن او می‌اندازد که هلاک می‌شود و می‌فرماید: این

سزای کسی است که آیات خدا را دروغ انگارد.

### سخن گفتن سنگ با داوود

داوود علیه السلام؛ سنگ با او سخن گفت و صدا زد: ای داوود! مرا بگیر و جالوت را با من به قتل برسان.

### سخن گفتن شمشیر با حضرت قائم علیه السلام

قائم علیه السلام نیز، علم و شمشیرش او را صدا می‌کنند و می‌گویند: ای ولی خدا! خروج کن و دشمنان خدا را به قتل برسان.

### کشتن دجال

داوود علیه السلام؛ جالوت را کشت.

قائم علیه السلام، دجال را - که از جالوت بدتر است - می‌کشد.

### حکم کردن بدون شاهد

داوود علیه السلام؛ به الهام در میان مردم حکم می‌کرد.

قائم علیه السلام، به حکم داوود قضاوت خواهد کرد، و از شاهد نمی‌پرسد....

### شبهات به سلیمان

داوود، سلیمان علیه السلام را جانشین خود قرار داد، در حالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود.

حضرت امام جواد علیه السلام فرمود:

خداوند تبارک و تعالی به داوود وحی فرمود که سلیمان را خلیفه خود سازد، در حالی که کودک بود و چوپانی گوسفندان می کرد.

عباد و علمای بنی اسرائیل این مطلب را انکار کردند.

خداوند تعالی وحی فرمود که عصاهای آن افراد را بگیر و عصای سلیمان را نیز بگیر و آن ها را در اتاقی بگذار و در آن اتاق رابه مهر خودشان مهر کن، و چون فردا شود عصای هر کس برگ برآورده و میوه داده بود او خلیفه است.

پس داوود این مطلب را به آن ها خبر داد، گفتند: ما راضی و تسلیم شدیم.<sup>۱</sup>

قائم علیه السلام را خداوند - عزوجل - خلیفه قرار داد و حال آن که کودکی تقریباً پنج ساله بود، و در زمان حیات پدرش به سوالات سعد بن عبد الله قمی پاسخ گفت.

سلیمان علیه السلام گفت:

هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي<sup>۲</sup>؛ پروردگارا به من ملکی عنایت کن که برای هیچ کس

بعد از من شایسته نباشد.

### حکومت بر جن و انس

حکومت سلیمان علیه السلام همراه با ظلم و جور نبود.

حکومت پادشاهان، تنها بر انسان ها است، ولی حکومت سلیمان بر جن و انس و پرندهگان بود.

خداوند - عزوجل - می فرماید:



﴿ وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴾ و لشکریان سلیمان از جن و انس و پرنندگان برایش گرد آمدند.

قائم علیه السلام؛ خداوند متعال ملک و حکومتی به او عنایت خواهد فرمود که برای احدی از اولین و آخرین - از نظر کمیت و کیفیت - مانندش نبوده است.

### تسخیر باد

سلیمان علیه السلام؛ خداوند باد را در تسخیر او قرار داده بود. خداوند می فرماید:

﴿ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَاب ﴾<sup>۱</sup> پس باد را به تسخیر او درآوردیم تا به

نرمی هر کجا خواهد به فرمان او جریان یابد.

قائم علیه السلام نیز، خداوند باد را در خدمتش قرار می دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

پس خداوند تبارک و تعالی بادی برانگیزد که در هر بیابان ندا کند: این مهدی است که به

قضاوت داوود و سلیمان علیه السلام قضاوت می کند و پینه نمی خواهد.<sup>۲</sup>

### غایب در میان قوم

سلیمان علیه السلام؛ مدتی از قومش غایب شد.

قائم علیه السلام، غیبتش طولانی تر از سلیمان است.

سلیمان علیه السلام؛ آفتاب برایش بازگشت.

قائم علیه السلام، آفتاب و ماه را می خواند و آن ها او را پاسخ می دهند.

سلیمان علیه السلام حشمة الله بوده.

قائم علیه السلام نیز حشمة الله است.

## شبهات به عیسی

### فرزند بهترین زنان

عیسی علیه السلام؛ فرزند بهترین زنان زمانش می باشد.  
 قائم علیه السلام نیز، فرزند بهترین زنان زمانش می باشد.

### تکلم در شکم مادر

عیسی علیه السلام؛ در شکم مادر سخن و تسبیح می گفت.  
 قائم علیه السلام نیز، در شکم مادر سخن گفته است.  
 عیسی علیه السلام؛ در کودکی در گهواره سخن گفت.  
 قائم علیه السلام نیز، در کودکی در گهواره سخن گفت.  
 عیسی علیه السلام را؛ خداوند متعال به سوی خود بالا برد.  
 قائم علیه السلام را نیز، خداوند به سوی خود بالا برد.  
 عیسی علیه السلام؛ مردم درباره اش اختلاف کردند.  
 قائم علیه السلام نیز، مردم درباره اش اختلاف کردند.

### شبهت حضرت قائم علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام در گفتار حضرت امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در بیان شبهت حضرت حجت علیه السلام به حضرت عیسی علیه السلام فرمود:

یهود و نصاری اتفاق کردند بر این که عیسی کشته شد، ولی خداوند - عز و جل - آن ها را تکذیب

کرد و فرمود:

﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ﴾ او را نکشتند و به دار نیاویختند ولی امر بر آنان مشتبه

شد.

غیبت قائم علیه السلام نیز همین طور است که عاقبت، این امت آن را انکار خواهد کرد، به خاطر طولانی

شدن آن.

### شبهات به حضرت خاتم النبیین

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«المهدی من ولدی، اسمه اسمی و کنیته کنیتی، أشبه الناس بی خلقاً و خلقاً، تكون له غيبة و حيرة حتى يضل الخلق عن أديانهم فعند ذلك يقبل كالشهاب الثاقب فيملؤها عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً»؛ مهدی از فرزندان من است، نامش نام من و کنیه اش کنیه من است (که همانا کنیه ابوالقاسم بر کسی جز رسول الله و مهدی موعود روا نیست) او از همه مردم به من شبیه تر است چه از نظر شکل و شمایل و چه از نظر اخلاق و منش، و همانا برای او غیبتی طولانی باشد که مردم را سرگردان سازد تا جایی که بسیاری از دین و آئین خود برگردند و گمراه شوند، آنجاست که هم چون شهاب ثاقب نمایان گردد و جهان را پس از آن همه ظلم و ستم، پر از عدل و داد کند.

## فصل هفتم

شباہت بہ ائمہ معصوم علیہم السلام

### شباهت به ائمه معصومین علیهم السلام

پس از بیان شباهت‌های حضرت قام علیه السلام با انبیاء عظام، در این بخش به آشکارترین و مشهورترین اوصاف، ویژگی‌ها، صفات، احوال و معجزات پدران پاک حضرت قائم علیه السلام می‌پردازیم.

#### حضرت امام علی علیه السلام

بارزترین صفات آن حضرت، علم، زهد و شجاعت و... است، و تمام آن‌ها در حضرت قائم علیه السلام نمودار می‌باشد.

#### حضرت امام حسین علیه السلام

بارزترین صفات آن حضرت حلم و بردباری است. از جمله آثار این صفت: سگون و آرامش داشتن و سبکسری نکردن در مواقعی است که شخص از دیگران نارواها ببیند.

#### حضرت امام حسین علیه السلام

حضرت امام حسین علیه السلام وارث حضرت آدم علیه السلام است.

از برجسته‌ترین جنبه‌های شخصیت سیدالشهدا علیه السلام، محبت پروردگار و دلدادگی او به خداوند و امر و رضای او بود.

نسبت به حماسه عاشورا و آمادگی برای شهادت طلبی و پذیرش تبعات و پیامدهای آن و راضی شدن به یتیمی فرزندان و اسارت اهل بیت، از زبان حضرتش چنین نقل شده است:

ترکت الخلق طرافى هواکاو أیتمت العیال لکى أراکأ، نشانه خدا دوستی و عشق به معبود و فنا در حبّ الهی است.

این که نقل شده است هرچه امام حسین علیه السلام به لحظه شهادت نزدیک‌تر می‌شد، چهره‌اش برافروخته‌تر و شکفته‌تر می‌گشت؛ تعبیر دیگری از عشق الهی اوست که تبدیل هجران به وصال را می‌دید و به وجد می‌آمد.

### اوج بندگی

امام حسین علیه السلام شب عاشورا برای انس با خدا و تهجد و تلاوت قرآن و نماز، از دشمن مهلت گرفت.

در گرماگرم نبرد عاشورا نیز، هنگام ظهر به نماز ایستاد تا به ما پیاموزد که جان بر سر دین و خداجویی نهاده است.

سعید بن عبدالله حنفی، در آن لحظه، در برابر امام هم چون سپر حفاظتی می ایستد، تا حسین بن علی علیه السلام آخرین نمازش را بخواند و با ۱۳ تیر که بر پیکرش می نشیند، به شهادت می رسد.<sup>۱</sup> ابو ثمامه ضامدی نیز که خودش شهید نماز است در روز عاشورا، فرارسیدن هنگام نماز را یادآور می شود. امام حسین علیه السلام دعایش می کند که خدا از نمازگزاران ذاکر قرارش دهد.<sup>۲</sup>

این که در زیارت های امام حسین علیه السلام، خطاب می کنیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ...»<sup>۳</sup> و او را به عنوان اقامه کننده نماز می خوانیم، جلوه دیگری از اهمیت نماز را در زندگی و شهادت آن پیشوای معنویت و عبودیت نشان می دهد.

### اوج ایمان

راضی بودن به مقدرات الهی و تسلیم در برابر آن، یکی از صفات انسان های شایسته و کامل است. در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قول جبرئیل درباره تفسیر «رضا» فرمودند:

انسان راضی از آقای خویش ناخشنود نیست؛ چه از دنیا بهره مند باشد و چه بی بهره، و به عمل اندک بسنده نمی کند.<sup>۴</sup>

در این رابطه آیات بسیاری در قرآن کریم آمده است.<sup>۵</sup>

سیدالشهدا علیه السلام، نمونه کامل این صفت است و در رفتار و گفتارش، رضایت و تسلیم حق موج می زند. حضرت قائم (عج) نیز چنین است.

### حضرت امام سجاده علیه السلام

بارزترین صفاتش عبادت می باشد که به «زین العابدین» و «سید العابدین» و «ذوالثقات» نامیده شد. وجه نامیده شدنش به «ذوالثقات» این بود که بینی آن حضرت ساییده، و پیشانی و زانوهای او کف دست هایش از اثر عبادت مداوم برآمدگی پیدا کرده بود.

اخبار بسیاری درباره کثرت و شدت اهتمام آن حضرت در عبادت وارد شده است، و حضرت

۱. مقتل الحسین، مرقم، ص ۳۰۴. ۲. سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۲۶. ۳. زیارت وارث. ۴. میزان الحکمه، ج ۴، باب الرضا، ص ۱۴۵. ۵. مجادله ۵۸: آیه ۲۲؛ توبه ۹۸، آیه ۱۱ و...

حَجَّت - عَجَّلَ اللهُ فرجه الشریف - از جد بزرگوارش سید العابدین علیه السلام الگوی خوبی دارد، که از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام آمده، در وصف حضرت قائم علیه السلام فرمود:  
با آن چهره گندمگون، زردی بی خوابی شب نیز آمیخته است، پدرم فدای آن کس که شبش را در حال سجود و رکوع و ستاره شماری (کنایه از بیداری) خواهد گذراند...<sup>۱</sup>

### حضرت امام باقر علیه السلام

بارزترین صفاتش، شباهت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.  
جابر انصاری هنگامی که نگاهش به آن حضرت افتاد گفت:  
به پروردگار کعبه قسم شمائل پیغمبر است.<sup>۲</sup>  
با این که جابر پیش از امام باقر، حسن و حسین و علی بن الحسین علیهم السلام را دیده، ولی چنین سخنی درباره آن ها نگفته بود.

حضرت قائم علیه السلام نیز شبیه به پیغمبر است، بلکه شباهتش به پیغمبر بیش تر و کامل تر می باشد.  
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:  
شبیه ترین مردم به من است در شمائل و اقوال و افعالش.

### حضرت امام صادق علیه السلام

بارزترین صفاتش، کشف علوم و بیان احکام، و پایه گذاری مذهب جعفری بود.  
حتی حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام، گاهی به سینه خود اشاره می کرد و می فرمود:  
«إِنَّ هَيْهُنَا لِعِلْمًا عِلْمًا جَمًّا لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةٌ...»؛ در این جا علم بسیاری هست اگر برای آن حاملانی بیابم...<sup>۳</sup>

### حضرت امام کاظم علیه السلام

در زمان آن حضرت، اختناق و تقیه و ترس از دشمن بسیار شدید بود.  
حضرت قائم علیه السلام نیز همین طور است.

### حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

خداوند ریاست و مقام ظاهری را برای آن حضرت قرار داد. تقیه و ترس در زمان آن حضرت تا حدودی برداشته شد.

حضرت قائم علیه السلام نیز خداوند متعال ترسش را به امنیت بدل خواهد ساخت، و او را در زمین اقتدار



و تسلطی خواهد داد.

حضرت امام باقر علیه السلام درباره آیه: «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ»؛ سوگند به روز آن گاه که تجلی نماید، فرمود:  
«روز» همان قائم ما اهل البیت است که هرگاه پیاخیزد، بر دولت باطل پیروز می شود...<sup>۱</sup>

#### حضرت امام جواد علیه السلام

وقتی امامت به آن حضرت رسید، هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، و عمرش از هشت بهار نگذشته بود.

حضرت قائم علیه السلام نیز همین طور بود، که در سنین طفولیت، لوای امامت را به دست گرفت.

#### حضرت امام هادی علیه السلام

آن حضرت علیه السلام، هیبتی داشته که نظیر آن را احدی نداشته، به طوری که دشمنان آن حضرت، احترام‌ها و تعظیم‌هایی برای آن جناب انجام می دادند، که برای هیچ کس آن احترام‌ها را انجام نمی دادند، که این امر بر اثر هیبت آن حضرت بود نه از روی محبت و علاقه به آن بزرگوار.  
حضرت قائم علیه السلام نیز همین طور است که - به ویژه در دل دشمنان و بدخواهان - هیبت و رعب خاصی دارد.

#### حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

آن حضرت علیه السلام نیز، همین صفت را دارد. در روایتی در مجلد دوازدهم بحار آمده است:  
عباسیان و صالح بن علی و گروهی از منحرفین از مسیر اهل بیت علیهم السلام بر صالح بن وصیف، هنگامی که امام حسن عسکری علیه السلام نزد او زندانی بود، وارد شدند و به او گفتند: بر آن حضرت سخت بگیر و در وضع او رفاه و آسایش فراهم مکن. در جواب گفت: با او چه کار کنم در حالی که از بدترین افرادی که توانسته‌ام بر او گماشته‌ام، ولی آنان در نماز و عبادت به جایگاه بلندی رسیده‌اند. سپس آن دو نفر گماشته را احضار کرد و به آن‌ها گفت: وای بر شما! درباره این شخص چه فکر می کنید؟ گفتند: چه بگوییم درباره مردی که روز خود را روزه دار است و شب را به عبادت می گذراند، نه سخن می گوید و نه غیر عبادت به کاری مشغول می شود، هرگاه به ما نظری بیفکنند، لوزه بر اندام ما افتد، و به طوری هیبت او در دلمان واقع می افتد که از خود بی خود می شویم. هنگامی که عباسیان این گفتار را شنیدند با خواری و سرافکنندگی رفتند.<sup>۲</sup>

A decorative rectangular border with a repeating floral and vine pattern surrounds the central text.

## فصل هشتم

تشرّف در عصر غیبت

### تشرّف در عصر غیبت

در عصر غیبت کبرا، مصلحت بر آن است که هر از چند مدّتی، حضرت خودش را به برخی از مردم و بزرگانی که سختشان مورد قبول است، نشان دهد تا مردم به وجود او اطمینان پیدا کرده و طولانی شدن غیبت، سبب انکار وجود حضرت نگردد، زیرا تنها برهان و دلیل - بویژه در میان عموم مردم -، موجب اطمینان و یقین به وجود امام زمان علیه السلام نیست.<sup>۱</sup>

بر این اساس، بزرگان دستور می دهند که برنامه های تشرّف اولیاء الله به خدمت امام زمان علیه السلام، بازگو شود، تا از طرفی مردم دلگرم شده، و موجب تقویت روحیه و امید آنان گردد، و از سوی دیگر، بر اعتقادشان نسبت به وجود حضرت افزوده شود.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که هیچ مانع و ماحذور شرعی و عقلی در تشرّف به خدمت حضرت علیه السلام وجود ندارد.

نکته مهم، ادّعای رابطه دروغین، با آن حضرت علیه السلام، برای رسیدن به مقاصد شیطانی و فریب دادن افراد است، که در جای خود، درباره آن بحث خواهیم نمود.

### رواج مدعیان دروغین!

وظیفه علما و روشنفکران علوم دینی این است که مردم را ارشاد و راهنمایی نمایند. افراد شیاد و حيله گر و عوام فریب، درصدد سوء استفاده از این مطلب هستند و باید مراقب بود، همانند این که به مجرد این که عده ای ادّعای دروغین نبوت کردند، اصل نبوت را نمی توان انکار نمود!

پس باید بسیار هوشیار بود و نسبت به عموم مردم، اطلاع و ارشاد و راهنمایی های لازم انجام

۱. دیدار حضرت در زمان غیبت، امکان دارد، دها برای دیدار حضرت هم مطلوبیت دارد، اما در عین حال مصالحی وجود دارد که نمی توان گفت دیدار با حضرت برای همه مطلوب باشد.

اگر از فردی که ادّعای دیدار با حضرت را کرده اصلاً دروغی نشنیده است و او فرد صادق و موثقی است در این مورد، می توان به او اطمینان کرد. (آیه انحرافی)

شود.

### ادعای ملاقات با امام زمان

کسانی که ادعای ارتباط و ملاقات با آن حضرت را دارند، دروغ گو هستند.

در زمان غیبت صغری، آن هم نه به اختیار خود انسان، بلکه به انتخاب امام زمان علیه السلام افرادی به نام نواب اربعه بودند، که با حضرت ارتباط داشتند، و سؤالات را از طرف مردم به خدمت امام علیه السلام می‌رساندند.

حتی در همان زمان مرحوم شیخ کلینی رحمته الله، با آن عظمت و جلال، و شیخ صدوق که حضرت عسکری علیه السلام دربارهاش فرمود:

«ای شیخ ما، و ای مورد اعتماد ما، ای فقیه ما»، «حسین بن روح» که از نواب خاص بود، واسطه ملاقات بوده‌اند.

در آن زمان، شیعیان، و آن هم علمای شیعه، سؤالات و مشکلاتشان را در نزد آن‌ها بیان می‌کردند.

مقصود از غیبت صغری این بود که امام علیه السلام می‌خواستند مردم شیعه را برای غیبت کبری آماده کنند.

غیبت صغری، که حدود ۶۹ سال طول کشید، مردم را آماده ساخت تا غیبت کبری شروع گردد. در زمان غیبت کبری، و حتی در ظهور صغری، تا وقتی حضرت تشریف بیاورند هیچ شخصی ارتباط، با اختیار خودش، با امام زمان علیه السلام ندارد، و اگر داشته باشد، هیچ کسی، حتی نزدیک‌ترین افرادش نمی‌دانند.

براین اساس اگر کسی بگوید:

من ارتباط دارم، و یا خبر بیاورد که آقا چنین گفته‌اند، او دروغ‌گو است! چرا که دستور این است که بگویید این گونه افراد کذابند. «و هو مفتر کذاب».

البته به هیچ وجه منکر دیدار و رؤیت امام زمان علیه السلام نیستیم، بلکه افرادی که خدمت حضرت رسیده و گواهی داده‌اند، از صالحین روزگار بوده‌اند، و این یکی از دلایل محکم بر وجود حضرت مهدی علیه السلام است.

ادعای ملاقات به عنوان سفارت و نیابت و تبلیغ و... طبق نص توفیق مبارک آن حضرت، منتفی

۱. اللهم ارنا وجهه و تلك السمون في حياتنا و بعد النون، پروردگارا! چهره فرخنده ولیات را در زندگی و بعد از مرگمان به ما بنمایان!

(زیارت حضرت در سراب غیبت)

است و مدعی آن، دروغگو است.

بر این اساس، خود مردم باید هشیار باشند و به گزافه گویی های افراد فرصت طلب گوش ندهند.

### امکان تشرّف

۱. از متن دعاهایی درباره حضرت مهدی علیه السلام می توان به امکان تشرّف استدلال نمود:

در دعای عهد آمده است:

وَ اَكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مَنِي اِلَيْهِ ؛ خدایا! با نگاهی به چهره آن عزیز، چشم مرا زیست نما.

در دعای تدبیه چنین می خوانیم:

وَ اُرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى ؛ ای کسی که دارای توان و نیروی شدیدی هستی، مولا و آقای این

عبد را به او نشان ده.

نیز بعد از دعا، در سلامی که در سرداب غیبت حضرت مهدی علیه السلام خوانده می شود این چنین آمده

است:

اِرْنَا وَجْهَ وَلِيكَ ؛ ای خدا صورت و چهره مولایمان را به ما نشان ده.

از تمام این دعاها و دعاهایی شبیه آن استفاده می شود که تشرّف به خدمت آن عزیز نه تنها ممکن

است، بلکه درخواست آن از خداوند تبارک و تعالی مستحبّ نیز می باشد.

۲. در طول تاریخ غیبت، اشخاصی موفق به ملاقات حضرت مهدی علیه السلام شده اند، که در بخش های

بعدهی، به مختصری از آن موارد اشاره خواهد شد.

### شرایط تشرّف

تشرّف به خدمت حضرت مهدی علیه السلام آداب و شرائطی ویژه دارد. از آن جمله:

۱. اضطرار؛ یعنی شخص به گونه ای خود را در مشکلات احساس کند، که دریابد هیچ نیرویی

نمی تواند او را نجات دهد، مگر آن که متصل به نیروی بی پایان الهی باشد، که جلوه بازر آن، وجود

مقدس حضرت مهدی علیه السلام است.

وقتی امید انسان، از همه جا قطع شد، در این لحظه متوجه نیرویی خواهد شد که می داند مطمئناً

توانایی نجات او را دارد که همان خداوند تبارک و تعالی است که توسط خلیفه خود در زمین، یعنی

حضرت مهدی علیه السلام صورت می پذیرد.

بر این اساس بزرگان سفارش نموده اند اگر کسی در بیابانی خشک و بی آب گرفتار شود و راه را

گم کند، در این حالت تشنگی و گرسنگی بر او غلبه کرده احساس می کند تا لحظاتی دیگر مرگ او فرا

می‌رسد، در این لحظه اگر مولایش را صدا بزند و بگوید: «یا اباصالح المهدی ادرکنی»، بی‌شک نجات پیدا خواهد کرد.

۲. اعمال مرضی خداوند؛ یعنی انجام اعمالی که مورد رضایت و پسند خداوند است.
۳. پرهیز از اعمال ناپسند؛ یعنی ترک کارهایی که اسباب ناخشنودی خداوند را فراهم می‌سازد.
۴. خواندن ادعیه؛ یعنی خواندن دعاها و اذکار در راستای ایجاد محبت و دوستی با آن حضرت و هم‌سویی کردار انسان با آن چه مورد رضایت حضرت حق می‌باشد، که پرده‌ها و موانع را برطرف کرده و دیدار آن محبوب را، هموار می‌سازد.
۵. انجام واجبات و مستحبات؛ استمرار بر نماز شب، زیارت عاشورا، زیارت جامعه، دعای عهد، دعای فرج، دعای ندبه، زیارت آل یس و... و همواره به یاد خداوند بودن، روح انسان را متعالی می‌سازد.
۶. رسیدگی به مردم؛ یعنی مرتفع کردن نیازمندی‌های مردم، اصلاح جامعه و...
۷. و ده‌ها موضوع دیگر، همگی، از جمله مواردی است که توفیق دیدار را دوچندان کرده و زمینه تشریف به دیدار حضرت مهدی علیه السلام را هموار می‌سازد.

### سعادت دیدار

حضرت مهدی علیه السلام در ضمن نامه‌ای به شیخ مفید رحمته الله علیه چنین فرمود:

اگر قلب و دل همه شیعیان و پیروان ما (که خداوند ایشان را بر اطاعت خود موفق فرماید) بر وفا به عهد و میثاقی که بر ایشان بسته شده بود، متحد می‌شد، برکت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و به زودی سعادت مشاهده ما همراه با معرفتی صحیح برایشان فراهم می‌شد.

پس ما را از ایشان محجوب و پنهان نمی‌دارد، مگر آن چه از اعمال ایشان که به ما می‌رسد، و ما از آن کارها گراخت داشته و نمی‌پسندیم.<sup>۱</sup>

۱. عموم مردم او را می‌بیند ولی نمی‌شناسند. به هنگام ظهور نور خنده‌اش انگشت حیرت بر دهان می‌گردد که ای وای او را بارها دیده‌ایم. تنها عددهای معدود، توفیق ملاقات با معرفت می‌یابند.

نکته ضروری این است که عاشق، زمینه آمدن معشوق را فراهم می‌سازد و خواسته او را گردن می‌نهد. آن که فقط می‌خواهد انجام را ببیند، عاشق نیست، خودخواه است!

گر قسمتم شود که تماشا کنم تو را  
این دیده نیست قابل دیدار روی تو  
ای نور دیده جان و دل اهدا کنم تو را  
چشمی دگر بده که تماشا کنم تو را  
(سازگار میثم)

۲. وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهِمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لِمَا تَأَخَّرَ مِنْهُمْ الْيَمِينَ بِلِقَائِنَا، وَلَتَجَلَّتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ التَّمَرُّقَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا، لِمَا تَخَيَّرْنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَمَلَّلُ بِنَا مِمَّا تَكْرَهُهُ، وَلَا تُؤَيِّزُهُ مِنْهُمْ، وَاللَّهِ الْمُسْتَعَانُ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَصَلَوَاتِهِ عَلَيَّ سَيِّدِنَا الْبَشِيرِ الشَّدِيرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

### انتظار صادقانه

آنان که مشتاق دیدار امام زمان علیه السلام هستند، علاوه بر این که باید در خود زمینه ملاقات با حضرت را ایجاد کنند، باید به نکاتی چند توجه داشته باشد:

یکم: دیدار حضرت یک اصل اساسی و ضروری نیست؛<sup>۱</sup>

آن چه در دوران غیبت اصل اساسی برای یک شیعه است، انتظار صادقانه، ایجاد زمینه برای ظهور حضرت و عمل به تکالیف دینی است.

در روایتی چنین آمده است:

هر کس با انتظار قائم علیه السلام از دنیا رود، همچون کسی است که در خیمه امام زمان علیه السلام و در خدمت او باشد.<sup>۲</sup>

دوم: دل خود را با نور محبت و ولایت ایشان آشنا سازد؛

سوم: برای اطاعت از خداوند به شدت تلاش کند و در راه تحقق این هدف گام بردارد.

چهارم: انگیزه های مادی و دنیا گرایانه را ترک کند.

پنجم: از افراط و تفریط پرهیز کند.

ششم: از عزلت و کناره گیری دوری گزیند.

هفتم: از تأخیر فیض دیدار ناامید نباشند.

هشتم: ... و ده ها مورد دیگر.

### اهداف ملاقات های امام زمان علیه السلام

در این مورد، به چند هدف اساسی می توان اشاره نمود:

۱. نجات مسلمانان از ظلم برخی از حاکمان منحرف، که از آن جمله می توان به نجات مردم بحرین اشاره کرد.

۲. نجات مسلمانان از دست دزدان و جنایت کاران.

۳. توجه دادن مردم به عدم تحقق شرط ظهور و...

۱. این طور نیست که اگر کسی توفیق پیدا نکرد، مورد عنایت حضرت نیست، یا از پیروان صادق و شیعیان راستین آن حضرت محسوب نشود. همان گونه که چه با بعضی افراد از راه های دور و نزدیک به سختی خود را به مسجد مقدس جمکران می رسانند، اما بعضی از نمازهای واجب از آنان شاید در بعضی مواقع، قضا شود، و یا احیاناً بعضی از محرمات، همانند ارتباط و نگاه آلوده با نامحرم، در مسیر رفت و برگشت برای آنان عادی باشد. در صورتی که همین امور سبب شدت اندوه و ناراحتی وجودنازنین حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. بنابراین در سال های اخیر، برخی با حضور در این مکان مقدس، ناهنجاری های اخلاقی داشته اند که جای تأسف است. اگر در این مکان، ملاقات و وعده های غیر اخلاقی صورت پذیرد، موجب رنجش خاطرنازنین امام عصر (عج) خواهد شد. بسیار تأمل و دقت شود!

۲. چهارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵. در بحث انتظار، تا حدودی در این باره و روایات آن مطالب ذکر گردید.

### اهداف امام زمان علیه السلام در ملاقات‌ها

به برخی از آن اهداف، اشاره می‌شود:

۱. هدایت شخص و امانده در راه و ملحق کردن او به قافله.
۲. یاری دادن یکی از دو طرف مباحثه که بر طریق حق بوده به جهت مصلحتی که اقتضا کرده است.
۳. حل برخی از مسائل که بر علما دشوار می‌شود.
۴. خبر دادن از برخی مسائل سیاسی مهم زمان قبل از آن که به وقوع بپیوندد، به جهت حفظ مصالح شیعیان.
۵. بالا بردن سطح علمی و معیشتی شیعیان.
۶. مساعدت مالی به شیعیان گرفتار.
۷. شفای مریض‌هایی که زمین‌گیر شده و پزشکان آن‌ها را رد کرده‌اند.
۸. تعلیم ادعیه و اذکار به جماعتی از مردم، همانند تعلیم دعای فرج.
۹. تحریص بر تلاوت ادعیه به جهت رفع گرفتاری‌ها. ۱۰ و...



### اقوال علما در مورد امکان تشرّف

عموم علمای شیعه از قدما و متأخرین قائل به امکان تشرّف حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت کبری بوده‌اند.

در این مقام به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱. سید مرتضی علیه السلام

«ما قطع نداریم که دست کسی به امام نمی‌رسد و بشر نمی‌تواند او را ملاقات کند، این امری غیر معلوم است که راهی بر قطع به آن نیست.»

«اگر گفته شود که علت استتار امام، خوف از ظالمین و تقیه از معاندین است، در جواب می‌گوییم: این علت در حق اولیا و شیعیانش نیست، پس واجب است که برای آن‌ها ظاهر گردد...»

#### ۲. شیخ طوسی علیه السلام

«ما تجویز می‌کنیم که بسیاری از اولیا و قائلین به امامت او به خدمتش رسیده و از او نفع ببرند.»

#### ۳. سید بن طاووس علیه السلام

وی خطاب به فرزندش می‌گوید: «راه به سوی امامت باز است برای کسی که خداوند - جلّ شأنه - اراده کرده تا به او عنایت و نهایت احسان کند.»

و نیز در جایی دیگر می‌گوید: «گرچه امام الآن از جمیع شیعیان غایب است ولی ممتنع نیست که جماعتی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده، از گفتار و کردار ایشان استفاده کنند و از دیگران کتمان نمایند...»

#### ۴. آخوند خراسانی علیه السلام

او در مبحث اجماع می‌گوید: «... گرچه احتمال تشرّف برخی از افراد صالح و اوحدی به خدمتش، داده می‌شود، و احیاناً او را نیز می‌شناسند.»

### ۵. محقق نائینی رحمته الله

«و اما در زمان غیبت، عادتاً رؤیت حضرت ممکن نیست. آری، گاهی در زمان غیبت برای اوحیدی و افراد صالح، تشرّف به خدمت حضرت و گرفتن حکم از ایشان امکان پذیر است.»

### عقیده اهل سنت درباره ملاقات در عصر غیبت

آیا می توان طبق قاعده سد ذرایع ادعای ملاقات با حضرت را دروغ دانست؟  
اهل سنت معتقدند راه هایی که به حرام منجر می شود را باید به طور مطلق مسدود نمود.  
به تعبیر دیگر، مقدمه حرام مطلقاً و به طور کلی حرام است، این را قاعده سد ذرایع می گویند.  
ولی در جای خود به اثبات رسیده که مقدمه حرام همیشه حرام نیست، بلکه برای کسی حرام و در موازای حرام است که به طور حتم و قطع، امری منجر به حرام گردد.  
در مورد ادعای ملاقات، اگر در جایی این ادعا منجر به انحراف برخی گردد، نقل آن حرام است، ولی در عموم خبرها چنین نیست، بلکه نقل آن ها باعث تقویت ایمان مردم به حضرت خواهد شد، اگر چه ممکن است برخی سوء استفاده کرده و هوس چنین ادعاهایی نمایند، ولی وظیفه علما است که در مقابل این گونه افراد ایستاده و مردم را از مقاصد شوم آنان مطلع سازند.

## تشریف یافتگان

### تشریف یافتگان

کسانی که در غیبت کبری به دیدار حضرت مشرف شده‌اند، از حدّ شمارش بیرون است، زیرا برخی از آنان، ناشناخته مانده‌اند.

کتاب گران سنگ «العقربى الحسان فى احوال مولینا صاحب الزمان» از تالیفات مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی رحمته که حاوی حکایات بسیار زیادی در خصوص تشریفات، مکاشفات، رؤیاهای توهمات به محضر این امام مهربان می‌باشد، به حدی مورد اعتماد علماء، بزرگان و دانشمندان است که از کتب مرجع در این زمینه‌ها قرار گرفته، و غالباً در نقل قضایا به آن استناد می‌شود، لذا اهمیت قابل توجهی دارد.

تنها، به ذکر نام برخی از تشریف یافتگان، بسنده می‌شود:

۱. اسماعیل هرقلی رحمته
۲. ملا احمد مقدس اردبیلی رحمته
۳. سید بحر العلوم رحمته
۴. سید بن طاووس رحمته
۵. حسن بن مثله جمکرانی رحمته
۶. علی بن مهزیار اهوازی رحمته
۷. علامه حلی رحمته
۸. شیخ انصاری رحمته
۹. شیخ صدوق رحمته
۱۰. شیخ مفید رحمته

۱۱. شهید ثانی رحمته الله علیه

۱۲. و....

تشریف مرجع عالیقدر، مرحوم آیت الله العظمی نجفی مرعشی رحمته الله علیه

در کتاب قبسات در شرح حال زندگی مرحوم آیه الله نجفی مرعشی رحمته الله علیه آمده است که این بزرگوار سه مرتبه خدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام مشرف شده اند.

ترجمه یکی از تشریفات آن فقیه اهل بیت عصمت و طهارت را که نکات مهم و آموزنده‌ای را در بردارد، می‌آوریم: ایشان چنین فرموده اند:

در ایام تحصیل در نجف اشرف شوق زیادی به دیدار جمال مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - داشتم.

با خویش عهد بستم که چهل شب چهارشنبه پیاده به مسجد سهله مشرف شوم، به این نیت که جمال نورانی حضرت صاحب الامر علیه السلام را زیارت کنم و به این فوز بزرگ نائل شوم. شب چهارشنبه سی و پنجم و یا سی و ششم بود، در آن شب رفتم از نجف اشرف به تأخیر افتاد و هوا ابری و بارانی بود.

نزدیک مسجد سهله خندقی بود، هنگامی که به آنجا رسیدم، بر اثر تاریکی شب وحشت و ترس وجود مرا فرا گرفت، مخصوصاً از جهت ازدیاد دزدها و قطاع‌الطریقها. ناگهان صدای پایی از پشت سر شنیدم که بیش تر موجب ترس و وحشت شد. برگشتم به عقب، سید عربی را با لباس اهل بادیه دیدم.

نزدیک من آمد و با زبان فصیح گفت: ای سید، سلام علیکم.

تا صدای او را شنیدم، ترس و وحشتم برطرف شد و سکون و آرامش خاطر پیدا کردم. برایم تعجب آور بود که چگونه آن شخص در تاریکی شدید، متوجه سیادت من شد، و در آن لحظه از این مطلب غافل بودم.

به هر حال سخن می‌گفتم و می‌رفتم.

از من سوال کرد: قصد کجا داری؟

گفتم: مسجد سهله.

فرمود: به چه نیت؟

گفتم: به قصد تشریف و زیارت ولی عصر علیه السلام.

مقداری که رفتیم، به مسجد کوچکی که به مسجد زید بن صوحان شهرت دارد و در نزدیکی مسجد سهله است، رسیدیم.

داخل مسجد شده نماز خواندیم.

بعد از نماز، دعایی خواند، کان دیوارها و سنگها آن دعا را با او زمزمه می کردند.

احساس انقلاب عجیب در خود نمودم که از وصفش عاجزم.

بعد از دعا، سید فرمود: سید، تو گرسنه ای، چه خوب است شام بخوری.

سپس سفره ای را که زیر عبا داشت، بیرون آورد و در آن مثل این که سه قرص نان و دو یا

سه خیار سبز تازه بود که گویی تازه از باغ چیده بودند، و آن وقت وسط زمستان بود و

سرمای زنده ای بود و من متوجه به این معنا نشدم که این آقا خیار تازه سبز را در این فصل

زمستان از کجا آورده است.

طبق دستور مولا شام خوردم.

سپس فرمود: بلند شو تا به مسجد سهله برویم.

داخل مسجد شدیم، آقا مشغول اعمال وارده در مقامات شد و من هم به متابعت آن بزرگوار

انجام وظیفه می کردم و بدون اختیار نماز مغرب و عشاء را به آن عزیز اقتدا کردم و متوجه

نبودم که این آقا کیست.

بعد از آن که اعمال تمام شد، آن نازنین فرمود: ای سید، آیا مثل دیگران بعد از اعمال مسجد

سهله به مسجد کوفه می روی یا در همین جا می مانی؟

گفتم: می مانم.

در وسط مسجد در مقام امام صادق علیه السلام نشستیم.

به سید گفتم: آیا چای یا قهوه یا دخانیات میل داری آماده کنم؟

در جواب، کلام جامعی را فرمود که در اعماق وجودم اثر گذاشت به گونه ای که هر گاه یادم

می آید، ارکان وجودم می لرزد.

فرمود: این امور از فضول زندگی است و ما از این فضولات دوریم.

به هر حال مجلس نزدیک دو ساعت طول کشید و در این مدت مطالبی رد و بدل شد که به

بعضی از آن ها اشاره می کنم:

۱. در رابطه با استخاره سخن به میان آمد، سید عرب فرمود: ای سید، با تسبیح چگونه

استخاره می کنی؟

گفتم: سه مرتبه صلوات می فرستم و سه بار می گویم: استخیر الله برحمته خیره فی عافیه. پس قبضه‌ای از تسبیح را گرفته می شمارم، اگر دو تا ماند، بد است و اگر یکی ماند، خوب است.

فرمود: برای این استخاره مطلبی هست که به شما نرسیده و آن مطلب این است که هرگاه یکی ماند، فوراً حکم به خوبی استخاره نکنید، بلکه توقف کنید و دوباره بر ترک عمل استخاره کنید. اگر زوج آمد، کشف می شود که استخاره اول خوب است اما اگر یکی آمد، کشف می شود که استخاره اول میانه است. به حسب قواعد علمیه باید دلیل می خواستم زیرا به جای دقیق و باریکی رسیده بودیم، ولی به مجرد این قول، تسلیم و منقاد شدم و در عین حال غافل بودم که این آقا کیست.

۲. تاکید فرمودند بر تلاوت و قرائت این سوره ها بعد از نمازهای واجب: بعد از نماز صبح سوره یس، بعد از نماز ظهر سوره عم، بعد از نماز عصر سوره نوح، بعد از نماز مغرب سوره واقعه و بعد از نماز عشاء سوره ملک.

۳. تاکید فرمودند بر خواندن دو رکعت نماز بین مغرب و عشاء که در رکعت اول بعد از حمد، هر سوره خواستی بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره واقعه را بخوان، و فرمود: کفایت می کند این نماز از خواندن سوره واقعه بعد از نماز مغرب، که ذکر شد.

۴. سفارش فرمودند که: بعد از نمازهای پنجگانه، این دعا را بخوان: اللهم سرخنی عن الهموم و القموم و وحشه الصدر و وسوسه الشیطان برحمتک یا ارحم الراحمین.

۵. سفارش فرمودند بر خواندن این دعا بعد از ذکر رکوع در نمازهای یومیه، خصوصاً در رکعت آخر: اللهم صل علی محمد و آل محمد و ترحم علی عجزنا و اغثنا بحقهم.

۶. در تعریف و تمجید از شرایع الاسلام محقق حلی فرمودند: تمام مطالب آن مطابق با واقع است مگر کمی از مسائل آن.

۷. تاکید فرمودند بر خواندن قرآن و هدیه کردن ثوابش به ارواح شیعیانی که وارثی ندارند یا وارثی دارند و یادی از آن ها نمی کنند.

۸. تاکید فرمودند بر تحت الحنک را از زیر گردن دور دادن و سر آن را در عنامه قرار دادن، چنانکه علمای عرب به همین شکل عمل می کنند، و فرمود: در شرع چنین وارد شده است.

۹. تاکید فرمودند بر زیارت سیدالشهداء علیهم السلام.

۱۰. دعا در حقم فرمودند که: جعلک الله من خدمة الشرع (خداوند تو را از خدمتگزاران

شرع قرار دهد).

۱۱. پرسیدم: نمی دانم آیا عاقبت کارم خیر است و آیا من نزد صاحب شرع مقدس رو سفیدم؟ فرمود: عاقبت تو بخیر وسعت مشکور است و نزد صاحب شرع رو سفیدی. گفتم: نمی دانم آیا پدر و مادر و اساتید و ذوی الحقوق از من راضی هستند یا نه؟ فرمود: تمام آن ها از تو راضی اند و درباره ات دعا می کنند. استدعای دعا کردم برای خودم که موفق باشم برای تالیف و تصنیف کتب. دعا فرمودند.

مطالب دیگری رد و بدل شد که مجال تفصیل و بیانش نیست. پس برخاستم که از مسجد بیرون روم به خاطر حاجتی. آمدم نزد حوضی که وسط راه قبل از خارج شدن از مسجد قرار دارد. به ذهنم خطور کرد که امشب چه شبی است و این سید هرب کیست که این همه با فضیلت است، شاید این آقا همان محبوب و معشوقم باشد. مضطرب شدم و برگشتم و آن گل زیبای ترجس خاتون را ندیدم و کسی هم در مسجد نبود. یقین پیدا کردم که حضرت صاحب الزمان علیه السلام را زیارت کردم. مشغول گریه و زاری شدم و همچون مجنون سرگردان در اطراف مسجد گردش می کردم و تا صبح چون عاشقی که بعد از وصال مبتلا به فراق گشته است، واله و حیران بودم.

هرگاه یاد آن شب می افتم، بهت زده می شوم.

## خدا کند تو بیایی

چقدر منتظرم من، خدا کند تو بیایی  
 نشسته پشت درم من، خدا کند تو بیایی  
 از آن درخت شکسته، از آن پرندۀ خسته  
 هنوز خسته ترم من، خدا کند تو بیایی  
 همیشه در سفری تو، بهار و برگ و بری تو  
 درخت بی ثمرم من، خدا کند تو بیایی  
 غریب مانده‌ام اینجا، غریب مثل پرستو  
 شکسته بال و پر من، خدا کند تو بیایی  
 شب است و ماه، تویی تو؛ نشان راه تویی تو  
 ببین که در به درم من، خدا کند تو بیایی<sup>۱</sup>

## بیان نکته‌ای از محقق و تدوین‌گر کتاب:

آمار افرادی که خدمت حضرت ولی عصر، علیه السلام، رسیده‌اند، بسیار زیاد است. از افراد فاقد سواد، تا مجتهدین و سالکین و... که در این راه، هیچ محدودیتی وجود ندارد. اما در فصلی که گذشت، از آن جهت تنها به جریان تشریف آیه الله العظمی نجفی رحمته اشاره گردید، که این عالم ربانی و مجتهد زاهد و باتقوا، از سویی از اساتید برجسته و والامقام مؤلف این کتاب بوده‌اند و نسبت به معظم له لطف فراوان داشتند و از سوی دیگر، مهرشان به گونه‌ای متفاوت، در قلوب مؤمنین و ارادتمندان به ایشان جای داشت. (در این ارتباط خاطرات، مواعظ، دست خط‌های آن عالم ربانی در دسترس بود، اما به خاطر آن که این کتاب گرانسنگ که به احادیث ائمه معصوم (ع) متبرک گردیده، با دفترچه خاطرات و دست خط‌ها و نوشتجات و تقریظ‌ها و تصدیقات مخلوط نگردد، از نقل آن موارد پرهیز گردیده است، که ان شاء الله در جزوه مستقلی مستند خواهد شد.)

امید است محققین بزرگوار، در کتاب‌های تألیفی خویش، از کلمات دُرربار علما و فقها که چراغ راه هستند، به خوبی استفاده کرده، گفتار و نوشتار آن بزرگان را، سرلوحه مباحث قرار دهند. شاید گوشه‌ای از الطاف بی‌کران آن بزرگواران را، نسبت به دین، مذهب و مسلمانان، به این صورت ادا کنیم.





فصل نہم

رجعت

## رجعت

واژه «رجعت» در لغت، به معنی بازگشتن است.

«رجعت» در اصطلاح به معنای بازگشتن و زنده شدن مؤمنان خالص و کافران محض، بعد از ظهور امام زمان علیه السلام است.

قرآن کریم به مسأله رجعت اشاره کرده و وقایع و رخدادهایی را نسبت به امت های پیشین و بنی اسرائیل نقل کرده است. از آن جمله است:

۱. داستان «عزیز پیامبر» که مُرد و بعد از صد سال زنده شد.<sup>۱</sup>
  ۲. داستان جمعیتی که خدا آن ها را میراند و بعد آن ها را زنده نمود.<sup>۲</sup>
  ۳. داستان هفتاد نفری که حضرت موسی علیه السلام برای رفتن به کوه طور انتخاب نمود و در وادی کوه طور بعد از این که صاعقه آن ها را فرا گرفت، مُردند و بعد خدا آن ها را زنده نمود.<sup>۳</sup>
  ۴. داستان کشته بنی اسرائیل که بعد از زدن قسمتی از گاو به آن زنده گشت.<sup>۴</sup>
  ۵. زنده کردن مرده ها توسط حضرت عیسی علیه السلام.<sup>۵</sup>
  ۶. داستان پرنده هایی که حضرت ابراهیم علیه السلام آن ها را کشت، گوشت آن ها را مخلوط نمود و هر قسمتی از آن را بر کوهی نهاد و بعد آن ها را خواند و زنده شدند.<sup>۶</sup>
- از مجموع این داستان های قرآنی، امکان وقوع رجعت اثبات شود، گرچه این موارد از مصادیق اصطلاحی رجعت نیست.

روایات در خصوص رجعت، متواتر است به نحوی که وقوع رجعت را مسلم می کند.

### رجعت از منظر قرآن کریم

همان گونه که در مقدمه بحث ذکر گردید، خداوند سبحان در قرآن کریم به رجعت (به معنای

۱. بقره: ۵۵-۵۶  
۲. بقره: ۲۶۰

۳. بقره: ۲۴۳  
۴. مائده: ۱۱۰

۵. بقره: ۲۵۹  
۶. بقره: ۶۳

رجوع کسی به این دنیا) در موارد زیادی اشاره فرموده است.

اینک به برخی از نمونه‌های آن با ذکر آیه شریفه اشاره می‌گردد:

۱. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ ﴾

آیا ندیدید کسانی را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزاران تن بودند، خداوند

فرمود: بمیرید، همه مردند سپس آنان را زنده کرد.

آیه اشاره به زنده شدن هفتاد هزار خانوار دارد که بر اثر طاعون از دنیا رفته بودند.<sup>۱</sup>

۲. خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿ قُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾ پس دستور

دادیم که پاره‌ای از اعضای آن گاو را بر بدن کشته بزیند تا ببینید که خداوند این گونه مردگان

را زنده خواهد نمود و قدرت کامل خویش را آشکار خواهد ساخت، شاید شما به خرد

درآیید.

آیه مربوط به کشته بنی اسرائیل است که به قدرت خداوند زنده شد.<sup>۲</sup>

۳. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴾ ثُمَّ

بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و به یاد آرید وقتی را که گفتید: ای موسی! ما به تو

ایمان نمی‌آوریم مگر آن که خدا را آشکارا ببینیم، پس صاعقه سوزان بر شما فرود آمد و آن

را به چشم خود مشاهده کردید، سپس شما را بعد از مرگ برانگیختیم، باشد که خدا را شکر

گزارید.

آیه مربوط به برخی از قوم حضرت موسی علیه السلام است که تقاضای رؤیت خدا به چشم را کردند، که

این خواسته سبب نزول عذاب و مرگ آنان شد، ولی خداوند بار دیگر آن‌ها را زنده کرد.<sup>۳</sup>

۴. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ

اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ؛ یا به مانند آن کسی که به دهکده‌ای گذر کرد که خراب و ویران شده

بود، گفت: به حیرتم که خداوند چگونه این مردگان را دوباره زنده خواهد کرد، پس خداوند او

را صد سال میراند و سپس زنده‌اش کرد.

آیه مربوط به یکی از انبیای الهی است که پس از صد سال دوباره زنده شد.<sup>۱</sup>

۵. خداوند از حضرت عیسی علیه السلام حکایت کرده که فرمود:

«وَأَخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ من مرده را به اذن خدا زنده می‌کنم.

مرحوم طبری می‌گوید: حضرت عیسی علیه السلام مردگان را با دعایش زنده می‌کرد.

مطابق روایات نبوی، که هر آن چه در امت‌های پیشین اتفاق افتاده در این امت نیز واقع خواهد

شد، مسأله رجوع به دنیا، بعد از مرگ، در این امت نیز امری واقع شدنی است.<sup>۲</sup>

### اشکال دهلوی

دهلوی می‌گوید:

مطابق برخی از آیات، رجعت انسان به این دنیا امکان‌پذیر نیست، زیرا خداوند متعال درخواست

کسانی را که تقاضای رجوع به دنیا را نموده‌اند رد کرده است.

آیه مورد نظر این چنین می‌فرماید:

«قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِي - لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ

إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ»؛ می‌گوید: پروردگار من! مرا باز گردانید. شاید در آن چه ترک کردم (و

کوتاهی کردم) عمل صالحی انجام دهم. (ولی به او می‌گویند: چنین نیست! این سخنی است که

او به زبان می‌گوید (و اگر باز گردد، کارش همچون گذشته است) و پشت سر آنان برزخی

است تا روزی که برانگیخته شوند.

پاسخ:

۱. مورد بحث، رجعت گروهی خاص از مؤمنین و فاسقین است، در حالی که آیه عموم و اطلاق

دارد، لذا می‌توان اطلاق آن را به اخبار متواتر رجعت برخی از افراد، تقیید زد.

۲. ظهور آیه، در تقاضای رجوع به دنیا قبل از مرگ و هنگام دیدن ملک الموت است نه بعد از

مرگ، و مورد رجعت بعد از مرگ است.

۳. آیه، ظهور در عدم تحقق رجعت به دنیا با طلب کافر دارد، و منافات ندارد که با امت‌های پیشین

چنین اتفاقی افتاده است.

۴. آیات بسیاری نص در تحقق رجعت در این دنیا دارد، و لذا بر فرض ظهور آیه مورد نظر در عدم

رجوع باید ظهور آن را تاویل نمود، زیرا نص مقدم بر ظاهر است.

۵. آیه اخصّ از مدّعی است، زیرا مربوط به درخواست رجعت از طرف کفار است، در حالی که مورد بحث اعم است.

### فواید رجعت

در اعتقاد به رجعت، آثار و فواید بسیاری مترتب است. از آن جمله:

۱. از آن جهت که عصر ظهور به مانند بهشت روی زمین است، و از طرفی دیگر مفاد روایات، رجعت مخصوص انسان‌های بسیار خوب و بسیار بدیه این دنیا است، لذا این اعتقاد، انسان را تشویق می‌کند تا بکوشد و مصداق انسان خوب گردد تا بتواند در عصر ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام به این فضیلت نایل آید.

۲. از آن جا که انسان قبل از ظهور باید زمینه ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشد، لذا بحث از رجعت، اثر تربیتی و جنبه عملی دارد.

### رجعت از منظر علمای شیعه

مسأله رجعت مورد اتفاق علمای شیعه و از مسائل ضروری مذهب شیعه است.

شیعه امامیه معتقد است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت عدل الهی در سرتاسر جهان، گروهی از اولیای الهی و دوست داران خاندان رسالت، و برخی از معاندان و دشمنان خاندان وحی که از دنیا رفته‌اند، به دنیا باز می‌گردند.

اولیای الهی و صالحان، با دیدن حاکمیت حق و عدل در گستره گیتی، شادمان می‌شوند.

علاوه بر آن، پرتویی از ثمرات ایمان و اعمال صالح خود را در دنیا مشاهده می‌نمایند.

معاندان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام نیز، بخشی از جزای اعمال ناشایست خود را در این دنیا مشاهده کرده و به کیفر آن خواهند رسید.

۱. علامه مجلسی رحمته الله علیه، در جلد ۵۳ کتاب گرانسنگ بحار الانوار، حدود ۲۰۰ روایت صریح پیرامون

رجعت، از بیش از ۴۰ نفر از روایت بزرگ و ثقه نقل کرده‌اند و فرموده است:

بیش از ۵۰ کتاب توسط علمای بزرگ، پیرامون رجعت نوشته شده است.

۲. رجعت بعد از ظهور امام زمان علیه السلام و در زمان حکومت جهانی ایشان پدید خواهد آمد.

۳. در روایات آمده که مؤمنان خالص و کافران و مشرکان محض مشمول رجعت می‌شوند، و در

زمان حکومت امام زمان علیه السلام زنده خواهند شد.

۴. هم چنین در روایات، از افرادی به خصوص نام برده شده است که زنده خواهند شد، مانند

حضرت رسول اکرم ﷺ، ائمه طاهرين ﷺ، حضرت عیسیٰ ﷺ، جمعی از اصحاب پیامبر ﷺ هم چون سلمان، مقداد، جابر بن عبدالله انصاری و... و اصحاب کهف.

۵. در روایات تصریح شده است نخستین امامی که رجعت می‌کند، حضرت امام حسین ﷺ است و ایشان مدت طولانی حکومت می‌کند، به گونه‌ای که از کثرت سن ابروهایش روی دیدگانش می‌ریزند.<sup>۱</sup>

### زمان رجعت

همان گونه که ذکر گردید، در این جریان که پس از قیام حضرت مهدی (عج) به وقوع می‌پیوندد، خداوند عده‌ای از مردگان را با همان اندام و صورتی که بودند زنده کرده و به دنیا برمی‌گرداند، به گروهی از آنان عزت داده و گروهی را ذلیل خواهد کرد و حق مظلومان را از ستم‌گران می‌گیرد. زنده شدگان، کسانی هستند که در حدّ اعلای ایمان و یا در حدّ اعلای کفر و فسادند.

پس از مدتی زنده شدن و دریافت کیفر و پاداش برخی از اعمالشان، دوباره می‌میرند و در روز قیامت برای کیفر و پاداش کامل تر زنده می‌شوند.

هم چنین در عصر رجعت، پس از امام قائم (عج)، ائمه دیگر به دنیا برمی‌گردند و یکی پس از دیگری حکومت می‌کنند، حتی وقتی حضرت قائم (عج) از دنیا رحلت می‌کنند، امام حسین ﷺ ایشان را غسل می‌دهد.<sup>۲</sup>

امام صادق ﷺ فرمود:

نخستین کسی که قبرش می‌شکافد و زنده شده به دنیا برمی‌گردد، حسین بن علی ﷺ است، و این رجعت عمومی نیست (که تمام مردگان زنده شده و سر از قبر درآورند)، بلکه افراد خاصی به دنیا برمی‌گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند.

هم چنین امام باقر ﷺ فرمود:

پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی ﷺ به دنیا رجعت می‌کنند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۶.

زیارت آل یاسین، دستور العملی ویژه از ناحیه مولایمان حضرت ولی عصر (عج) برای برقراری ارتباط قلبی با خداوند از طریق آن حضرت است که می‌بایست در دستور کار شیعیان و مجتهدان آن حضرت قرار گیرد. این زیارت نورانی، برای ارتباط نزدیک قلبی با امام زمان (عج)، فضایی بسیار صمیمانه و عاشقانه را فراروی دوستداران حضرتش می‌گشاید. اسلام بر توای درگاه خدا و ای محافظ دین خدا، سلام ما بر تو آن هنگام که قیام فرمایی! سلام ما بر تو آن هنگام که در پرده غیبت نشسته‌ای! سلام ما بر نماز و بر قنوت تو! سلام ما بر رکوع و سجود تو! سلام ما بر تهلیل و تکبیر تو! سلام ما بر ستایش و استغفار تو!

زمینت مشرق جغرافیای عرفانی  
کسی که هست در سفر عشق خط پایانی  
(زنده باد قیصر امین پور)

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی  
کسی که نقطه آغاز هر چه پرواز است

۲. اثبات الهداء، ج ۷، ص ۱۰۳.

### سابقه اعتقاد به رجعت از چه زمانی است؟

اعتقاد به رجعت از مباحث ریشه‌داری است که اعتقاد به آن از خصوصیات مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است.

گرچه اصل این عقیده سرچشمه‌ای قرآنی داشته و در احادیث رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز به آن اشاره شده است.

لذا با مراجعه به کتاب‌های تراجم اهل سنت مشاهده می‌نماییم، که از امامیه با این اعتقاد یاد می‌کنند.

در طول تاریخ اسلام، علمای شیعه سعی زیادی در راه تثبیت این عقیده داشته‌اند، به حدی که برخی در این باره، کتاب تألیف کرده‌اند.

#### نظر مرحوم شیخ صدوق رحمته‌الله

قول صحیح آن است که رجعت در میان امت‌های پیشین بوده است، و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: هر آن چه در بین امت‌های پیشین اتفاق افتاده در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد، پس واجب است که در این امت نیز رجعت باشد.<sup>۱</sup>

#### نظر شیخ مفید رحمته‌الله

خداوند متعال گروهی از امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بعد از وفاتشان و قبل از روز قیامت، محشور خواهد نمود، و این عقیده مختص به آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، و قرآن نیز بر آن شاهد می‌باشد.<sup>۲</sup>

#### نظر سید مرتضی رحمته‌الله

از اعتقادات شیعه آن است که خداوند متعال هنگام ظهور امام مهدی علیه‌السلام، گروهی از شیعیان را که از دنیا رفته‌اند باز می‌گرداند تا به ثواب یاری و نصرت آن حضرت نایل شده و دولت او را مشاهده نمایند. هم‌چنین گروهی از دشمنان را باز می‌گرداند، تا انتقامش را از آنان بستانند.<sup>۳</sup>

#### نظر شیخ حر عاملی رحمته‌الله

همانا ثبوت رجعت، نزد همه علمای معروف و مصنفین مشهور، از ضروریات مذهب امامیه به حساب می‌آید، و حتی عامه نیز، از این موضوع باخبرند.<sup>۴</sup>

۳. رسایل الشریف المرتضی ج ۱، ص ۲۵.

۲. بهار، ج ۵۳، ص ۱۳۶.

۱. اعتقادات صدوق ص ۴۲-۴۱.

۴. الايقاظ من الهجاء، ص ۶۰.

نظر مرحوم علامه مجلسی

همانا اعتقاد به رجعت، در همه عصرها، مورد اجماع شیعه بوده، و این مسأله، مانند خورشید در وسط روز معلوم است.<sup>۱</sup>

نظر سیدنا الاستاد مفسر عالی مقام، علامه طباطبایی

روایات رجعت از طریق اهل بیت علیهم السلام، به تواتر معنوی به ما رسیده است.<sup>۲</sup>

نظر استاد و ستاره درخشان حوزه‌های علمیه

حضرت آیه الله العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی فقیه یزدی، دامت برکاته، از جمله علمایی است که علاوه بر آن که نظریه‌های علمی و فقهی اش منحصر بفرد است، اما نسبت به نقد و بررسی محققین به نظریه‌هایشان بسیار متواضع هستند. از این رو، آن نظریه‌ها را در مواضع گوناگون و مناسب در این کتاب ذکر نمودیم. (و بدون هیچ‌گونه چاپلوسی باید نوشت که نظرات این عالم ربانی بسیار دقیق و منحصر بفرد است).<sup>۳</sup>

نظریه استاد بزرگوار، نسبت به مسأله «رجعت»:

علاوه بر تواتر روایات رجعت، در ادعیه و زیارات هم به رجعت اشاره شده است؛ از جمله

در زیارت جامعه آمده است: «مُؤْمِنٌ بِبَيِّنَاتِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ»...

و در زیارت آل یاسین «أَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا» آمده است.

و در زیارت وارث «أَنْتَ يَا بَدِيءُ الْوَسْمَاءِ بِبَيِّنَاتِكُمْ [بَيِّنَاتِكُمْ] مُؤَقِّنٌ» ذکر گردیده است.

و در زیارت عاشورا «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

آلِهِ» آمده است.

در دعای عهد نیز «اللَّهُمَّ إِنْ خَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَةَ الْمَوْتِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي

مِنْ قَبْرِي» ذکر شده است.

۱. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۲۳  
۲. المیزان ج ۲، ص ۱۰۷  
۳. نکته بسیار مهم این است که باید قدر این بزرگان و عالمان زاهد را بدانیم، و حفظ ارتباط معنوی و روحی با این شخصیت‌های بزرگ، ارزش فوق‌العاده‌ای دارد.  
چه بسا بسیاری از گرفتاری‌هایی که روزمره، وجود دارد، از بی‌توجهی نسبت به عالمان و فقیهان است و امیدواریم آنان را که وارثان انبیاءانده و در نزد خداوند آبرو و عزت دارند، بسیار عزیز بدانیم. شاید تفردهای از الطاف بی‌کران آنان را توانسته باشیم ادا کنیم. یکی از نکات مهم و قابل توجه، بیان نظرات و اندیشه‌های ژرف و مهم آنان است که باید در نوشته‌جات آورده شود. هر شخصی، هرچه از روحیات و مقام‌های علمی و معنوی یک عالم بیشتر آگاه باشد، وظیفه‌اش سنگین‌تر است، چرا که باید نظریه‌های آن بزرگان را سرلوحه مباحث خویش قرار دهد و به نقد و بررسی آنان بپردازد. غفلت از این مهم، روحیه غفلت و بی‌اعتنایی نسبت به بزرگان دین را در نفس ما تقویت می‌کند. آنان که از این مهم غفلت داشته‌اند، ان شاء الله تعالی بتوانند گذشته‌ها را جبران کنند! (البته کسانی که ریزه‌خوار، سفره نعمت آن عزیزان بوده‌اند، و عزت‌شان را از عزت آن فقیهان کسب کرده‌اند، اما بی‌بروایی هدف، جوایز نام و نشان هستند، باید استغفار کنند، و اگر برای رضای خداوند کار می‌کنند، لازم است از آن سرمایه‌های گران‌قدر استفاده کنند و مباحث و نکات ارزشمند آنان را نقد و بررسی کنند.)



از طرفی، ایمان به امامان و رجعت آنان، یا اعتقاد به آیات و معجزاتشان، پایه اعتقاد و ایمان به شمار می آید، و از سوی دیگر، یقین به شریعت‌های دینی، اساس برنامه‌های اسلامی انسان محسوب می‌شود. در آخر این فراز، یقین به «خَوَاتِمِ عَمَلِي» را متذکر شده است. خواتیم عمل، یعنی پایان و نهایت اعمال که اشاره به عالم پس از این عالم، از برزخ تا آخرت را دارد. گویی این آیه شریف نیز به خواتیم عمل اشاره دارد: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»؛ (تا شاد خاطر باشی) و دایم به پرستش خدای خود مشغول باش تا زمان (لقای ما) یقین، به تو فرا رسد. شاهد این قرالت، جمله‌ای است که در زیارت حضرت عباس علیه السلام آمده: «إِنِّي بِكُمْ وَبِإِيَابِكُمْ [وَبِأَبَائِكُمْ] مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.» «مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِمِ عَمَلِي.»

بدیهی است که مفاد آن، به عنوان متعلق یقین و یقین ایمانی یا ایمان یقینی، مطرح می‌شود و باید در صدد تحقق آن بود و آن حالت یقینی را دنبال کرد.

آن فقیه والامقام و عارف سالک در ادامه فرمود:

در زیارت دیگری، این گونه تعبیر آمده است: «فَأَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، وَلَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَشَرَائِعِ دِينِي، وَخَاتِمَةٌ عَمَلِي وَمُنْقَلِبِي وَمَثْوَايَ. فَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُتِمَّ لِي ذَلِكَ.»

بدیهی است که در مورد شهادت، مورد آن کاملاً مؤید آن چیزی است که در این مقام ذکر شده است. البته در امتداد آن، بعد از کلمه «مُوقِنٌ» در این مقام «شَرَائِعِ دِينِ» ذکر نشده، ولی در ذیل آن، در مورد «ختم عمل» کاملاً مؤید آن چیزی است که در متن ذکر شده، زیرا «خاتمه عمل» با «مُنْقَلِبٌ وَمَثْوَا» که مربوط به آخرت و ظهور اعمال است، کاملاً هماهنگ است.<sup>۱</sup>

۱. کامل‌الزیارات، زیارة‌الآخری، ج ۳، ص ۲۲۲، ر.ک: شرح زیارت وارث، آیه الله العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی فقیه یزدی، آیات ینات.

### اختلاف علما در معنای رجعت

گرچه در معنای «رجعت»، بین علما اختلاف شده، و برخی آن را به معنای رجعت دولت گرفته‌اند، اما در اصل عقیده به رجعت اتفاق است، بلکه معنای معهود آن، که همان بازگشت به این دنیا در عصر ظهور است، معنای مشهور نزد علمای شیعه است.

### رجعت بانوان در عصر ظهور

در عصر ظهور، یک گروه از یاوران حضرت مهدی علیه السلام زنانی هستند که خداوند به برکت ظهور امام زمان علیه السلام آن‌ها را زنده خواهد کرد و بار دیگر به دنیا رجعت نموده و در رکاب حضرت مهدی علیه السلام قرار خواهند گرفت. برخی بانام و نشان از زنده شدنشان خبر داده شده و برخی دیگر فقط از آمدنشان سخن به میان آمده است.

در منابع معتبر اسلامی نام سیزده زن یاد می‌شود که به هنگام ظهور قائم آل محمد علیه السلام زنده خواهند شد و در لشکر امام زمان علیه السلام به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت.<sup>۱</sup>

یکی از خواهران محقق، که سالیانی از محضر پرفیض بانوی پژوهنده و مجتهد عصر حاضر، حاجیه خانم زهره صفاتی، دامت افاضاتها، مستفیض گردیده‌اند، از تقریرات دروس این بانوی بافضیلت چنین نوشته‌اند که معظم‌ها فرمودند:

سه محور اساسی در زندگانی انسان می‌تواند تأثیرگذار باشد و تحوّل شگرف در روند فکری و عملی او ایجاد کند، که در حقیقت رمز سعادت دنیا و آخرت او را رقم می‌زند:

۱. «علم»، «آگاهی»، «شناخت» و «تعقل کافی»؛

۲. «ایمان»، «باور» و «اعتقاد قلبی»؛

۳. عمل به اعتقاد و باور و به اصطلاح «عمل صالح» که بر پایه «ایمان» و «شناخت» و «آگاهی صحیح» و «تبت صادق» قرار داشته باشد.

در برخی دعاها از خداوند متعال همین را می‌خواهیم:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلًا كَامِلًا وَ لُبًّا رَاجِحًا وَ قَلْبًا زَكِيًّا وَ عَمَلًا كَثِيرًا وَ أَدَبًا بَارِعًا وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۲</sup>

خدایا روزی کن به من عقل کامل و (عصاره کمالی عقل هوش وزین) و عزت باقی و قلب

۲. مفاتیح الجنان، دعای عالیة العظامین.

۱. دلایل الامنه، طبری، ص ۲۱۴.

پاک و کردار بسیار و ادب ارجمند و قرار ده همه آن را برایم و قرار مده بر خودم،... و در دعای دیگر می‌گوئیم:

«بَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ وَأَجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ وَأَنْتَهُ بَنِيَّتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ»؛ برسان ایمان مرا به درجه کامل‌ترین ایمان، و یقین مرا به بالاترین مرتبه یقین و به پایان بر نیتم را به بهترین نیت‌ها و کردار مرا به بهترین کردارها.

از بانوان صدر اسلام، نام بسیاری را می‌توان ذکر کرد؛ حضرت خدیجه (س) و حضرت فاطمه زهرا (س) و سمیه و... اما برای این که بانوانی را که به یقین، حضرت خدیجه (س) و حضرت فاطمه زهرا (س) و... الگویشان بوده است، و علاوه بر آن هم عصر ما هستند، ذکر می‌کنیم، تا دلیلی باشد بر آن که امتیازهای والای انسانی، منحصر به بانوان صدر اسلام نمی‌شود، بلکه در عصر ما نیز، بانوانی بافضیلت بوده‌اند، که در زمان حیات ملکی‌شان، از یاوران حضرت مهدی (عج) بوده‌اند و چه بسا بعداً نیز از یاوران آن حضرت (عج) باشند.

به صورت مختصر، به ذکر نمونه‌هایی از بانوان بافضیلت در این مقام می‌پردازیم:

### بانو مجتهده امین اصفهانی (ره)

حاجیه خانم سیده نصرت بیگم امین معروف به بانوی مجتهده اصفهانی نصرت امین در سال ۱۲۶۵ هجری شمسی در شهر اصفهان دیده به جهان گشود.

از چهار سالگی به مکتب نجانه رفت، تا به فراگیری قرآن و زبان فارسی پردازد و این زمانی بود که در زمینه تحصیل علوم و معارف دینی بالاتر از سطح روخوانی قرآن هیچ مجال و زمینه‌ای برای حضور زنان نبود؛ به خصوص در سال‌های ۱۲۸۰ به بعد که تحصیل علم برای پسران هم آسان و میسر نبود، تا چه رسد به دختران.

معظم لها در ۱۵ سالگی به ازدواج و همسری پسر عمویش درآمد.

اما زندگی خانوادگی و تربیت فرزندان در فراگیری دانش او اثری نگذاشت و آن چنان در جهت کسب علوم دینی از خود جدیت نشان داد که موافقت و مساعدت اطرافیان بویژه همسر خویش را برای ادامه تحصیلات در علوم دینی، فقه و اصول و زبان عربی به دست آورد و هم‌زمان به فراگیری حکمت و فلسفه مبادرت ورزید.

در این زمان به سن بیست سالگی رسید.

مہم ترین استاد ایشان کہ فقہ و اصول و حکمت را بہ وی آموخت، آیت اللہ نجف آبادی بود. بانو امین از زمان کودکی کہ اہل ذوق و تفکر و تدبیر در موجودات و آثار حق تعالی و از عشاق پروردگار کریم بود، در حین تحصیل حکمت بہ کشف و شہود نیز نائل می گردید و در این رابطہ بہترین سند و گواہ آثار تفسیری ایشان، کتاب *اربعین ہاشمیہ* و نیز *نفحات الرحمانیہ* است. در سن ۴۰ سالگی بہ دنبال انتشار کتاب *اربعین ہاشمیہ* و تأیید و تسلط علمی ایشان از سوی علما و مراجع؛ آیات عظام حائری یزدی، محمد کاظم یزدی و آقا میرزا اصطہبانانی شیرازی رحمۃ اللہ علیہ، و پس از شرکت در آزمون علما و مراجع تقلید وقت (آیات عظام شیخ عبدالکریم قمی و آقا سید محمد کاظم شیرازی) کہ شامل سؤال ہا و پاسخ ہای بسیاری بود - تمامی آن ہا در کتاب *جامع الشتات* آمدہ است - از طرف آن آیات عظام، درجہ اجتہاد و روایت و قدرت استنباط احکام شرع را دریافت کرد و اولین بانوی مجتہدہ در جہان اسلام گردید.

بانو مجتہدہ امین از آن جا کہ دریافتہ بود مجال و زمینہ تعلم برای دختران تا چہ حد محدود است، لذا بخشی از ہمت بلند آن بزرگوار مصروف تأسیس مدرسہ برای دختران شد. در سال ۱۳۴۴ با سرمایہ ی خود، یک واحد دبیرستان دخترانہ اسلامی در اصفہان تأسیس کرد، تا زمینہ تحصیل دختران در محیطی سالم بہ دور از آلودگی ہای رایج در پارہای محیطہای آموزشی دخترانہ را فراہم آورد.

در سال ۱۳۴۶ اولین مدرسہ علوم دینی زنان را بہ نام *مکتب فاطمہ* رحمۃ اللہ علیہا تأسیس کرد کہ این مرکز، در تعلیم و تعلم دینی زنان مسلمان و پرورش زنان برجستہ در این زمینہ سهمی شایان توجہ داشت. ہمہ این اقدامات حکایت از روشن گری فکر، بلندی ہدف و عمق دلسوزی اش در امور زنان بود.

بانو امین، دانشمندی با ذوق، متواضع، عارف، خوش برخورد، پرهیزگار، ساکت و کم حرف، و بدون گرایش بہ تجمل و تکلف، و از دوستان صدیق اہل بیت عصمت و طہارت علیہم السلام بود. وجود مقدس و پرفیض اش آن چنان روحانی و مستغرق در عالم عرفان و معنویت بود کہ ہر کس او را می دید مجذوب جذبہ معنویت ایشان می گردید و در پرتو نورانیت و نفس مطمئنہ، او در خود احساس شادی و روحانیت می کرد.

وجود ذی وجود این زن عالمہ، نسیمی بود کہ بر جامعہ زنان وزید و عامل حرکت بخش و تکان دہندہای برای بیداری افکار خفته و پیش برد آنان در راہ تحصیل علوم دینی و کمالات معنوی و سیر الی اللہ شد.

بانو امین، سال‌های متمادی در راه تحصیل علم و مقامات معنوی زحمات‌ها کشید و عملاً ثابت کرد که زن می‌تواند در محیط اجتماع، در زیر پرده حجاب و با کمال عفت و تقوی و اجرای برنامه‌های مقدس مذهبی به تحصیل علم ادامه دهد و مقام شامخی را احراز کند و بین علم و دین پیوند برقرار سازد و علی‌رغم نظر کسانی که تصور می‌کردند حجاب مانع پیشرفت و تکامل است و یا عده‌ای که می‌گفتند زن باید از هر نوع کمال ترقی و تعالی محروم بماند و بر خلاف منطق اسلام، زن را از ارزش انسانی در رسیدن به مقامات مادی و معنوی و روحانی و سیرالی الله بی بهره می‌دانستند به پا خاست و آن تصورات غلط را در هم شکست.

پیش‌تازی در علوم عرفانی، از وی شخصیتی ساخت که فیلسوف عالی‌قدر معاصر آیت الله محمد تقی جعفری رحمته‌الله در مورد ایشان می‌گوید:

با توجه با آثار قلمی که از خانم امین در دسترس ما قرار گرفته است، به طور قطع می‌توان ایشان را یکی از علمای برجسته عالم تشیع معرفی نمود و روش علمی ایشان هم کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده بلکه با توجه به مقامات عالیه روحی که ایشان موفق شده‌اند، باید ایشان را نخبه‌ای از دانشمندان به شمار آورد.

هم‌چنین شخصیت‌هایی چون آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله و مرحوم علامه آیت الله طباطبایی رحمته‌الله، با توجه به مقام علمی و عرفانی خانم امین، محضر درس او را سایه فیض و افاده می‌دانستند.

ابتلائات و آزمایش‌هایی که خداوند کریم برای صیقلی شدن و خالص گردیدن روح مطهر این بنده مفروش نمود، مسئله از دست رفتن فرزندان ایشان بوده است. چنان که هشت فرزندش به علل مختلف از قبیل بیماری و... از دست رفتند و تنها یک پسر برایش باقی ماند.

این مصائب نتوانست خللی در عزم و اراده این بانوی مجتهده و عارف به وجود آورد و این نشان‌گر آن است که اگر زنان قدم در راه کمال و تعالی زنند و خدا را ناظر اعمال خویش و مالک همه هستی و دارایی‌های خویش ببینند، حتی در فقدان فرزندان نیز عنان اختیار از کف نمی‌دهند و متانت و صبوری که در خور انسان خلیفه الله است پیشه می‌سازند.

گفته‌اند دو فرزند کوچک ایشان به فاصله چند روز فوت کردند.

بدین مناسبت استادشان آیت الله نجف آبادی سه روز درس را تعطیل می‌کنند و به خانه‌شان نمی‌روند؛ روز چهارم بانو امین به دنبال استاد می‌فرستند و وقتی ایشان می‌آیند، علت تعطیلی درس را جویا می‌شوند.

آیت اللہ نجف آبادی می گویند کہ من شرمم می شود کہ فرزندان تازہ از دنیا رفته برای درس بیایم و خانم امین پاسخ می دهند:

من پیش خدا شرمم می شود کہ سه روز است چیزی نخوانده‌ام. خدا یک چیزی به من داد خودش ہم گرفت.

برخی از آثار مکتوب این بانوی گران قدر عبارت است از:

۱- الاربعین الهاشمیه کہ اولین تالیف ایشان است و توسط یکی از شاگردانش (بانو غلویہ ہمایونی) بہ فارسی ترجمہ شدہ است.

۲- تفسیر مخزن العرفان در پانزدہ جلد کہ تفسیر کل قرآن مجید است.

۳- جامع الشتات.

۴- روش خوشبختی و توصیہ بہ خواهران ایمانی.

۵- سیر و سلوک در روش اولیا و طریق سیر سعادت.

۶- مخزن اللہالی فی فضائل مولی الموالی حضرت علی علیہ السلام.

۷- اقتباس و ترجمہ تہذیب الاخلاق و تطہیر الاعراق ابن مسکویہ.

۸- معاد یا آخرین سیر بشر.

۹- نفحات الرحمانیہ.

بانو امین اصفہانی (ره)، علاوہ بر این کہ آثار مکتوبی از خود بہ یادگار گذاشت و شاگردان متعددی نیز تربیت کرد، بہ تأسیس مکاتب و مدارس علمی نیز ہمت گماشت.

سرانجام این بانوی مکرمہ در سن ۹۷ سالگی در آخر شعبان ۱۴۰۳ هـ.ق، مطابق با ۲۳ خرداد ۱۳۶۳

ہ.ش، پس از یک عمر پربرکت جان بہ جان آفرین تسلیم کرد و بہ لقاء اللہ پیوست. پیکر مطہرہ این

بانوی مکرمہ در روز دوشنبہ ۲۳ خرداد بر فراز دست‌های انبوه امت عزادار شہر قہرمان پروز

اصفہان تشییع شد و در تخت فولاد بہ خاک سپردہ شد. روحش شاد و قرین رحمت خداوند.

## بانویی از سلاله اطهار

علویة عقیقه فاضله خانم صدرالساداتی (فخرالدینی)؛ آن بانویی که در عصر خود کراماتی داشته، آن قدر مورد وثوق بوده که بانو مجتهده حاجیه خانم صفاتی، زیدت مجدها، درباره‌ی ایشان می‌فرماید:

سخن از بانویی است که جداً سعی داشت به همین گونه باشد و توانست در طول چند ساله عمر پربرکت خویش چنین باشد [و در محضر اولیاء الله باشد].  
نکته قابل ذکر این که اساساً ذکر سیره عملی زندگانی افراد موفق و اهل ایمان به این لحاظ است که برای دیگران اسوه عملی باشند و تذکر برای اهلس که زنان موفق - چه در ابعاد علمی و یا عملی - از برکت اسلام زیاد بوده‌اند که هر کدام در جایگاه خود برای دیگران درخشش داشته‌اند.

و چه پرافتخار بوده است آن بانو و مادر نیکوکار و فداکار، که شخصیت والامقام زاهد و باتقوا در عصر کنونی، حضرت آیه الله العظمی حاج سید رضا بهاء الدینی رحمته الله علیه درباره‌ی این گونه فداکاری‌های آن بانو چنین فرمود:

ایشان در عین علاقه شدید به فرزندان، همیشه کارهای علمی آنان را مقدم بر نیازهای خود و لوازم آن‌ها می‌دانست.

و فرمودند:

این بانو در افاق عالی‌ای است که زنان به این مرتبه کمتر می‌رسند.

بعد از وفات، مرحومه فخرالدینی (صدرالساداتی)، در مکاشفه و یا مشاهده و یا رؤیای صادقانه‌ای، پیام دادند که «در سوره اخلاص هر چه بتوانید تفکر و تأمل داشته باشید که نتیجه می‌گیرید.»

فرصت کوتاه، و مجال اندک است. امید است که ان شاء الله تعالی، در کتاب مستقلی، به ذکر

فضائل بانوان عظیم‌الشان در تاریخ اسلام بپردازیم.

۱. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که بانوی مجتهد حاجیه خانم صفاتی، دامت افاضاتها، در این زمینه، نوشتار و کتاب مستقلی را جهت ارائه و شرکت در همایش مسلمانان کشور ترکیه در اواخر سال ۱۳۸۷ تنظیم نمودند. گزارش مفصل آن سفر را در اردیبهشت ۱۳۸۸، محضر مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای، دامت برکاته، ارائه داده و معظم‌له نسبت به تقاضای تشکیل «اتحادیه زنان مسلمان»، نظر مساعدی ابراز فرموده‌اند. امیدواریم با تشکیل این اتحادیه، علاوه بر عملی شدن هزاران نظریه مؤثر و مفید جهت زنان مسلمان، بریزه گام‌های مؤثری نیز در تئیس اندیشه زنان شیعی و هم‌اندیشی آنان با دیگر مسلمانان برداشته شود. اهداف بزرگ تشکیل آن اتحادیه، در این مجال نمی‌گنجد، در مقام مناسب ذکر خواهد شد.

## جزیره خضراء

### جزیره خضراء

۱. آیا مسئله جزیره خضراء، یک امر قطعی و پذیرفته شده میان شیعیان است؟
۲. آیا جزیره خضراء همان مثلث برمودا است، که منطقه‌ای خوفناک در اقیانوس است، و تاکنون صدها انسان و کشتی و هواپیما در آن جا غرق شده است؟
۳. آیا اعتقاد به جزیره خضراء از بدیهیات و ضروریات دین است؟ یعنی اگر کسی آن را نپذیرد با ضروریات دین مخالفت کرده است؟

و اما پاسخ بر پرسش‌های فوق:

در پاسخ به پرسش نخست، باید گفت که به نظر می‌رسد، اصل وجود جزیره خضراء، که به معنای جزیره سرسبزی است که امام عصر علیه السلام و خانواده ایشان در آن جا زندگی کنند، جزء امور یقینی نیست، و تنها بعضی آن را احتمال داده‌اند.

در اثبات جزیره خضراء، بیش‌تر در حد مکاشفه و خبرهای واحد است.

کتابی را که یکی از مورخان صاحب نام، یعنی آقای جعفر مرتضی، تدوین نمودند، و به بررسی مسأله جزیره خضراء پرداخته‌اند، متبع خوبی است که خوانندگان ارجمند را به مطالعه آن توصیه می‌کنیم.



### کتاب سید بن طاووس

یکی از بهترین کتاب‌ها، که درباره زن و فرزند حضرت، بحث‌های دل‌نشینی نموده، کتاب «کشف المحجبه» اثر مرحوم سید ابن طاووس رحمه الله است که ترجمه فارسی کتاب، به نام «فانوس» به چاپ رسیده است.

در این کتاب، مرحوم سید بن طاووس رحمه الله به فرزند خود محمد می‌گوید:

محمد! تازگی امام عصر علیه السلام با کسی وصلت نموده، ولی افسوس که نمی‌توانم به تو بگویم که او کیست.

از این کلام مرحوم سید بن طاووس رحمه الله می‌توان فهمید، که یا خود امام عصر علیه السلام یا یکی از فرزندان ایشان، ازدواج نموده بوده، که سید بن طاووس، از آن جریان اطلاع داشته است.

با توجه به این که وی از علماء طراز اول شیعه می‌باشد و از کسانی است که بارها خدمت امام عصر علیه السلام رسیده است، از این رو، سخنان او قابل توجه است.

نیز، بعضی از علماء معتقدند، همان‌طور که سادات رضوی، موسوی، تقوی، تقوی، حسینی و حسینی داریم - که از فرزندان و ذریه این امامان عزیز می‌باشند - هم چنین ممکن است که سادات مهدوی نیز داشته باشیم، که از فرزندان امام مهدی علیه السلام هستند. (البته چه بسا خود آنان خبر نداشته باشند).

### جزیره خضراء یا مثلث برمودا

پاسخ سوال دوم؛

بر فرض که جزیره خضراء درست باشد، آیا جزیره خضراء همان مثلث برمودا است؟ آیا می‌توان پذیرفت که حضرت امام عصر علیه السلام، ده‌ها کشتی را که فقط از آن منطقه در حال عبور بوده‌اند، غرق نموده باشد؟ قطعاً هیچ مسلمانی به خود اجازه نمی‌دهد که این امر را به آن وجود مهربان نسبت دهد. به هر ترتیب اثبات این امر کار دشواری است.

### اعتقاد به وجود جزیره خضراء

پاسخ به پرسش سوم؛

قبول نداشتن مسئله جزیره خضراء، هیچ ضرری به دیانت و اعتقادات نمی‌زند، و این مسأله، از ضروریات دین نیست، و نپذیرفتن آن نیز، موجب ایجاد خلل در دین و اعتقادات نمی‌شود.

در دیاری که تویی بودنم آن جا کافی است      آرزوی بگرم غایت بی انصافی است!!

### موقعیت جغرافیایی جزیره خضراء

درباره موقعیت «خضراء» این گونه نوشته اند:

۱. خضراء، جزیره ای است بزرگ در بلاد زنگ و آن را جزیره خضراء نیز گویند.
۲. نام شهری است در اندلس در مغرب اسپانیا که به آب محاط نیست و آن را جزیره خضراء نیز می گویند.

۳. جزیره خضراء را یکی از اقامت گاه های حضرت قائم (عج) عنوان کرده اند.

یکی از محققین چنین می نویسد:

برخی از نویسندگان، بی توجه به صحت ادله و بدون تحقیق و تفحص لازم و دقت پیرامون مسأله خاص، باعث پخش مجهولاتی چون «جزیره خضراء» در جامعه گردیدند، و محل زندگی امام را تلویحاً با «مثلث برمودا»ی واقع شده در ۲۰۰ کیلومتری کالیفرنیا یکی از ایالات کشور آمریکا، تطبیق دادند.<sup>۱</sup>

### نقل حکایت جزیره خضراء مطابق با کتاب بحار الانوار

طبق حکایت جزیره خضراء، که از فردی به نام علی بن فاضل مازندرانی نقل شده است، امام زمان علیه السلام اولادی دارند که در جزایر دریای سفید «بحر الابيض» زندگی می کنند و با سید شمس الدین که خود را از فرزندان امام علیه السلام معرفی می کند، دیدار می نماید و ...

اصل این حکایت در کتاب شریف بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۱۵۹ تا ۱۷۴ آمده است.

اما مخالفین این نقل، دلایلی دارند:

یکم: این حکایت سند صحیحی ندارد، لذا نمی توان آن را پذیرفت.

دوم: در متن حکایت تناقضاتی به چشم می خورد از جمله این که فردی به نام سید شمس الدین خود را نایب خاص امام زمان علیه السلام معرفی می کند و می گوید: من آن حضرت را اصلاً ندیده ام، بعد در جای دیگر خود سید شمس الدین می گوید: من هر روز صبح جمعه برای زیارت امام زمان علیه السلام به آن کوه می روم ...

سوم: در حکایت مزبور ادعا می شود که در قرآن تحریفاتی واقع شده است، که این حرف با اصول اعتقادی اغلب مسلمانان، به ویژه شیعیان هم خوانی ندارد.

چهارم: در لابلای مباحث این حکایت، احکامی ذکر شده که با اعتقادات و احکام فقهی فقهای شیعه مخالفت دارد. از طرف دیگر کسانی هم خواسته اند جزیره خضراء را همان مثلث برمودا معرفی کنند. این موضوع با حوادثی که بعدها رخ داده تکذیب شده است.

۱. عده ای از علماء آن حکایت را صحیح و معتبر دانسته، و عده ای دیگر آن را مجعول و خالی از حقیقت می دانند.

۲. در این باره کتاب های مفیدی تنظیم و منتشر شده است که به نقد و بررسی این مسأله پرداخته اند، به عنوان مثال می توان به کتاب جزیره خضراء، الهسانه یا حقیقت، نوشته سید جعفر مرتضی عاملی، مراجعه نمود.

## فصل دہم

حوادث عصر ظہور

## گل نرگس

بیا تا نغمه شوق از نهاد خاک برخیزد  
غبار از خاطر آینه افلاک برخیزد  
اگر در جلوه آری گوهر پاک وجودت را  
صدف از دامن دریا، گریبان چاک برخیزد  
گل شوق تو را در دیده می‌کارم، مگر امشب  
دل از خواب گران آرزو چالاک برخیزد  
اگر یا در رکاب آری، به پابوس سمند تو  
هزاران لاله خونین جگر از خاک برخیزد  
ببار ای دیده امشب قطره قطره اشک بر دامن  
که از دل، شعله شعله، آه آتشناک برخیزد  
به هنگام ظهور تو، تو ای خورشید نورانی  
به پیش پای تو چون خاکیان ز افلاک برخیزد  
مهر حرف مرا تکرار سازد ای گل نرگس  
سخن با کوه می‌گویم، کز او پژواک برخیزد  
با شوق نرگس مست تو ای مهر جهان آرا!!  
بسی گل نغمه مستی ز نای تاک برخیزد!

## علائم و نشانه های ظهور

### علائم و نشانه های ظهور امام زمان علیه السلام

علائم ظهور، چیزهایی هستند که تا واقع نشوند حضرت مهدی علیه السلام ظهور نمی کند. هر یک از آن علائم، گویای آن است که زمان ظهور نزدیک شده، اما دلالتی ندارد که حضرت بعد از وقوع آن علامت، و بلافاصله ظهور کنند.<sup>۱</sup>

احادیث اهل بیت معصوم علیهم السلام، علائم ظهور را به دو دسته تقسیم کرده اند:

#### ۱. علائم قطعی

آن علائمی که به هیچ قید و شرطی مشروط نیست، و باید قبل از ظهور واقع شود، علائم قطعی است. این علائم پنج مورد است:

قیام حق طلبانه مرد یمانی؛

شورش سفیانی؛

ندای آسمانی؛

فرو رفتن زمین؛

قتل نفس زکیه.<sup>۲</sup>

#### ۲. علائم غیر قطعی

حوادثی که به طور مطلق و قطع، از علائم ظهور نیستند، و تحققشان، مشروط به شرایطی می باشد. تا آن شرایط تحقق نپذیرد، آن علائم هم واقع نمی شود.

علائم غیر قطعی بسیار است، مقداری از آن ها که از طریق معتبر نقل شده باشد، قابل پذیرش

۱. در زمینه ظهور امام زمان علیه السلام، علائم بسیاری در کتاب های حدیثی نقل شده است. برخی نیز کتاب مستقل در این موضوع تألیف نموده اند.  
۲. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۵۱.

است. برای تشخیص اعتبار علائم غیر قطعی باید به متخصصان علم حدیث مراجعه شود.<sup>۱</sup>

### زمان و مکان ظهور امام زمان علیه السلام

برای ظهور امام زمان علیه السلام وقت و زمان معینی مشخص نشده است.

طبق روایات، تعیین کننده وقت ظهور، دروغ گو شمرده شده است.

فضیل می گویند: خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا ظهور مهدی علیه السلام وقت معینی دارد؟

حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمود:

هر کس برای ظهور وقتی معین کند دروغ می گویند.<sup>۲</sup>

مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: ای آقای من! حضرت مهدی علیه السلام از کجا و چگونه ظهور می کند؟

حضرت فرمود:

ای مفضل! او به تنهایی ظهور می کند، و به تنهایی کنار خانه ی کعبه می آید، و به تنهایی شب

را در آن جا می گذرانند.<sup>۳</sup>

### نشانه های ظهور

ظهور حضرت مهدی علیه السلام، با حوادث طبیعی، رویدادهای اجتماعی و تحولات سیاسی بسیاری

همراه است که همه، نشان از آماده شدن جهان برای ورود به عصری جدید و آغاز دورانی سرنوشت

ساز از حیات کره خاک دارند.

از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که بشارت به ظهور مردی از آل محمد علیهم السلام، در آخر الزمان داده شد، بیان

نشانه های ظهور او نیز آغاز شد.

حضرت امام علی علیه السلام، بارها در خطبه ها و سخنان خود اصحاب را نسبت به رویدادهای عصر

ظهور آگاهی می دادند و آن ها را متوجه این رویداد عظیم می ساختند.

امامان بعدی نیز هر یک به نوبه خود مردم را نسبت به نشانه های ظهور هشدار می دادند.

بدون شک مطالعه در روایات مربوط به نشانه های ظهور در عصر ما - که پیش از هر عصر دیگر

التهاب جهانی برای ظهور احساس می شود - لازم است تا با دقت تمام همه نشانه های ظهور مورد

توجه قرار گیرد، و با تطبیق آن ها با وضعیت کنونی جهان، وظایف، به نحو شایسته انجام شود.

۱. علاقه مندان می توانند به کتاب گران سنگ منتخب الأثر، تألیف مرجع عالیقدر، شیخنا الامام، حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی، دامت برکاته العالیه، مراجعه نمایند.  
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳.  
۳. همان، ج ۵۳، ص ۷.

### حضرت مهدی (ع) و اطلاع از زمان ظهور

این که از آغاز غیبت، آیا حضرت می دانستند چه زمانی ظهور خواهند فرمود یا خیر، بین دانشمندان اسلامی مورد اختلاف است.

برخی می گویند: حضرت به زمان ظهورشان علم ندارد.

به نظر برخی دیگر، با توجه به این که امام زمان علیه السلام دارای علوم غیبی هستند و از آن چه واقع شده و می شود و خواهد شد خبر دارند، پس می توان گفت که هم اکنون، بلکه از آغاز غیبت، حضرت زمان ظهورشان را می دانند.

بنا بر آن چه در روایات آمده است، می توان گفت: حضرت از سه راه به زمان ظهورشان علم پیدا می کنند:

۱. از طریق الهام، که در روایت آمده است:

امامان معصوم علیهم السلام، صدای قرشته را می شنوند، اما خودش را مشاهده نمی کنند.<sup>۱</sup>

۲. از راه علائم و قرائن، که چه بسا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، زمان ظهور را توسط ائمه ی اطهار علیهم السلام، به

حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است. در روایت است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

وقتی زمان ظهور مهدی فرا رسد خداوند شمشیر و پرچم آن جناب را به صدا درمی آورد،

می گویند: ای دوست خدا! به پا خیز و دشمنان خدا را به قتل رسان.<sup>۲</sup>

۳. از راه دستورالعمل معین شده برای امامان، که در روایات آمده؛ برنامه تمام امامان به صورت

مهره شده، از جانب خداوند بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، نازل شد، و آن حضرت، به حضرت امیر المؤمنین

علی علیه السلام دادند... اکنون، دستورالعمل امام زمان علیه السلام، در دست مبارک آن حضرت است.<sup>۳</sup>

### رویدادهای اجتماعی (نزدیک به) عصر ظهور

برای این گونه حوادث می توان به وقایعی مانند قیام و شورش سفیانی و کشته شدن نفس زکیه در

مسجد الحرام، اشاره کرد که مرحوم شیخ طوسی (ره)، در کتاب الغیبه، از امام صادق علیه السلام، نقل کرده

است.<sup>۴</sup>

### نفس زکیه کیست؟

یکی دیگر از علائم و نشانه های حتمی «قتل نفس زکیه» است.

۱. اثبات الهداة، ج ۶، ص ۴۳۷. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱. ۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۹. ۴. حسن قبل قیام القائم من العلامات: الصیحة و السفیانی، و الخسف بالبداهة و خروج البعانی، و قتل نفس الزکیة: پنج رویداد پیش از به پا خاستن قائم از نشانه های شمار می رود: برخاستن ندایی از آسمان، خروج سفیانی، شکافته شدن زمین در منطقه بداهه، خروج مردی از بین و کشته شدن نفس زکیه، الغیبه، ص ۲۶۷.



امام صادق علیه السلام فرمود:

پیش از قیام قائم علیه السلام پنج علامت حتمی است: یمانی، سفیانی، صبیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، فرو رفتن...

و شیخ مفید علیه السلام از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

فاصله بین قتل نفس زکیه و ظهور قائم علیه السلام بیش از پانزده شبانه روز زیادتر نیست.<sup>۱</sup>

مقصود از نفس زکیه، نفس کامله پاک و پاکیزه است.

کلمه «زکیه» از ریشه «زکی» به معنای «رشد کرد و پاکیزه شد» می باشد، و مقصود از «رشد» در اصطلاح اسلامی، تکامل با علم و اخلاص و فداکاری است؛ و ممکن است با دقت بیش تری برای کمال دو معنی در نظر گرفته شود:

معنای اول کمال: عبارت است از آن چه خواسته اسلام است از یک فرد مسلمان که در درجه بالای ایمان و اراده و از خودگذشتگی باشد، بنابراین مقصود از نفس زکیه یکی از اشخاص با اخلاص و آزمایش شده در دوران غیبت گبری خواهد بود که بر اثر فتنه ها و انحرافات حاکم در آن زمان، به شهادت می رسد.

معنای دیگر کمال: مقصود برائت از آدم کشی است، که همین معنی در قرآن مجید آمده است:

آیا نفس زکیه ای را بدون این که کسی را کشته باشد تو کشتی؟ کار زشتی انجام دادی.

و شاید از این که در اخبار، تعبیر به «نفس زکیه» شده است به این خاطر بوده که می خواستند

مفهوم قرآنی را بگویند.<sup>۲</sup>

مرحوم محدث قمی در این رابطه می فرماید:

نفس زکیه آن پسری است از آل محمد علیهم السلام که در ما بین رکن و مقام کشته شود.<sup>۳</sup>

سید حسینی

بنابر روایات، از جمله علائمی که در آستانه ظهور امام قائم (عج) رخ خواهد داد، خروج «سید

حسینی» یا یارانش برای یاری آن حضرت است.

«سید حسینی» جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم (یکی از بلاد گیلان) و قزوین خروج

۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص ۶۵۰.

۲. ارشاد، مفید علیه السلام، ترجمه ساعدی خراسانی، ص ۶۹۷.

۳. ولی آن چه که معنای اول و تقویت می کند، آن است که از این روایات آن چه به ذهن می رسد، «نفس زکیه» انسانی است که بر اثر شخصیت والای او، آن قتل، اعمیسی بسزا دارد، و اهمیت قتل نیز درباره اشخاص آزمایش شده و با اخلاص است، که در سطح بالاتری قرار گرفته باشند تا جلب نظر کند و موجب تأثر و تأسّف عمیق مردم گردد. ولی کشف یک فرد معمولی بی گناه نوعاً اعمیسی در جوامع ندارد و جلب نظر نمی کند.

۴. متهن الآمال، مرحوم حاج شیخ عباس قمی علیه السلام، ج ۲، ص ۳۳۷.

می‌کند و با صدای بلند فریاد می‌زند که به فریاد قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم برسید که از شما طلب یاری دارد.

این سید حسنی، ظاهراً از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌باشد. مردم، خصوصاً مردان شجاع و قوی دل و مسلح او را اطاعت می‌کنند. او از مکان خود تا کوفه، زمین را از لوث وجود ظالمین و... پاک می‌کند. آن هنگام که با اصحاب خود وارد کوفه می‌شود، به او خبر می‌دهند که حضرت مهدی علیه السلام ظهور نموده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است.

«سید حسنی»، با اصحاب خود خدمت آن حضرت مشرف می‌شوند و از آن حضرت مطالبه دلائل امامت و موازیت انبیاء را می‌نمایند.

آن حضرت، دلائل را برای او ظاهر می‌نماید.

وقتی «سید حسنی» یقین به صدق امام پیدا می‌کند، می‌گوید:

«الله اکبر! دستت را بده تا با تو بیعت کنم». و با آن حضرت بیعت می‌کند و به پیروی از او، سپاه او (به غیر از «زبیدی» که چهارصد هزار نفر می‌باشند) نیز بیعت می‌کنند.<sup>۱</sup>

### رویدادهای طبیعی (نزدیک) عصر ظهور

یکی از این حوادث که در فاصله کمی از قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ می‌دهد، ندایی است که از آسمان برخاسته و نام حضرت قائم را به گوش تمام جهانیان می‌رساند. حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

آن ندای آسمانی بر نخواهد خواست مگر در ماه رمضان که ماه خداست، آن ندا از جبرئیل است که خطاب به مردم سر داده می‌شود و نام قائم را در همه جا طنین انداز می‌سازد، تا آن جا که همه ساکنان زمین از شرق تا به غرب آن ندا را خواهند شنید. از وحشت شنیدن آن ندا هر کس در خواب فرو رفته بیدار شده و هر کس بر پا ایستاده؛ ناچار به نشستن می‌شود و هر کس بر زمین تشسته، بناگاه از جای بر می‌خیزد. پس رحمت الهی بر کسی باد که این ندا را بشنود و به آن پاسخ گوید.<sup>۲</sup>

از جمله وقایع طبیعی دیگری که در قبل از قیام آن حضرت رخ می‌دهد، و در روایات ما به آن

۱. منتهی الآمال، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ششم: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵.

۲. الصیحة لا تكون الا في شهر رمضان شهر الله، هي صیحة جبرئیل علیه السلام الي هذا الخلق، ثم قال: ينادي مناد من السماء باسم القائم علیه السلام، فيسمع من المشرق ومن المغرب. لا يفتي راند الا استيقظ ولا قائم الا قام على رجليه فرعا من ذلك الصوت. فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت فاجاب. نعماني، ص ۲۴۵.

اشاره شده، نوعی از ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی است، که در تمام طول کره زمین سابقه نداشته، و باعث برهم ریختن حساب تمام ستاره شناسان می‌گردد.

در این مورد نیز روایات متعددی ذکر شده است که تنها یکی از آن‌ها را به نقل از نعمانی، در این مقام اشاره می‌نماییم:

نعمانی در کتابش، از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

دو نشانه در قبل از ظهور قائم وجود دارد که از زمان هبوط آدم به زمین سابقه نداشته است،

یکی گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و دیگری گرفتن ماه در آخر این ماه است.<sup>۱</sup>

در روایات به نمونه‌های مختلفی از حوادث و رویدادهای طبیعی اشاره شده که برای نمونه

می‌توان به طغیان رود فرات و جاری شدن آب در کوچه‌های کوفه<sup>۲</sup>، هجوم ملخ‌هایی به رنگ خون<sup>۳</sup> و

نزول باران‌های فراوان که قبل از آن سابقه نداشته<sup>۴</sup> اشاره کرد.

گفتنی است که، به تصریح روایات، وقوع برخی از حوادث و رویدادهایی که به عنوان نشانه‌های

ظهور ذکر شده‌اند، حتمی و مسلم، و وقوع برخی دیگر مشروط و غیرقطعی است. اما، چنان‌که

نعمانی نیز بدان تأکید دارد، وقوع حوادثی از این قبیل است:

خروج سفیانی و یمانی؛ شکافته شدن زمین در منطقه بیداء؛ کشته شدن نفس زکیه؛

و برخاستن ندایی از آسمان، که از نشانه‌های قطعی و محتوم قیام قائم آل محمد علیهم السلام بوده است.<sup>۵</sup>

۱. آیتان تکونان قبل قیام القائم، علیه السلام، لم تکنوا منذ هبط آدم الى الارض، تنكف الشمس في النصف من شهر رمضان، والقمر في آخره. نعمانی، ص ۲۷۱.

۲. اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۲۲۹. ۳. اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۲۲۹. ۴. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۵۹.

۵. نعمانی، ص ۲۸۲.

## نشان‌هایی از فرقه‌ها و افراد در هنگامه‌ی ظهور

### خروج یمانی

در مورد خروج «یمانی» باید گفت که طبق نقل روایات، هم زمان با قیام سفیانی در شام، مردی از یمن، حرکتی را آغاز می‌کند، و مردم را به سوی حق و طریق مستقیم فرامی‌خواند، و قیام او صحیح‌ترین قیام‌ها و پرچمی که او بلند می‌کند، هدایت‌بخش‌ترین پرچم‌ها خواهد بود.<sup>۱</sup>

### زیدیه

«زیدیّه» گروهی از سپاه سید حسنی هستند که پس از ظهور امام زمان (عج) با ایشان بیعت نمی‌کنند و تعداد آنان را چهار صد هزار نفر ذکر کرده‌اند. مصحف‌ها و قرآن در گردن آنان حمایل است و آن چه مشاهده می‌کنند از دلائل و معجزات، آن را حمل بر ینخر می‌کنند.

آنان می‌گویند این سخنان بزرگی است و این‌ها همه ینخر است که به ما نموده‌اند! امام قائم (عج) آن چه آنان را تصیحت و موعظه می‌کند و آن چه از معجزات می‌آورد، در آن‌ها تأثیر نمی‌کند.

تا سه روز ایشان را مهلت می‌دهد و چون موعظه آن حضرت را که حق است، قبول نمی‌نمایند، امر می‌فرمایند که گردن‌های آن‌ها را بزنند.

احوال آنان، شبیه به حال خوارج نهروان که در لشکر امام علی (ع) در جنگ صفین بودند، است.<sup>۲</sup>

## دَجَال

از دیگر نشانه‌های عصر ظهور، خروج «دَجَال» است.<sup>۱</sup>

اصلیت دَجَال را، از اصفهان<sup>۲</sup> یا بجستان<sup>۳</sup> و یا خراسان<sup>۴</sup> دانسته‌اند.

او یک طاغوت حیل‌گر، همانند سفیانی است.

در روایات آمده که وی، ادعای الوهیت کرده و به وجود نحسش، خون‌ریزی و فتنه در عالم واقع

می‌شود.

از اخبار چنین بر می‌آید که یک چشم او مالیده و ممسوح است، و چشم چپ او در میان

پیشانی‌اش واقع شده، و مانند ستاره می‌درخشد و تکه‌خونی در میان چشم او واقع است.

بسیار بزرگ، تنومند و دارای شکل عجیبی است و بسیار در سیخر ماهر است.

در پیش او کوه سیاهی قرار دارد که به نظر مردم می‌آید، کوه نان است و در پشت سرش کوه

سفیدی که از سیخر به نظر مردم آب‌های صاف جاری می‌آید.

او فریاد می‌کند:

أولیایی أنا ربکم الأعلى؛ بندگانم، من پروردگار بزرگ و والای شما هستم!<sup>۵</sup>

«دَجَال» از همه جا می‌گذرد و فقط در مکه و مدینه و بیت المقدس قدم نمی‌گذارد.<sup>۶</sup>

پیش‌تر پیروان او افراد یهودی زنازاده، و عرب‌های بیابانی هستند که تاج بر سر دارند.<sup>۷</sup>

رسول گرامی اسلام ﷺ درباره دَجَال فرمود:

هر مؤمنی که دَجَال را ببیند، آب دهان خود را به روی او بیاندازد، و سوره مبارکه «حمد»

(فاتحة الكتاب) را بخواند، برای این که سیخر آن ملعون را دفع کند.<sup>۸</sup>

طبق نقل حضرت امام صادق (ع)، حضرت امیر مؤمنان علی (ع) در ضمن خطبه طولانی فرمود:

حضرت مهدی (عج) با یارانش از مکه به بیت المقدس می‌آیند و در آن جا بین آن حضرت

و دَجَال و ارتش دَجَال جنگ واقع می‌شود، دَجَال و ارتش او مفتضحانه شکست می‌خورند،

به طوری که از اول تا آخر آن‌ها به هلاکت می‌رسند و دنیا آباد می‌شود.<sup>۹</sup>

بالاخره آن ملعون به دست مبارک حضرت مهدی (عج)، یا به دست عیسی بن مریم (عج)، کشته

می‌شود.

طبق روایتی، آن حضرت، دَجَال را در کناسه کوفه به دار می‌زنند.

۳. منتخب الأثر، ص ۲۲۵.  
۶. الزام الناصب، ص ۷۲.  
۹. اثبات الهداة، ج ۱۷، ص ۱۷۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.  
۵. منتهی الآمال، باب ۱۴، فصل ۷.  
۸. منتهی الآمال، باب ۱۴، فصل ۷.

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۷.  
۴. الملاحم والفتن، ص ۱۲۶.  
۷. عقد النبوة، ص ۲۷۴.

و بنا بر روایتی دیگر، در فلسطین، نزدیک بیت المقدس کشته می شود.  
 و در جای دیگر ذکر کرده اند که در «شام» کشته خواهد شد.<sup>۱</sup>  
 خروج دجال در روایات اهل تسنن و در تورات و انجیل نیز آمده است.  
 برخی از نویسندگان اسلامی با توجه به ریشه لغت «دجال»، آن را منحصر به یک فرد مخصوص  
 نمی دانند، بلکه آن را عنوانی کلی برای افراد پرتزویز و حيله گر که برای فریب مردم از هر وسیله ای  
 استفاده می کنند، می دانند!  
 مؤلف، بر این باور است که تاریخ، افراد ستم گری، هم چون صدام و طالبان، گروه های منافیایی و...  
 را به خود دیده، و چه بسا افراد دیگری نیز، که در جنایت و ستم گری، یگانه تاز هستند، مصداق واقعی  
 آن شخص می باشند.

### سفیانی

از جمله نشانه های ظهور امام زمان (عج) خروج «سفیانی» است.  
 در وصف سفیانی آمده است که او مردی بد صورت، آبله رو، چهارشانه و آرزق چشم است.  
 اسم او «عثمان بن عنبسه» و از اولاد یزیدین معاویه است.  
 در ظاهر مقدس مآبی می کند و ذکر او این است: «یارب، یارب، یارب».  
 سفیانی آن قدر پلید است که کنیزش را که از او بیچه دار شده زنده به گور می کند.<sup>۲</sup>  
 آن ملعون پنج شهر بزرگ «دمشق»، «حمص»، «فلسطین»، «اردن» و «قنسرین» را متصرف  
 می شود، پس از آن لشکر بسیار به اطراف می فرستد.  
 سفیانی پلید با دارودسته اش بر ضد حضرت مهدی (عج) قیام می کند.  
 حضرت مهدی (عج) به مردم فرمان می دهد به جنگ با این دشمن خدا و دشمن خودتان  
 برخیزید.

ارتشی که سفیانی برای جنگ با حضرت مهدی (عج) آماده کرده است، در سرزمین بیداء، میان  
 مکه و مدینه، در ذی الحلیفه، در زمین فرو می رود و نابود می گردد، به طوری که فقط دو تن از آن  
 ارتش که از طایفه «جهنیه» هستند موفق می شوند، بگریزند.<sup>۳</sup> و آن دو نفر یکی به سوی حضرت  
 صاحب الامر (عج) رفته و ایشان را به هلاکت سفیانی خبر می دهد، و دیگری روانه شام می شود تا  
 خبر شکست سپاهش را به او بدهد.

۱. نجم القاب، ص ۱۸۹.

۲. انبایة الهدایة، ج ۷، ص ۲۹۸.

۳. انبایة الهدایة، ج ۷، ص ۲۹۹.

سفیانی پس از شنیدن خیر به کوفه می آید و هنگامی که امام عصر (عج) به کوفه می رسد، آن ملعون فرار کرده و به شام بر می گردد. پس حضرت لشکری از عقب او می فرستد که او را در صخره بیت المقدس دستگیر کرده و سر تحس او را بریده و روح پلیدش را وارد جهنم می کنند.<sup>۱</sup>

در برخی از روایات آمده که سفیانی زیر درخت بقوطه دمشق به هلاکت می رسد.<sup>۲</sup>

در مورد سفیانی هم مانند دجال یک نظر وجود دارد و آن این که سفیانی یک طاغوت پلید دارای یک رژیم جهنمی است که با ویژگی های خاص، با انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) مخالفت می ورزد و شکست می خورد.<sup>۳</sup>

و نیز مرحوم شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین، روایت کرده که گفت:

حضرت صادق فرمود: پدرم فرمود: جدم امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود:

پسر هند جگر خوار، سفیانی از پیایان یاپس بیرون می آید.

او مردی متوسط القامه، صورتش وحشت ناک و سرش ضخیم است و رویش آبله دارد. اگر

او را بینی خیال می کنی یک چشمی است. او از اولاد ابوسفیان می باشد. او خروج می کند

و به زمین آرام می آید و بر منبر آن می نشیند.

نیز در آن کتاب از عمر بن یزید روایت کرده که حضرت صادق رحمه الله به وی فرمود:

اگر تو سفیانی را بینی پلیدترین مردم را دیده ای، رنگش سرخ و زرد و چشمش کبود است، در

ظاهر مرتب ذکر خدا می گوید، ولی در حقیقت به طرف جهنم می رود. در خیانت به جایی میرسد که

زن بچه دارش را از ترس این که مبادا مردم را به محل او راهنمایی کند، زنده به گور می کند.

هم چنین در آن کتاب از ابو حمزه ثمالی نقل می کند که گفت:

به حضرت صادق رحمه الله عرض کردم: امام محمد باقر رحمه الله فرمود:

آمدن سفیانی حتمی است.

فرمود: آری این طور است! اختلاف میان اولاد عباس هم حتمی است و کشته شدن مردی پاکدل

حتمی است و قیام قائم هم حتمی است.

عرض کردم: صدای آسمانی چگونه است؟

فرمود: در اول روز منادی صدا می زند: آگاه باشید حق در شخص علی رحمه الله و شیعیان اوست.

آن گاه شیطان در آخر روز صدا می زند:

آگاه باشید حق در شخص سفیانی و پیروان اوست، در این وقت آن ها که ایمان ثابتی ندارند

به شک می افتند.

نیز مرحوم شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، از حضرت امام باقر رحمه الله روایت می کند که آن حضرت فرمود:

پیش از ظهور قائم دو علامت پدید می آید:

یکی گرفتن ماه در پنجم ماه، و دیگر گرفتن آفتاب در پانزده ماه. از زمان هبوط حضرت آدم تا آن موقع، چنین خسوف و کسوفی روی نداده است، و در آن موقع حساب منجمین به هم می خورد.<sup>۱</sup>

**شیصبانی**

از دیگر نشانه های قیام قائم (عج)، خروج « شیصبانی » است.

امام باقر رحمه الله فرمود:

کجاست برای شما سفیانی تا این که پیش از او « شیصبانی » از سرزمین کوفان خروج کند، بجوشد چنانکه آب از چشمه می جوشد و جمع شما و سران شما را بکشد. پس از آن، متوقع سفیانی باشد و این که حضرت قائم (عج) خروج کند.<sup>۲</sup>



## نخستین سخنان حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور

... بعد از ظهور ...

هنگامی که خداوند متعال اذن ظهور به امام زمان علیه السلام بدهند، آن حضرت برای اصلاح جهان، از کنار کعبه ظهور می کنند و می فرماید: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ»

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

حضرت به دیوار کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده نفر در خدمتش جمع می شوند، و اول کلامی که به آن نطق می کنند، این آیه کریمه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»! آن چه خدا بر شما باقی گذارد بهتر است، اگر واقعاً به خدا ایمان دارند...

و نیز حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

آقای ما قائم علیه السلام پشت یکعبه می دهد و می فرماید: ای مردم آگاه باشید! هر که می خواهد که به آدم و شیث نگاه کند، هر آینه منم آدم و شیث یعنی در اخلاق و احوال و اوصاف و هر که می خواهد به نوح و پسرش سام نگاه کند، هر آینه منم نوح و سام. آگاه شوید! هر که می خواهد به ابراهیم و اسماعیل نگاه کند، هر آینه منم ابراهیم و اسماعیل. و هر که خواهد به موسی و یوشیع نگاه کند، هر آینه منم موسی و یوشیع. آگاه باشید! هر که می خواهد که به عیسی و شمعون نگاه کند، هر آینه منم عیسی و شمعون. آگاه شوید! هر که می خواهد به محمد و امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه کند، هر آینه منم محمد و امیرالمؤمنین. آگاه باشید! هر که می خواهد که به حسن و حسین نگاه کند، هر آینه منم حسن و حسین. آگاه شوید! هر که می خواهد به ائمه او اولاد حسین علیه السلام نگاه کند هر آینه منم ائمه علیه السلام. خواهش مرا اجابت نمایید و قبول کنید، به درستی که به شما خبر می دهم پاره ای چیزها را که به شما خبر داده شده و پاره ای دیگر را که خبر داده نشده است. هر که کتابها و صحف الهی را خوانده از من بشنود.



## فصل یازدهم

ویژگی‌های یاران

و وظایف منتظران حضرت مهدی علیه السلام

## ویژگی‌های یاران و وظائف منتظران

### ویژگی یاران و وظائف منتظران

از مهم‌ترین عوامل در پیروزی نهضت‌ها، وجود حامیان دلسوز و مخلص و شجاع و متدین است، چرا که در همه حرکت‌های بزرگ اجتماعی، جهت‌دستیابی به پیروزی، وجود عواملی ضروری است.

بر این اساس، اگر تمامی حرکت‌های مهم اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد، به نحوی روشن می‌شود که در هر یک از آن‌ها که یاران و حامیان وفاداری وجود داشته است، میزان موفقیت بیش‌تر بوده است.

از آن جا که قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز در راستای تکمیل نهضت‌های انبیاء و اولیاء الهی است، و در سطح وسیعی واقع خواهد شد، لذا وجود یاران آگاه و بااستقامت، نقش بسیار مهمی در پیشرفت این حرکت بزرگ جهانی دارد؛ مخصوصاً با توجه به این واقعیت که سنت الهی آن است که این جریان مهم تاریخ بشریت به طور عادی، در چهار چوب اصول و قوانین اجتماعی واقع گردد و البته این به آن معنی نیست که امدادهای الهی وجود ندارد، چرا که «إِنْ قَنَصَرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» همیشه در جریان بوده و هست، و مقدارش، بستگی به میزان اخلاص و تقوای افراد و رهبران حرکت‌ها و نوع جهت‌گیری آن‌ها دارد.

در مجموعه روایات برای یاران حضرت، مشخصات و ویژگی‌هایی ذکر شده است. از جمله آن‌ها روایتی است از حضرت امام صادق علیه السلام که فرمود:

آن‌ها مردانی هستند که دل‌هایشان همانند قطعه‌های آهن است، هرگز دچار شک و تردید نمی‌شوند، در حق خدا از سنگ سخت‌تر هستند، اگر به کوهها حمله پیرند از جای بر نمی‌آیند، با پرچمهای خویش به هر شهری روی آورند تحت سیطره خود در آورند. بر فراز

اسبها چون عقاب چابک و چالاکند. برای تیمن و تبرک، زین اسب امام علیه السلام را مسح می‌کنند و پروانه‌وار، دور شمع وجودش می‌گردند و خود را سپر جان امام قرار می‌دهند، شب‌ها را به شب زنده داری سپری می‌کنند و در سراسر شب نغمه‌های نماز و ذکر و عبادتشان چون صدای زنبور به گوش می‌رسد.

آن‌ها زاهدان شب و شیران روزند، و در برابر امام عزیزشان کاملاً مطیع و تسلیم هستند.

در اغلب کتاب‌های مربوط به معارف امام زمان علیه السلام، تعداد یاران مخصوص آن حضرت را ۳۱۳ «سیصد و سیزده» نفر معرفی می‌کنند، که آن‌ها از سراسر عالم در یک شب خود را به طرق مختلف به مکه می‌رسانند.

این عده، اولین افرادی خواهند بود که با امام زمان علیه السلام بیعت می‌کنند و عهده‌دار فرماندهی لشکر و یا پرچم دار آن حضرت هستند.

البته بلافاصله پس از اعلام ظهور، دسته دسته مردم به آن حضرت می‌پیوندند، و زمینه را برای تشکیل حکومت جهانی فراهم می‌نمایند.

نکته دیگر در مورد یاران حضرت، آن است که بر طبق روایتی که از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده است، حدود ۵۰ «پنجاه» نفر از یاران آن حضرت، «زن» هستند، که کارهای مناسب با ویژگی‌های خودشان را انجام می‌دهند.

در مورد ترکیب سربازان، حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

اصحاب مهدی علیه السلام جوان‌اند و پیر در آن‌ها بسیار کم است هم چون سرمه در چشم و نمک در غذا و ...

در مورد وطن یاران حضرت نیز، تعابیر مختلف وارد شده است.

در برخی از روایات آمده است که جمعی از مردم از طرف مشرق خروج کنند و مقدمات حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می‌سازند.

حضرت امام علی علیه السلام فرمود:

آفرین بر طالقان که خداوند در آن گنج‌هایی نهاده که از طلا و نقره نیست، بلکه مردان مؤمنی هستند که بطور شایسته خدا را شناخته‌اند و در آخر الزمان، یاوران حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود.

## وظائف منتظران

### وظائف منتظران

وظایف منتظران، در زمان غیبت امام زمان (عج) چیست؟ یکی از برترین اعمال در تفکر شیعی، مسأله «انتظار» است.

ائمه معصومین علیهم السلام، برای منتظران در عصر غیبت، وظایفی را بر شمرده‌اند.

چنانچه مسلمانان، از تفرقه و پراکندگی بپرهیزند و اختلافات دامن‌گیر آنان نشود، و از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، با نیروهای شیطانی که تمام ارزش‌های معنوی را از بین برده‌اند، هوشیارانه برخورد کنند، و بالاخره موقعیت‌شان را درک کنند و به ضعف‌های خود را ریشه‌یابی کنند، می‌توانند به یک وحدت یکپارچه دست یابند.

آن چه رهبر معظم انقلاب اسلامی، مقام عظمای ولایت، حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای، مدظله‌العالی، «سال وحدت ملی و انسجام اسلامی» نامیدند.

و سال بعد از آن را، سال نوآوری و شکوفایی؛ که باید با تفکر درباره شیوه‌های نوآوری و شکوفایی، راه‌کارهای جدید و تازه در تبیین آیین اسلام و مهدویت را به جامعه ارائه داد، و بیش از پیش، مسلمانان را با آراء و نظریه‌های ناب شیعی، و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام آشنا کرد. با این نوآوری‌ها می‌توانیم با اطلاعاتی افزون‌تر، شبهه‌های ناروا در حوزه مسائل عقیدتی را

پاسخ گویند<sup>۱</sup>.

نیز با تفسیر آیات شریف قرآنی، ترفندهای دشمنان پُرکینه را، که با اسلام نایب محمدی علیه السلام مخالفت دارند، خشی کرده و نقطه‌های مشترک با برادران اهل سنت را، به وسیله قرآن کریم، تقویت کرده و با برادری بیش‌تر، از اسلام و مشترکات تشیع و اهل تسنن در مقابل گروه‌های پویشی و هابی دفاع کنیم. به یقین، از راه فتنه، سعی در تفرقه‌افکنی و ایجاد فاصله میان مسلمانان دارند!

امید است این تلاش، علاوه بر استفاده مؤمنین، مرضی آن حضرت و موجب آشنایی بیش‌تر عاشقان آن حضرت شود.

و اما در این مقام، به پاره‌ای از وظایف مسلمانان، در عصر غیبت، هرچند کوتاه و مختصر، اشاره

می‌کنیم:

### یکم؛ شناخت حجت خدا

مهم‌ترین وظیفه یک فرد منتظر، تلاش برای کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام زمان علیه السلام است؛ چرا که انسان، بدون شناخت امام و منزلت او، نمی‌تواند وظیفه خود را در رابطه با او تشخیص دهد.

### دوم؛ کسب فضایل اخلاقی و تهذیب نفس

کسی که شیعه و منتظر واقعی است، در همه ایتام نسبت به کسب مراتب اخلاقی و فضایل والا، تلاش دارد تا نفس خویش را به صفات خوب انسانی آراسته نماید.

### سوم؛ تلاش برای اصلاح اجتماع

تلاش برای برطرف کردن مفاسد اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام برای تربیت نسل مهذب و کارا، یکی از وظایف منتظر واقعی است، چون تا زمینه‌ی ظهور فراهم نگردد امکان ظهور امام زمان علیه السلام میسر نخواهد شد.

### چهارم؛ پیروی از نایب‌های امام زمان علیه السلام

در زمان غیبت امام زمان علیه السلام مردم موظف هستند در تمام کارها و حوادث، بنابر فرمایش ائمه‌ی اطهار علیهم السلام، بویژه امام زمان علیه السلام، به فقهای جامع‌الشرایط مراجعه کنند و به احکامی که صادر می‌کنند،

۱. بحث الگوی مصرف و صرفه جویی نیز از مباحثی است که روایات شریف بی‌شماری به آن عنایت ویژه دارند. ان شاء الله در جای خود، متذکر آن خواهیم شد.

۲. خداوند را بر الطاف بی‌کرانش شکرگزاریم که دهمین فرزانه، از جهان تشیع، و فرزندی از ذرایی حضرت زهرا علیها السلام، در سایه توجهات حضرت زین العابدین علیه السلام، در راه اعتلای اسلام نایب محمدی صلی الله علیه و آله گام‌های شایسته و محکم برمی‌دارد. و هوشیاری عموم مسلمین را در مقابل فتنه‌های دشمنان، متذکر می‌گرداند.

عمل نمایند.

### پنجم: دعا برای سلامتی امام علیه السلام و تعجیل در فرجش

منتظر واقعی در هر صبح و شام با خلوص نیت از پیشگاه خدای مهربان سلامتی و ظهور امام زمان علیه السلام را درخواست می نماید.

### ششم: انجام اعمال عبادی به نیابت از حضرت

خواندن نماز و قرآن، زیارت نمودن به نیابت از امام زمان علیه السلام.

### هفتم: توجه به اماکن متمیز که

توجه به اماکنی که مورد عنایت امام زمان علیه السلام است، همانند مشاهد مشرفه، مسجد سهله، مسجد جمکران و ...

### هشتم: صدقه برای سلامتی امام عصر علیه السلام

صدقه دادن برای سلامتی امام زمان علیه السلام، از دیگر وظایف منتظران آن حضرت می باشد.

### نهم: توسل و زیارت امام زمان علیه السلام

توسل به امام زمان علیه السلام و زیارت آن حضرت با زیارت‌ها و دعاهایی که در کتب ادعیه آمده است.

### دهم: بالا بردن معلومات دینی، فراگیری احکام اسلامی

یک منتظر واقعی، باید نسبت به آیین مقدس اسلام و اعمال واجب و حرام و مستحب و مکروه، دقت لازم را داشته باشد.

و در صورتی که نسبت به احکام دین مبین اسلام آشنایی ندارد، درصدد فراگیری آن برآید. بنابراین لازم است فرصت را مغتنم شمرده، با بالا بردن سطح معلومات و نزدیک شدن به درخواست‌های معنوی، خویشتن را نسبت به امام عصر (عج) نزدیک و نزدیک‌تر نماییم، تا آن وجود نازنین، نسبت به ما عنایات ویژه‌ای داشته باشد. (دقت کامل شود)

## فصل دوازدهم

مکان‌های منسوب به حضرت مهدی علیه السلام



در آینه‌ها زلال شورش جاری است

در مسجد جنگران حضورش جاری است

در خلوت عشاق دل افروخته‌اش

انسوار دل آرای ظهورش جاری است

ببوسم خاک پاک جمکران را

تجلی خانه پیغمبران را

### مکان‌های منسوب به حضرت مهدی (عج)

#### مسجد مقدس جمکران

این مسجد، در روز هفدهم رمضان ۳۷۳ هجری، به فرمان حضرت بقیة اللہ، در کنار روستای جمکران بنا نهاده شد.

این مسجد، مهم‌ترین پایگاه شیعیان شیفته و عاشقان دل سوخته‌ی حضرت بقیة اللہ، ارواحنا فداء، است.

مسجد مقدس جمکران، در شش کیلومتری شهر مذهبی قم است. همه ساله، میلیون‌ها عاشق حضرت، از نقاط مختلف ایران و جهان می‌باشند. برخی، در این حضور، برای رفع مشکلات مادی و گرفتاری‌ها زندگی خود، نماز می‌خوانند و دعا می‌کنند.

و بعضی دیگر، برای ظهور حضرت ولی عصر (عج)، نیایش دارند. این مکان مقدس، تحت توجهات و عنایات خاصه حضرت بقیة اللہ قرار دارد و ایشان از شیعیانشان خواسته‌اند که به این مکان مقدس روی آورند، زیرا این مکان مقدس، دارای زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین‌های دیگر برگزیده و برتری داده.

با مروری بر تاریخچه این مسجد مقدس، به اهمیت آن اشاره می‌گردد:

#### تاریخچه مسجد مقدس جمکران

شیخ حسن بن مثله جمکرانی چنین می‌گوید:

من شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ (و به قولی ۳۷۳) در خانه خود خوابیده بودم، که ناگهان جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند، و گفتند: برخیز و طلب امام مهدی علیه السلام را اجابت کن که تو را می‌خوانند. آن‌ها مرا به محلی که اکنون مسجد (جمکران) است آوردند.

چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که قرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیری هم پیش او نشسته است. آن پیر، حضرت خضر علیه السلام بود. پس آن پیر مرا بنشاند. حضرت مهدی (ارواحنا فداه) مرا به نام خود خواند و فرمود: برو به حسن مسلم که در این زمین کشاورزی می‌کرد. بگو که این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین‌های دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کنند. حسن مثله گفت: یا سیدی و مولای، لازم است که من دلیل و نشانه‌ای گفته باشم، و الا مردم حرف مرا قبول نمی‌کنند. آقا فرمودند: تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما خودمان نشانه‌هایی برای آن قرار می‌دهیم و پیش سید ابوالحسن برو و به او بگو، حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله که از زمین به دست آورده است، وصول کند و با آن پول مسجد را بنا کند و به مردم بگو: بدین مکان رعبت کنند و آن را عزیز دارند.

### اعمال مسجد جمکران و نماز حضرت حجت علیه السلام

#### چهار رکعت نماز در آن بگذارند:

دو رکعت اول: به نیت نماز «تحیت» مسجد است، که در هر رکعت آن یک حمد و (۷) «قل هو الله احد» خوانده می‌شود و در حالت رکوع [سبحان ربی العظیم و بحمده] و سجود [سبحان ربی الاعلی و بحمده] هم، هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند.

دو رکعت دوم: به نیت نماز «امام صاحب الزمان (عج)» خوانده می‌شود بدین صورت که سوره «حمد» را شروع می‌کنیم و چون به آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» می‌رسیم، این آیه شریفه را چند مرتبه تکرار می‌کنیم و بعد از آن، بقیه سوره حمد را می‌خوانیم. بعد از پایان حمد، سوره «قل هو الله احد» را فقط یک بار می‌خوانیم و به رکوع می‌رویم و ذکر «سبحان ربی العظیم و بحمده» را هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می‌کنیم و ذکر [سبحان ربی الاعلی و بحمده] هر کدام از سجده‌ها نیز، هفت مرتبه است. رکعت دوم نیز به همین گونه است. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود، یکبار گفته می‌شود: «لا اله الا الله» و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگوید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» آنگاه امام مهدی فرمودند: «فمن

صلیها فکانتا صلی فی البیت العتیق»؛ هر که این دو رکعت نماز (نماز امام صاحب الزمان) را در این مکان (مسجد مقدس جمکران) بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.

### ادامه داستان حسن بن مثله جمکرانی

حسن بن مثله می گوید: چون من پاره‌ای زاه آمدم، دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: بزی در گله جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن و بدین موضع آور و آن را بکش و بر بیماران اتفاق کن هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد.

وی می گوید: من سپس به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم تا این که نماز صبح خوانده و سپس به سراغ علی المنذر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان موضع شب گذشته رفتم.

وقتی که رسیدیم زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام علیه السلام حدود بنای مسجد را نشان می داد. سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادمان او گفتند که سید از سحر در انتظار توست و تو از جمکران هستی، به او گفتم: بلی. به درون خانه رفتم و سید مرا گرامی داشت و گفت ای حسن مثله! من در خواب بودم که شخصی به من گفت که حسن بن مثله نام از جمکران پیش تو می آید، هر چه گوید او، تصدیق کن و بر قول او اعتقاد کن که سخن او سخن راست و قول او را رد نکن و از هنگام بیدار شدن از خواب تا این ساعت منتظرت بودم و آن گاه بود که ماجرای شب گذشته را تعریف کرد.

سید بلافاصله فرمود اسب‌ها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدند.

وقتی به نزدیک روستای جمکران رسیدند، گله جعفر کاشانی را دیدند. حسن مثله به میان گله رفت و آن بز که پس همه گوسفندان می آمد، پیش حسن مثله دوید. جعفر سوگند یاد کرد این بز در گله من نبوده و تاکنون آن را ندیده بودم. به هر حال آن بز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن خورده، با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) شفا یافت.

حسن مسلم را اخضار کرد و منافع زمین را از او گرفتند و مسجد جمکران را با چوب و دیوار پوشاندند.

سید زنجیرها و میخ‌ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را بسندان زنجیر می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می فرمود. ولی پس از فوت

سیدابوالحسن، آن زنجیرها نیز پنهان گشته و دیگر کسی آن‌ها را ندید!

### مسجد سهله

در اطراف کوفه، در دو کیلومتری شمال غربی مسجد اعظم کوفه، کهن‌ترین مکان منتسب به حضرت بقیةالله (عج) قرار دارد.

### جایگاه آن امام نور به هنگام ظهور

در روایات بی شماری، از این مسجد، به عنوان اقامت‌گاه شخصی حضرت ولی عصر علیه السلام در عصر ظهور، یاد شده است.

در احادیث فراوانی، به صراحت اعلام شده که اقامت‌گاه شخصی حضرت بقیةالله، ارواحنا فداه، در دوران ظهور، مسجد مقدس سهله است.

اینک شماری از این روایات آورده می‌شود.

امام صادق علیه السلام خطاب به ابوبصیر فرمود:

ای ابامحمد! گویی فرود آمدن قائم علیه السلام را با اهل و عیال‌اش در مسجد سهله، با چشم خود می‌بینم.

ابوبصیر عرضه داشت: آیا محل اقامت دائمی آن حضرت، در مسجد سهله خواهد بود؟

حضرت فرمود: آری.

سپس فرمود: مسجد سهله، اقامت‌گاه حضرت ادریس علیه السلام بود.

مسجد سهله، اقامت‌گاه حضرت ابراهیم خلیل الرحمان علیه السلام بود.

خداوند، پیامبری را مبعوث نکرده، جز این که در مسجد سهله نماز گزارده است.

مسجد سهله، پایگاه حضرت خضر علیه السلام است.

کسی که در مسجد سهله اقامت کند، همانند کسی است که در خیمه رسول اکرم صلی الله علیه و آله اقامت

کند. مرد و زن با ایمانی یافت نمی‌شود، جز این که دل‌اش به سوی مسجد سهله پر می‌زند.

در مسجد سهله، تخته سنگی است که تمثال همه پیامبران بر آن نقش بسته است.

احدی در مسجد سهله نماز نمی‌گزارد که با نیت راستین خدا را بخواند، جز این که خداوند

او را با حاجت بر آورده شده از آن جا بر می‌گرداند.

احدی نیست که در مسجد سهله به خدا پناهنده شود، جز این که خداوند او را از آن چه بیم

دارد پناه دهد.

ابوبصیر عرض کرد: فضیلت بسیار بزرگی است!

امام صادق علیه السلام فرمود: آیا برای ات بیفزایم؟

عرض کرد: بلی.

فرمود: مسجد سهله، از آن بقعه‌هایی است که خداوند دوست دارد او را در آن جا بخوانند. شب و روزی نیست که فرشتگان به زیارت مسجد سهله نشتابند و در آن جا به عبادت حق تعالی پردازند.

اگر من در آن سامان سکونت داشتم، هیچ نمازی را جز در مسجد سهله نمی خواندم.

ای ابا محمد! اگر مسجد سهله هیچ فضیلتی جز فرود آمدن فرشته‌ها و اقامت پیامبران را نداشت، همین فضیلت بس بود، در حالی که این همه فضیلت دارد.

آن چه از فضایل مسجد سهله برای تو بازگو نکردم، بیش از فضایی است که برایت گفتم.

ابوبصیر عرض کرد: آیا مسجد سهله، اقامت‌گاه دائمی حضرت قائم علیه السلام خواهد بود؟

فرمود: آری.

در این جا به ذکر حدیثی بسیار خالب از حضرت امام زین العابدین علیه السلام بسنده می‌کنیم که حضرت

فرمود:

مَنْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ رَكَعَتَيْنِ، زَادَ اللَّهُ فِي عَمْرِهِ سِتِّينَ؛ هر کس در مسجد سهله

دو رکعت نماز بگزارد، خداوند، دو سال بر عمر او می‌افزاید.

### ویژگی‌های منحصر و خاص مسجد سهله

۱. اقامت‌گاه پیامبران و صالحان است.

۲. اقامت‌گاه جانشینان حضرت مهدی علیه السلام است.

۳. پایگاه حضرت خضر علیه السلام است.

۴. کارگاه خیاطی حضرت ادریس بود.

۵. محلّ عروج است.

۶. محلّ نزول فرشته‌ها است.

۱. المزار الکبیر ص ۱۲۴ بحار الأنوار ج ۱، ص ۴۳۶ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۷؛ قصص الأنبياء، زاوندی، ص ۸۱ مشتاقان به کسب اطلاعات مفصل درباره اماكن منتسب به حضرت علیه السلام بگردند. اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام در ایران و جهان، فاضل محترم استاد علی اکبر مهدی پور، بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج).

۲. مزار، شیخ مفید، ص ۲۶ المزار الکبیر ص ۱۲۴ مستدرک الوسائل ج ۳، ص ۴۱۷؛ بحار الأنوار ج ۱، ص ۴۳۶.

۷. محل نیایش حضرت صاحب‌الزین است.
۸. امام صادق علیه السلام برای حوائج مهم به آن جا تشریف می برد.
۹. داود، از آن جا به جنگ جالوت رفت.
۱۰. دو رکعت نماز در آن جا، انسان را در پناه خدا قرار می دهد.
۱۱. دو رکعت نماز میان مغرب و عشا، در آن جا، موجب افزایش عمر است.
۱۲. دو رکعت نماز میان مغرب و عشا، در آن جا، موجب رفع غم می شود.
۱۳. نیایش در مسجد سهله، موجب قضای حوائج و تقرب به خدا است.
۱۴. نیایش در آن جا، موجب مصونیت از ناملایمات است.
۱۵. نیایش در آن جا، موجب مصونیت از نیرنگ دشمنان است.
۱۶. و....

#### باریافتگان مسجد سهله

از آغاز غیبت کبرای حضرت بقیةالله، ارواحنا فدا، تاکنون، هزاران نفر از شیعیان شیفته و منتظران دل سوخته، به قصد دیدار آن حضرت، به مسجد مقدس سهله شتافته‌اند. بسیاری از عزیزان و داستان‌تشریف‌شان، که به آثار مکتوب راه یافته، و به دست ما رسیده است، در این مسجد مقدس شرفیاب شده‌اند، که در بخش تشریف‌یافتگان در این کتاب به بخش مختصری از آن‌ها اشاره گردیده است.

اما در این مقام نیز ذکر اسامی برخی از آن‌ها خالی از لطف نیست:

۱. آیه‌الله سید مهدی بحرالعلوم (متوفای ۱۲۱۲)
۲. سید جعفر قزوینی
۳. سید مهدی عباآب نجفی
۴. حاج سید احمد اصفهانی (مشهور به خوشنویس)
۵. شیخ محمود عراقی (متوفای ۱۳۰۶)
۶. سید عبدالله قزوینی
۷. حاج علی نجفی
۸. شیخ محمود عراقی
۹. میرزا هادی بجستانی

۱۰. شیخ محمد تقی حائری نازندزانی
۱۱. آیه الله حاج میرزا مهدی اصفهانی
۱۲. آیه الله العظمی مرعشی نجفی
۱۳. علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان
۱۴. حاج شیخ محمد تقی آملی
۱۵. و...

### اعمال مسجد سهله

دو رکعت نماز تحیت مسجد، از مهم ترین اعمال مسجد سهله است، که مابین نماز مغرب و عشاء خوانده می شود.

برای رفتن به آن مسجد در شب های چهارشنبه، هیچ سندی از معصوم علیه السلام نرسیده است، اما سید ابن طاووس می نویسد: اگر خواستی به مسجد سهله بروی، آن را در میان مغرب و عشاء قرار بده، در شب چهارشنبه، و آن، افضل از دیگر وقت ها است.

### مسجد کوفه

مسجد اعظم کوفه، یکی از کهن ترین اماکن زیارتی منتسب به حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه)، مرکز قضاوت، محل نصب منبر، محل تأسیس کلاس های آموزش قرآن و محل اقامه ی نماز جمعه و جماعت آن حضرت در عهد ظهور است. مسجد کوفه در اصل بسیار گسترده بود.

### سیمای مسجد کوفه

آیاتی از قرآن کریم به مسجد کوفه تفسیر شده که به مختصری از آن ها اشاره می کنیم:  
﴿وَاصْنَعِ الْفُلْکَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِنَّا﴾ خداوند به حضرت نوح علیه السلام وحی فرمود: کشتی را به یاری ما (در حضور ما) و به فرمان ما بساز.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت نوح علیه السلام نجار بود او نخستین کسی است که کشتی ساخت. او نهصد و پنجاه سال قنوم خود را ارشاد و هدایت کرد، آن ها همه اش او را مسخره کردند، پس از خدا خواست که احدی از آن ها را روی زمین باقی نگذارد. خدا به او وحی کرد که کشتی را بسازد.

حضرت نوح کشتی را با دست خود در مسجد کوفه ساخت و تخته ها را از راه های دور آورد تا



کار ساختن کشتی به اتمام رسید.

تا هنگامی که فرمان ما فرا رسید و از تنور آب جوشید.

امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در ضمن شمارش ویژگی های مسجد کوفه فرمود:

فِيهِ نَجْرُ نُوحٍ سَفِينَتَهُ، وَ فِيهِ قَارَ التَّنُورِ، وَ بِهِ كَانَ بَيْتَ نُوحٍ وَ مَسْجِدَهُ، وَ فِي زَاوِيَتِهِ الْيَمْنَى قَارَ التَّنُورِ؛  
حضرت نوح کشتی اش را در آن جا ساخت، از تنور نیز همان جا آب جوشید. خانه‌ی نوح و محل عبادت او نیز آن جا بود. در زاویه‌ی راست آن آب از تنور جوشید.

### مسجد کوفه از منظر پیشوایان

در مورد ویژگی های مسجد کوفه از منظر احادیث وارده از پیشوایان معصوم تنها به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم: امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود:

چهار قصر از قصرهای بهشتی در دنیا است:

۱. مسجد الحرام

۲. مسجد النبی.

۳. مسجد اقصی.

۴. مسجد کوفه.

امام صادق علیه السلام فرمود: مسافر در چهار جا می‌تواند نمازش را کامل بخواند:

۱. مسجد الحرام. ۲. مسجد النبی. ۳. مسجد کوفه. ۴. حرم حضرت امام حسین علیه السلام.

### مسجد کوفه در هنگامه ظهور

به هنگام ظهور، این مکان مقدس، مرکز داورى و دادرسی حضرت یقین الله (عج) خواهد بود.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مرکز حکومت او، کوفه، و مرکز قضاوت و دادرسی او مسجد اعظم کوفه است.<sup>۱</sup>

نیز در هنگامه ظهور، پیرامون منبر امام زمان علیه السلام، از سخنان آن حضرت فیض خواهند برد، که امام

صادق علیه السلام در این باره فرمود:

گویی به سوی قائم علیه السلام می‌نگرم که بر فراز منبر مسجد کوفه قرار گرفته، تعداد ۳۱۳ تن

یارانش در اطراف او حلقه زده‌اند. که پرچم داران و فرمان‌روایان خداوند بر فراز گیتی در

میان بندگان خدایند.<sup>۲</sup>

۱. أَرْبَعَةٌ مِنْ قُصُورِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَ الْمَسْجِدُ الرَّسُولِ وَ مَسْجِدُ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ. ۲. دَارُ مَلِكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا. ۳. كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مَنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ. ثَلَاثٌ مِائَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرٌ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَوَّلِيَّةِ، وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ.

## خاتمه

عریضه نویسی

توجهی به زیارت ناحیه مقدسه

ره یافتگان

نقل مکاشفاتی از علما

واگویه هایی با امام عصر (عج)

### عریضه نویسی

در لغت، عریضه به معنای عرض حال و درخواست نامه است. در اصطلاح، یکی از شیوه‌های خاص توسل، عریضه نویسی می‌باشد. گاهی عریضه را خطاب به خداوند متعال می‌نویسند، و ضمن اشاره به مشکل مورد نظر، به منزلت یکی از ائمه معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup>، یا همه آن بزرگواران، در پیشگاه خداوند متوسل می‌شوند. در پاره‌ای از اوقات، عریضه به صورت مستقیم، به معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup> نوشته می‌شود، تا آن بزرگوار، به خاطر منزلتی که در نزد خداوند سبحان دارد، حاجت و مشکل آن شخص را از ذات خداوند، درخواست نمایند.

و یا به صورت‌های دیگر، همانند آن که خود معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup>، به واسطه قدرتی که از ناحیه ایزد متان دارد، به اذن خداوند، آن حاجت را برآورده می‌سازد.

در هر یک از این صورت‌ها، شرک و نظیر آن محسوب نخواهد شد.

و اما آداب عریضه نویسی را در این جا متذکر می‌شویم:

#### آداب عریضه نویسی

همان گونه که خوانندگان ارجمند می‌دانند، یکی از راه‌های توسل به امام زمان<sup>علیه‌السلام</sup>، نوشتن عریضه برای آن حضرت است؛ به این صورت که فرد، نامه‌ای خطاب به امام زمان<sup>علیه‌السلام</sup> می‌نویسد. لازم به ذکر است که متن این نامه، به صورت‌های مختلف نوشته می‌شود.

صورت معروفی که در کتاب‌های ادعیه، زیارات و... وارد شده است، این گونه است:

#### عریضه به خدمت حضرت بقیه الله الاعظم<sup>علیه‌السلام</sup>

كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَعِيفًا وَ شَكْوَتٌ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، ثُمَّ بَكَ  
مِنْ أَمْرِ قَدْ دَهَمَنِي وَ اشْغَلَ قَلْبِي وَ أَطَالَ فِكْرِي، وَ سَلَبَتِي بَعْضَ لَبِي وَ غَيْرَ خَطِيرٍ نِعْمَةً اللَّهُ عِنْدِي

اسلمنی عند تخیل و زوده الخلیل و تبرء منی عند تراشی اقباله الی الخمیم و عجزت عن رفاعه  
حیلتی و خاننی فی تحمله صبری و قوتی فلجات فیہ الیک و توکلت فی المسئله لله جل ثناؤه  
علیه و علیک فی رفاعه عنی علماً بمکانک من الله رب العالمین ولی التذیب و مالک الأمور و اتقاً  
یک فی المسارعه فی الشفاعة الیه جل ثناؤه فی امری متیقناً لإجابته تبارک و تعالی ایاک باعطاء  
سؤلی و أنت یا مولای جدیر بتحقیق ظنی و تصدیق املی فیک فی امر... (محل عرض  
حاجت).

فیما لا طاقة لی بحمله و لا صبر لی علیه و ان کنت مستحقاً له و لضعافه بقبیح افعالی و تقریطی  
فی الواجبات التی لله عز و جل قاغثنی یا مولای صلوات الله علیک عند اللطف و قدم المسئله لله  
عز و جل فی امری قبل حلول التلف و شماتة الاعداء. فیک بسطت النعمة علی و اسئل الله جل جلاله  
لی نصراً عزیزاً و فتحاً قریباً فیہ بلوغ الامال و خیر المبادی و خواتیم الاعمال و الامن من المخاوف  
کلها فی کل حال انه جل ثناؤه لما یشاء فقال وهو حسبی و نعم الوکیل فی المبدء و المال.

سپس در حرم یکی از ائمه معصومین علیهم السلام یا در سرچاه آب و یا نهری نام یکی از نواب اربعه  
(عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد سمری) را برده و می گوید:

سلام علیک أشهد ان وفاتک فی سبیل الله و انک حی عندالله تعالی مرزوق و قد خاطبتک فی حیاتک  
التی عندالله عز و جل و هذه رقعتی و حاجتی الی مولانا علیه السلام فسئلها الیه فانت الثقة الامین.

و پس از نوشتن درخواست خود، آن را در چاه آب یا آب جاری نظیر رودخانه و جوی آب و یا  
بزرگه آب می اندازد.

۱. عزیز دلا آن هنگام که هم نوابا یوسف فاطمه (س) نغمه سرای زیارت ناحیه می گردی، می توانی حضور تمامی انبیا و اوصیا را با تمام وجودت حس  
کنی و چون با چشم جانت نیک بینی، می توانی قویاری اشک از چشمان بهاری مولایمان را نظاره گر شوی، به همراه شانه هایی سترگ که از عظمت  
تألم و مصیبت به شدت تکان می خورد و نیز اگر خوب گوش جان بسپاری، چه بسا سلام های جانشوز مولای زابیه ساخت نوزانی شهدای نینوا تیز  
باشنوی.

آری، یکی از راه های تقرب به خدا و امام زمان (ع) زیارت اباعبدالله الحسین (ع) از طریق زیارت ناحیه مقدسه است.

(حیدری کاشانی، زیارت اباعبدالله و شهدای کربلا منسوب به ناحیه مقدسه)

### تذکر

نوشتاری کوتاه با قلم محقق کتاب حاضر:

در طول قرون گذشته، بزرگانی از فقهاء، توفیق تشرّف به پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیدا کرده‌اند. برخی از تشرّف یافتگان نام و احوالاتشان ذکر شد.

آن چه از حقایق وجود دارد، لازم نیست در دور دست‌ها باشد، یا از کسانی نقل شود که آن‌ها را نمی‌شناسیم، یا در دسترس نیستند و یا از این دنیا به ديار باقی شتافتند، بلکه می‌تواند جریان‌ها و اتفاق‌هایی باشد که در طول سالیانی تلمذ از محضر بزرگان و شخصیت‌های برجسته حوزوی، به هر حال، کسب فیض شده باشد. (رحلت جانگداز بزرگ مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آية الله العظمی بهجت، رضوان الله تعالی علیه، ما را بر آن داشت تا برای هرچه بیشتر استفاده کردن از محضر عالمان پرهیزکار، در زمان حیات ملکی بابرکتشان، بیش‌تر به معنویات و طریقه سیر و سلوک آن بزرگان عنایت داشته باشیم) شاید هر زمان که فاصله‌ها از معنویات دورتر شده، برخی افراد نسبت به شنیدن این‌گونه مسائل، کم‌تر توجه پیدا کرده‌اند، و بیش‌تر سعی دارند در نگاه اول بگویند: نباید چنین چیزهایی نقل یا حکایت شود، در صورتی که حتی در مورد مسأله غیبت کبری نیز، چنین است که باید بزرگان از دیدارها و رویت‌های خویش با امام عصر (عج) بسیار بگویند، تا مردم قطع امید نکنند (آن چه سفارش گردیده است که نباید نقل شود، ادعای ارتباط مخصوص، یا آن حضرت و ادعای پیام بردن و پیام آوردن در ساعات مخصوص و ارتباط حضوری و... است، که جنبه‌های ریا و اغفال و... در نزد مردم پیدا کند).

آن چه در این مقام ذکر می‌گردد، یادداشت‌هایی است که تدوین‌گر این کتاب (سید جواد هاشمی)، از استاد آية الله العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی فقیه (یزدی)، دامت برکاته، نقل می‌کند، که قریب دو دهه از محضر پُر خیر و برکت این عالم فرزانه، استفاده‌های وافر برده است؛ شخصیتی که از ویژگی‌های برجسته اخلاقی و منش والای انسانی و رفتار و سلوک عالمانه و ارجمندی برخوردار است. همان گونه که در پیش‌گفتار این کتاب نیز ذکر شد، معاشرت با حضرت استاد، حفظه الله تعالی، و آگاهی از منش و رفتار معظمه، یادآور منش و سلوک عالمان مخلص، فقیهان معابدآور و استادان دلسوز سلسله عالمان شیعه است. حضرت استاد، دام عزّه العالی را مصداقی برای این بیان معصوم (ع) می‌دانیم که: «زمام امور به دست عالمان الهی و امناء و آگاهان به جلال و حرام خدای تعالی است»

## توجهی به زیارت ناحیه مقدسه

معظم‌العه، در شرح زیارت وارث چنین فرموده‌اند: بسیاری از مردم، در ایام مناسب، و حتی در روز عاشورا، «زیارت ناحیه مقدسه حضرت امام زمان (علیه السلام)» را می‌خوانند.

در این زیارت پس از آن که نام‌هایی از انبیاء - که در قرآن کریم به جز «شیت» اسم‌های مبارکشان آمده، با ذکر بسمت‌هایی از آنان، درباره چگونگی شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش است؛ از این رو زیارتی بسیار سوزناک است، و اگر فقراتی از آن با معنا خوانده شود، خود، روضه‌ای کامل و مرثیه‌سرایی جامع است که گوشه‌ای از جریان پر سوز و گداز کربلا را بازگو می‌کند.

شاید این سوگ‌نامه، نزدیک‌ترین روایت از این واقعه دردناک باشد، در عین حالی که به نظر می‌رسد حضرت ولی عصر (علیه السلام)، با این زیارت برای جدشانش ندبه و مرثیه‌سرایی کرده باشند. شاید برای همین است که این زیارت به عنوان: «زیارت ناحیه مقدسه» در بعضی محافل و مجالس سوگواری امام حسین (علیه السلام) خوانده می‌شود، که در بردارنده حقایقی از عاشورا و بیان نکات دقیق و ظریفی از آن حادثه عظیم است، که می‌توان با احساس همدلی و رقت قلب بازگو کرد.

البته اعاضم و بزرگانی که در علم حدیث و فقه ید طولایی دارند، این زیارت را نقل کرده‌اند. ولی در عین حال چه بسا برای برخی از دانشمندان، این گونه نقل‌ها کفایت نکرده، مطالبی را بیان کرده‌اند، هرچند که درباره سند این زیارت ناحیه، حرف و حدیث‌هایی هست، ولی در جریانی که

۱. از آن جمله مرحومان شیخ مفید در کتاب مزار و شیخ محمدبن جعفر مشهدی در السوار الکبیر، صفحه ۵۱۳-۴۹۶ و علامه مجلسی (علیه السلام) در بحار الأنوار، ج ۱۰۱ (چاپ ایران) و ج ۹۸ (چاپ بیروت) ص ۳۱۷ نقل کرده‌اند.  
یکی از ویژگی‌های مشترک تمام اشرف یافتگان به ساحت امام زمان (عج)، حرص احترام و ارادت به ساحت امام حسین (ع) و گریه بر مصائب آن حضرت بوده است.

با کتوله باری از شقایق پر، با هیتی از کربلا سرشار  
با او تمام این سکونتستان می‌گردد از شعر خدا سرشار

از پشت دیوار قرون یک روز مردی می‌آید از خدا سرشار  
صددا چو دود نیست استند، از عطر آواز نگاه او

(فاکر)

۲. از آن جمله سخن‌ها این است که مرحوم محدث عظیم الشان حاج شیخ عباس قمی (علیه السلام) در کتاب مفاتیح الجنان آن را نقل نکرده است. نیز با توجه به آن که پیش از کتاب مفاتیح، کتابی به عنوان مفتاح الجنان یا مفتاح الجنات در دسترس بوده و بعضی از بقولات آن چه بسا مورد عنایت مرحوم محدث قمی نبوده است، و ظاهراً در آن کتاب، زیارت ناحیه مقدسه نقل شده است، ولی در مفاتیح نقل نشده است، و چه بسا این جهت مستلزم تضعیف و تزییف این زیارت باشد (و نظیر این گونه سخن‌ها و حرف و حدیث‌ها)، در جواب گفته می‌شود که عدم نقل ایشان، دلیلی بر کاستی سندی آن نیست، بلکه چه بسا به علت رعایت اختصار آن را ذکر نکرده است؛ زیرا ایشان با این که از مصباح المشهد شیخ طوسی (علیه السلام) نقل بسیاری نموده، در برخی از

برای این جانب پیش آمد، برایم ثابت شد که این زیارت ناحیه مورد عنایت خاص حضرت امام حسین علیه السلام است؛ در یکی از سفرهایی که به عتبات عالیات داشتم، شب جمعه آن با برخی از بزرگان از نجف اشرف به کربلا آمدم. در آن شب، با این که در موقعیت های دیگری که در حرم وارد می شدیم، احياناً سمت بالا سر مرقد مظهر برای بعضی از اعمال موفق می گشتم، به خاطر کثرت جمعیت، و همراهی آن شخصیت بزرگ علیه السلام، با ایشان به سمت رواق رفتیم، و با هم مشغول قرائت دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به روایت جناب کمیل علیه السلام شدیم؛ زیرا آن شخصیت، خیلی به دعای کمیل علاقه مند بود و برای همین، با قرائت این جانب، ایشان نیز با استماع کامل، همراه بنده قرائت می فرمودند. در حین قرائت این دعای شریف (معروف به دعای کمیل)، چند تن از زائران لبنانی از این جانب خواستند که زیارت ناحیه حضرت ولی عصر علیه السلام درباره حضرت امام حسین علیه السلام را قرائت کنم. ابتدا در پاسخ آنان گفتم:

**فعلاً، به دعا مشغول هستیم!**

ولی برخی از آنان بر خواندن زیارت ناحیه اصرار می کردند، لذا از آن بزرگوار استجازه نمودم که اگر شما اجازه می فرمایید، برای اجابت تقاضای مؤمن، زیارت ناحیه را قرائت کنم و سپس به دعای خود ادامه دهیم.

آن بزرگوار موافقت فرمودند. زیارت ناحیه را شروع کردم. چون خسته هم بودیم، من آن را نشسته خواندم. در ضمن خواندن آن زیارت، پس از این که به یکی از بخش های حساس زیارت رسیدم، با کلامی رسا، قریب به این عبارت، ندایی رسید: «آن چه بیان کردید و نوشتید و حاشیه و تعلیقه زدید، مورد تأیید است. آن مطالبی را که در باب معارف می خواهید ذکر کنید، به عنوان تعلیقه بر کتاب مفتاح الجنان بیان کنید.» از این جا متذکر شدم که:

اولاً زیارت ناحیه مقدسه مستند است و نیازی به تحقیق زیاد و بررسی فراوان درباره سند آن نیست. چه بسا یک امری برای شخصی با شرایط خاص حجت باشد و حتی ممکن است درجه حجیت آن برای فردی قطعی باشد، البته احتمال دارد که نسبت به دیگران نیز، زمینه های این چنینی فراهم آید.

**ثانیاً این زیارت مورد عنایت است. به گونه ای که خواندن و قرائت آن، مخصوصاً در مواقع مهم و**

موارد، اعمالی را از آن کتاب نقل نکرده، با آن که آن ها از نظر سند، محکم و قابل اعتماد بوده اند؛ مانند مواز و نماز شب و توافل شب های ماه مبارک رمضان. برای همین شاید بشود گفت، این عدم نقل به جهت رعایت اختصار بوده است. نیز همین بیان را درباره ذکر نکردن این زیارت در مفتاح، می توان عنوان کرد. زیرا بعضی از دعاهایی در همان کتاب مفتاح الجنان بوده و مرحوم محدث قمی نقل فرموده اند. علاوه بر آن که در همان کتاب مفتاح الجنان، زیارت ناحیه مقدسه را به استاد نقل مرحومان شیخ مفید علیه السلام، در کتاب مواز و شیخ محمد مهدی علیه السلام آورده است. بر این اساس بسیاری از دعاهای زیارت های مستند، در همان کتاب مفتاح الجنان موجود است.

مراکز حساس مطلوب است، بلکه چه بسا می‌توان به جهت رجحان آن، مورد نذر نیز قرار داد. زیرا آن چه حضرات فقهای عظام درباره رجحان مورد نظر فرموده‌اند، به همین مقدار احراز رجحان منطبق است.

ثالثاً این زیارت شریف، مورد عهد است و آن چه در شعاع عهد مطرح است، قرار گیرد، زیرا ضوابط عهد جاری و ساری است.<sup>۱</sup>

از نظر مبانی علمی و منطقی، هیچ دلیلی بر نفی آن نیست.<sup>۲</sup>

رابعاً آن بیان‌هایی که درباره تبیین مطالب قرآن و حدیث هست، و نیز کتاب‌ها و حواشی و تعلیقاتی که در باب فقه بر رساله‌ها و کتاب‌های فقهی از این حقیر نوشته شده است، و احیاناً بعضی از آن‌ها نشر یافته، مورد تأیید و گواهی قرار گرفته است.

خامساً هم چنین از این بیان برمی‌آید که کتاب مفاتیح الجنان از کتب مورد تأیید است و احیاناً مستلزم تکمیل به عنوان تعلیقه است و از این رو می‌توان همین زیارت ناحیه را به آن ملحق کرد. به هر حال، زیارت ناحیه نوعی حالت مرثیه‌سرایی دارد که مورد تأیید آن حضرت است. برای همین شایسته است و اعظان و مداحان نیز از این زیارت بهره ببرند و قسمت‌هایی از آن را به صورت اشعار و نثرهای جالب و گویا در شرایط حساس بیان کنند. گفتنی آن‌که در کتاب شریف بحار الانوار، این زیارت نقل شده و در ادامه آن تصریح گشته است که دو رکعت نماز زیارت خوانده شود؛ در رکعت اول، بعد از حمد، سوره انبیاء، و در رکعت دوم، پس از حمد، سوره حشر خوانده شود.<sup>۳</sup>

۱. ثالثاً به هیچ وجه نمی‌توان آن را نفی کرد، زیرا نفی کردن، دلیل منطقی می‌خواهد و ذکر مصائب ابا عبدالله (ع) و گریه بر مظلومیت آن حضرت از بهترین، مؤثرترین و میانبرترین راه‌های ایجاد ارتباط قلبی با امام زمان (عج) است، گریه کنندگان مصائب آن حضرت، بیش از هر کس به امام عصر (عج) شباهت می‌یابند.

۲. جز اجرای بعضی از اصول عملیه که در علم اصول فقه ذکر شده است ولی در این مقام، به ویژه آن چه مربوط به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و زیارت‌ها و غیره می‌باشد، جای اعمال اصول عملیه نیست. علاوه بر آن که در صورت اجراء و اعمال آن، مستلزم اصل مثبت می‌شود که با مبانی اجتهادی نمی‌گردد. و اساساً در این گونه موارد، نباید به اصول عملیه تمسک جست، و گرنه مانند برخی از افراد است که درباره علم غیب و احاطه علمی معصومان (علیهم‌السلام) به اصل عدم در آن ناحیه، احیاناً تمسک می‌کردند. مخالف از آن که در آن محدوده، مقام توقف است و جای احتیاط، نه اجرای اصل «فأحط و توقفا»، تا چون سوره‌های این نماز طولانی است، می‌توان نماز را نشسته خواند و یک آیه یا چند آیه از آخر سوره را در حالت ایستادن قرائت کرد، به گونه‌ای که رکوع از حالت قیام صورت بگیرد، یا این روش، ثواب ایستادن دارد.

۳. کتاب توضیح المسائل تحلیلی (اساس المسائل والاحکام) آیه الله العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی قبه، چاپ پنجم ۱۳۸۷، آیات بیانات، ص ۱۷۷.



### جریان دوم (مکاشفه‌ی استاد)

به مناسبتی با جناب عالم ربانی و فقیه محیط حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی - ائده الله تعالی و دامت برکاته - صحبتی به میان آمد، حقیر بیان کردم جریان حادثه‌ای را که با آن مواجه شده بودم و در نتیجه عنایتی که از حضرت ولی عصر علیه الصلوة والسلام و روحی له الفداء بر این ضعیف شد تا حیات جدیدی در این دنیا داشته باشیم و با امتداد آن تمدید شود.

معظم له فرمودند که این جریان را برای ایشان بنویسم، و بر این اساس اجمال آن واقعه مکتوب می‌شود و نیز در وقت دیگری هم در مکان شریفی فرمودند که در اجابت آن ناچار شدم.

### زمینه وقوع حادثه

(استاد، حفظه الله تعالی، می‌فرماید:) روز جمعه‌ای بود به دنبال ایام فاطمیة اول حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها و تعطیلات حوزه بود... در موقع حرکت اتومبیل، صدای قرآن قبل از اذان مغرب که از صدای جمهوری اسلامی پخش می‌شد را می‌شنیدم. پس از شروع به اذان مغرب قسمتی از اذان استماع شد و آن گاه حادثه رخ داد.

از آن لحظه به بعد چیزی در این عالم دنیا متوجه نشدم، آن چه یادم هست این است که بعد از شهادت به توحید (أشهد ان لا اله الا الله) و شنیدن آن و شنیدن این فراز که مؤذن می‌گوید (شهد لحمی و عظمی...)، دیگر چیزی از این عالم دنیا متوجه نشدم.

ظاهراً با ضربه‌ای که از ناحیه سر و چشم و بعضی از اعضای دیگر وارد می‌شود حال اختصار و بی‌هوشی و اغما، نسبت به این عالم و مقدمات رحلت از این دنیا به عالم دیگر فراهم می‌گردد، و گویا در بین این حالات در فاصله کوتاهی به هوش آمده و سپس آن حالت قبلی حاصل می‌شود، و در چنین حالتی بعضی از دوستان از حقیر قطع امید می‌کنند.

### مدرکات

و اما آنچه در عالم دیگر برای حقیر مدرک و مشهود بود، به طور اشاره و اجمال و اختصار چنین است (گرچه ظاهراً این مدرکات در لحظه‌هایی همانند سکرات و توأم با بی‌هوشی و اغما، و مانند آن نسبت به این عالم بوده، اما از نظر کیفیت ادراک کاملاً با توجه و روشن و بدون ابهام نسبت به ادراک و رؤیت حقیر بوده، و بعداً به این نکته در ضمن بیان آن جریان اشاره می‌شود)

عالمی بود که در خدمت انبیاء عظام و ائمه اطهار صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین و علیهم افضل صلوات المصلین و علماء اعلام رحمة الله علیهم بوده به طوری که مواجه با آنان واقع شده، و

آنان در دو صف ردیف بودند:

**الف:** صف طولی از انبیاء و ائمه اطهار و اولیاء (که حضرت فاطمه سلام الله علیها هم جزو آنان تشریف داشتند) سلام الله علیهم اجمعین به نحوی که بر سایرین (یعنی آن صف عرضی که بعداً ذکر می شود) مشرف بوده و سایرین تحت الشعاع و در ظل اشراف آنان قرار داشتند.

البته در آغاز و ابتدای شروع این صف (از سوی مقابل در جهت امتداد طولی) حضرت ولی عصر علیه الصلاة والسلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا فداه تشریف داشتند و سایر ائمه اطهار و انبیاء سلام الله و صلواته علیهم هم در ردیف آن حضرت با همان حالت اشراف و نظارت بر دیگران (یعنی آن صف دیگر) حضور داشتند.

**ب:** صف عرضی که از فقهاء و علماء تشکیل شده بود، و از جلود و (روبرو) شروع می شد و تا امتداد زیادی ادامه داشت (مثلاً فاصله ای همانند فاصله مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تا حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها).

و آن طور که در ذهن یاد دارم علماء و فقهاء و به طور کلی این صف عرضی همگی از اموات بودند. و همگی پشت سر هم به حالی مدور و حلقه مانند نشسته بودند (مثلاً مختصر حالت قوسی و کمانی که به صورت نیم دایره نمی رسید). و نیز آنچه صحبت می کردند در حضور انبیاء و ائمه اطهار سلام الله علیهم بود، یعنی در تحت اشراف و احاطه کامل بر تمام جزئیات و خصوصیات آنان بود.

و شروع صف علماء و فقهاء از افرادی بود که بیش تر با آنان مانوس بودیم، [در حالی که این جانب (حقیر) در مقابل آنان روبرو نشسته (نسبت به صف عرضی) و در جنب صف طولی در طرف راست حضرت ولی عصر علیه الصلاة والسلام وقاع بوده] مثلاً مرحوم آیه آ. علامه طباطبائی صاحب المیزان در جلو و مقابل رو که زانوی معظم له مخاذات با زانوی حقیر داشت، و در جنب ایشان مرحوم شهید استاد مطهری و هکذا. مرحوم آیه الله حاج شیخ غلامرضا یزدی و شهید آیه آ. صدوقی و آیه آ. خوانساری، مرحوم والد و در طرف دیگر مرحوم آیه آ. بروجردی و مرحوم آیه آ. شعرانی واقع بودند. و در امتداد و ادامه این صف، صف شیخ اعظم انصاری و بعضی از علماء دیگر بود تا محقق حلّی و علامه و شهیدین و سپس صف شیخ طوسی و شیخ مفید و شیخ صدوق و دیگران.

#### کیفیت خاص گفت و گوها و صحبت‌ها

و اما کیفیت صحبت بدین گونه بود:

آه قبل از آن که گفت و شنودی حاصل شود تا سمع و بصر تحقق یابد، ادراک حاصل بود، گویا

درک مقدم بر سمع و بصر بود، بدین صورت که در مرتبه اول درک و ادراک حاصل بوده و سپس صحبت تحقق می یافت، یعنی اول درک می شود و سپس به گوش می رسید، به طوری که سمع و بصر در مرتبه بعد از ادراک حاصل می شد. مثلاً وقتی اراده می کردم صحبتی بکنم، آنان قبل از صحبت حقیر متوجه بودند که این جانب چه می خواهد بگوید و بالعکس...

۲- و نیز از نظر ادراک دارای حالت یکنواختی بود به طوری که از آن شخصی که در مقابل رو بود تا آن فردی که در ردیف های بعد و بعد بود، ادراک بطور یکنواخت بود، بدون آن که صداها مخلوط شود و یا احتیاج به بلندگو و مشابه آن داشته باشد (خلاصه به خصوصیات این جهان در آن عالم نیازی نبود) و در مقام صحبت ترقی بین ردیف اول و وسط و آخر نیست، در عین این که امتیاز بین کلمات آنان هست، و خصوصیات و مختصات کلمات و افراد محفوظ است. و گویا این چنین مدرک بود که همگان توجه به انقلاب اسلامی و آثار و ابعاد آن هم دارند.

۳- و علاوه بر این جهات آن که هر چه از سابق فرا گرفته شده بود در مقام گفتن و بیان کردن هیچ احتیاج به ترویج و تفکر نبود، گویا تمام مطالب یاد گرفته شده حاضر است، و هیچ گونه نیازی به یادآوری نیست.

۴- و در ضمن صورت آن مجلس تمام نور بود، و هیچ گونه ظلمت و تاریکی مدرک نبود، به طوری که بعضی از حاضرین گفتند بعد از انتقال به این عالم در بیمارستان گفته بودم چقدر اینجا تاریک است؟! و در آن جا که بودیم خیلی روشن بود. (با وجود آن که اطاق های بیمارستان نوعاً روشن و پرنور است).

۵- و سخن مطالب مورد بحث از قبیل معارف و معالم دین بود، اما بنحو قطع و جزم نه آن که با حالت احتمال و اجمال بیان شود، گرچه نفس آن مطالب را فعلاً به نحو وضوح به یاد ندارم، و گویا عین آن مطالب نباید با آن اوصاف خاصه به این عالم دنیا منتقل شود. و ممکن است سر فراموشی آن مطالب هم همین باشد. یا لااقل یکی از اسرار آن باشد؛ اما کیفیت و حالت و وصف آن ها به یاد می ماند که از این جهت دارای مصلحت هم می باشد و بر این اساس بقیه خصوصیات یادمانده از همین مقوله هاست و غیر از آن ها با حالتی توأم با يدرك و لا یوصف باقی می ماند... و نیز با همان حالت اشراق از سوی اولیاء علیهم السلام.

**پایان این جریان و عنایت حضرت ولی عصر علیه الصلوة والسلام**

و این برنامه ادامه داشت و مرتب صحبت ها امتداد داشت، (البته مقوله و محور صحبت ها همان

معالم دین و معارف الهی بود که اشاره شد) تا آن که پس از مقداری گذشتن (مثلاً حدود هشت الی ده ساعت عادی در این عالم دنیا) که گویا صحبت‌ها و گفت و شنودها صورت گرفته، و به حالت سکوت عادی - که نوعاً در آخر مجالس معمولی پس از اتمام مذاکرات هست - نشسته بودیم (البته با حفظ همان حالات قبلی) که ناگهان حضرت ولی عصر علیه الصلاة والسلام و عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا بتراب مقدمه الفداء فرمودند به این بیان:

«آقا شما باید برگردید، برنامه‌هایی دارید انجام دهید، برنامه‌های شما صورت می‌گیرد، و

برگردید»

هنوز فرمایش آن حضرت صلوات الله و سلامه علیه تمام نشده بود، عرض کردم آقا هر برنامه‌ای باشد مقدمه این عالم است، و فعلاً تحصیل حاصل است، و در این عالم هستیم برای چه برگردیم. در این حال جناب علامه استاد طباطبائی رحمته‌الله که مقابل رو بودند همان بیان حضرت علیه‌السلام را مجدداً قرائت و تقریر نموده که سایر آقایان هم که در اطراف ایشان بودند با زبان حال همین مطلب را تقریر و تفهیم نمودند.

عرض کردم:

اگر تکلیف است به چشم

و سپس در ضمن حالت بلند شدن از آن مجلس آقای مطهری رحمته‌الله گفت برنامه آخری هم که می‌خواستی تنظیم کنی فراموش نکن. (و آن برنامه نسبت به روز تولد حضرت فاطمه سلام الله علیها بود با خصوصیات...) (

و پس از آن که به قصد بلند شدن از آن مجلس و پذیرفتن دستور حضرت علیه‌السلام ایستادم، متوجه شدم که در بیمارستان هستم، یعنی نسبت به این عالم دنیا به هوش آمدم [(و در واقع نسبت به آن عالم نورانی ادراکی از هوش و ادراک رفتیم، که دنبال آن غفلت‌ها هست نعوذ و نستجیر بالله و بأولیائه)] و در این جا متوجه شدم که اطباء نگران و مشغول فعالیت هستند.

در چنین موقعی متوجه حادثه شدم، و به آنان عرض نمودم جریانی است که من مردنی نیستم، ولی اگر مردن من رسید مرا به قم برده آن جا دفن نمایند و وصیت... عملی شود.

و از آن موقع دردها و ناراحتی‌ها شروع یعنی محسوس و مدرك شد، و گرنه قبل از آن مسایل دیگری بود که بسیاری از آن‌ها گفتنی نیست و فقط اوصافی را می‌فهمیم و... البته یکی از مریضی‌های سابقه‌دار اینجانب که با اطبای داخل و غیر آنان، اصلاح نشده بود، بدین وسیله شفا هم دادند.

امید است که با عنایت حضرت ولی عصر علیه الصلاة والسلام و روحی فداه به وظایف عمل کنیم، و خداوند متعال توفیق عنایت فرماید، و ما را با اولیاء طاهرینش محشور فرماید. بمحمد و آله. این مطالب شاید موجبی برای گفتن نداشت و لزومی هم نداشت و لکن حسب الامر فقیه محترم به نوشتن آن اجابت شد تا بلکه مشمول عنوان اجابت تقاضای مؤمن هم بشود، و نیز در زمره مدعوین صالحان قرار گیریم. و نیز مدتی تأخیر افتاد تا بلکه از جهت کتابت و نوشتن آن معاف شوم، ولی باز هم فرمودند خصوصاً در جمکران متعلق خاص آن حضرت که بر این جهات بر خود لازم دانستم، و در شبهای مبارک و حرم امن و در حریم مکان شریفی و بالاتر از همه این جهات در حضور امام رضا صلوات الله و سلامه علیه این نوشتار تنظیم یافت.

### نتایج

بعضی از نتایجی که از این جریان [لااقل برای حقیر معلوم گشته و یا حجیت دارد] به دست می آید بدین قرار است:

- ۱- سنخیت فقها با ائمه طاهرین و اولیاء، و انبیاء صلوات الله و سلامه علیهم.
- ۲- با روش و شیوه کتاب و سنت و برنامه متخذ از آن رو می توان در سلك و سنخ آنان قرار گرفت.
- ۳- توجه به کلمات و بیانات معصومین صلوات الله و سلامه علیهم و حتی آثار فقهاء که متخذ از کتاب و سنت است، زمینه ای برای این چنین مراتب و مراحل است.
- ۴- انسان بعد از تحقق بعضی از این حالات مقدمات رفتن وی از این عالم و انتقال از این عالم تا حدی صورت می گیرد. اگر بدن و قلب حرکت و طپشی دارد، ادامه و دنباله حرکت نباتی و گیاهی و یا حیوانی انسان است، و چه بسا یک چنین انسانی در عالم دیگر سیر می کند، و قبل از این به عالم دیگر منتقل شده و در دو فشار این عالم دنیا هم برای مهم نباشد و بلکه محسوس نباشد.
- و ممکن است روی این حساب و اساس کسانی که چند روز بی هوشی و غیره دارند، خداوند متعال از آنان درد و الم و تعب را به لطف و عنایت خاصش برداشته، و آنان در عالم دیگر منتعم به نعمت های الهی در حضور اولیاء علیهم السلام باشند.
- ۵- عالم پس از این دنیا - و بلکه عوالم دیگر - عالم حضور اعمال و عالم درک و ادراک و شناخت برتر است، و خفائی نیست. یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً و...  
البته در صورتی که شرایط را تحصیل کرده و با قطع ارتباط از این عالم با عالم نور و درک و علم متصل می شود و... و در این مقام یکی از اسرار و بواطن آیه شریفه روشن می شود.

و البته در راه شرف هم انسان وارد ظلمت و تاریکی و جهالت می شود که فرموده است: ... و ما عملت من سوء ... نعوذ بالله.

رعنایت و لطف الهی است که انسان را ترقی می دهد، و خداوند به وعده خود وفا می کند، و مقام والای انسان را اوج می دهد. (پایان واقعه).<sup>۱</sup>

این قسمت به خاطر جغرفی که معظم له، بر محقق این کتاب (آقای سید جواد هاشمی) دارند، ذکر می گردد، تا ان شاء الله، به وظیفه خود نسبت به بیان حقایق از فرزندان و ستارگان درخشان حوزه و عارفان سالک و راه یافتگان به کوی دوست، عمل کرده، و خوانندگان علاقه مند به روح خدایی، و راه و روش رسیدن به سلوک صحیح عمل نماییم. امید که علاقمندان و دوستانان، قضاوت و مرجعیت، به نحو احسن، از مقام مرجعیت شیعه پاسداری کنند، که این ذخایر غنی، از انطاف خفیه الهی هستند.

تذکر:

حجة الاسلام آقای لاکانی، از فقه متبحر مرحوم آقای ساجد شیخ محمد عیسی وصالی <sup>رحمه الله</sup> (کشکار) که از جمله شرکات کنندگان در درس خارج فقه معظم له بوده اند، نوشتاری را در اختیار گذاردند که ظاهراً آن عالم فرزانه، این مطالب را برای تقریرات دروس خارج فقه تنظیم نموده بودند. برای ذکر خیر از این روحانی دلسوز، در این مقام ذکر می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم ... و بعداً فأقول كلمة عدسني الله من لدنه تعالى شأنه من كل وصفت بلغ ما بلغ، غير مسرف في القول؛ فمستوحى هي العلامة العلم وعواضه، المهذب للنفس ومزكياً، راعى حق الله في الأحوال، باستعانة من الخبز في الأعمال، أمين مدينة العلم و بابها، كاشف وموز علومها، فقهياً وأصولاً، المنفرد في بحر الرواية ندراتها، صاحب القرة من الإرادة، العامل الكامل، شيخنا العلامة والرئيس الأمين لأمة محمد الأمين (ص)، وله علينا في كل ما يجب العمل به، أسوة و علامة؛ سماحة الفاضل المفضل، خير الأقران والأمثال ... أدام الله عزه، صرف الله عنه كل شر، هو الولي القائم بحفظ آياته المباركات. أسئل الله تعالى و أنبئني منه لشيخنا الخير الكثير والتوفيق الكثير وسقاء الله من منزهه، ماؤاً غداً أمين. ونحن الآن واقفون أمام دروب النواهب من الله الواهب، و علينا الشكر والإمتان والتحمي وراء أسوة العلم والعمل، و جبل الحياة و منهل عذاب للضمائم الطالبين المستسقين. أشهد و ما أجود في الإنشاء رحمه الله.

در کار کلاب و گل حکم ازلی این بود کاین شاهد بازاری وان پرده نشین باشد

نعم كيف لا وانت تنظر وترى أن كثيراً من الأشياء والأشخاص المشاهير بين الناس الرُحان في الحقيقة والغوالي في الواقع. فالحق كما قال رحمه الله، أمضى الحكم الأزلي، هو أن الورد نفسه غائب عن الأنظار و مائه شاهد في الأسواق بالبيع والشراء. فليعض يتكون الرجوع والتكون إلى ما حقه التأخير، بسبب این قصیده را آورده اند:

هذه قصيدة غريبة أدبية في مدح العلامة صاحب السحر والعلوم من المقام رعاة الله زعيماً على الدوام، فعاقبة أمره خير ختام حفظ الله بركته للأمام؛ فصنعت تعريف نجم السماء؛ الأفاضل بما سمعوا مدحى من ثنا؛ فتور جللى محمد حسن (الأخمدى الفقيه اليزدى) فقيه نبيل و قطب الرحا؛ دنى جا دنى من رسوم النبى؛ و فى معجم الفقه ذهراً غلاً؛ فخال عن الرجس مبدوحناً؛ يطير كطير الذى فى الفضاء إلى المزعزم له فى السبيل؛ لباس التقى، لا الهواه اكتسب؛ ففى ساحة العلم بحر عميق؛ و فى خلقه من سنايا تراء تراءه علينا حليماً كما؛ كلام الهى نهى عن شكاه على ظلمة الجاهلين قضاء قلم بيق للمؤمن من عنا؛ بتعليم ما علمته الفحول؛ بنى امره، نفسه ناسياً ونوف، عطوف، سليم الفؤاد؛ له بالنبى الكريم اقتداء لم تسمعوا شهرة النجم؛ و فى الليل كل كشمس الضحا؛ شهاب إلى أرضنا قد نزل؛ تجود السما، للجواد السخا؛ لنا خير نجم ترى يلمع؛ فلانفتخر فى السما يا سها؛ فقل صلب لنا خير نجم عرفته؛ هو الأنور الثيرين يدا؛ هو السيف للدين يا سامع؛ و فى آمنه نام بعض الورد؛ له أسرة معدن الأكرمين؛ فذو العلم كل هم الاتقيا؛ فهم ماء عذب الهى من سما؛ كنهر إلى يم فضل جوا؛ فقد قلت ما شاكرأ أملاً؛ عسى الله ان يجزل فى العطاء جواءاً وفاقاً لما قلت؛ فمن عند ربى مطول الجزاء الهى فتورث ايضارنا؛ فانقذنا من غشاء العما؛ فسجلت ما من لسانى جوى؛ صدوق لسانى وقلبي معاً؛ هنا قال ما قد راه الوصال؛ ولو لم يكن ذكراً قد جفا.

## یک سلام! از سربازی مخلص

### واگویی‌هایی با حضرت مهدی (عج)

پژوهنده و محقق گرانقدر، سرکار خانم حاجیه زهره حیدری، زیدت مجدها، از جمله سربازان پرتلاش حضرت امام عصر (عج) هستند، که قریب به دو دهه، متمادی، در زمینه تاریخ و معارف اسلام، و تدوین چندین کتاب ارزشمند، بویژه شرح موضوعی بر صحیفه کامله سجادیه (موسوم به صحیفه هاشمیّه) مترجم آن صحیفه گرانسنگ را یاری می‌نمایند. ایشان قریب به یک دهه، دروس مقدماتی و سطح و عالی حوزه علمیه را زیر نظر واحد خواهران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، در مدرسه معصومیه و دانشگاه باقر العلوم گذارنده و با تلاش فراوان در کنار نگهداری و تربیت فرزندان، سالیانی است که از محضر بانوی مجاهد و مجتهد عصر حاضر، عارفه زاهده، حاجیه خانم صفاتی، دامت افاضاتها، فیض می‌برند.<sup>۱</sup>

۱. ۵ مجلد از تدوین‌های خانم زهره حیدری، چندین بار با همت خانم‌ها دکتر زهره پورمحمدی و دکتر ناهید نفیسی، به چاپ رسیده و منتشر گشته و ۵۲ اثر از بقیه ۵۷ دعای صحیفه سجادیه، در حال تدوین می‌باشد، که ان‌شاءالله، طبق وعده خداوند، منی بر صورت دین، به زیور طبع آراسته می‌گردد. ترجمه ساده و روان بر قرآن کریم، به همراه لغت‌نامه و شرح و تفسیر کوتاه و گویا، از دیگر تحقیقات در حال انجام است. از امتیازات این قرآن کریم، ترجمه کامل قرآن، به همراه توضیحات تفسیری مفسران معتبر اسلامی است که به استناد حدود ۳۰ تفسیر معتبر عربی و فارسی آمده است. این کتاب گرانسنگ که پژوهش و تحقیق درباره آن، زمان زیادی را به خود اختصاص داده، و با پشتیبانی سرکار خانم دکتر ناهید نفیسی در حال اجراست، ویژگی‌های بسیاری دارد، از آن جمله این که پس از لغت‌نامه کامل از هر جمله قرآن، ترجمه آیات به صورت مستقل آمده است و سپس توضیحات لازم تفسیری به همراه مقایسه میان اقوال مفسران شیعه و سنی در آیات ارائه گردیده است. (امید که خوانندگان، با دعای مؤثر خود، سربازان شیفته ترویج فرهنگ نبی‌پس و آیات روشنگر الهی را یاری کنند).

۲. از خصوصیات اخلاقی بسیار ارزنده بانو مجتهد صفاتی، برخورد کریمانه با شاگردان و مراجعین در پاسخگویی به سؤالات شرعی، رسیدگی به نیازهای خانواده‌های طلاب فعال و جوان، بویژه ذریه حضرت زهرا (س)، ساده‌زیستی، تواضع و فروتنی، سخت‌کوشی در تحقیق و پژوهش و... است. معظم‌ها که از پایه گذاران حوزه علمیه خواران در ایران اسلامی، محسوب می‌شوند، نوآوری‌های فقهی جذاب و متنوعی را به ثمر رسانده‌اند و کتب بسیاری از ایشان، روانه بازار نشر گردیده است. از آن جمله، زیارت در پرتو ولایت، جلوه‌های اجتهاد، پژوهشی فقهی پیرامون سن تکلیف، نقش زمان و مکان از دیدگاه فقهی حضرت امام خمینی (ره)، شهادت زن، منابع مشترک اجتهادی در مذاهب اسلامی می‌باشد. کتاب‌های طهارت النساء فی احکام الدماء (عربی)، (شرح غروره الوثقی)، و معاد از دیدگاه قرآن از جمله کتب گرانسنگی است که هر کدام در حجمی حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ صفحه می‌باشد و در زمان‌های سابق و یا در عصر معاصر، فوق‌العاده بی‌نظیر بوده و چنین خلاقیتی، بویژه در استنباط‌های فقهی در میان علما، خصوصاً شخصیت‌های برجسته از بانوان، به هیچ عنوان تاکنون نداشته است.

کتاب «از تبار خورشید» (نسیم یاس ۱) گذری بر زندگی‌نامه بانو مجتهد زهره صفاتی، به قلم خانم فریبا نیسی است که در سال ۱۳۸۷، از مرکز امور زنان و خانواده، نهاد ریاست جمهوری اسلامی به چاپ رسیده و درباره مجاهدات‌های ایشان و خاندان معظم‌شان در مبارزه با رژیم منحوس پهلوی و فعالیت‌های بی‌نظیر و مؤثرشان در شکل‌گیری انقلاب عظیم اسلامی ایران، می‌تواند خوانندگان گرامی را پیش‌تر یا این اسوه عالی‌مقام و مجاهده‌ی خستگی‌ناپذیر در عرصه سیاست و دین (بویژه نوآوری‌های فقهی ممتاز) آشنا سازد.

در ذکر خصوصیات از شخصیت معظم‌ها، به شهادت اکثریت قریب به اتفاق آفانی که ایشان را می‌شناسند، به حتراحت می‌توان اذعان نمود به تنها آن

در سفر حج تمتع در سال ۱۳۸۵، در جمره عقبه سنگی به چشم ایشان اصابت می‌کند و دچار خون‌ریزی می‌گردد. کاروان‌های همسفر، با چندین نوبت جلسه دعا و نیایش، شفای ایشان را از خداوند، خواستار می‌شوند. در مراجعه به کلینیک فوق تخصصی قرنیه در تهران، متخصص می‌گوید: «انتظار می‌رفت آثار مخرب اصابت سنگ، با شدت و حجم توصیف شده، چشم را نابینا کرده باشد، اما به لطف خداوند، حتی نیازی به حضور مجدد شما، برای معاینه معمولی نیز در این کلینیک نیست!» اکنون، به لطف خداوند، در تألیف و پژوهش چندین اثر و تدوین آن‌ها به صورت شبانه‌روزی، مشغول هستند. این همه را، از لطف حضرت ولی عصر(عج) می‌باشد. آن چه در این مجال آمده، واگویه‌هایی است که در آن دیار، با حضرت مهدی(عج) داشته‌اند. توفیق روزافزون ایشان را خواستاریم.

### تقدیم به امام عصر(عج)

هرچند نیست درد دل ما نوشتنی

از اشک خود دو سطر به ایما نوشته‌ایم

دردیست انتظار، که درمان آن تویی

این درد تلخ، بی تو مداوا نمی‌شود!

سلام بر تو

ای امید آسمان‌های غریب

ای پناه قلب‌های بی‌پناه!

آرزوی دیدارت را دارم و به تو فکر می‌کنم؛

روح و ریحان پیامبر!

تو آموزگار دشتستان عشقی، و از هزاران عشق و امید والاتری؛

یابن الزهراء!

تو مهدی، به شیرینی دعا!

مهدی جان! تو که بر زخم سرخ شقایق دوایی، تو که بر آله دل شفایی؛

چه در کتاب‌ها و تشریحات گوناگون داخل و خارج محافل اندیشمندان و فرهیختگان و نخبگان و یا در این مجال اندک ذکر شده، هیچ غلوی صورت نگرفته است.

امید که مجامع علمی-دینی و سیاسی کشور سرافراز ایران و دیگر کشورهای مسلمان، اعم از شیعیان و اهل سنت، در استفاده حداکثری از نظرات و نوآوری‌های فقهی این شخصیت عظیم، دغدغه‌فرزانی داشته باشند. امید که در این زمینه، تدابیر لازم، جهت مستفیض شدن از لحظه لحظه وجود بابرکت معظم‌ها اندیشیده شود. بسمه و لطفه، ان شاء الله تعالی.



یوسف زهرا!

اکنون از پشت چشم زخمی و خون‌آلودم، آرزوی دیدارت را دارم؛

اما چگونه؟!

جان پهلوی شکسته مادرت زهرا، و شهید شش ماهه‌ات، این آرزو را در دلم باقی نگذار!

عمری در انتظار دیدارت بودم؛

از نجف تا کربلا؛

از مدینه تا عرفات، در جستجوییت بودم!

در شب مشعر، لحظه لحظه تا سحر، صدایت کردم و حضورت را حس کردم!

اما در منی؛

آن جا که نفس سرکش را باید لگدکوب کرد، تا دیدارت نصیب گردد، جاماندم!

چرا؟!

مهدی جان!!

ای جانِ جانِ جان، جانم به قربانت؛

یا بن الحسن؛ مهدی جان!

با چشمی خونین در منی، حضور دارم، و مشتاق دیدارت هستم؛

اما چگونه؟!

ای گم گشته عالم!

اگر چشمان ناقابلیم را وقف نام زیبایت کنم، چه؟!

ای فخر عالم!

چشمان ناقابلیم فدای قدم هایت!

بی صبرانه در انتظارت می‌نشیم تا بیایی؛

بیایی تا با دستان ابراهیم‌گونه‌ات، بت‌های تزویر را دَرَهَمْ کوبی؛

و تربیت مادرت زهرا را نشان دهی...

گوش کن!

گوش کن صدای دل‌های عاشقان خسته را، که منتظرت هستند!

به ملک هستی نظر کن!

تو را به جان هر چه عاشق توست قسم!

روی کوچه قلب ویرانم قدم بگذارا

گل ناز ترگس!

باور نمی کردم لیاقت داشته باشم تا در حسرت دیدار چشمانت، یا چشمان مجروح و خونین ... تو

را صدا زتم!

یا ابا صالح مدد!

یا ابا صالح مدد!

یا ابا صالح مدد!

نگاه خسته من، به دعای چشمانت

به لحن نقره‌ای و بی‌صدای چشمانت

خدا کند که بدانی چقدر محتاج است

چه می‌شود که صدایم کنی، به لهجه موج

الغوث، الغوث، الغوث یا بن العسکری!

سرزمین منی و عرفات

ذوالحجّة الحرام ۱۴۲۷

زهره حیدری



تقدیر و تشکر از

خیرین و دوستان و خادمین نشر

و استادان گرانقدر

### تلاش و فداکاری دکتر پورمحمدی

لازم است از خواهر دلسوز و فداکار، سرکار حاجیه خانم دکتر زهره پورمحمدی، زیدت مجدها، که زمینه نشر این اثر را فراهم نمودند، و در طول نشر کتاب، بسیار صبور بودند، تقدیر نماییم، بویژه آن که با آرمان های بسیار والایی که دارند، منافع نشر این کتاب را نیز برای رسیدگی به امور بیماران نیازمند قرار دادند، که ان شاء الله مأجور خواهند بود.

### تقدیر از ستارگاه پرفروغ حوزه علمیه

خداوند را بسی شکرگزاریم که توفیق دیگری در نشر علوم آل محمد علیهم السلام نصیبمان فرمود.

لازم است از کوشش و تلاش دلباختگان حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - تقدیر نماییم؛ بویژه از پژوهشگرانی که با تلاشی وافر، در تدوین کتاب های در دست چاپ، به صورت گسترده، اهتمام دارند.<sup>۱</sup>

### تقدیر از محبتین اهل بیت علیهم السلام

از دوستانی که در هر شرایطی، زمینه نشر آثار اهل بیت عصمت و طهارت را فراهم آوردند؛ سپاسگزاریم.<sup>۲</sup>

از گرمیانی که در طول نشر آثار اهل بیت علیهم السلام، همواره مشوق ما بودند، تقدیر می نمایم.

از عزیزانی که نکات ارزنده ای را تذکر دادند، سپاسگزاریم؛ اساتید معزز حجج اسلام آقایان؛ حاج احمدآقا احمدی

۱. ایشان از جمله پزشکان دلسوزی هستند که همواره نسبت به امور نیازمندان، بویژه بیماران، از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. هشت در کمک رسانی به مراکز و محافل قرآنی، تکمیل تجهیزات برخی سادات نیازمند، از جمله مساعدت های ایشان است.

۲. در سالی که مقام عظمای ولایت، حضرت آیه الله العظمی خامنه ای، مدظله العالی، سال پیامبر اعظم (ص) نام نهادند، ایشان نسبت به چاپ کتاب «تکصد و ده گل از بوستان نبوی (ص)» همت نمودند و منافع آن را صرف امور بیماران نیازمند کردند.

کتاب منتخب مفاتیح الجنان، از دیگر آثار است که در سال گذشته با همت ایشان چاپ و منتشر گردید.

کتاب حاضر نیز با همان هدف و آرمان، و آلا، که کمک به بیماران و افراد نیازمند است، به زور طبع آراسته و روانه بازار نشر شد.

۳. خوشبختانه فاضل محترم حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب استاد آقای شیخ علیرضا سبحانی، نسب، مدیریت محترم نشر جمال، در سال اخیر، به نشر کتاب هایی از ادعیه صحیفه سجاده، اقدام کردند، یکی از ابتکارهای ایشان در زمینه صحیفه سجاده این است که، به وسیله استادان هنرمند، و با نقاشی هایی برای کودکان و برای سنین خردسال، توانستند مفاهیم ادعیه را، در گروه های سنی خردسال و نوجوان نیز گسترش دهند.

این اقدام، پاسخی منطقی و گویا بر برخی از مدعیان روشن فکری و... است که معتقدند شرح بر کتاب های گران سنگی نظیر صحیفه سجاده، فقط باید توسط عالمان سالک انجام پذیرد (همانند کتاب ریاض السالکین)، و اکنون کم تر کسی به این ادعیه مسلط است!

تلاش عزیزان پرتلاش و زحمات کثی از فضلای در نشر جمال، دیدنی و ستودنی است.

نکات قابل تذکر:

جمله «فرزند زمان خویشی باش»، بسیار بلندآموز است.

در موقعیت کنونی، لازم است، همه انتشار، با ادعیه فوق العاده ارزشمند حضرت سجاده (ع) آشنا شوند، و بلکه فرزندان مان، با آن، تربیت و بزرگ شوند؛ (که قدم های ارزنده ای برناخته شده است).

به عنوان نمونه، چه قرهنگ و دستوری، و الاثر و بهتر از دعای امام سجاده درباره پدر و مادرا

و چه معرفت و شناختی والاثر از دعای حضرت، درباره نعمت ارزشمند باران و... (که با نقاشی های جذاب، نعمت باران، از جانب خداوند، برای خردسالان تفهیم گردد).

امید که با هم، و در کنار هم، و همه برای اسلام، همت کنیم، و در تبیین این دین مبین، با توآوری و شکوفایی، پیش از پیش تلاش نماییم.

در سالی که مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله العظمی امام خامنه ای، دامت برکاته العالیه، آن را، به نام توآوری و شکوفایی نامیدند، سر به طاغوت گذاریم و با همت وافر، پیش از پیش تلاش نمودیم، و به فرمایش های آن مقام عظمی، گوش جان سپردیم.

۴. برادر گرانقدر، جناب آقای حاج مجید دلیری، زید حمزه، با دلی بیش از وسعت دریا، و قلبی مالا مال، آکنده از بهر و محبت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، همواره در صدد گره گشایی از قشر کم درآمد و ضعیف جامعه می باشند، و در هر موقعیتی که قرار گرفتند، از کمک رسانی به نیازمندان دریغ نداشتند. تأمین وام هایی جهت ازدواج، اشتغال به کار جوانان، و مرتفع کردن نیاز مستمندان، و نشر کتب و آثار اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، از آن جمله است، که بدون کوچک ترین چشم داشت مادی، و با کوتاه ترین فرصت، توفیق انجام آن را داشته اند. برایشان آرزوی توفیق بیش از پیش داریم. ذکر این نکات، به هیچ عنوان به جهت تعریف و تمجید شخص نیست، بلکه به عنوان نمونه برای تذکر همه مدیران ارشد در جامعه و نظام اسلامی است تا در هر مقامی که هستند، مهرورزی کنند.

فقیه، شیخ مرتضیٰ اخوان قاسمی<sup>۱</sup>، سید هاشم ناجی موسوی جزایری<sup>۲</sup>، موسوی خرمشهری، بحرانی، عباسی، طواف زاده، مریدانی، سبحانی نسب، پورمحمدی، موسوی، بدخشان، لاگانی و...

نیز از دوستان عزیز آقایان احمد مؤتمنی و سید علیرضا اعلائی، که با هنر خویش، در امر صفحه آرایی و خطاطی، ما را همراهی نموده و راهنمایی‌های لازم را ارائه نمودند، تشکر می‌شود.

### تقدیر از اعضاء هیأت عاشقان مهدی (عج)

مباحثی که در این تألیف گردآوری شده است، به مناسبت‌های گوناگون، در شب‌های جمعه، در جمع اعضاء محترم هیأت عاشقان حضرت مهدی (عج) در شهر مذهبی قم، ارائه گردیده است.

جهت اشاعه فرهنگ مهدویت، بر آن شدیم تا برخی از آن مباحث ذکر شده، به صورت کتاب، منتشر شود.

به امید آن که خوانندگان گرامی و محبتین حضرت صاحب الامر (عج)، از آن، استفاده لازم را ببرند.

### اهتمام انتشارات آیات ینات

از این که توفیق الهی یار بود تا این تألیف، به یاری عزیزان پرتلاش، مطالعه، تصحیح، تحقیق و مقابله گردد، خداوند متعال را شکرگزاریم و امیدواریم این اثر، که در واقع، متعلق به حضرت مهدی (عج) است، و به اهتمام انتشارات آیات ینات - تحت اشراف آیه الله زاده معظم، استاد گرانقدر، حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا احمدی فقیه، دام عزه العالی - در مجتمع علوم دینی حضرت ولی عصر (عج)<sup>۳</sup> به زیور طبع آراسته گردیده، مورد رضایت حضرت صاحب الامر، عجل الله تعالی فرجه الشریف، قرار گیرد.

قبولی این کمترین خدمت را، برای خود و تمامی دست اندرکاران چاپ و نشر، از درگاه خداوند خواهانیم.

قم المشرفه

زهره خیدری - سید جواد هاشمی

۱. این محقق و پژوهشگر توانا، تاکنون عمر بابرکت خویش را در وادی درس و بحث گذرانده و بحمدالله به مراتب والای اجتهاد نائل گشته است.  
۲. این محقق و دانشمند گرانمایه، دام عزه، از پژوهشگرانی هستند که دهها عنوان کتاب، در علوم قرآنی به زیور طبع آراسته‌اند. رتبه الله لتکمیله و اتمامه.

۳. این محققان ارزشمند حوزه‌های علمیه، بسیار لطف دانشیاد و تذکرات آن گرامیان، همواره چراغ راه بوده است.

۴. این مرکز، از حدود سه دهه گذشته تاکنون، با همه کاستی‌ها در لوازم مادی، به راستی، یکی از پایگاه‌های فعال در خدمت به اسلام و شیعیان بوده، و ملجاء و پناهگاه بسیاری از طلاب داخل و خارج کشور می‌باشد. از آن جمله می‌توان به فعالیت گسترده بانوی مجتهد، حاجیه خانم صفائی، زینت مجدها، اشاره کرد که شاگردان بسیاری را پرورش داده‌اند. و امروزه در پاسخ به شبهات گوناگون، در ادیان و مذاهب مختلف، در داخل و خارج از کشور، به وسیله مراکز و پایگاه‌های اینترنتی، حضوری، صندوق‌های پستی، مکاتبه، و کتاب‌های فقهی، پاسخگو هستند. نوآوری‌های فقهی عرضه شده، از جمله فعالیت‌های گسترده‌ای صورت گرفته در این عرصه می‌باشد.

تذکر این نکته برای یادآوری ضروری است که از شروع فعالیت‌های انتشاراتی مرکز نشر آیات ینات، وابسته به مجتمع علوم دینی حضرت ولی عصر (عج)، تحت اشراف آیه الله زاده معظم، حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا احمدی فقیه، دام عزه العالی، همیشه فعالیت‌های اسلامی و معنوی و خدمت به دین مورد نظر بوده، و هیچ‌گاه به عنوان یک مرکز سرود و در آمدزایه صورت بیگاه اقتصادی به آن نگاه نشده است؛ چرا که همگان و امیدوار وجودتان حضرت ولی عصر (عج) هستیم. بانوی بافضیلت، حاجیه خانم مجتهد صفائی، دامت القاضاتها، بارها به صراحت می‌فرماید: «همه ما کنار سفره قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت، علیهم السلام، هستیم و از نعمت‌های متعددی آن استفاده می‌کنیم، و خداوند را بر این مهم، شکرگزاریم».

**کُتُب مَهْدَوِیَّت**

**کتاب‌های مَرْجِع**

**دربارهٔ حضرت ولی عصر (عج)**

**به همراه منابع و مآخذ**

(مأخوذ از نرم‌افزار موعود)

(محصول ارزشمند واحد رایانهٔ حوزهٔ علمیهٔ اصفهان)

### شماری از کتاب‌ها و رساله‌های شیعه در موضوع مهدویت

کتاب‌ها و رساله‌های شیعه، درباره مهدی و مهدویت، تا حدود زیادی شناخته و در دسترس می‌باشد.

بسیاری از عالمان و محدثان و محققان در قرون گذشته، و نیز مردم این روزگار، در این باره، کتاب‌ها و رساله‌هایی تدوین نمودند، و مقالاتی به رشته تحریر درآورده‌اند.

یکی از محققین بزرگوار، شماری چند از کتاب‌ها و آثار شیعه را، در این باره، در پنج بخش، ذکر کرده، که در این مقام آن‌ها را برای استفاده خوانندگان ارجمند نقل می‌کنیم:

#### بخش اول:

شماری از کتاب‌ها و آثار بزرگان تشیع، از گذشته تا حال:

۱- اصول الکافی (کتاب الحجّة) ثقة الاسلام کلینی.

۲- اکمال الدین شیخ ابو جعفر صدوق.

۳- الإرشاد شیخ مفید بغدادی.

۴- خمس رسائل فی إثبات الحجّة شیخ مفید بغدادی.

۵- الوجیزة فی الغیبة سید مرتضی علم الهدی.

۶- الغیبة شیخ الطایفه طوسی.

۷- البرهان علی صحّة طول عمر الامام صاحب الزمان شیخ ابو الفتح کراچی.

۸- الغیبة محمد بن ابراهیم نعمانی.

۹- اعلام الوری امین الاسلام طبرسی.

۱۰- الملاحم والفتن سید ابن طاووس (رضی الدین).

۱۱- فصول نصرته (فصل امامت) خواجه نصیرطوسی.

۱۲- وسیلة الفوز و الأمان (قصیده) شیخ بهاء الدین غاملی.

۱۳- المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّة سید هاشم

بحرانی.

۱۴- بحار الأنوار علامة مجلسی.

۱۵- اثبات الهداة شیخ خزّ عاملی.

۱۶- استقصاء الأفحام میر حامد حسین هندی.

۱۷- نجم الثاقب حاج میرزا حسین نوری.

۱۸- الضحیة المهدویة حاج شیخ فضل الله نوری.

۱۹- کفایة المؤیدین (جلد سوم) سید اسماعیل عقیل طبرسی.

۲۰- بیان الفرقان (جلد ۵) شیخ مجتبی قزوینی خراسانی.

بخش دوم:

شماری دیگر از آن:

۱- المهدي المنتظر و العقل شیخ محمد جواد مغنیه لبنانی.

۲- المهدي المنتظر بین التصور و التصديق شیخ محمد حسن آل یاسین نجفی.

۳- إلی مشیخة الأزهري شیخ عبدالله شیبینی لبنانی.

۴- المصلح المنتظر شیخ محمد رضا شمس الدین.

۵- مکیال المتکرم سید محمد تقی موسوی اصفهانی.

۶- قائم آل محمد «ص» و فلسفه غیبت حاج میرزا خلیل گمراه ای.

۷- موعودی که جهان در انتظار اوست؛ محقق حاج شیخ علی دوانی.

۸- نوید امن و امان شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.

۹- مهدی، موعود امم استاد محمد تقی شریعتی.

۱۰- دادگستر جهان شیخ ابراهیم امینی اصفهانی.

۱۱- جهانگشای عادل سید جمال الدین دین پرور.

۱۲- آخرین تحوّل هیئت قائمیه- تهران.

### شماری از کتب دانشمندان اهل سنت درباره حضرت صاحب الزمان

۱ - صفة المهدي و مناقب المهدي؛ حافظ ابي نعیم اصفهانی

۲ - بیان، در اخبار صاحب الزمان ملا علی متقی.

۳ - برهان، در علامات مهدی آخر الزمان؛ عباد بن یعقوب رواجینی.

۴ - اخبار المهدي؛ سیوطی.

۵ - عرف الوردی فی اخبار المهدي؛ ابن حجر عسقلانی.

۶ - مختصر در علامات مهدی منتظر؛ شیخ جمال الدین یوسف بن یحیی دمشقی.

۷ - عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر مهدی آل الرسول، تالیف علی بن سلطان محمد هروی خنقی.

۸ - فوائد الفکر فی ظهور مهدی المنتظر، تالیف شیخ مرعی.

۹ - الشرب الوردی فی مذهب المهدي؛ تالیف ملا علی قادری.

۱۰ - فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدي المنتظر؛ تالیف المقدسی.

۱۱ - الرد علی من حکم و قضی ان المهدي جاء و مضی؛ تالیف ملا علی قاری.

۱۲ - المهدي تالیف ابي داود؛ از کتب سنن ابي داود.

۱۳ - ارشاد المهدي فی نقل بعض الاحادیث و الآثار الواردة فی شأن المهدي؛ تالیف محمد علی حسینی البکری المدني.

### بخش سوم

کتابهایی که همه، یا بیش تر احادیث و مطالب آن، از مدارک و کتب اهل سنت نقل شده است، و بر پایه اسناد و روایت و مدارک سنی، تالیف یافته است:

۱- المهدي آیت الله سید صدر الدین صدر.

۲- مُتَخَبُ الْاَثَرِ شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.

۳- المهدي الموعود المنتظر شیخ نجم الدین جعفر العسکری.

۴- الامام الثاني عشر سید محمد سعید موسوس هندی.

۵- الْمُنتَظَرُ عَلٰی ضَوْءِ حَقَائِقِ الْعَامَةِ مُحَمَّدِ حَسَنِ الْاَدِيبِ عِرَاقِي.

### بخش چهارم

کتابها و رساله هایی که بر پایه تحقیقات اجتماعی و سیاسی، و آگاهیهای زمانی، و روحیه های اصلاحی و انقلابی، تالیف یافته است:

۱- آئینده بشریت از نظر مکتب ما آیت الله سید محمود طالقانی.

۲- قیام و انقلاب مهدی، از دیدگاه فلسفه تاریخ شیخ مرتضی مطهری.

۳- انتظار مذهب اعتراض دکتر علی شریعتی.

۴- فی انتظار الامام عبد الهادی الفضلی.

۵- در فجر ساحل شیخ محمد حکیمی خراسانی.

### بخش پنجم

کتابهایی که بر پایه مدارک و کتابها و آثار پیش از اسلام، و بشارتهای پیشینیان، گردآوری شده است:

۱- بشارات عهدین دکتر محمد صادقی.

۲- الْمُصْلِحُ الْمُنتَظَرُ فِي أَحَادِيثِ الْأَدِيَانِ؛ محمد امین زین الدین عاملی



## درباره منابع تحقیقی

هیچ کتاب تحقیقی و مطلب علمی، بدون مرجع نیست؛ لذا پژوهندگانی که از منابع پیرامون، به نیکی بهره می‌گیرند، بهتر می‌توانند اندیشه را رونق بخشند و با تسلط و توان علمی مطلوب، اشتیاق خوانندگان را بیش‌تر سازند.

این کتاب به جهت آن که حاوی آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصوم (ع) می‌باشد، و از تحقیق و پژوهش‌های فضلالی ارجمند عصر حاضر استفاده‌های بسیار برده شده، بسیار گران‌سنگ است و امیدواریم خوانندگان گرامی نهایت استفاده را از مباحث طرح شده ببرند. به یقین، اجر معنوی، مربوط به صاحبان اندیشه و قلم است و از این که توفیق داشتیم با مطالعه آیات و روایات و تحقیق و پژوهش‌های محققین، مجموعه‌ای را پس از تألیف مؤلف عالیقدر، تحقیق کرده و تدوین نماییم، سهم بسیار کوچکی در این اثر داریم و آن شاء الله، خداوند به صاحبان اثرهای بالرش ثواب فراوان عنایت خواهد نمود. بمنتّه و لطفه.

خوانندگان گرانقدر، اگر در این مجموعه به حسنی برخورد نمودند، بی‌شک از زیور آیات نورانی قرآن کریم و گوهر بیانات ائمه‌ی معصوم (ع) و کلمات فقها و اندیشمندان اسلامی و نقص‌ها و کاستی‌ها از ما می‌باشند که امید می‌رود با راهنمایی‌های بزرگواران، نقص‌ها و کاستی‌ها جبران گردد.

سعی شده است علاوه بر ذکر منابعی که در متن به تناسب، از نرم‌افزار موعود ذکر گردیده، در آخر کتاب نیز فهرست نسبتاً میسوطی از آن تهیه گردد. منابعی که بسیاری از آنان در شمار کتاب‌های مرجع می‌باشند، آورده شد، علاوه بر آن، عزیزان، برای بهره‌ی بیش‌تر به کتاب‌ها و مقاله‌های ذیل مراجعه کنند.

## کتاب‌های مرجع

### منابع تحقیقی

- |  |  |   |
|--|--|---|
| ۱۷۵. الغیبة و الانتظار                           | ۲۳. الامام المهدي                                    | ۱. آثار اعتقاد به امام زمان                           |
| ۱۷۶. الثمن                                       | ۲۴. الامام المهدي المنتظر و ادعاء البائية واليهودية  | ۲. آثار الصادقین (جلد ۲۹)                             |
| ۱۷۷. الفجر المقدس المهدي ارمصاصات اليوم الموعود  | ۲۵. الامام المهدي أمل الشعوب                         | ۳. آثار دها برای فرج امام زمان                        |
| ۱۷۸. الفصول العشرة في الغيبة                     | ۲۶. الامام المهدي في القرآن                          | ۴. آلمان شهر مهدویت                                   |
| ۱۷۹. الفصول المهمة في معرفة الأئمة               | ۲۷. الامام المهدي في القرآن والسنة                   | ۵. أسباب شناسی تربیتی مهدویت                          |
| ۱۸۰. القائد المنتظر                              | ۲۸. الامام المهدي قدوة الصديقين                      | ۶. آشنایی کوتاهی با امام زمان                         |
| ۱۸۱. القول المختصر في علامات المهدي المنتظر      | ۲۹. الامام المهدي نظرة في التاريخ ورؤية للمستقبل     | ۷. آشنایی با امام زمان                                |
| ۱۸۲. المقنع في الغيبة الزيادة المكملة له         | ۳۰. الامام المهدي والایمان بالغیب                    | ۸. آفتاب در نگاه خورشید                               |
| ۱۸۳. الملاحم والفن ياقنه و آشوبهای آخر الزمان    | ۳۱. الامامة والقيادة                                 | ۹. آینده از نظر ما و دیگران                           |
| ۱۸۴. الملاحم                                     | ۳۲. الانتظار الموجه، دراسة في علاقة الانتظار بالحركة | ۱۰. آینه اسرار  |
| ۱۸۵. المنتظر و المنتظرون                         | ۳۳. الانوار البهية في تواریخ الحجج الالهية           | ۱۱. ابتلاوات الأمم                                    |
| ۱۸۶. السهدوية عند اهل البيت                      | ۳۴. الخرائج والجرائح                                 | ۱۲. اتفاق در مهدی موعود                               |
| ۱۸۷. المهدي المنتظر (المجلد ۱-۲)                 | ۳۵. الدر النظيم في مناقب الأئمة الطاهرين             | ۱۳. اثبات الهداة بالتصوص والمعجزات                    |
| ۱۸۸. المهدي المنتظر في الفكر الاسلامي            | ۳۶. الدليل الي المهدي                                | ۱۴. ادبیات مهدویت                                     |
| ۱۸۹. المهدي المنتظر والعقل                       | ۳۷. الرجعة أو العودة الى الحياة الدنيا بعد الموت     | ۱۵. ایضالت مهدویت                                     |
| ۱۹۰. المهدي في القرآن                            | ۳۸. الروح القدس في بيان الفوارق بين المهدي...        | ۱۶. ایضالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن         |
| ۱۹۱. المهدي... في السنة                          | ۳۹. الزام الناصب في اثبات الحجة الغائب (جلد ۱-۲)     | ۱۷. اصلاحات مهدوی تنها راه نجات                       |
| ۱۹۲. اماکن زیارتی منتسب به امام زمان در ایران... | ۴۰. الشمس وراء السحب                                 | ۱۸. اضواء علی ذلّة الامام المهدي                      |
| ۱۹۳. امام حجة بن الحسن العسكري صاحب الزمان       | ۴۱. الطلعة الرشيدة                                   | ۱۹. اعتقاد به مهدی فاطمه                              |
| ۱۹۴. امام مهدی (از ولادت تا ظهور)                | ۴۲. العتري الحسن في احوال مولانا صاحب الزمان         | ۲۰. اعلام الهداية الامام المهدي المنتظر خاتم الاوصياء |
| ۱۹۵. امام مهدی امتحان الهی                       | ۴۳. الغيبة   | ۲۱. اعیان الشیعة                                      |
| ۱۹۶. امام مهدی امید ملت‌ها                       | ۴۴. الغيبة الصغرى والسفراء الاربعة                   | ۲۲. الامام الثاني عشر                                 |

۱۶۷. امام مهدی، جلوه جمال الهی  
 ۱۶۸. امام مهدی در آثار شخصیت‌های اسلامی  
 ۱۶۹. امام مهدی در آینه ادیان  
 ۱۷۰. امام مهدی در حدیث نقلین  
 ۱۷۱. امام مهدی در نگاه امام خمینی  
 ۱۷۲. امام مهدی منبعی اسلام  
 ۱۷۳. امامان اهل بیت در گفتار اهل سنت  
 ۱۷۴. امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام  
 ۱۷۵. امید عدل  
 ۱۷۶. انتظار پویا  
 ۱۷۷. انتظار بهار و باران  
 ۱۷۸. انتظار در اندیشه‌ها  
 ۱۷۹. انتظار عامل مقاومت و حرکت  
 ۱۸۰. اندوخته خداوند  
 ۱۸۱. انقلابیگر پیروز  
 ۱۸۲. انوار صاحب الزمان  
 ۱۸۳. او می آید  
 ۱۸۴. باورداشت مهدویت  
 ۱۸۵. بحار الانوار (المجلد ۵۲، ۵۱، ۵)  
 ۱۸۶. بحث حول المهدی  
 ۱۸۷. بزرگ‌پدگان حضرت امام مهدی  
 ۱۸۸. بزرگات حضرت ولی عصر  
 ۱۸۹. بررسی چند حدیث شبهه‌ناک درباره...  
 ۱۹۰. بررسی آرمان شهر دینی و آرمان شهر حکیم...  
 ۱۹۱. بررسی انسان جزیره حضرت...  
 ۱۹۲. بررسی نشانه‌های ظهور  
 ۱۹۳. بررسی نظریه‌های مختلف در تشکیل...  
 ۱۹۴. به سوی دولت کریمه  
 ۱۹۵. بهار آخرین قرن‌ها خزان  
 ۱۹۶. پاسخ به ده پرسش  
 ۱۹۷. پایان تاریخ و واپسین انسان...  
 ۱۹۸. پیام امام زمان  
 ۱۹۹. پیام‌های امام زمان  
 ۲۰۰. پیرامون معرفت امام  
 ۲۰۱. پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی  
 ۲۰۲. تأملی در روایت‌های غلام ظهور  
 ۲۰۳. تاریخ چهارده معصوم  
 ۲۰۴. تاریخ القیبة الکبری  
 ۲۰۵. تاریخ القیبة الصغری  
 ۲۰۶. تاریخ عصر غیبت  
 ۲۰۷. تاریخ عصر غیبت کبری  
 ۲۰۸. تجلی توحید در نظام امامت  
 ۲۰۹. تحفة المجالس  
 ۲۱۰. تشریح یافتگان  
 ۲۱۱. تئوا در گفتار امام زمان  
 ۲۱۲. تزییه الأتیباء  
 ۲۱۳. تنها بهار  
 ۲۱۴. تنها راه ضروری بر زیارت حضرت صاحب الامر  
 ۲۱۵. توقیعات ناحیه مقدسه امام زمان  
 ۲۱۶. توقیعات و زیارات مقدس بقیه الله الاعظم  
 ۲۱۷. جلوات ربانی (جلد ۲)  
 ۲۱۸. جلوه‌های پنهانی امام عصر  
 ۲۱۹. جمال یار  
 ۲۲۰. جهانگشای عادل  
 ۲۲۱. جهانی سازی، عدالت اقتصادی و مهدویت  
 ۲۲۲. جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی  
 ۲۲۳. چشم اندازی بر برخی از آسیب تربیتی مهدویت  
 ۲۲۴. چشم اندازی به حکومت جهانی امام مهدی  
 ۲۲۵. چهل حدیث امام مهدی در کلام امیرالمؤمنین  
 ۲۲۶. چهل داستان و چهل حدیث از امام زمان
۱۷۷. حکومت اسلامی در عصر انتظار  
 ۱۷۸. حکومت جهانی امام عصر  
 ۱۷۹. حکومت جهانی مهدی  
 ۱۸۰. حدیث شب میلاد  
 ۱۸۱. حدیث قبل از میلاد  
 ۱۸۲. حضرت زهرا و امام مهدی  
 ۱۸۳. حضرت مهدی قزوغ تابان ولایت  
 ۱۸۴. حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر  
 ۱۸۵. حلایة الابرار فی احوال محمد وآله الاطهار (ج ۵)  
 ۱۸۶. حساسه عاشورا به بیان حضرت مهدی  
 ۱۸۷. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه  
 ۱۸۸. خاطره آن شب  
 ۱۸۹. خورشید غائب  
 ۱۹۰. خورشید مغرب  
 ۱۹۱. دارالسلام در احوالات حضرت مهدی  
 ۱۹۲. داستان‌هایی از امام زمان از کتاب بحار الانوار  
 ۱۹۳. دانستی‌هایی درباره امام زمان  
 ۱۹۴. در انتظار امام  
 ۱۹۵. در جستجوی نور  
 ۱۹۶. در فجر ساحل  
 ۱۹۷. درسه و فائده عن الامام الثاني عشر  
 ۱۹۸. درنگی در روایات قتل‌های آغازین دولت مهدی  
 ۱۹۹. دعای امام زمان و دعا برای امام زمان  
 ۲۰۰. دعوی السفارة فی القیبة الکبری  
 ۲۰۱. دفاع از روایات مهدویت  
 ۲۰۲. ده افتاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی  
 ۲۰۳. ده بحث پیرامون حضرت حجت  
 ۲۰۴. دولة الامام المهدی  
 ۲۰۵. دولت کریمه و سذیفة اسلامی  
 ۲۰۶. دولت امام مهدی  
 ۲۰۷. دولت مهدی سیرت مهدی  
 ۲۰۸. ذلک يوم الخروج دراسة حول ظهور الإمام المهدی  
 ۲۰۹. ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت  
 ۲۱۰. راز تپایش منتظران  
 ۲۱۱. راه راستان (زندگانی چهارده معصوم)  
 ۲۱۲. راه مهدی  
 ۲۱۳. رمز ظهور نور  
 ۲۱۴. رهبری بر فراز قرون  
 ۲۱۵. روح بهار  
 ۲۱۶. روزنه‌ای به خورشید  
 ۲۱۷. زمزمه‌ی انتظار  
 ۲۱۸. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی  
 ۲۱۹. زندگانی تحلیلی پیشوایان  
 ۲۲۰. زندگانی خاتم الاوصیاء امام مهدی  
 ۲۲۱. سپیده امید  
 ۲۲۲. ستاره مؤمنان، آشنایی با امام زمان  
 ۲۲۳. سخنی چند در غیبت امام زمان  
 ۲۲۴. سفرای حضرت مهدی  
 ۲۲۵. سوز خجران  
 ۲۲۶. سیرة الائمة الاثني عشر  
 ۲۲۷. سیرة الامام القائم المنتظر  
 ۲۲۸. سیره پیشوایان  
 ۲۲۹. سیره عملی اهل بیت  
 ۲۳۰. سیره معصومان  
 ۲۳۱. سیمای مهدویت در قرآن  
 ۲۳۲. سیمای مهدی موعود در آیه شمع فارسی  
 ۲۳۳. شکوفایی عدالت انبیا در عدالت مهدوی  
 ۲۳۴. شبهات و ردود  
 ۲۳۵. شناخت امام عصر یا چهل حدیث  
 ۲۳۶. شناخت زندگی بخش
۱۸۷. شناختی تازه از امام زمان  
 ۱۸۸. صحیفه الامام المهدی  
 ۱۸۹. صدایت می‌زنم، سلامت می‌دهم، دعایت می‌کنم  
 ۱۹۰. طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان  
 ۱۹۱. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب  
 ۱۹۲. ظهور نور  
 ۱۹۳. عدالت مهدوی و امنیت  
 ۱۹۴. عریضه نویسی به اهل بیت  
 ۱۹۵. عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام  
 ۱۹۶. عصر ظهور  
 ۱۹۷. عقد الدرر فی اخبار المنتظر  
 ۱۹۸. عقیده المسلمین فی المهدی...  
 ۱۹۹. عقیده نجات بخش  
 ۲۰۰. علائم الظهور  
 ۲۰۱. علائم ظهور  
 ۲۰۲. علی و پایان تاریخ آخرین امام در نگاه اولین امام  
 ۲۰۳. غزل عشق  
 ۲۰۴. غیبة الامام المهدی عند الامام الصادق  
 ۲۰۵. غیبت امام زمان  
 ۲۰۶. غیبت صغری  
 ۲۰۷. غیبت، انتظار، ظهور  
 ۲۰۸. فوائد فوائد النکر فی الامام المهدی المنتظر  
 ۲۰۹. فرجام تاریخ در اندیشه معاصر  
 ۲۱۰. فرهنگ انتظار  
 ۲۱۱. فروغ ولایت در دعای ندبه  
 ۲۱۲. فضائل و سیرة معصومین  
 ۲۱۳. فقه علائم الظهور  
 ۲۱۴. فی انتظار الامام  
 ۲۱۵. قصه زمین  
 ۲۱۶. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ  
 ۲۱۷. کتاب غیبت  
 ۲۱۸. کتاب القیبة  
 ۲۱۹. کاوشی در خیر سعد بن عبدالله اشعری قبی  
 ۲۲۰. کتابشناسی توحیف حضرت امام مهدی  
 ۲۲۱. کرامات حضرت مهدی  
 ۲۲۲. کرامات مسجد مقدس جمکران  
 ۲۲۳. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثني عشر  
 ۲۲۴. کلمة الامام المهدی  
 ۲۲۵. کمال الدین و تمام النعمة (المجلد ۱-۲)  
 ۲۲۶. کیست مهدی؟  
 ۲۲۷. گفتار امیرمؤمنان در شناخت حوادث آخر الزمان  
 ۲۲۸. گفتار مهدویت  
 ۲۲۹. لواء الانتصار، شیوه‌های یاری قائم آل محمد  
 ۲۳۰. مکالمات النکاح فی فوائد الدعاء للقائم (جلد ۱-۲)  
 ۲۳۱. متهدیان و مذنبان مهدویت  
 ۲۳۲. مجموعه سروده‌های دینار  
 ۲۳۳. مجموعه سروده‌های عطر حضور  
 ۲۳۴. مدیریت، عدالت، مهدویت  
 ۲۳۵. مروری بر دعای ندبه  
 ۲۳۶. مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان  
 ۲۳۷. مصلح غیبی  
 ۲۳۸. مع الدكتور أحمد أمين فی حدیث المهدی  
 ۲۳۹. مع المهدی المنتظر فی دراسة منهجية مقارنة...  
 ۲۴۰. معجم احادیث الامام المهدی (المجلد ۱-۵)  
 ۲۴۱. معرفت حجت خدا  
 ۲۴۲. مقدمات ظهور  
 ۲۴۳. ملاحم و الفتن  
 ۲۴۴. ملاقات با امام زمان  
 ۲۴۵. ملاقات در صاریا  
 ۲۴۶. من هو المهدی؟

۲۶۷- منتخب آثار المصیبة

- ۲۶۸- منتخب الاثر في الامام الثاني عشر (المجلد ۱-۳)
- ۲۶۹- منتهى الآمال (جلد ۲)
- ۲۷۰- منقرضات کتاب کفایة المهدي
- ۲۷۱- منقرضات کتاب کفایة المهدي
- ۲۷۲- مهدویت و فرقه ها
- ۲۷۳- مهدویت و مذهب قاضیه
- ۲۷۴- مهدویت و مسائل کلامی جدید
- ۲۷۵- مهدی در روایت ها
- ۲۷۶- مهدی در قرآن
- ۲۷۷- مهدی منتظر
- ۲۷۸- مهدی منتظر در نهج البلاغه
- ۲۷۹- مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار)
- ۲۸۰- مهدی موعود، نه موهوم
- ۲۸۱- مهر بی کران
- ۲۸۲- مهر محبوب
- ۲۸۳- موافقان و مخالفان مهدی
- ۲۸۴- موعود شناسی و پاسخ به شبهات
- ۲۸۵- موعود غدیر
- ۲۸۶- موعود: درآمدی بر یک نظریه
- ۲۸۷- مولود مسعود، مهدی موعود
- ۲۸۸- میعاد یا خورشید
- ۲۸۹- میلاد حضرت مهدی موعود در ادبیات اهل سنت
- ۲۹۰- نگاهی بر زندگی دوازده امام
- ۲۹۱- نگاهی به تولد و زندگی امام زمان
- ۲۹۲- نگاهی تحلیلی به زندگی حضرت مهدی
- ۲۹۳- نگاهی دوباره به انتظار
- ۲۹۴- نگین آفرینش
- ۲۹۵- نام محبوب
- ۲۹۶- نجم الثاقب
- ۲۹۷- نشانه های ظهور ام
- ۲۹۸- نشانه های یار و چکامه انتظار
- ۲۹۹- نشانی از امام غایب
- ۳۰۰- نظام امامت و رهبری
- ۳۰۱- نعمانی و مصادر غیبت
- ۳۰۲- نقد الحدیث بین الاجتهاد والتقليد
- ۳۰۳- نقش انتظار در سیر تاریخ
- ۳۰۴- نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغری
- ۳۰۵- نوید امن و امان
- ۳۰۶- هدایتگران راه نور
- ۳۰۷- وابستگی جهان به امام زمان
- ۳۰۸- وظائف الشیخه شرح دعای ندبه
- ۳۰۹- وظیفه الانام فی زمن غیبة الإمام
- ۳۱۰- ولادة الامام المهدي
- ۳۱۱- ویژگی های حضرت مهدی
- ۳۱۲- ویژگیهای جامعه توسعه یافته اسلامی
- ۳۱۳- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان
- ۳۱۴- یاد مهدی
- ۳۱۵- یاران نور
- ۳۱۶- یوسف زهرا

مقاله ها

- ۱- آثار انتظار ظهور مهدی
- ۲- آثار تربیتی انتظار
- ۳- آثار فردی و اجتماعی عدالت مهدوی
- ۴- آخر الزمان شناسی در اسلام
- ۵- آخر الزمان را باور کنیم
- ۶- آخر الزمان شناسی در آثار اسلامی
- ۷- آخر الزمان و امام مهدی
- ۸- آیین انتظار
- ۹- ابعاد عملی انتظار
- ۱۰- اتفاق مذاهب در موضوع موعود آخر الزمان
- ۱۱- اثبات ظهور الامام المهدي و غیبت
- ۱۲- اثبات الوصیه و مسعودی صاحب مروج الذهب
- ۱۳- احادیث عن الامام المهدي
- ۱۴- أدلة وجود الامام المهدي
- ۱۵- آثار تباط، امام مهدی با امام حسین
- ۱۶- اسباب الغیبة الصغری للامام المهدي
- ۱۷- اسرار غیبت امام زمان
- ۱۸- اسرار و فلسفه غیبت
- ۱۹- اصالت مهدویت و شخصیت وجودی امام مهدی
- ۲۰- الگوی توسعه سیاسی در پرتو عدالت مهدوی
- ۲۱- الایات المؤولة بالامام المهدي
- ۲۲- الامام المهدي: البشارة، الأمل، الضرورة
- ۲۳- الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد
- ۲۴- الامام المهدي
- ۲۵- الامام المهدي بین التواتر و حساب الاحتمال
- ۲۶- الامام المهدي بین العقل و النقل
- ۲۷- الامام المهدي فی روایات أهل السنة
- ۲۸- الامام المهدي قذوة و أسوة
- ۲۹- الامام المهدي و الخلاص العالمی
- ۳۰- الامام المهدي و مسألة العمر الطویل
- ۳۱- الانتظار من أجل العادل
- ۳۲- الانتظار و مسؤولیات النهوض فی عصر الغیبة
- ۳۳- الايمان بالامام المهدي
- ۳۴- التجديد فی ثورة المهدي
- ۳۵- العجبة المنتظر منة الله علی مستضعفی الأرض
- ۳۶- الرجعة
- ۳۷- السفراء و الغیبة الصغری
- ۳۸- الغیبة
- ۳۹- الفیای معیبت امام عصر
- ۴۰- المعصی فی سفر اشعیا
- ۴۱- المنتظر و المنتظر و الانتظار
- ۴۲- المهدي المنتظر كونه العدالة و عدالة التكوين
- ۴۳- المهدي المنتظر الإمام الذي يملأ الأرض قسطاً...
- ۴۴- المهدي المنتظر فی حدیث السنة المعتبر
- ۴۵- المهدي المنتظر و منطق العقل و العلم
- ۴۶- المهدي المنتظر دراسة حول علامات ظهوره
- ۴۷- المهدي الموعود فی الأدیان السماویة الثلاث
- ۴۸- المهدي فی الكتاب و السنة موجزاً
- ۴۹- المهديّة بنظره جديدة
- ۵۰- الموتر الموتر و المنتقم الموعود
- ۵۱- امام حسین و مهدی
- ۵۲- امام زمان بهار دلها
- ۵۳- امام زمان و تربیت انسان
- ۵۴- امام زمان و رسالت حوزه های علوم دینی
- ۵۵- امام مهدی از منظر صدرالمجاهدين
- ۵۶- امام مهدی در کلام بزرگان
- ۵۷- امام مهدی در آیات و روایات
- ۵۸- امام مهدی و آینده زندگی
- ۵۹- امام مهدی و تمدن جدید
- ۶۰- امام مهدی و سنت های الهی
- ۶۱- امام مهدی و طول عصر
- ۶۲- امام مهدی و منتظران
- ۶۳- امام مهدی و میراث پیامبران
- ۶۴- امامت بقیة الاثمة
- ۶۵- امامت در سنین کودکی
- ۶۶- امام عصر، از منظر پرفسور هانری کریبن
- ۶۷- انتظار در اندیشه امام خمینی
- ۶۸- انتظار فرج و امید به آینده در آموزه های اسلامی
- ۶۹- انتظار و انقلاب
- ۷۰- انفجار نور، زمینه ساز ظهور
- ۷۱- انقلاب جهانی امام مهدی
- ۷۲- انقلاب مهدی و دگرگونی روابط اجتماعی
- ۷۳- اهل کتاب در دولت مهدی
- ۷۴- او متولد شده است
- ۷۵- ای یوسف زهرا...
- ۷۶- این ماییم که قایمیم
- ۷۷- با انتظار در خیمه اش در آیم
- ۷۸- باور مهدوی در کلام رشیدی
- ۷۹- بحثی در باب نور
- ۸۰- بر بان نور
- ۸۱- برگه های از تاریخ روم، مادر امام زمان
- ۸۲- بررسی احادیث مهدویت و ولادت حضرت مهدی
- ۸۳- بررسی اعتقاد به مصلح در کتاب زبور داوود
- ۸۴- بررسی مسأله ای انتظار ادله فوائد و نقش آن
- ۸۵- بررسی نظریه نجات در آیین بودا
- ۸۶- بزهان امکان اشرف و اثبات امامت
- ۸۷- بشارت الائمة الطاهرین بالمهدی
- ۸۸- بشارت القرآن بالامام المهدي
- ۸۹- بشارت قرآن و کتب مقدس آسمانی
- ۹۰- بعضی ما ورد فی احادیث الائمة حول الامام المهدي
- ۹۱- پاسخگویی، رمز حکومت عدل مهدوی
- ۹۲- پیشگوییهای نوستر آداموس و انقلاب جهانی
- ۹۳- پایان شب سیه
- ۹۴- پر توی از سیره و سیمای امام مهدی
- ۹۵- پیام امید به منتظران
- ۹۶- پیروی از رهبر (امام)
- ۹۷- تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت...
- ۹۸- تا فجر مقدس
- ۹۹- تاریخ نگارش در موضوع غیبت
- ۱۰۰- تجلی عدالت مهدوی در عدالت کارگزاران
- ۱۰۱- تصویر انسان کامل و امام مهدی
- ۱۰۲- تطبیق المعاییر العلمیة لنقد الحدیث...
- ۱۰۳- تنها امید
- ۱۰۴- توسل به امام زمان
- ۱۰۵- توقیعات امام مهدی
- ۱۰۶- جامعه شیعی و انتظار قیام از امامان
- ۱۰۷- جامعه مهدوی آرمان شهر نبوی
- ۱۰۸- جان و جانان
- ۱۰۹- جایگاه امام معصوم در نسبت با کل هستی
- ۱۱۰- جشن میلاد و سیره معصومان در شادیهها
- ۱۱۱- جهان آرمانی ادیان
- ۱۱۲- جهانی شدن از رویا تا واقعیت
- ۱۱۳- جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی
- ۱۱۴- چگونگی ولادت
- ۱۱۵- چهره عدل مهدوی در ادعیه و زیارات امام مهدی
- ۱۱۶- حکایت غیبت
- ۱۱۷- چهره امام مهدی در آینه القاب
- ۱۱۸- چهارده اختر تابناک

۱۱۹. چهل قنوت در بیوتد یا مهدی موعود  
 ۱۲۰. حکایاتها و روایتها پیرامون امام زمان  
 ۱۲۱. حکم تسمیه و ذکر نام شریف حضرت ولی عصر  
 ۱۲۲. حکومت علوی، الگوی حکومت مهدوی  
 ۱۲۳. حکومت مهدی در اندیشه سیاسی  
 ۱۲۴. حافظ و مهدویت  
 ۱۲۵. حدیث شناسی مهدویت  
 ۱۲۶. حدیث لوح ائمه هدی در لوح فاطمه زهرا  
 ۱۲۷. حضرت مهدی موعود از نگاه صدر المشاهیرین  
 ۱۲۸. حول الامام المهدی  
 ۱۲۹. حول المهدی المنتظر و الاطروحة الالهية  
 ۱۳۰. خانه مهدی کجاست؟  
 ۱۳۱. خانواده امام مهدی  
 ۱۳۲. خصوصیات السفراء  
 ۱۳۳. خلافت و امامت در کلام اسلامی  
 ۱۳۴. خورشید مغرب  
 ۱۳۵. داستانهای شنیدنی از چهارده معصوم  
 ۱۳۶. در انتظار آفتاب  
 ۱۳۷. در طلب خورشید  
 ۱۳۸. درآمدی بر ولادت و غیبت امام مهدی  
 ۱۳۹. دراسة اولیة لعلمام الظهور  
 ۱۴۰. دراسة فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء  
 ۱۴۱. دلایل غیبت حضرت مهدی از دیدگاه روایات  
 ۱۴۲. دو سیر شتابان در آخر الزمان  
 ۱۴۳. دیبچه ای بر پدیده شناسی نظام سیاسی مهدوی  
 ۱۴۴. دیدار با امام زمان  
 ۱۴۵. دیدار یار  
 ۱۴۶. دین در عصر ظهور  
 ۱۴۷. ذکر نام امام زمان  
 ۱۴۸. راز گلشن، مهدی موعود در گلشن راز شبستری  
 ۱۴۹. راهنمای سعادت و خوشبختی  
 ۱۵۰. رجعت در اندیشه شیعی  
 ۱۵۱. رسائل فی الغیبة  
 ۱۵۲. رسالة فی المهدی فی احادیث الرسول...  
 ۱۵۳. رسالت فردی و شخصی انسان منتظر  
 ۱۵۴. رویکردهای جدید کلامی در حکومت مصلح  
 ۱۵۵. رویکرد عقلی بر ضرورت وجود امام (قاعده لطف)  
 ۱۵۶. زمینه های ظهور  
 ۱۵۷. زمینه سازی ظهور حضرت مهدی (ع)  
 ۱۵۸. زنان در حکومت امام زمان  
 ۱۵۹. زندگی دینی پیش از ظهور  
 ۱۶۰. زنده کننده اسلام  
 ۱۶۱. زیارة الفاحیة المتدبسة  
 ۱۶۲. سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری  
 ۱۶۳. ساغرستان مهدی  
 ۱۶۴. سفراء و نواب الامام فی القیبة الصغری  
 ۱۶۵. سیره قضایی حضرت مهدی  
 ۱۶۶. سیری در کتاب کمال الدین و تمام النعمة  
 ۱۶۷. سیمای حضرت مهدی در نهج البلاغه  
 ۱۶۸. سیمای مدینه منتظران  
 ۱۶۹. سیمای مهدی در صحاح سته  
 ۱۷۰. شباهت های امام عصر به پیامبران الهی  
 ۱۷۱. شرح جگونگی ولادت حضرت ولی عصر  
 ۱۷۲. شمیم رجعت  
 ۱۷۳. شناخت امام زمان  
 ۱۷۴. شناخت امام زمان  
 ۱۷۵. شناخت شناسی مهدویت  
 ۱۷۶. شناخت و حیاتی خورشید پنهان  
 ۱۷۷. شهر عدل امام مهدی  
 ۱۷۸. شهید سید محمد صدر و موسوعة الامام المهدی

۱۷۹. صبح منظر  
 ۱۸۰. صفات الامام المهدی و شمائله  
 ۱۸۱. ضرورت شناخت امام زمان  
 ۱۸۲. طول عمر حضرت ولی عصر  
 ۱۸۳. ظهور امام مهدی از نگاه قرآن  
 ۱۸۴. ظهور صغری و بایسته ها  
 ۱۸۵. ظهور نزدیک است  
 ۱۸۶. عاشورا و انتظار  
 ۱۸۷. عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت  
 ۱۸۸. عدالت جهانی نماد سیاست مهدوی  
 ۱۸۹. عدالت مهدوی در اندیشه مقام معظم رهبری  
 ۱۹۰. عدالت مهدوی در قرآن  
 ۱۹۱. عدالت مهدوی و آدیان  
 ۱۹۲. عدالت مهدوی و فلسفه تاریخ  
 ۱۹۳. عدالت و قاطعیت در وقت ظهور  
 ۱۹۴. عدالت، قرآن، مهدویت  
 ۱۹۵. عذر تقصیر به پیشگاه امام عصر  
 ۱۹۶. عقل و آخر الزمان  
 ۱۹۷. علاقات ظهور الامام المهدی  
 ۱۹۸. غل الغیبة و فلسفتها  
 ۱۹۹. کلی هاشمیش بشارت الادیان بالمهدی الامامی  
 ۲۰۰. عمر الامام المهدی (ع)  
 ۲۰۱. عوامل غیبت و موانع ظهور حضرت ولی عصر  
 ۲۰۲. غرب و شیعیان  
 ۲۰۳. غیبت امام زمان، غل و آواز آن...  
 ۲۰۴. غیبت، انتظار و حکومت  
 ۲۰۵. غیبتی در حضور  
 ۲۰۶. قاطیة (س) الگوی مهدی (ع)  
 ۲۰۷. فراقنامه  
 ۲۰۸. فلسفه امامت از دید متکلمان اسلامی  
 ۲۰۹. فلسفه حکومت عدل جهانی  
 ۲۱۰. فلسفه غیبت از منظر روایات  
 ۲۱۱. فلسفه غیبت در منابع کلام شیعی  
 ۲۱۲. فهم حركة الامام المهدی  
 ۲۱۳. فوائد مرحلة الاستتار  
 ۲۱۴. فیما يتعلق بأصل الاعتقاد بالمهدی  
 ۲۱۵. قاعده لطف و وجوب امامت  
 ۲۱۶. قرآن و پایان تاریخ  
 ۲۱۷. قرآن و فلسفه امامت  
 ۲۱۸. قضایا العصر  
 ۲۱۹. کتابشناسی رجعت  
 ۲۲۰. کیف توّمن بأن المهدی قد وجد؟  
 ۲۲۱. کیفیت تهیة النفس فی عصر الانتظار  
 ۲۲۲. گزارش لحظه به لحظه از ولادت امام زمان  
 ۲۲۳. مبانی کلامی مهدویت  
 ۲۲۴. مبانی اعتقادی مهدویت  
 ۲۲۵. محن و آلام صاحب الزمان  
 ۲۲۶. مدة بقاء  
 ۲۲۷. مسیحیت در انتظار منجی بشریت  
 ۲۲۸. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول  
 ۲۲۹. مظلوم ترین امام معصوم  
 ۲۳۰. معرفی و بررسی کتاب استرأثری انتظار  
 ۲۳۱. معرفی و بررسی کتاب عصر زندگی  
 ۲۳۲. من هو الامام المهدی؟  
 ۲۳۳. من هو المهدی المنتظر  
 ۲۳۴. منکرین مهدویت  
 ۲۳۵. منجی، محور بنیادین گفتگوی تمدن ها  
 ۲۳۶. مهدویت از دیدگاه استاد شهید آیت الله مطهری  
 ۲۳۷. مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی  
 ۲۳۸. مهدویت از دیدگاه مستشرقان

۲۳۹. مهدویت جامعه مهدوی  
 ۲۴۰. مهدویت در اندیشه متفکر شهید مرتضی مطهری  
 ۲۴۱. مهدویت و امام مهدی از نگاه شهید صدر  
 ۲۴۲. مهدویت و انتظار در اندیشه مطهری  
 ۲۴۳. مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی  
 ۲۴۴. مهدویت و فرقه ها  
 ۲۴۵. مهدویت و مذاهب اسلامی  
 ۲۴۶. مهدی انکاری، انتظار سنجی  
 ۲۴۷. مهدی در آینه روایات  
 ۲۴۸. مهدی روح حج  
 ۲۴۹. مهدی منتظر و سیر تاریخی و نشانه های ظهور  
 ۲۵۰. مهدی و نهضت عدالت خواهی  
 ۲۵۱. مهدی پاوران  
 ۲۵۲. مهربان تر از یوسف  
 ۲۵۳. موعود در نهج البلاغه  
 ۲۵۴. موعود روزگاران  
 ۲۵۵. میر مهر (جلوه های محبت یار)  
 ۲۵۶. نگاهی به کتاب غیبت نعمانی  
 ۲۵۷. قام نامه امام مهدی (ع)  
 ۲۵۸. نتایج شناختی تطبیقی (اسلامی، مسیحی)  
 ۲۵۹. نذیه های دلنگبی  
 ۲۶۰. نسب الامام المهدی (ع)  
 ۲۶۱. نعمت در پس پرده غیبت  
 ۲۶۲. نقد روایات تألی حکومت و قیام در عصر غیبت  
 ۲۶۳. نقش جوانان در مبارزه با فساد و تهاجم فرهنگی  
 ۲۶۴. نقش حجاب در توسعه حجاب لباس انتظار  
 ۲۶۵. نهضة المهدی فی ضوء فلسفة التاريخ  
 ۲۶۶. نهضت امام خمینی زمینه ساز ظهور حضرت مهدی  
 ۲۶۷. نهنی از قیام در بونه نقد و تحلیل روایی  
 ۲۶۸. نیم نگاهی به انتظار در آینه روایات  
 ۲۶۹. نینوا معبر انتظار  
 ۲۷۰. هدایت شده پیروز  
 ۲۷۱. هدایت های حضرت مهدی (ع)  
 ۲۷۲. وسیلة القادح الی المخدم  
 ۲۷۳. وظائف کلی شیعیان  
 ۲۷۴. ولادة الامام المهدی (ع)  
 ۲۷۵. ولادت حضرت حجة بن الحسن العسكري (ع)  
 ۲۷۶. یازان حضرت مهدی، علیه السلام

## ﴿ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ﴾

## اهداف عالیة مجتمع علوم دینی حضرت ولی عصر «عج»

خدمت به دین مقدس اسلام، با دیدگاه‌هایی که پیغمبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) برای جامعه انسانی تبیین فرموده‌اند، از وظائف دوستداران به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است. در پرتو این برنامه، برای خدمت به دین مقدس اسلام، برنامه‌هایی تحت اشراف مرجع عالیقدر عالم زاهد و عارف سالک، مجتهد پارسا و نیکوسیرت حضرت آیه الله العظمی حاج میرزا محمد حسن احمدی فقیه یزدی، دامت برکاته، و با نظارت دقیق و کامل علما که به عنوان هیئت امضاء نظارت دارند، که آیت الله زاده معظم، جناب عالم موقر استاد حاج شیخ میرزا احمد آقا احمدی فقیه، دام عزه العالی، نیز مواردی را به عهده گرفته است، و با پژوهش و هم‌کاری و هم‌فکری و ارتباط محققین دلسوز، آینده‌م الله تعالی، تنظیم گردیده که به اهل ایمان، گزارش اجمالی داده می‌شود:

۱- احکام فقهی قرآن: (بیان احکام مستند به نص آیات شریفه قرآن در چندین مجلد)

۲- تنظیم معارف قرآنی با تبیین اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) درباره اعتقادات اصیل اسلامی.

۳- ترتیب منابع احکام شرعی و مسائل فقهی تحت عنوان «أساس الأدلة الشرعیة» (بیش از ده ها مجلد کتاب)

۴- مباحث اصول استنباطی با گرایش کاربردی در احکام شرعی.

۵- تحلیل مبانی دینی و محورهای دیگر.

شهرستان مذهبی قم همواره در طول تاریخ مرکز نشر علوم و معارف اسلامی بوده، و از این پایگاه توسط متولیان آن حفظ شده، و یکی از راه‌های نگهداری این میراث گران سنگ، تداوم این راه مقدس است. ایجاد فضاهای مناسب با هدف تعمیق بخشیدن به معارف دینی، یکی از ابزار مهم این هدف است. در این راستا، زمینی در سالیان گذشته در جوار حرم کربمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه (س)، منجاور پارکینگ حرم مطهر، خریداری شده و مقدمات تفکیک سند و مانند آن هم تحقق یافته است، و امید می‌رود مقدمات امور ساختمان آن نیز فراهم گردد. زمین مذکور جهت احداث موارد ذیل در نظر گرفته شده است:

یک: احداث «مسجد الرسول ﷺ» (با ویژگی‌هایی از آن جمله سوئیت‌های اعتکافی).

دو: تأسیس «حسینیه»، «زائر سرای دینی فرهنگی» (عام المنفعة).

سه: تأسیس مرکزی در راستای تحقیق علوم اسلامی (همراه با تمادهایی از مزایده ائمه اطهار علیهم السلام).

چهار: تأسیس مرکز بزرگ تحقیقی حوزوی با عنوان «فقه الکتاب والسنة».

پنج: ایجاد دارالتحقیق (برای استفادة محققین و پژوهشگران).

شش: ایجاد مجتمع فرهنگی (به مانند دانشگاه فقه و اجتهاد در جهت فقه تخصصی).

هفت: راه اندازی «کتابخانه» تخصصی و عمومی (جهت استفادة طبقات مختلف و همه گروه های پستی، بویژه جوانان).

هشت: راه اندازی واحد تشریحی در زمینه آثار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) برای تأمین بخش عمده ای از نیاز کنونی جهان اسلام.

نه: مرکزی پژوهشی برای پاسخگویی سوال های دینی و مراجعات مردمی بویژه جوانان.

ده: و اهداف دینی اجتماعی عام المنفعة (در صورت ایجاد زمینه مالی مانند درمانگاه) و ... که در اساسنامه و وقفنامه بیان شده است.

لازم به ذکر است که ارتقاء سطح علمی حوزه، و ایجاد واحدهای تحقیقاتی در علوم اسلامی، بویژه فقه، و بالابردن باور و اعتقاد دینی و فرهنگی جوانان، از جمله دلایل احداث این مجموعه ها می باشد. ان شاء الله تعالی مورد عنایت خاص حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قرار دارد.

پس انسان «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» و برای تحقق این اهداف بزرگ، دست های پر خیر و برکت افراد خیر و دلسوز به دین اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را به گرمی می فشاریم.

بدیهی است که شرکت در این برنامه ها، از تبرعات، تذورات، و حتی از وجوه شرعی به گونه ای صرف خواهد شد که هم ذمه صاحبان وجه بری می شود، و هم در کارهای ماندگار و باقی که باقیات الصالحات قرآنی است، به شمار می رود و دهندگان وجوه، به گونه ای عینی، شاهد پیشرفت و به ثمر رسیدن آن اهداف می گردند.

چه خوب است انسان از دارایی واجب خود، در راهی باقی و ماندگار به مصرف برساند که هم بری الذمه شود و هم امور دینی و وظایفی که انتم اظهار (علیهم السلام) به عهده انسان های نیک و صاحب احسان گذارده اند، عملی گردد.

حضرت امام رضا (ع) فرمودند که: از دعای ما غافل نباشید و تا قدرت دارید (با دادن وجوه خود) خود را از دعای ما محروم نسازید.

در پاسخ به سوال هایی که در ذهن عموم شیعیان و مسلمانان، بویژه جوانان عزیز، درباره مسائل دینی و اعتقادی، خصوصاً، در رابطه با نوع زندگانی و حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج) داشتند، کتاب حاضر، به زیور طبع آراسته گردید. در آینده نیز این روند ادامه خواهد یافت، و سوال های مطروحه، به شیوه استدلالی و نحو پاسخ داده شود. ان شاء الله.

### «حیات طیبه و بلدهی طیبه»

\* چنان چه انسان‌هایی که اسیر قفس تن هستند و از پرواز به ملکوت عالم محروم، به گونه‌ای با انسان‌های کامل پیوند برقرار کنند، به اندازه گستره وجود خویش، به مقام کرامت نزدیک شوند که هر انسانی، سرمایه رسیدن به آن مقام منبع را داراست که «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» که جرعه نوش از پیمانۀ عشق و جام سبوی کریمان باشند.

\* خلافت الهی انسان «إِنِّي جَاعِلُكَ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» در زمین، که در قرآن از آن به «حیات طیبه و بلده طیبه» یاد شده، در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی متجلی می‌شود. مدینه النبی (ﷺ) و کوفه، دیار حکومت الهی امام علی (علیه السلام)، دو نمونه از عینیت شهر آرمانی است.

\* وقوع انقلاب اسلامی و طرح نظریه ولایت فقیه و شکل‌گیری ساختارهای سیاسی و اجتماعی جدید در ایران اسلامی، زمینه به وجود آمدن آرمان شهری اسلامی را فراهم ساخته و لازم است با هدف عملیاتی کردن همان هدف مقدس و الهی، اجرا شود. \* مصداق اکمل شهر آرمانی، آرمان شهر حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) می‌باشد که تا زمان تحقق آن دیده گشاده‌ایم.